



معارف

سال سی و پنجم - شماره دوم، پیاپی ۳۲۵ (ویژه جامعه‌شناسی)
(تابستان ۱۴۰۵)

فصلنامه علمی در زمینه علوم انسانی

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مدیرمسئول: سیداحمد رهنمایی

سرمدیر: ابوالفضل ساجدی

دبیر گروه جامعه‌شناسی: محمد فولادی

مدیر اجرایی: روح‌الله فریس آبادی

ناظر چاپ: حمید خانی

صفحه‌آرا: مهدی دهقان

چاپ: زمزم

بر اساس مجوز شماره ۳/۶۷۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) این نشریه از شماره ۱۱۸ موفق به دریافت درجه «علمی ب» گردید.

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبای نام گروه)

حجت‌الاسلام دکتر سیداکبر حسینی (ادیان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر محسن خندان «الویری» (تاریخ) - دانشگاه باقرالعلوم - استاد

آیت‌الله استاد محمود رجبی (تفسیر و علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر محمد فولادی‌وندا (جامعه‌شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر عباسعلی کدخدایی (حقوق) - دانشگاه تهران - استاد

دکتر محمدکریم خداپناهی (روان‌شناسی) - دانشگاه شهید بهشتی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا کرمانی (عرفان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

حجت‌الاسلام دکتر عباسعلی شاملی (علوم تربیتی) - جامعه المصطفی العالمیه - دانشیار

دکتر محمد فنائی اشکوری (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر ابوالفضل ساجدی (کلام) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

مقالات این نشریه در sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir قابل دسترسی می‌باشد.

نشانی: قم - بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، طبقه چهارم - شماره ۳۳

ص. پ: ۳۷۱۶۵-۱۸۶ تلفن: (تحریریه) ۳۲۱۱۳۴۶۸ - (مشترکان) ۳۲۱۱۳۴۷۱ - دورنگار: ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

رایانامه: marifat@qabas.net

وبگاه: nashriyat.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۸۳۸۳

اهداف و چشم‌انداز

نقش حوزه‌های علمیه و عالمان و پژوهشگران حوزه دین در جنبش نرم‌افزاری و حرکت فکری و روند تمدن‌سازی نقشی سترگ است و طرح انظار متفکران اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی، ضرورتی انکارناپذیر در عصر حاضر است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، نقش و حضور عالمان و اندیشمندان حوزه‌ای در عرصه تحولات فرهنگی داخلی و خارجی پررنگ‌تر و محسوس‌تر شد. بی‌تردید استمرار و بقای این نظام مقدس نیازمند حضور علمی و عینی محققان و صاحب‌نظران معارف اسلامی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی و تمدنی است. انتشار مجله علمی «معرفت» در راستای ارتقای پژوهش و آموزش معارف اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است و زمینه‌سازی علمی و فرهنگی برای تحقق مدینه فاضله اسلامی و عینیت یافتن آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه بشری را تعقیب می‌کند.

اهداف

۱. تبیین و نشر معارف دینی در حوزه‌های علوم انسانی و ایجاد زمینه برای اسلامی‌سازی علوم؛
۲. صیانت و پاسداری از مبانی و آموزه‌های دینی؛
۳. ایجاد فضایی مناسب برای تضارب آراء و رشد علمی پژوهشگران حوزه و دانشگاه در زمینه علوم اسلامی و انسانی؛
۴. گسترش و تقویت ارتباط علمی میان حوزه و دانشگاه؛
۵. معرفی و نقد آثار، آراء و نظریات علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم انسانی و معارف دینی؛
۶. پاسخ‌گویی به شبهات در زمینه علوم و معارف اسلامی.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه: <http://nashriyat.ir> ارسال فرمایید. **اشتراک:** قیمت هر شماره مجله، ۳۲۰۰۰۰ تومان، و اشتراک ۴ شماره آن در یک سال، ۱۲۸۰۰۰۰ تومان است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جداً خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آن‌ها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ (بجز چاپ اول)، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره جلد، شماره صفحه).

ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از ۴ الی ۶ ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

در این شماره می خوانید

حکیمانه بودن اراده الهی / ۷

آیت الله علامه محمدتقی مصباح یزدی

ویژه جامعه شناسی.....

مناسک رسانه ای از منظر آموزه های اسلامی / ۱۵

سیدحسین شرف الدین

حق همسایه در رساله حقوق امام سجاد (ع) راهکاری برای تقویت همبستگی اجتماعی / ۲۹

کحوا معتمدی برآبادی / پروانه مهرجو

شیوه های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی با تأکید بر اندیشه های امام خامنه ای / ۴۳

محمدعلی محیطی اردکان / کحملیحه شیخی زاده بافقی

نقش الگویی حضرت زهرا (ع) در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی / ۵۷

خدیجه نظری

بررسی انسان شناختی پدیده علم کشی در هیئات مهاجرین افغانستانی / ۶۷

مرتضی محقق ورسی

عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و ارائه راهکارهای دینی مقابله با آن / ۷۹

کطاهره نوذری نیا / اسماعیل چراغی کوتیانی

رکن فراموش شده مسجد: نقش خادم مسجد در افزایش علاقه نوجوانان به نماز / ۹۳

زهرا فتاحی حسن آباد / کهمهدیه سادات حسینی / اعظم سلیمیان

The Wisdom of the Divine Will

Ayatollah Mohammad-Taqi Mesbah Yazdi

Abstract

One of the most frequently occurring terms in religious and Qur'anic discourse is the term ḥaqq (truth/right). This term has various usages in the Qur'an, including its opposition to bāṭil (falsehood), the definitive fulfillment of God's promise, correspondence with reality, and the wisdom inherent in God's actions. Based on rational and transmitted proofs, the principle of ḥaqq must be established by God the Exalted. If anyone, under any circumstances, deems a right legitimate, or establishes it, and acts upon it, such a right—however unconsciously—is reliant upon the Divine Will and upon the right that God holds over His servants. The directives of Imam al-Sajjad (peace be upon him) at the beginning of the *Risālat al-Ḥuqūq* (Treatise on Rights) clearly indicate this matter. Since the acceptance of this proposition may appear difficult, further elaboration in this regard is necessary, especially given that such issues—particularly in a detailed and independent manner—are rarely discussed. To fulfill this obligation, it is necessary to examine these issues and respond to the relevant doubts. This article provides a detailed examination of this subject and the doubts raised concerning it.

Keywords: Ḥaqq (truth/right), wisdom of the Divine Will, legislative guidance, usages of ḥaqq.

حکیمانه بودن اراده الهی*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی *

چکیده

یکی از واژگان پربسامد در مباحث دینی و قرآنی واژه «حق» است. این واژه در قرآن کاربردهای گوناگونی دارد. از جمله، مقابل باطل، عمل قطعی به وعده خداوند، مطابقت با واقع، حکیمانه بودن فعل خدا و... بر اساس دلایل عقلی و نقلی، اصل حق باید از طرف خدای متعال قرار داده شود و اگر کسی در هر شرایطی حقی را مشروع بداند یا آن را وضع، و بر اساس آن عمل کند، چنین حقی، هرچند ناخودآگاه، متکی به اراده الهی و متکی به حقی است که خداوند بر بندگانش دارد. رهنمودهای امام سجاد^{علیه السلام} در آغاز رساله حقوق به صراحت بر این مطلب دلالت داشت. از آنجاکه ممکن است پذیرش این مطلب دشوار به نظر برسد، ارائه توضیحات بیشتر در این زمینه لازم است، به‌ویژه آنکه این‌گونه مسائل، مخصوصاً به‌صورت تفصیلی و مستقل، کمتر مطرح می‌شود و برای ادای تکلیف باید با بررسی آنها، به شبهات مربوطه پاسخ داده شود. این مقاله به بررسی تفصیلی این موضوع و شبهات مطرح در آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حق، حکیمانه بودن اراده الهی، هدایت تشریعی، کاربردهای حق.

* این مقاله قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح یزدی^{علیه السلام} برای طلاب علوم دینی در دفتر مقام معظم رهبری در قم است.

انحصار حق در خداوند یا دیکتاتوری؟!

ممکن است این شبهه به ذهن برسد که اگر قرار دادن حق باید از سوی خداوند متعال یا با اذن او باشد، نوعی دیکتاتوری است! چگونه می‌توان صفت انحصار حق در خداوند متعال را پذیرفت، درحالی‌که لازمه‌ای باطل دارد و بیشتر موجب نفرت می‌شود؟! صورت علمی و فنی این شبهه از روزگار قدیم در بحث‌های کلامی به این صورت مطرح شده که آیا اراده خداوند گزافی است یا خیر؟ ناآشنایان با معارف اسلامی و کسانی که با لحن قرآن و محکمت و متشابهات آن بیگانه‌اند، با تلاوت آیاتی مثل «فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (فاطر: ۸؛ ر.ک. نحل: ۹۳؛ رعد: ۲۷)، «وَمَنْ يُضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (رعد: ۳۳؛ زمر: ۳۶ و ۳۷؛ غافر: ۳۳)، این سؤال به ذهنشان می‌رسد که اگر هدایت و ضلالت به دست خود خداوند است، پس انسان چکاره است؟ همچنین خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یونس: ۱۰۷؛ انعام: ۱۷)؛ و اگر خدا به تو زبانی برساند، آن را برطرف‌کننده‌ای جز او نیست و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردکننده‌ای نیست. آن را به هرکس از بندگان که بخواهد، می‌رساند و او آمرزنده مهربان است.

برخورد سطحی و عامیانه با این آیه‌ها، که در اثر ناآشنایی با معارف دینی رخ می‌دهد، مستلزم برداشتی نادرست می‌شود که از لحاظ اخلاقی نوعی دیکتاتورمآبی، و از لحاظ اعتقادی نوعی جبر به حساب می‌آید. همچنین هنگامی که همه چیز را تابع قضا و قدر الهی می‌دانیم، ممکن است به ذهن آید که اگر همه مقدرات را خداوند متعال تعیین می‌کند، پس چرا انسان بیهوده تلاش کند؟ اگر دشمن به کشور اسلامی حمله کند و همه چیز در دست تقدیر الهی است، هرچه قسمت است، همان می‌شود! (برای بحث تفصیلی درباره قضا و قدر و سرنوشت، ر.ک. مطهری، ۱۳۷۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، درس نوزدهم؛ نیز ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷-۲۱۷؛ ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸-۲۶؛ ۱۳۹۰ الف، ص ۱۰۹؛ ۱۳۹۰ ب، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۸). بدین سان نسبت به بسیاری از آیات اعتقاداتی که در دین ذکر شده است، برداشت‌های نادرستی مطرح می‌شود که گاهی ضررهای سنگین دارد.

باید توجه داشته باشیم که جامعه، به‌خصوص نسل جوان، به

آموزه‌هایی نیازمند است که این گونه مطالب اعتقادی را برایش تبیین کرده، در پی حل شبهاتش باشد. نباید به‌سادگی از این مسئله عبور کرد و باید آن را جدی گرفت. برنامه‌ریزان و مدیران آموزش و پرورش باید در نظر داشته باشند که مبدا درست، عکس این مطالب اتفاق بیفتد و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و فرهنگی به سمت‌وسویی برود که تضعیف ایمان و کم‌توجهی به معارف اسلامی را به دنبال داشته باشد. شبهه‌ای که مطرح شد، شاخه‌های مختلفی دارد. آنچه به بحث فعلی مربوط است آن است که چرا هر حقی باید به حقی که خدا وضع کرده، برگردد و چرا اگر حقی تعیین، یا قانونی وضع شود، باید به اذن خدا باشد؟ به‌راستی چگونه می‌توان این مدعا را به‌صورت قابل فهم، دلپذیر و قابل قبول اثبات و تبیین کرد؟

پاسخ شبهه

کاربردهای واژه «حق» در قرآن

ابتدا باید با بررسی کاربردهای واژه «حق» در قرآن، معنای آن را روشن ساخت. شاید در هیچ زبانی مانند زبان عربی، مشترکات لفظی و چیزهایی که در حکم مشترک لفظی است، وجود نداشته باشد. در زبان فارسی هم مشترک لفظی وجود دارد؛ برای مثال لفظ «شیر» به‌صورت مشترک لفظی، در معانی شیر آب، شیر حیوانات پستاندار و شیر درنده به کار می‌رود. هنگامی که مشترک لفظی به کار می‌رود، باید با توجه به قرائن، معنای مورد نظر را تشخیص داد.

با توجه به این نکته، واژه حق در قرآن کریم کاربردهای گوناگون دارد؛ برای نمونه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (لقمان: ۳۳؛ فاطر: ۵)؛ همانا وعده خدا حق است. زنده‌ای تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد و زنده‌ای تا [شیطان] فریبده، شما را درباره خدا نفریبد. حق در این آیه به معنای اصطلاحی حقوقی‌اش نیست؛ بلکه با توجه به آیه، بدین معناست که حتماً به وعده خداوند متعال عمل خواهد شد. بر اساس معنایی دیگر، اگر این واژه درباره کتاب خدا به کار رود یا ادعایی حق دانسته شود، به معنای مطابقت با واقع و راست بودن آنهاست.

گاهی نیز حق در مقابل باطل، لهو و عبث به کار رفته و به معنای حکیمانه بودن کاری است. این معنا برای اراده الهی به کار می‌رود؛

توضیح آنکه وقتی اراده خدا حق دانسته می‌شود، به این معناست که اراده الهی گراف و بدون دلیل و حکمت نیست. اگر کسی که در خیابانی در حال حرکت باشد، به دو راهی برسد و نداند از کدام طرف برود و به صورت اتفاقی یکی از دو راه را برگزیند، اراده اش گزافی است. در اینجا هرچند با اراده، یکی از دو راه انتخاب شده، اما این انتخاب از روی آگاهی کامل نبوده است. در مقابل اراده گزافی، اراده عقلانی و حکیمانه قرار دارد.

حق به معنای مقابل باطل، لهو و عبث

برای پاسخ به شبهه‌ای که ابتدای این گفتار مطرح شد، با توجه به کاربرد «حق» در مقابل باطل، لهو و عبث، می‌توان این‌گونه گفت که هرچند همه چیز تابع اراده خداست، اما اراده او گزافی نیست. آن قدر کارهای خدا دقیق، منظم و حساب شده است که هیچ بشری به تنهایی نمی‌تواند حکمت‌های یکی از کارهای خدا را تا آخر کشف کند؛ مگر اینکه خود خدا به او الهام کند. حضرت موسی علیه السلام از پیامبران الهی است که تا زمانی که به پیامبری مبعوث شد، در خانه فرعون و در آغوش همسر او پرورش یافت. حضرت عیسی علیه السلام نیز از پیغمبران الهی است که در گهواره گفت: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰)؛ منم بنده خدا. به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. آن قدر رموز و حکمت‌های پیچیده در کار است که هیچ مخلوقی با حساب عادی نمی‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند. ذهن و معلومات انسان توانایی درک همه اسرار مرتبط با کارهای خداوند را ندارد. در کارهای خداوند همه ظرافت‌ها لحاظ شده است و هیچ جهت خیر یا شری نیست که در کاری باشد و خدا از آن غافل باشد: «لَا يَغْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْنَعُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبُرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (سبأ: ۳)؛ [همان] دانای نهان [ها] که هموزن ذره‌ای، نه در آسمان‌ها و نه در زمین، از وی پوشیده نیست، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن است؛ مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است.

بر این اساس یکی از معانی حق بودن کار خدا، حکیمانه بودن آن است؛ یعنی کار مورد نظر می‌بایست به همین صورت انجام شود؛ وگرنه ناقص و سراسر عیب می‌بود. خداوند هرکدام از عوالم و ارتباطات آنها را به گونه‌ای قرار داده است که هر چیزی در هرجای

عالم به بهترین صورت ممکن تأثیر داشته باشد. اصطلاح «نظام احسن» به این معناست که اولاً عالم، نظامی پیوسته و به هم مرتبط دارد و ثانیاً امکان ندارد نظامی بهتر از نظام حاکم بر جهان موجود آفریده شود. هرچند در این جهان، حسن و قبح‌های نسبی وجود دارد، اما مجموع موجودات و ارتباطاتی که میان آنها برقرار است، بهترین شکل خلقت است. اگر جهانی بهتر امکان آفرینش داشت، خداوند متعال عالم و قادر مطلق، بخیل نبود و بهتر از آن را می‌آفرید: «أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷)؛ همان کسی که هر چیزی را که آفریده، نیکو آفریده است.

قرآن کریم در چند آیه با تعبیرهای گوناگون تأکید می‌کند که خداوند، جهان را برای هدف حکیمانه‌ای آفریده است؛ برای نمونه در آیه‌ای، آفرینش آسمان‌ها و زمین را به حق می‌داند؛ یعنی چنین آفرینشی هدف حکیمانه دارد: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (انعام: ۷۳)؛ ابراهیم: ۱۹؛ نحل: ۳؛ زمر: ۵؛ تغابن: ۳)؛ آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. حق در این کاربرد، در برابر سه واژه «باطل»، «لهو» و «عبث» قرار دارد؛ چنان که خداوند متعال در آیاتی می‌فرماید:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵)؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟

«لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء: ۱۷)؛ اگر می‌خواستیم بازیچه‌ای بگیریم، قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم.

بر اساس تأکید قرآن کریم، جهان اتفاقی، تصادفی و بی‌هدف آفریده نشده است. این‌گونه نیست که تنها منکران خدا بپندارند آفرینش جهان اتفاقی و از روی تصادف بوده است؛ بلکه بعضی از بنی اسرائیل، که خدا بیشترین پیغمبرانش را برایشان فرستاد و بهترین نعمت‌ها را به آنها داد، پس از نافرمانی‌شان گفتند: درست است که خداوند انسان را خلق کرد، اما وقتی دید انسان این قدر نافرمانی می‌کند، از کار خودش پشیمان شد: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص: ۲۷)؛ و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است، به باطل نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده]‌اند. پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند.

دعوت به اندیشیدن درباره حق و حکیمانه بودن آفرینش

انسان باید به این نکته پی ببرد که آفرینش الهی، بی‌هدف و سرسری نیست؛ بلکه حکیمانه است. گاهی خداوند با اشاره به مصادیق جزئی و ویژه، متناسب با آنها از مخاطبان می‌خواهد در این باره فکر کنند؛ برای نمونه می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه: ۱۷)؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ در این آیه، خداوند متعال از عرب‌ها، که با شتر سروکار دارند، می‌خواهد درباره حکمت‌های به‌کاررفته در آفرینش این حیوان فکر کنند.

همچنین در آیاتی دیگر می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (ملک: ۳-۴)؛ همان که هفت آسمان را طبقه‌طبقه بیافرید. در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ‌گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. باز بنگر آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به‌سوی بازگردد.

خداوند در این آیات انسان را دعوت می‌کند که خوب چشم‌هایش را باز کند، با بصیرت به جهان بنگرد و ببیند تا آنجا که برایش قابل مشاهده است آیا می‌تواند جایی را ببیند که کاری می‌بایست صورت می‌پذیرفت و انجام نگرفته است؟! اگر انسان درست نگاه کند، چشم‌هایش خسته می‌شود، اما به هیچ جا که چنین مشکلی در آن باشد، نخواهد رسید.

انسان؛ شاهکار حق در آفرینش

اگر خداوند انسان را میان موجودات نیافریده بود، باز جای «کاستی» بود؛ یعنی چیزی که جا داشت در این جهان پیدا شود، هنوز پیدا نشده بود و خدا از این عالم چیزی کم گذاشته بود. هنگامی که زمین آماده پرورش و تکامل انسان بر روی آن شد، خداوند فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

یکی از جلوه‌های حق بودن آفرینش آن است که میان همه موجودات، موجودی را آفرید که نسبت به دیگران برتری دارد و فرمود: «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمن: ۱۴)؛ آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

ویژگی انسان میان دیگر مخلوقات، حتی فرشتگان، آن است که می‌تواند سرنوشت خودش را تعیین کند و به اصطلاح، در نقطه‌ای از محور «y»‌ها قرار گرفته است که هم می‌تواند به‌سوی مثبت بی‌نهایت بالا برود و هم می‌تواند به منهای بی‌نهایت تنزل یابد. میان افراد این موجود که به لحاظ مادی به یک شیوه آفریده شده‌اند، کسانی وجود دارند که شیطان نزد آنها باید شاگردی کند و در مقابل، کسانی هستند که فرشتگان به آنها می‌گویند: «لَوْ دَتَوْتُ أَنْمَلَةً لَأَخْتَرَقْتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۸۲. این سخن جبرئیل به پیامبر گرامی اسلام ﷺ در شب معراج است).

انسان‌ها در جهات ظاهری شبیه یکدیگرند؛ اما در پیامبر الهی قدرتی وجود دارد که می‌تواند اوج بگیرد و در مقابل، کسانی مانند شمر آن قدر تنزل بیابند که از هر حیوانی پست‌تر شوند. گاهی انسانی در نیمه‌ای از عمر خود آن قدر اوج می‌گیرد که به عرش الهی نزدیک می‌شود و با کارهای اختیاری خود آن چنان تنزل می‌کند که به اسفل السافلین می‌پیوندد: «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان: ۴۴)؛ آنان جز مانند ستوران نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند.

به‌راستی انسان معجزه آفرینش است؛ درست است که با سقوطش عذاب می‌کشد و با سرایت عذابش به دیگران، آنها را هم اذیت می‌کند، اما اگر چنین ظرفیت‌هایی در کار نبود، لیاقت اوج گرفتن را هم نمی‌یافت. ارزش اوج گرفتن انسان به این است که انسان با انجام کارهای اختیاری به آن دست می‌یابد. اگر مسیر اوج گرفتن - همانند سیر فرشتگان - یک‌طرفه بود، چنین ارزشی پیدا نمی‌کرد؛ زیرا در پیمودن مسیر یک‌طرفه، امکان انتخاب مسیری دیگر وجود ندارد و همگان تنها می‌توانستند همان راه یک‌طرفه را بپیمایند. درعین حال خداوند موجودی را آفریده است که هم می‌تواند به‌سوی بی‌نهایت مثبت پیش برود و هم می‌تواند به بی‌نهایت منفی سقوط کند. اگر انسان آفریده نمی‌شد یا اگر انسان چنین ویژگی‌ای را نمی‌داشت، جهان هستی کمبود و کاستی داشت و دیگر، نظام احسن نبود.

اگر جهان پُر از فرشتگان معصوم بود، هرچند هیچ نافرمانی‌ای در عالم واقع نمی‌شد، اما کسی نمی‌توانست تکامل و اوج اختیاری هم پیدا کند؛ نه پیامبری به معراج می‌رفت و نه اساساً کسی همانند معصومان ﷺ لیاقت رحمت‌های ویژه الهی را پیدا می‌کرد. ارزش یک کار شایسته، وابسته به آن است که بتوان در جهت ضد آن هم

شمال آفریقا روبه‌رو شدم که عاجزانه التماس دعا داشتند تا بتوانند فرزندان‌شان را به قم بفرستند تا درس دینی بخوانند. در آنجا امکانات و زمینه برای فراگیری دروس دینی فراهم نیست و فرهنگ فاسد غربی رواج دارد. به‌راستی باید قدر مدارس دینی خود را بدانیم.

ضرورت هدایت تشریعی الهی و نظام فکری «حق»

برای فراهم شدن لوازم انتخاب آگاهانه انسان به‌منظور دستیابی او به کمال اختیاری، افزون بر ربوبیت تکوینی، ربوبیت تشریعی هم لازم است. متعلق ربوبیت تشریعی، کارهای اختیاری انسان است؛ توضیح آنکه خداوند متعال بر اساس ربوبیت تکوین، یکی را مرد و دیگری را زن قرار داده و برای رشد هرکدام از آنها مراحل را در نظر گرفته است. افزون بر این، اموری مانند اینکه «انسان چه چیز یاد بگیرد»، «حق و باطل را بشناسد و بتواند بر اساس آن عمل کند» و «شرایط بیرونی چگونه باشد»، به ربوبیت تشریعی الهی برمی‌گردد.

در قرآن کریم، آنجا که صحبت از آفرینش است، بیانگر ربوبیت تکوینی، و آنجا که صحبت از هدایت است، بیانگر ربوبیت تشریعی الهی است؛ برای نمونه قرآن کریم با اشاره به نعمت‌های الهی می‌فرماید: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى * الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی: ۳-۱)؛ نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای. همان که آفرید و هماهنگی بخشید. و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود. همچنین هنگامی که فرعون از موسی و هارون درباره خدایشان پرسید، حضرت موسی علیه السلام در مقام پاسخ فرمود: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)؛ پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.

بنابراین خداوند افزون بر تأمین امور تکوینی انسان، ابزار هدایت او را نیز فراهم کرده است. یکی از الطاف و رحمت‌های ویژه الهی نسبت به انسان، فرستادن پیامبران برایشان است. حیوانات و فرشتگان، هدایت تشریعی ندارند و هرچه نیاز دارند، از سوی خداوند متعال به‌صورت تکوینی به آنها داده شده است. این انسان است که به مدیریت ویژه و نظامی فکری نیاز دارد تا راه‌ها و لوازم انتخاب هر راه برایش روشن شود. البته نظام‌های فکری که دربردارنده دستوراتی برای پیمودن مسیرند هم به دو دسته حق و باطل تقسیم‌پذیرند. «حق» در اینجا به‌معنای دیگری غیر از معنای اصل حق (هدف

حرکت کرد؛ اما با انتخاب همان کار شایسته، در انجام دادش تا پای فدا کردن جان، ثابت قدم ماند. رحمتی که خداوند برای چنین موجودی مقدر فرموده، رحمتی ویژه است که هیچ مخلوق دیگری لیاقت دریافت آن را ندارد؛ بلکه اصلاً نمی‌تواند آن را درک کند؛ مانند کسی که بویایی خود را از دست داده است و بوی خوب و بد را درک نمی‌کند. موجودی می‌تواند این رحمت را درک کند که بتواند این دو راه متقابل را با انتخاب خودش ببیماید.

لوازم انتخاب آگاهانه و درست

برای اینکه انسان بتواند به هدف خودش برسد و راه صحیح را آگاهانه و با اراده خودش انتخاب کند، ابتدا باید بفهمد که هدف از پیمودن مسیر مورد نظر چیست و اگر آن مسیر را انتخاب کند، به کجا خواهد رسید. اگر به این آگاهی دست نیابد و پیمودن مسیر را آغاز کند، کار کورکورانه‌ای انجام داده است و ارزشی ندارد.

افزون بر شناخت هدف، انسان باید راهی که او را به هدف مورد نظر می‌رساند نیز بشناسد. در مرحله بعد باید برای پیمودن راه انتخابی، انگیزه خیر داشته باشد و نسبت به حوادث عالم بی‌تفاوت نباشد. به فرموده خداوند متعال درباره برخی انسان‌ها، هنگامی که پیامبرانی از سوی خدا برای هدایت مردم فرستاده شد، مردم نسبت به آنها بی‌اعتنایی کردند و سرانجام در عذاب گرفتار شدند: «ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضُّرُّ وَالْغُرُوءُ فَآخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ» (اعراف: ۹۵)؛ آنگاه به جای بدی (بالا، نیکی (نعمت) قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است. پس در حالی که بی‌خبر بودند، بناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم.

برای اینکه انسان راه کمال را انتخاب کند، باید انگیزه فطری و درونی به‌سوی کمال داشته باشد و بخواهد کامل‌تر شود. خداوند انگیزه‌ای در درون انسان قرار داده است که او را به طرف پیشرفت، خیر و کمال می‌کشاند. افزون بر شناخت هدف و راه و داشتن انگیزه، باید در خارج نیز وسایلی فراهم شود تا انسان بتواند بر اساس شناخت خویش از هدف و راه، با انگیزه‌ای کافی کار مورد نظرش را انجام دهد. بسیاری از انسان‌ها دوست دارند عالم، مجتهد، فیلسوف یا... شوند؛ اما زمینه برایشان فراهم نیست. در سفری به بروکسل، با مسلمانانی از

منابع.....

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *آموزش عقاید*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). *خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰الف). *انسان‌شناسی در قرآن*. تنظیم و تدوین محمود فتحعلی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ب). *ره‌نوشه*. تحقیق و نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *معارف قرآن ۷ (اخلاق در قرآن)*. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. چ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *انسان و سرنوشت*. تهران: صدرا.

داشتن) کاربرد دارد. منظور از نظام فکری حق آن است که واقعاً انسان را به آنچه کمال و سعادتش هست، راهنمایی می‌کند و در آن خطا و اشتباهی نیست: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند.

هدایت تشریعی خداوند در قالب حقوق الهی و همراهی حق و تکلیف

حقوقی که خداوند برای انسان قرار داده، در زمره هدایت‌های تشریعی خداوند است. حق همواره با نوعی تکلیف همراه است و به اصطلاح، رابطه تضایف دارند. تضایف حق و تکلیف دارای دو معناست:

معنای اول: هر جا حقی برای کسی وجود دارد، تکلیفی برای دیگران وجود دارد. اگر چیزی حق من باشد، دیگران مکلف‌اند این حق را رعایت کنند، به حق من تجاوز نکرده، مانعی برای آن ایجاد نکنند.

معنای دوم: حق و تکلیف، هر دو مربوط به یک نفر است؛ توضیح آنکه خداوند در کنار حقوقی که برای برخی تعیین می‌کند، تکالیفی نیز برای همان افراد مشخص می‌نماید؛ به عبارت دیگر هر جا خداوند حقی را برای کسی تعیین می‌کند، همراه آن تکلیفی را هم بر عهده او می‌گذارد. همراهی حق و تکلیف برای هر انسانی یکی از ویژگی‌های نظام احسن در تشریع است که بحثی مفصل می‌طلبد. از این‌رو بحث را در گفتار بعدی پی می‌گیریم.

Media Rituals from the Perspective of Islamic Teachings

Sayyid Husayn Sharaf al-Din  / Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Received: 2025/08/26 - Accepted: 2025/11/03

sharaf@iki.ac.ir

Abstract

The ritual, behavioral, and performative dimension of religion is termed *manāsik* (rites/rituals). Rituals represent the objective embodiment and symbolic manifestation of beliefs, values, attitudes, and devotional orientations in the guise of concrete behaviors. In other words, rituals constitute a part of the practical wisdom of religion, which, as a rule, is founded upon theoretical wisdom and metaphysical foundations and assumptions. Through the performance of rituals, believers express the degree of their doctrinal and faith-based commitment, thereby providing the ground for the continuous acquisition of devotional experiences. Among the functions of mass media, particularly religious media or media active in the sphere of religious media, are the propagation, promotion, interpretation, representation, reformation, and modification of religious rituals—both primary and secondary—and, in some cases, the creation of new rituals commensurate with the needs and exigencies of the public sphere. Adopting a normative approach, this article aims to codify and prescribe the requirements and preferences of the national media in its engagement with religious rituals, with reference to general criteria derived from religious texts. Its method consists of content analysis of transmitted and prescriptive propositions, and the derivation of their explicit and implicit implications.

Keywords: Media, religion, rituals, symbols/sacraments, action, sacred.

نوع مقاله: مروری

مناسک رسانه‌ای از منظر آموزه‌های اسلامی

sharaf@iki.ac.ir

سیدحسین شرف‌الدین  / استاد گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

چکیده

بخش آیینی، رفتاری و نمایی دین را مناسک می‌گویند. مناسک تبلور عینی و جلوه نمودن بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های مؤمنانه در کسوت رفتارهای عینی است. به بیان دیگر، مناسک، بخشی از حکمت عملی دین است که علی‌القاعده بر حکمت نظری و مبانی و مفروضات متافیزیکی مبتنی است. مؤمنان با ادای مناسک، میزان تعهدمندی اعتقادی و ایمانی خود را ابراز کرده و بدین وسیله، زمینه را برای کسب تجربه‌های مؤمنانه به صورت پیاپی فراهم می‌آورند. از جمله کارکردهای رسانه‌های جمعی، به‌ویژه رسانه‌های دینی یا رسانه‌های فعال در عرصه دین رسانه‌ای، تبلیغ، ترویج، تفسیر، بازنمایی، اصلاح و تغییر مناسک دینی اعم از اولی و ثانوی و در مواردی خلق مناسک جدید متناسب با نیازها و اقتضائات در فضای عمومی است. این نوشتار درصدد است تا با رویکردی هنجاری، الزامات و ترجیحات رسانه ملی در نحوه مواجهه با مناسک دینی را با مرجعیت معیارهای عام برگرفته از متون دینی، تدوین و تشریح کند. روش آن، تحلیل محتوای گزاره‌های اخباری و تجویزی گردآمده و استنباط دلالت‌های تصریحی و تلویحی آنهاست.

کلیدواژه‌ها: رسانه، دین، مناسک، شعائر، کنش، مقدس.

مقدمه

رسانه ملی هم به‌عنوان یک رسانهٔ جمعی و هم به‌عنوان یک رسانه وابسته به حاکمیت دینی و دارای رسالت و مأموریت ویژه در عرصهٔ تبلیغ دین و فرهنگ دینی و ترویج سبک زندگی مؤمنانه، و نیز صیانت و مراقبت از این فرهنگ و پیرایه‌زدایی از آن با موضوع مناسک به‌عنوان جلوه‌های آشکار و نموده‌های رفتاری مؤمنانه عمیقاً درگیر است. دینداری و دین‌ورزی به‌عنوان یک نظام جامع اعتقادی، ارزشی و رفتاری به‌هم‌پیوسته (متضمن مجموعه‌ای از دانش‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها، خلیات و نمادها) به صورت معمول در دو خرده‌نظام رفتاری مناسکی (عبادی اعم از تعبدی و توصیلی؛ نیازمند قصد تقرب و غیرنیازمند به قصد تقرب) و غیرمناسکی (انجام صالحات و معروف‌ها و اجتناب از محرّمات و منکرات به اقتضای احکام شریعت؛ یعنی اعمال دارای حسن فعلی که در صورت حسن فاعلی، ارزش عبادی می‌یابد) تبلور عینی دارد. ازجمله شاخص‌های بارز برای ارزیابی درجهٔ ایمانی و نصاب اعتقادی مؤمنان در مقیاس فردی و جامعهٔ مؤمنان در مقیاس جمعی میزان التزام و پایبندی عملی آنها به انجام مناسک دینی، به‌ویژه مناسک عبادی الزامی و ترجیحی است. سنجه‌های به‌کار گرفته‌شده برای ارزیابی وضعیت دینداری جامعه در مطالعات میدانی نیز عمدتاً، ناظر به نحوه تعامل مؤمنان با مناسک شناخته شده، تنظیم و تدوین شده است. از دید برخی جامعه‌شناسان دین، برای مطالعه سبک زندگی مؤمنانه، بارزترین مؤلفه‌ای که سایر مؤلفه‌ها را می‌توان از رهگذر آن دریافت، میزان پایبندی افراد به رعایت مناسک و نمادهای دینی به‌عنوان آشکارترین جلوه‌ها و مظاهر زیست جهان مؤمنانه است. طبق مطالعات، غالب افراد نیز دینداری و عدم دینداری خود را به میزان موفقیت در انجام مناسک، به‌ویژه مناسک شاخص و هویت‌بخش منوط دانسته‌اند. قرآن کریم نیز در آیات متعدد ایمان و عمل صالح (ازجمله انجام مناسک) را توأمان شاخص دینداری شمرده است.

البته روشن است که رفتارهای مناسکی و شبه‌مناسکی رایج در هر جامعه، منحصر به رفتارهای دینی نیست. برای نمونه در جامعهٔ اسلامی ایران انواعی از مناسک وجود دارد که هرچند در فرم و محتوا از فرهنگ دینی غالب متأثر بوده‌اند، اما اصالتاً دینی شمرده نمی‌شوند. برای مثال، مراسم نوروز، چهارشنبه‌سوری، سیزده بدر و شب یلدا (به‌عنوان مناسک ملی)؛ مراسم رایج در مناسبت‌هایی مثل

عقد و عروسی، عزاداری و سوگ، ولیمه‌دهی، برداشت محصول (به‌عنوان مناسک عرفی و محلی)؛ مراسمی مثل روز زن، روز پدر، روز جوان، روز پرستار (به‌عنوان مناسک عرفی ملی)؛ مراسم سالانه در نکوداشت وقایع مربوط به انقلاب اسلامی مثل دههٔ فجر، راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، الله‌اکبرگویی در پشت بام در شب ۲۲ بهمن، هفتهٔ وحدت (به‌عنوان مناسک انقلابی)؛ مراسمی مثل گل‌ریزان (کمک برای آزادسازی زندانیان غیرعمد)، جشن عاطفه‌ها، اطعام ایتام در ماه مبارک، کمک به مصیبت‌دیدگان از سیل و زلزله (به‌عنوان مناسک نوع دوستانه)؛ مراسمی مثل نمازهای جمعه و جماعات، حج و عمره، اعتکاف، روزهٔ ماه مبارک، تلاوت قرآن (به‌عنوان مناسک دینی اولی)؛ مراسمی مثل روضه‌خوانی در ایام خاص، نیایش‌های جمعی (مثل شب‌های قدر، شب جمعه، صبح جمعه و...)، راهپیمایی اربعین، دیدار با سادات در روز غدیر (به‌عنوان مناسک دینی ثانوی)؛ مراسمی مثل نخل‌گردانی (در یزد)، طشت‌گذاری (در اردبیل)، طوق‌گردانی (در ایبانه)، قالی‌شویی (در مشهد اردیبهشت) (به‌عنوان مناسک دینی ثانوی محلی) و

گفتنی است که دین و فرهنگ دینی، اگرچه در تشریع و ترویج مناسک دینی و شبه‌دینی نقش محوری و منحصربه‌فرد دارد، اما وقوع هر رخداد به‌یادماندنی و خاطره‌انگیز می‌تواند زمینه‌ساز خلق مناسکی متناسب شود. حتی وقوع برخی رویدادهای طبیعی غیرمنتظره مثل سیل و زلزله یا پدیده‌های انسانی، مثل جنگ و کرونا زمینهٔ خلق و ترویج یک‌سری مناسک را دست‌کم به صورت موقت و گذرا فراهم ساخت. مناسک ضددینی (ضد اسلامی) نیز در برخی فرهنگ‌های موجود وجود دارد، مراسمی که هیچ توجیه عرفی، عقلی، دینی و ضرورت کارکردی، در شرایط کنونی برای آن به نظر نمی‌رسد. برای نمونه مراسم ولتائین (در برخی کشورهای غربی)، جنگ خروس‌ها (در جزایر بالی اندونزی)، رژه دلک‌ها در مکزیک، جنگ گوجه در ایتالیا و برخی کارناوال‌های سالانه در کشورهای مختلف و

نکتهٔ دیگر، برخی دیدگاه‌های انتقادی از تقلیل دین به مناسک شدیداً برحذر می‌دارند، این توصیه اگرچه اجمالاً درست و به‌جاست، ولی نباید بی‌توجهی به مناسک و کارکردهای دینی و فرهنگی آنها را نتیجه دهد. مناسک به‌عنوان صورت و ظاهر دین و جلوه آشکار دینداری، بالقوه نقش مهم و از جهاتی منحصربه‌فرد در نمایاندن

روشن است که آثار موجود به‌رغم قرابت اجمالی با موضوع و هدف نوشتار حاضر، برخی با وجه رسانه‌ای و برخی با منظر اسلامی آن فاصله دارند.

۱. مفاهیم

دو واژه کلیدی مناسک و شعائر به دلیل نقش کانونی در موضوع نوشتار و بسامد بالا برای توضیح‌گزینش شده‌اند. لازم به ذکر است که واژه شعائر با توضیحی که خواهد آمد، هم به دلیل قرابت مفهومی و مصداقی با واژه مناسک و هم به دلیل قابلیت بالای آن برای پذیرش سیاست‌های رسانه‌ای و اهداف فرهنگی - اجتماعی آن در تبلیغ نمادهای دینی به‌عنوان بخشی از موضوع انتخاب شده است.

۱-۱. مناسک

«مناسک» (Ritual) به صورت تاریخی عمدتاً به کیش و آیین خاصی ارجاع دارند و شامل طرز تلقی‌ها، حرکات و اعمالی می‌شوند که یا در جهت هماهنگ شدن و یا تماس گرفتن با نیروهای طبیعی و موجودات نامرئی و یا به منظور آرام و رام ساختن آنان پدید آمده‌اند (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۳۲۶).

دورکیم (جامعه‌شناس شهیر فرانسوی)، با عطف توجه به مناسک جمعی و مشترک (در مقابل مناسک فردی و منفرد) در تعریف مناسک دینی می‌نویسد: مناسک، مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۷۸) و در تبیین کارکردی آنها می‌نویسد: در طی مناسک مذهبی است که جامعه خود را در فرد بازتولید می‌کند و هنجارهای اخلاقی که خاستگاهی اجتماعی دارند، در فرد با قدرتی فزاینده درونی می‌شوند. به عبارت دیگر، وجدان اخلاقی و وجدان جمعی در طی مناسک جمعی در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. افراد طی همین تشریفات مناسکی با هم پیوند پیدا می‌کنند، به هم نزدیک می‌شوند و ارتباط و صمیمیت‌شان با یکدیگر بیشتر می‌شود. در کل، محتوای آگاهی جمعی افراد از رهگذر حضور در مناسک ساخته می‌شود، یا تغییر می‌کند. افراد در طی مناسک از حیات فردگرایانه روزمره، به جهان حیات جمعی و وجدان جمعی و آگاهی جمعی پیوندی مجدد پیدا می‌کنند و موقعیت و وظیفه‌شان نسبت به جامعه را در خود بازتولید و تقویت می‌کنند. لذا مناسک، عملاً همبستگی اجتماعی و اقتدار اخلاقی ملزم با آن را تداوم می‌بخشد و

چهره باطنی و سطوح و ساحت‌های بنیادین دین، مثل جهان‌بینی و ارزش‌ها را در کسوت رفتارهای عینی دارد.

البته نیازی به ذکر نیست که رسانه ملی در سال‌های بعد از انقلاب، نقش برجسته و از جهاتی انحصاری در فرایند مناسک‌سازی تقویت، تغییر، اصلاح و جایگزینی برخی مناسک دینی و شبه‌دینی و بازنمایی جهت‌دار برخی مناسک جاری در فضای عمومی داشته است. برخی از موارد فوق به ابتکار رسانه ملی تأسیس و ترویج شده است. این نوشتار درصدد است تا برخی از قواعد بایسته و الزامات هنجاری رسانه ملی در نحوه تعامل با مناسک، به‌ویژه مناسک دینی و شبه‌دینی را با الهام از منابع دینی استنباط و ارائه کند.

منابع پژوهشی و تألیفی در این خصوص را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو بخش مناسک دینی به طور عام و مناسک دینی به طور خاص (مناسک رسانه‌ای یا نقش رسانه در مناسک) تقسیم کرد. اهم آثار شناخته‌شده که با موضوع و هدف این نوشتار قرابت بیشتری دارند، از این قرارند:

الف) مناسک دینی به طور عام

مقاله‌های «بررسی روش‌های تربیت غیرمستقیم مناسک دینی از منظر روایات معصومین (ع)» (مرتضوی و زارعی، ۱۴۰۱)؛ «ماهیت شعائر دینی - سیاسی و فلسفه بزرگداشت آن» (علی‌نیا خطیر، ۱۳۹۰)؛ «حاکم اسلامی و اقامه شعائر دینی» (علی‌نیا خطیر، ۱۳۹۰)؛ «رویکرد علمای شیعه به شعائر و آداب عامه‌پسند» (کاظمی موسوی، ۱۳۸۱)؛ «مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد آنها)» (شامحمدی و پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۴) و کتاب مناسک و آیین‌های شیعی در هند (رحمانی، ۱۳۹۱).

ب) مناسک دینی به طور خاص

مقاله‌های «رسانه و دین: بررسی آثار و کارکردهای نمایش مناسک دینی در رسانه‌ها» (ماهر و سادات‌کشاورز، ۱۳۹۶)؛ «مناسک‌سازی دینی در رسانه» (خجسته، ۱۳۸۷)؛ «مناسک رسانه‌ای الگوی تبلیغاتی دین در شبکه‌های عمومی رادیو و تلویزیون» (خجسته، ۱۳۸۲) و کتاب‌های بررسی نسبت رسانه و دین (مطالعه موردی مناسک رسانه‌ای) (خجسته و کلاتری، ۱۳۸۶)؛ تعامل دین و رسانه (راوداد، ۱۳۸۶)؛ دین تلویزیون (معمدی، ۱۴۰۱).

الف. گونه‌شناسی مناسک

مناسک به اعتبارات مختلف تقسیم شده‌اند: دینی و غیردینی، عبادی و غیرعبادی، فردی و جمعی، ثابت و متغیر، شادی و سوگ، ملی و محلی. نظر به اهمیت دسته‌بندی مناسک دینی به اولی و ثانوی و نتایجی که در بحث از مناسک رسانه‌ای بر آن مترتب است، به توضیح مستقل آن بسنده می‌شود.

مناسک دینی (اسلامی) در یک دسته‌بندی کلی به دو نوع اولی و ثانوی (یا الزامی و غیرالزامی) تقسیم می‌شوند: مناسک اولی، مثل نماز و حج و مناسک ثانوی مثل عزاداری ایام محرم و عیادت سادات در روز غدیر. در ادامه این بخش به بیان تمایزات این دو نوع می‌پردازیم.

ب. وجوه تمایز مناسک اولی از ثانوی

۱) مناسک اولی، از مخترعات شرع و مناسک ثانوی، از مخترعات مؤمنان و عرف متشرع هرچند با الهام از دین شمرده می‌شوند؛ ۲) مناسک اولی دارای شکل و فرم اجرایی مشخص و تغییرناپذیرند و مؤمنان باید به صورت تعبدی آنها را طبق ضوابط شرعی به جای آورند، اما مناسک ثانوی، اصالتاً فاقد شکل و فرم اجرایی متصلب و تغییرناپذیرند؛ ۳) مناسک اولی، عمری به درازی حیات دین و شریعت منبع دارند و مناسک ثانوی، اموری تاریخی و متن‌محورند که در ادوار بعد و در جوامع دینی تحت تأثیر نیازها، ضرورت‌ها و به اقتضای تجربه‌های زیسته و خلاقیت‌های متشرعانه زمینه طرح‌یافته‌اند؛ ۴) صورت و محتوای مناسک اولی، اصالت دارد و به همین دلیل، در طول تاریخ همواره توسط فقه اسلامی و پاسداران شریعت با ارجاع به قواعد و معیارهای درون‌متنی حفاظت شده است، اما صورت و محتوای مناسک ثانوی، طریقت دارد و اگرچه مؤمنان و متولیان فرهنگی جامعه در تثبیت و تحکیم آنها و انتقال بیناسلی آنها اصرار دارند، اما برای تغییر و تبدیل تدریجی آنها نیز انعطاف لازم وجود دارد؛ ۵) مناسک اولی، تقریباً در همه جوامع اسلامی وضعیت و موقعیت هنجاری و عملی یکسان یا کم و بیش مشابهی دارند (به همین دلیل جنبه هویتی یافته‌اند)، اما مناسک ثانوی، معمولاً در جوامع مختلف، دوره‌های تاریخی مختلف، شرایط فرهنگی اجتماعی مختلف، وضعیت متفاوت، متنوع و متغیری دارند (به همین دلیل تنها اصل برخی مناسک مثل عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام، برای شیعیان جنبه هویتی یافته، نه اشکال وقوعی متنوع آن)؛ ۶) التزام به مناسک

بازتولید می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۱۳)، مهم‌ترین مخاطب مناسک، درون افراد است. تصویری که در طی مناسک در درون فرد برانگیخته می‌شوند، آنهایی هستند که «برای کارکرد نیکوی حیات اخلاقی» مؤمنان ضروری‌اند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۲۸).

از نظر گیرتر، در مناسک، جهان آن‌گونه که زیست شده (اخلاق)، و جهان آن‌گونه که تصور شده (جهان‌بینی، تحت عاملیت مجموعه‌ای از صور نمادین در یکدیگر ادغام و به یک جهان واحد تبدیل می‌شوند (گیویان، ۱۳۸۶) مناسک، سازوکار ایجادکننده ایمان است، ایقان مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود. پذیرش مرجعیتی که حاکم بر چشم‌انداز مناسک مذهبی است، از خود مناسک سرچشمه می‌گیرد. مناسک هم مفاهیم کلی مذهبی را صورت‌بندی می‌کند و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفاهیم مذهبی را توجیه می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸).

به بیانی دیگر، مناسک رفتاری رسمی است که دارای نظم زمانی است و از این لحاظ با کارهای روزمره تفاوت دارد. ویژگی مناسک این است که مانند یک چارچوب عمل می‌کند، مناسک نوعی مرزبندی ارادی و آگاهانه است. در جریان اجرای مناسک بخشی از رفتار یا افعال آدمیان با جنبه‌هایی از زندگی یا مقطعی از زمان انتخاب و در مورد آن تأمل و ژرف‌اندیشی می‌شود (گوئالز، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶).

همیلتون در جمع‌بندی نهایی دیدگاه برخی جامعه‌شناسان دین می‌نویسد: مناسک بی‌گمان یکی از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین صورت‌های رفتار بشری‌اند که جنبه‌ها و ابعاد بسیار متفاوتی دارند و ابهام چشمگیری را از خود نشان می‌دهند. مناسک ضمن نمایشی بودن، وسیله‌ای و عملی‌اند؛ ضمن اجتماعی بودن، دارای معنایی با محتوای روانی و فردی‌اند و با وجود همانندی با صورت‌های دیگر فعالیت بشری، نوع خاص و مستقلى از فعالیت بشری را باز می‌نمایند (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۳۷).

گفتنی است که مناسک، در رویکرد فرهنگ‌شناسانه، از سه منظر مورد توجه قرار می‌گیرند: ۱) کارکردگرایانه (نقش آنها در پاسخ‌گویی به نیازهای انسان)؛ ۲) معناشناسانه (تلقی مناسک به مثابه متونی نیازمند رمزگشایی با هدف شناختن معنای واقعی آنها و نیز معنایی که تولید می‌کنند)؛ ۳) ظرفیت‌شناسانه (ظرفیت‌هایی که برای تغییر پیش می‌نهند) (ر.ک. ذکایی و اسلامی، ۱۳۹۹).

مناسک مختص به اسلام (مثل نماز، روزه، خمس، زکات و حج) یا مراد امور مختص به مذهب (مانند شهادت به ولایت در اذان و اقامه و بلند گفتن «بسم‌الله» در نماز) است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۷۹؛ برای توضیحات بیشتر لغت‌شناسانه، ر.ک. مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۷۴-۷۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۸).

در قرآن کریم، شعائر به دلیل اضافه شدن به «الله» به‌معنای علامات، نشانه‌ها و نمادهای منسوب به خداوند به کار رفته است. بنابراین، شعائر الله یعنی نشانه‌های خدا. فقها با استناد به سه آیه «ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ» (حج: ۳۲)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده: ۲) و «ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ» (حج: ۳۰) قاعده یا حکم کلی لزوم تعظیم شعائر (الهی، دینی و اسلامی) یا حرمت اهانت به مقدسات را نتیجه گرفته‌اند (ر.ک. صرامی، ۱۳۹۸؛ عیسوند، ۱۳۹۱). از دید شهید مطهری، هر کاری که وابستگی انسان را به یک گروه معین، به یک فرقه معین، به یک کشور معین، به یک حزب و جمعیت معین اعلام کند، به آن «شعار» می‌گویند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۳۵۹). در اسلام، هر شعار، معرف منش اسلامی فرد یا جمع است (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۳).

وی در ادامه به ذکر مصادیقی از شعائر اسلامی پرداخته است:

سلام در وقت ملاقات، بسم‌الله گفتن به هنگام شروع و الحمدلله در پایان کارها، نامگذاری‌های اسلامی افراد، اذان، تاریخ هجری، جمعه [احتمالاً تعطیلی این روز]، اعیاد اسلامی یا شیعی، سبک ساختمان مساجد (شعار مسلمین)، خط (شعار مسلمین)، زبان عربی، تلاوت قرآن به صوت حسن، ذکر صلوات، لفظ سید برای سادات یا شال مشکی و سبز و در اعصار بعد، عمامه مشکی به‌عنوان شعار سادات (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۷). گفتن کلمه استرجاع [انالله و انا الیه راجعون به هنگام مصیبت]، عزاداری امام حسین علیه السلام، شعارهای لفظی مانند «یا لثارات الحسین»، شعارهای مکانی مثل مساجد و حرم ائمه و معماری‌های اسلامی، شعارهای زمانی مانند مناسبت‌های ایام الله، شعارهای نمادین مانند قرآن، تابلوها، پرچم‌ها، انگشتر، مهر و تسبیح، جانماز و...؛ شعارهای هنری مثل خطوط اسلامی، نقاشی‌ها، منبت‌کاری‌ها، کاشی‌کاری‌ها و... که نشان‌های خاص اسلام و کشورهای اسلامی هستند (ر.ک. مطهری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۸-۵۰).

اولی، شاخص دینداری و تخلف عمدی، توجیه‌ناپذیر و مستمر از آنها موجب زوال دینداری و خروج فرد از زمره دینداران می‌شود، اما التزام به مناسک ثانوی، هرچند مرجح است، اما طبق معیارهای شریعت، جزو مؤلفه‌های دینداری یا فروع دین شمرده نمی‌شود؛ اگرچه توده‌های مؤمن، غالباً پابندی قاطعی به رعایت این دسته از مناسک، از خود نشان می‌دهند. از دید برخی، رعایت آنها به‌عنوان تعظیم شعائر، استحباب موکد و در مواردی حکم وجوب دارد؛ (۷) کارکرد مناسک اولی، عمدتاً انفسی، معنوی، تعالی‌بخش و تقرب‌جویانه است (اگرچه با واسطه تأثیرات عمیقی نیز بر فضای فرهنگی اجتماعی بر جای می‌گذارند)، اما کارکرد مناسک ثانوی بیشتر آفاقی، اجتماعی، سیاسی و هویتی (فرقه‌ای) است.

ناگفته نماند که غالب مشرعران فارغ از تقسیم‌بندی فوق، برای هر دو دسته مناسک درجاتی از تقدس، اعتبار، کارآمدی و هویت‌بخشی قائلند تا حد امکان خود را به رعایت آنها ملزم می‌دانند و پابندی بدان‌ها را نشانه اهتمام مؤمنانه و خلوص اعتقادی می‌شمارند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک. حسام‌مظاهری، بی‌تا؛ رباطی، ۱۳۹۹).

همان‌گونه که در قبل اشاره شد، به دلیل قرابت زیاد موضوع «شعائر» با آنچه رسانه ملی در حوزه مناسک، موردنظر دارد، به طرح این واژه در ادامه واژه مناسک پرداخته می‌شود.

۲-۱. شعائر

واژه دیگری که غالباً در کنار واژه مناسک در متون الهیاتی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی دین از آن سخن می‌رود، واژه «شعائر» است.

«شعائر رویه بیرونی دین است و در جامعه نقشی اغلب مهم‌تر از اصول عقاید که درونمایه دین‌اند، بازی می‌کند. شعائر شامل رفتارهای آیین‌مند انسان‌هاست که اغلب توأم با حرکات بدنی بوده و از اندیشه ارتباط با عالم ملکوت مایه می‌گیرند.» این رفتارها به دیانت تجسم خارجی می‌بخشند و برای دینداران یک هویت مشخص و مهم و احساس همبستگی و همدلی فراهم می‌سازند (کاظمی موسوی، ۱۳۸۱، ص ۵۴ به نقل از: دائرةالمعارف دین، ذیل مدخل Ritual).

«شعائر» جمع شعبیره به‌معنای نشانه‌هاست. از نظر فقهی، تعبیر «شعائر الله» بر همه احکام و دستورهای خداوند و بر عبادت‌هایی که آشکارا و جمعی برگزار می‌شوند، اطلاق می‌شود و در صورت اضافه شدن «شعائر» به «اسلام» و «ایمان» (شیعه) مراد از آن اعمال و

از دید برخی پژوهشگران، عرصه دین و رسانه، رسانه‌های گروهی، به عرصه دیگری برای زایش و خلق نمادهای «دین عرفی» تبدیل شده‌اند (هوور و لاندبای، ۱۳۸۵، ص ۷۹). رسانه مبدأ و سرچشمه‌ای است که اینک اغلب افراد از طریق آن بیشترین آگاهی‌ها، تأثیرات، ارزش‌ها و نیز معنای زندگی خود را اخذ می‌کنند. رسانه‌ها به‌خودی‌خود، تبدیل به جزء اجتناب‌ناپذیر زندگی و فرهنگ مردم شده‌اند و ما اینک به تمام گروه‌های اجتماعی از جمله مذهبی‌ها از منظر فرهنگ‌پذیری از رسانه‌ها توجه نشان می‌دهیم. رسانه‌ها به عرضه منبعی جایگزین برای اطلاعات و احساسات دینی، ارشاد اخلاقی، آیین‌ها و گردهمایی‌ها، نه‌تنها برای جمعیتی عظیم که حتی برای اعضای نهادهای دینی خود می‌پردازند. سازمان‌های مذهبی شاید دیگر حتی برای اعضای خود تنها منبع اطلاعات، حقیقت و رفتار دینی نباشند (هوور و لاندبای، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲). ارتباط بین دین، رسانه و فرهنگ باید به‌عنوان فصل مشترک معناسازی و معناجویی در زمینه‌ها و فرایندهای اجتماعی تاریخی مفهوم‌سازی شود (هوور و لاندبای، ۱۳۸۵، ص ۳۹۸). رسانه دینی، مقوله‌ای است که دارای مرز مشترک با متونی است که یا گروه‌های مذهبی تولید آنها را به عهده دارند یا دارای مقاصد دینی هستند (هوور و لاندبای، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳).

از دید استوت (پژوهشگر دین و رسانه)، تمام ادیان برای تقویت باورهای مقدس خود از رسانه‌ها استفاده می‌کنند (استوت، ۱۳۹۳، ص ۸۳). از رسانه‌ها می‌توان در راستای اهداف دین بهره جست (استوت، ۱۳۹۳، ص ۸۹). رسانه‌ها تمام جنبه‌های دین‌ورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند: از اجتماع گرفته تا ایمان، از احساس عمیق گرفته تا مراسم آیینی. رسانه‌ها، همچنین به شکل‌گیری فضاهایی برای تجربه امر معنوی در میان مخاطبان دینی، کمک می‌کنند (استوت، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). برخی افراد قابلیت رسانه تلویزیون را در طرح تجربه و آموزه‌های دینی در خانه می‌ستایند؛ و برخی این رسانه را فرصتی بزرگ برای تبلیغ دین به‌شمار می‌آورند. برخی نیز معتقدند، رسانه‌ها موجب تضعیف امر مقدس می‌شوند (استوت، ۱۳۹۳، ص ۸۵). استفاده از رسانه تلویزیون، مخاطبان را برای شرکت در تجربه دینی حقیقی بسیار منفعل می‌سازد (استوت، ۱۳۹۳، ص ۱۸۸). تلویزیون به واسطه گرایش‌های سرگرم‌کننده‌ای که دارد، محیط‌های مقدس را از بین می‌برد (استوت، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

گفتنی است که در منابع روایی و فقهی، مصادیق متعدد دیگری نیز برای شعائر ذکر شده، مثل احکام الهی، خانه کعبه، مشاهد مشرفه، مناسک حج، محرمات احرام، قربانی در حج، مکتوبات دینی و... روشن است که ذکر این مصادیق به‌معنای انحصار و تعیین نیست. از این‌رو واژه «شعائر» به لحاظ موضوع، همه نمادهای منسوب به پروردگار عالم - اعم از حقیقی و اعتباری - و به‌طور کلی، همه آنچه انسان را به یاد خدا می‌اندازد و به بیان شهید مطهری، همه آنچه وابستگی ما به اسلام را می‌رساند شامل می‌شود.

مقایسه مفهومی و مصادیقی دو واژه مناسک و شعائر نشان می‌دهد که این دو در اصل تعلق به دین و فرهنگ دینی، حرمت و اعتبار دینی، داشتن جنبه نمادین، محدود و منحصر نبودن به اشکال توقیفی، قابلیت امثال جمعی، دارا بودن کارکرد فرهنگی اجتماعی، تغییرپذیری در گذر زمان (برخلاف مناسک اولی)، داشتن قالب‌های رفتاری خاص اشتراک دارند، اگرچه شعائر، مصادیق غیررفتاری (مثل ایام الله) نیز دارند (مگر اینکه ادعا شود شعار بودن ایام الله نیز به اعتبار رفتارهایی است که مؤمنان در آن ایام به انجام آن توصیه شده‌اند). در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که شعائر از وجه نمادین برجسته‌تری در مقایسه با مناسک برخوردارند، علاوه اینکه مصادیق غیررفتاری (مثل خانه کعبه، مکتوبات دینی، قبور اولیاء، مکان‌های عبادی که در روایات و بیانات علما بدان اشاره شده) نیز دارند.

۲. رسانه و مناسک دینی

ارائه مناسک دینی، بخشی از فعالیت مرسوم رسانه‌های جمعی تحت عنوان «دین رسانه‌ای» (دین با تفسیر و نمادسازی فرهنگی) و «مناسک رسانه‌ای» است. مراد از دین رسانه‌ای، پیامی دینی است که رسانه‌های گروهی به مردم ارائه می‌کنند، آن هم توأم با تفسیری فرهنگی از نمادهای دینی و مقدس که با مداخلیت و وساطت خود رسانه صورت می‌پذیرد (هوور و لاندبای، ۱۳۸۵، ص ۳۶۷)؛ مراد از مناسک رسانه‌ای، آن نوع مناسکی است که توسط رسانه‌های مدرن (به صورت خاص رادیو و تلویزیون) ترویج می‌شود. و مراد از مناسک رسانه‌ای دینی، تدوین آداب و رسوم دینی خاص است که از طریق رسانه می‌توان ترویج، تعمیق و پایداری آنها را در جامعه موجب شد (خجسته و کلانتری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶).

ظرفیت‌شناسی رسانه یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای تبلیغات دینی و فرهنگی از مجرای رسانه‌های مختلف است.

رسانه ملی در ضمن موادی از اصول و قواعد برنامه‌سازی خود، به وظایف این رسانه در خصوص ساخت و عرضه برنامه‌های دینی و معارفی که بالطبع مناسک را نیز دربر می‌گیرد، توجه داده که اهم آنها از این قرارند:

- تعمیق و ارتقاء «معرفت و ایمان روشن‌بینانه»، «اخلاق فاضله»، و «رفتار دینی خالصانه» آحاد جامعه و حفظ و اعتلای «فرهنگ و هویت ایران اسلامی» (ر.ک. اهداف افق رسانه ملی)؛
- تبیین و تشریح جامعیت و برتری دین اسلام، رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه، تعمیق دین‌باوری و افزایش تعلق مردم نسبت به معارف دین (ر.ک. اهداف برنامه‌سازی سال ۱۳۸۴)؛

- عرضه و معرفی جذابیت‌های زندگی دینی و آرامش و خوشبختی حاصل از آن؛ زمینه‌سازی برای رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه؛ تبیین آثار و برکات پایبندی فرد و جامعه به احکام و ارزش‌های اسلامی؛ ترغیب جامعه به عبادات اسلامی، به‌ویژه عبادات اجتماعی مثل نماز جمعه و جماعت، دعای کمیل، ندبه و...؛ ایجاد انگیزش برای التزام به آداب، سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی؛ تبیین آثار معنوی و اجتماعی انجام عبادات اسلامی، به‌ویژه نماز جمعه و جماعت؛ ارتقای آگاهی‌های عمومی نسبت به وظایف و تکالیف دینی (از جمله آموزش و ترغیب به فعالیت‌ها و اعمال مستحبی؛ آموزش مناسک و شیوه‌های اجرای فرایض دینی) (ر.ک: اهداف، محورها و اولویت‌های تولید، تأمین و پخش گروه معارف، ۱۳۸۴) (برای اطلاع‌یابی از مجموع قوانین و آیین‌نامه‌های برنامه‌سازی رسانه ملی در بخش معارف اسلامی، ر.ک. معتمدی، ۱۴۰۱، بخش پیوست‌ها، ص ۳۴۳-۳۶۷).

۴. رسالت فرهنگی دولت اسلامی

تردیدی نیست که نقش و مأموریت رسانه ملی به‌عنوان برجسته‌ترین نهاد رسانه‌ای کشور در حوزه تبلیغ دین عموماً و در حوزه مناسک دینی خصوصاً، تابعی از رسالت فرهنگی دولت و نظام اسلامی، به‌ویژه در راستای اقامه دین در گستره حیات اجتماعی، ترویج و ابلاغ پیام دین در گستره جهانی، پاسداری و حفاظت از تمامیت آن و مبارزه قاطع با همه عوامل تباهی و انحراف جامعه اسلامی و بلکه جامعه جهانی است.

بر این اساس، اگر هدف تبلیغات دینی جلب توجه مخاطبان عام باشد، بهترین شیوه استفاده از رسانه‌های جمعی مدرن است و مناسک رسانه‌ای دینی، یکی از بهترین شیوه‌های طرح مناسک و آیین‌های دینی در گستره عمومی است (خجسته و کلانتری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

۳. رسانه ملی و مناسک دینی

رسانه ملی، به‌عنوان یک دانشگاه عمومی و یک رسانه وابسته به نظام اسلامی، به استناد مجموعه‌ای از اسناد و قوانین بالادستی، مأمور و مؤظف است در راستای زمینه‌سازی برای اقامه دین در گستره حیات اجتماعی، نشر و ترویج فرهنگ و سبک زندگی دینی، اجرای احکام و حدود الهی و مشارکت تمام‌عیار در فرایند عام «امر به معروف و نهی از منکر»، همه مساعی خویش را به کار بندد. از این‌رو از رسانه ملی، به‌ویژه سیما انتظار می‌رود که به اقتضای مأموریت محوله، نیازها و خالاهای فرهنگی - اجتماعی، مطالبات عمومی و نیز به استناد تجربه‌های به‌دست‌آمده در سنوات اخیر در بخش مناسک نیز به صورت قاطع و دغدغه‌مند ورود کند و رسالت فرهنگی خود را در این عرصه به انجام برساند. رسانه ملی به استناد شواهد تجربی می‌تواند در بخش بازنمایی، تأسیس، ترویج، تفسیر، تغییر، تعدیل و پیرایش مناسک دینی، اعم از اولیه و ثانویه، به صورت قوی و مؤثر نقش‌آفرینی کند. گفتنی است که مناسک‌سازی یا تبدیل برخی ارزش‌های مغفول و فروع دین به مناسک جمعی، از سوی رسانه، محدود به مناسک ثانوی است. بدیهی است که مناسک مورد ترویج رسانه، به لحاظ فقهی و حکمی، مرجع (مستحبات یا حتی واجبات کفایی مغفول) خواهند بود. بخشی از فعالیت رسانه نیز به انعکاس مناسک جاری در متن اجتماع و بازنمایی مکرر آن متناسب با اهداف فرهنگی خاص، اختصاص دارد. تردیدی نیست که نقش‌آفرینی رسانه‌ها در حوزه تبلیغ دین (اعم از معارف، عقاید، ارزش‌ها، احکام، مناسک، تاریخ)، نسبت مستقیمی با قابلیت‌ها و محدودیت‌های آنها دارد. برای نمونه دو رسانه کلاسیک رادیو و تلویزیون، به‌رغم اشتراک در برخی توانمندی‌های تبلیغی، از قابلیت‌های اختصاصی و منحصربه‌فردی نیز برخوردارند که شناسایی آنها توسط اهل فن، می‌تواند در اثربخشی بیشتر فعالیت‌های تبلیغی رسانه مؤثر باشد. از این‌رو برخی پیام‌های دینی متناسب با رسانه رادیو و متقابلاً برخی متناسب با رسانه تلویزیون‌اند. بر این اساس،

گفتاری‌اند؛ چراکه قرآن خود یک متن زبانی (گفتاری و نوشتاری) است و در گذشته نیز عمده‌ترین رسانه تبلیغی گفتار و تا حدی نوشتار بود. از این رو این قواعد اگرچه در مورد رسانه‌هایی همچون رادیو کاربرد کاملاً وسیعی دارند، اما در مورد سایر رسانه‌ها همچون رسانه‌های تصویری نیز کم‌وبیش کاربرد دارند؛ چراکه تصویر نیز به‌رغم تفاوت، نوعی زبان با اقتضائات خاص است. اهم این قواعد عبارتند از:

۵-۱. بایسته‌ها

دعوت به پرستش خداوند باشد (نحل: ۳۶)؛ در جهت جلب رضای حق باشد (آل عمران: ۱۷۴)؛ تعلیم کتاب و حکمت باشد (آل عمران: ۱۶۴)؛ ابلاغ رسالات (پیام‌های) الهی باشد (احزاب: ۳۹)؛ تذکار و یادآوری [نعمت‌ها] باشد (انعام: ۱۶۰)؛ ذاریات: ۵۵)؛ مصداق کلمه طیب و عمل صالح باشد (فاطر: ۱۰)؛ ترغیب به ایمان و عمل صالح باشد (بنی‌نصر: ۷)؛ مصداق ذکرالله و یاد خدا باشد (طه: ۱۴)؛ حق‌گویی و باطل‌ستیزی باشد (نساء: ۱۷۱)؛ انفال: ۷-۸)؛ هدایت‌گری به حق باشد (اعراف: ۱۸۱)؛ خیرخواهی و ارشاد باشد (اعراف: ۶۸)؛ آگاهی‌بخشی و غفلت‌زدایی باشد (یوسف: ۳)؛ امر به معروف و نهی از منکر باشد (آل عمران: ۱۱۰)؛ مقتضای حال مخاطب باشد (طه: ۲۷-۲۸)؛ اعتدال و میانه‌روی (پرهیز از افراط و تفریط) در آن رعایت شود (لقمان: ۱۹)؛ حرمت‌ها و فضیلت‌ها در آن حفظ شود (بقره: ۲۳۷)؛ عفت و حیا در آن رعایت شود (نور: ۱۹)؛ از فصاحت و شفافیت لازم برخوردار باشد (طه: ۲۷)؛ قصص: ۳۴)؛ از بلاغت و رسایی لازم برخوردار باشد (نساء: ۶۳)؛ مقابله با اباطیل و موهومات باشد (انبیاء: ۱۸)؛ مصداق نیکویی و پسندیده‌گویی باشد (بقره: ۸۳)؛ نساء: ۵)؛ منطقی و مستدل باشد (نساء: ۹)؛ ساده و قابل فهم باشد (اسراء: ۲۸)؛ حکمت‌آموزی و موعظه نیکو باشد (نحل: ۱۲۵)؛ دعوت به راه حق (=اسلام) باشد (حج: ۶۷)؛ دعوت به تقوا و پرهیزگاری باشد (آل عمران: ۱۰۲)؛ ترغیب به ذکر و یاد خداوند باشد (انفال: ۴۵)؛ دعوت به بندگی و عبودیت باشد (بقره: ۲۱)؛ تذکار ارزش‌های اخلاقی باشد (حجرات: ۱۱)؛ تعلیم آداب اجتماعی پسندیده باشد (اسراء: ۲۴)؛ دعوت به خیر و نیکی باشد (آل عمران: ۱۰۴)؛ اصلاح نگرش‌ها باشد (آل عمران: ۱۶۹)؛ پیرایش آیین‌ها و سنت‌های موروث باشد (بقره: ۱۸۹)؛ مرگ‌اندیشی و باور به قیامت را تقویت کند (رعد: ۲)؛ به نیکوکاری ترغیب کند (حج: ۷۷)؛

برخی از فقه‌های معاصر، با استناد به آیات و روایات فراوان، مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی در قبال فرهنگ که با موضوع این نوشتار تناسب دارد، در موارد ذیل خلاصه کرده‌اند: ۱) در هم شکستن سنت‌های غلط و گسستن غل و زنجیرهای دست‌وپاگیر جامعه از رسوم، قیود، عادات و تقلیدهای باطل و بی‌اساس؛ ۲) تعلیم کتاب و سنت و حدود اسلام و ایمان به مردم و بیان حلال و حرام و آنچه به سود یا زیان آنان است و نیز تعلیم و تربیت جامعه با فرستادن معلم در بین آنها و تشویق مردم به فراگرفتن احکام و فقهات در دین؛ ۳) اقامه فرائض و شعائر الهی از قبیل نماز و حج و...؛ ۴) تربیت مردم بر اساس اخلاق نیکو و پسندیده؛ ۵) اقامه سنت‌های حسنه و میراندن بدعت‌ها و دفاع از دین و حفظ اصول و فروع و معارف دین از تغییر و تأویل و زیاد و کم شدن؛ ۶) امر به معروف و نهی از منکر به مفهوم وسیع آن، یعنی سعی در اشاعه و گسترش گفتار و کردار نیک و مبارزه با انواع کارهای زشت و ظلم و فساد؛ ۷) قضاوت به عدل و اقامه حدود و احکام خداوند؛ ۸) موعظه و تذکر و انذار و ارشاد مردم به صورت مداوم (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱-۳۳).

از این رو اقامه مناسک و شعائر، تعظیم آنها، زدودن پیرایه‌ها و بدعت‌ها، ایجاد انگیزه برای التزام حداکثری به رعایت آنها، بخشی از وظایف نهادهای فرهنگی وابسته به نظام اسلامی از جمله رسانه‌ها هستند (ر.ک. اسماعیلی و میرلوحی، ۱۳۹۷؛ علی‌نیا خطیر، ۱۳۹۰الف).

۵. هنجارهای معارفی مناسک رسانه‌ای

منابع دینی (قرآن و روایات) و منابع معرفت دینی، ضمن تأکید وافر بر اهمیت و ضرورت نشر و بسط معارف دین و تقویت و تعمیق فرهنگ دینی توسط آحاد مؤمنان، به‌ویژه کسانی که در ایفای این رسالت، از توانمندی‌های لازم و امکانات متناسب برخوردارند، بر رعایت مجموعه‌ای از قواعد که در اثربخشی این نوع فعالیت‌ها و تأمین اهداف موردنظر مداخلیت تام دارند، تأکید کرده‌اند. از این رو هر نوع فعالیت تبلیغی در راستای نشر و بسط معارف دین، از هر طریق ممکن، الزاماً باید به رعایت مجموعه‌ای از قواعد ایجابی و سلبی (بایدها و نبایدها) کلامی، فقهی، اخلاقی و هنری) مقید و ملزوم باشد. در این بخش به دلیل وجود برخی محدودیت‌ها، صرفاً به قواعد و هنجارهایی که در قرآن کریم صراحتاً و تلویحاً ذکری از آنها به میان آمده، بسنده شده است. لازم به ذکر است که قواعد مذکور عمدتاً ناظر به تبلیغ زبانی و

ترغیب به اصلاح امور باشد (حجرات: ۱۰)؛ موجب تألیف قلوب و همبستگی باشد (حجرات: ۱۰)؛ موجب تقویت روح شکرگزاری باشد (بقره: ۱۵۲)؛ متناسب با طاقت و توان افراد باشد (طلاق: ۷)؛ متناسب با ذائقه فطری آدمیان باشد (عبس: ۲۴).

۵.۲. نابایسته‌ها

مصدق بدزبانی و بدگویی نباشد (نساء: ۱۴۸)؛ تعدی از حدود الهی نباشد (مائده: ۸۷)؛ آمیزش آگاهانه حق و باطل نباشد (بقره: ۴۲)؛ هتک حرمت و حیثیت مردم نباشد (حجرات: ۱۱)؛ توهین به مقدسات دیگران نباشد (انعام: ۱۰۸)؛ زیاده‌روی و افراط‌کاری نباشد (شعراء: ۱۵۱)؛ استخفاف ارزش‌های دیگران نباشد (شعراء: ۱۸۳)؛ نقض ارزش‌های اخلاقی آشکار نباشد (حجرات: ۱۱)؛ ادعای غیرمستند و ناروا نباشد (حج: ۳۰)؛ مصداق نسبت‌دهی ناروا به خداوند نباشد (نحل: ۱۶)؛ مصداق تحریف حقایق دین نباشد (بقره: ۵۹).

۵.۳. قواعد هنجاری مناسک رسانه‌ای

همان‌گونه که در قبل اشاره شد، مراد از مناسک رسانه‌ای، مجموعه‌ای از آداب و رسوم دینی است که رسانه با کاربست عملی آنها، زمینه ترویج، تعمیق و پایداری عقاید، ارزش‌ها و رفتارهای دینی را در جامعه فراهم می‌سازد. بی‌شک، رسانه در این خصوص نقش میانجی دارد و در تلاش است تا میان حوزه عمومی و فرهنگ عامه با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ارتباط و تلائم برقرار کند و رفته‌رفته زمینه گسترش، تثبیت و تعمیق فرهنگ دینی را در عرصه عمومی فراهم آورد. بدیهی است که در راستای تأمین این مهم باید از رسانه‌های مختلف، حسب توانمندی‌های فنی و کارکردی اثبات‌شده آنها بهره گرفت. تردیدی نیست که رعایت مناسک رسانه‌ای، به‌ویژه در آنجا که یک آموزه یا سوژه دینی، شکل مناسکی و آیینی پیشینی و مألوف ندارد، از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است.

بر این اساس، مناسک رسانه‌ای را می‌توان نوعی مناسک ثانوی، ساخته و پرداخته توسط عرف خاص (هرچند ملهم از آموزه‌های دینی و باورداشت‌های فرهنگی متشرعان)، دارای الگوی اجرایی معین و در عین حال، منعطف، بعضاً مقید به ظروف زمانی و مناسبت‌های تقویمی خاص، دارای اهداف فرهنگی و در عین حال، دارای وجهه عبادی به‌معنای عام (رفتارهای مرجع و مستحسنی که فی‌نفسه

قابلیت تقرب الی‌الله را دارند)، که بالقوه در بسط، تقویت، تثبیت، تعمیق و تسری فرهنگ دینی به عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و در نهایت ماندگاری و اثربخشی مستمر این فرهنگ، مؤثر خواهد بود. به بیان دیگر، مناسک رسانه‌ای، یعنی مشارکت رسانه‌های جمعی در تبدیل ارزش‌های دینی به الگوهای رفتاری قابل اجرا در فرایندهای عادی زندگی روزمره و عملیاتی ساختن ارزش‌های مغفول در گستره فرهنگ عمومی جامعه مؤمنان.

الف. هنجارهای ایجابی

به استناد دریافت کلی از معارف دینی، حساسیت‌های فرهنگی جامعه اسلامی، تجربه‌های به‌دست‌آمده از فعالیت حرفه‌ای ارباب رسانه در فرایند برنامه‌سازی دینی و دعاوی کارشناسی پژوهشگران حوزه دین و رسانه در این خصوص، چنین به نظر می‌رسد که رعایت قواعد پیشنهادی ذیل، بالقوه می‌تواند در راستای تدوین مناسک رسانه‌ای مطلوب و تأمین اهداف مورد نظر مفید و مؤثر باشد.

صحت انتساب (آداب و آیین‌های پیشنهادی) به منابع و مأثورات دینی، منطبق بودن با اصول و مبانی اعتقادی، ارزشی و هنجاری دین، ایفاگر نقش تبلیغ و دعوت دینی، منطبق بودن با قرائت و تفسیر مشهور عالمان و دین پژوهان معاصر، سازگار با باورداشت‌های نظری موجود در ذهنیت عمومی مؤمنان، تناسب داشتن با اقتضائات زمان و مکان، قابلیت لازم برای پذیرش جمعی یا حداکثری، داشتن وجه نمادین و رسانایی (هدایت مخاطب به لایه‌های اعتقادی و ارزشی ماورای خود)، قابلیت لازم برای پذیرش آرایه‌های زیباشناسانه و نصاب لازم جذابیت (در حد انتظار)، متناسب بودن با ذائقه فرهنگی مخاطبان متنوع (و رعایت توأمان الگوی تلفیقی میل، نیاز و مصلحت مخاطب)، تلائم و سازگاری با عرصه عرفی حیات انسانی، هماهنگی با ضرباهنگ زندگی روزمره، داشتن توان هنجاری لازم برای ترغیب افراد به کنش متناسب، مؤثر در ترمیم خلأهای فرهنگی - اجتماعی، جلب نظر تأییدی سایر کانون‌های درگیر در تبلیغات دینی (که نقش مکمل در اثربخشی فعالیت رسانه دارد).

ب) هنجاری سلبی

در همین ارتباط، رعایت برخی هنجارهای سلبی (نابایسته) نیز بایسته و الزامی خواهد بود. برای نمونه عدم وجود دلیل مشخص بر منع

جذابیت‌های سمعی و بصری آنها را برای جذب مخاطب افزایش دهد، بر فرم و محتوای مناسک نظارت کند (و از تحریف و تغییر غیرموجه آنها مانع شود)، از مناسک در گیرودار زندگی روزمره و عادت‌ی شدن، غفلت‌زدایی کند، در خصوص میزان مطلوبیت برنامه‌های مناسکی ساخته و ارائه‌شده نظرسنجی عمومی کند، بازخوردهای دریافتی از علمای دین و نهادهای تبلیغی را ترتیب اثر دهد، از برخی مناسک مک‌نمند، مکان‌زدایی کند یا جنبه بی‌مکانی آنها را تقویت نماید (مثل برگزاری مراسم دعای کمیل، تلاوت‌های جمعی قرآن و عزاداری در اماکن مختلف)، ذهنیت عمومی را به تلقی‌های کم و بیش مشترک از مناسک سوق دهد و از تکثرگرایی بی‌رویه جلوگیری کند.

۶. کارکردهای مناسک رسانه‌ای

اجرای مناسک از جمله مناسک رسانه‌ای در جهان زیست مؤمنان و التزام حداکثری به رعایت آنها، آثار و نتایج فرهنگی اجتماعی قابل‌توجهی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی به همراه دارد. برخی از این آثار تحقق‌یافته و به ظهور رسیده و برخی منوط و مشروط به فعال‌سازی سایر ظرفیت‌های مناسکی موجود در فرهنگ دینی، برجسته‌سازی و ایجاد حساسیت، الگوسازی متناسب با اقتضائات زمانی، رفع موانع ذهنی و عینی در فرایند تحقق یا تحریک اراده‌ها جهت اهتمام و التزام بیشتر مؤمنان به رعایت آنهاست. اهم این آثار عبارتند از:

۶-۱. کارکردهای مثبت

تبلیغ و ترویج دین و فرهنگ دینی، تعظیم عملی مناسک و شعائر، صبغه دینی و معنوی دادن به کلیت حیات دنیوی مؤمنان، تقویت اتصال مؤمنان با مبدأ هستی (= تجربه دینی)، تقویت تدریجی زمینه‌های دین‌ورزی و بسط «اخلاق» در زندگی فردی و اجتماعی، تجدید حیات فکری و معنوی جامعه، افزایش نصاب ماندگاری دین و فرهنگ دینی در جامعه و مانع شدن از استحاله این فرهنگ، تسهیل فرایند جامعه‌پذیری دینی، تشدید انگیزه برای زیست مؤمنانه، تحکیم پیوند ایمانی میان مردم (= بعد اجتماعی مناسک جمعی)، تحریک و تهییج دیگران به مشارکت و همراهی، تقویت زمینه‌های یکپارچه‌سازی فرهنگی (پایان دادن به تنوعات فرهنگی در بخش مناسک)، کمک به سلامت روحی جامعه، کاهش زمینه‌های سوق‌یابی به کجروی و انحراف، تقویت زمینه‌های نظارت و مراقبت همگانی (ر.ک. خجسته ۱۳۸۲: خجسته و کلاتری، ۱۳۸۶: ماهر و سادات کشاورز، ۱۳۹۶).

مناسک طراحی‌شده مثل دعوت به تذهیب (آرایه‌های طلایی) مساجد و اماکن عبادی؛ عدم تعارض با سایر فرائض دینی (مثل ترویج عزاداری‌هایی که موجب وهن دین و مذهب یا موجب اضرار به بدن می‌شوند)؛ عدم تراحم با سایر وظایف دینی و اخلاقی (مثل دعوت به برگزاری مراسمی که موجب اتلاف وقت زیاد و بازماندن از سایر وظایف می‌شود)؛ عدم مخالفت با فتاوی مشهور فقها یا فقهایی معاصر (مثل دعوت به قمه‌زنی در محرم)؛ تمایز داشتن با مناسک و نمادهای انحصاری کفار (پرهیز از تشبیه)؛ خالی بودن از ادبیات غالبانه و تعابیر مبالغه‌آمیز درباره افراد مقدس؛ عاری بودن از پیرایه‌های واگرایانه (تحقیر و استخفاف تلویحی کنشگران یا آیین‌ها)، همچنین، انتظار این است که در تدوین آداب مورد نظر، قواعد عام فقهی همچون قاعده اهم و مهم، لاضرر، لاجرح رعایت شود.

برخی پژوهشگران، رعایت توأمان دو اصل مشروعیت دینی و مقبولیت (نزد عامه مردم) را برای پذیرش و تسری مناسک دینی یا شبه‌دینی به حوزه عمومی را لازم دانسته و بر سهولت و سادگی (امکان مشارکت همگانی) و وجود پیش‌زمینه (یادآور یک رفتار یا باور عمومی نه خلق یک رفتار یا باور جدید) تأکید کرده‌اند (خجسته، ۱۳۸۲).

خجسته همچنین، در فرایند ابداع مناسک رسانه‌ای، به اصول دیگری توجه داده‌اند: ۱) پیدا کردن عناصری دینی که قابلیت فراگیری سریع داشته باشند (مثل عناصری از حوزه مستحبات که عمل به آنها سهل و آسان باشد)؛ ۲) داشتن طراحی ساده تا امکان مشارکت عامه مردم در آنها فراهم شود؛ ۳) تعدد و تکثر مناسک طراحی شده تا همه عرصه‌های زندگی عمومی را پوشش دهد و از غفلت مخاطبان جلوگیری شود. از این‌رو مناسک را می‌توان بر حسب زمان‌هایی که در میان مردم از قداست خاصی برخوردار است، مانند ماه مبارک رمضان، ایام محرم ... یا بر حسب شخصیت‌های مقدس مثل حضرات معصومان (ع) یا حتی امور روزانه و دغدغه‌های زندگی، که موجب ایجاد نیازهای روحی و روانی در افراد می‌شود، طراحی کرد. وی همچنین بر لزوم بهره‌گیری از شبکه‌های عمومی به جای رسانه‌های مشخصاً دینی مثل رادیو معارف، رادیو قرآن و شبکه قرآن سیما که مخاطب خاص دارند، تأکید کرده است (خجسته، ۱۳۸۲، ص ۵۴-۵۳؛ همچنین برای مطالعه بیشتر، ر.ک. خجسته، ۱۳۸۷؛ خجسته و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۸۱-۸۳؛ شرف‌الدین، ۱۳۹۴، ص ۳۸۱-۵۴۶).

بی‌شک، رسانه طبق تجربه‌های به‌دست‌آمده، می‌تواند در آیین‌سازی و ترویج آنها در فرهنگ عمومی مؤثر باشد، بعد نمایشی و

۶-۲. کارکردهای منفی

برخی نیز با رویکردی آسیب‌شناسانه بر آثار و نتایج منفی بسط مناسک دینی در جامعه به‌طور کلی یا صرفاً برخی مصادیق آن توجه داده‌اند. این آثار هرچند نه به صورت محقق و عینیت یافته، بلکه در فرض عدم رعایت برخی قواعد و معیارها، همواره امکان وقوع دارد. اهم این آثار عبارتند از:

تضعیف ابعاد کلامی، فلسفی، عرفانی و اخلاقی دین در فرهنگ عمومی تحت تأثیر غلبه وجوه مناسکی و رفتاری آن، قابلیت مناسک برای بهره‌برداری در جهت اغراض سیاسی و جناحی، احتمال تحریف شکل و محتوای مناسک از معیارهای دینی به دلیل تفسیرهای متفاوت ارباب رسانه، خوف از فربه‌شدگی تدریجی مناسک (تورم مناسبات تقویمی) و واگرایی ناشی از آن، خوف از برهم خوردن ترتیب و چینش مناسک در نظام ارزشگذاری دین (تحت تأثیر مواجهه‌گزینی با مناسک و انتخاب و ترجیح مناسکی که قابلیت انعکاس رسانه‌ای بیشتر و بهتر دارند)، تقویت قشری‌گری توجه به فرم و غفلت از محتوا و بالاتر از آن اصالت‌یابی فرم، خوف از تهی شدن مناسک، به دلیل دخالت آرایه‌های هنری با هدف افزایش جذابیت‌های بصری و مخاطب‌پسندی، بالا بردن توقع مخاطبان از برنامه‌های مناسکی جاری در فضاهای واقعی، تضعیف موقعیت فضاهای قدسی و مکان‌های سنتی اجرای مناسک و کم شدن اقبال مردم به مشارکت در برنامه‌های جاری در اماکن عبادی و هیئات مذهبی، تضعیف موقعیت مناسک در نگاه مؤمنان (پخش مناسک از طریق تلویزیون و مشارکت در آنها در محیط خانه، حس و حال مذهبی را تضعیف می‌کند)، مرجعیت‌یابی چهره‌های رسانه‌ای محبوب به جای روحانیت اصیل در فرایند اجرای مناسک، یکپارچه‌سازی فرهنگی تحت تأثیر ارائه الگوهای یکسان رسانه‌ای (پایان دادن به خلاقیت توده‌ها در برگزاری مناسک با الگوهای محلی و منطقه‌ای یا تضعیف هیئت‌های مردمی و محلی برآمده از خرده‌فرهنگ‌ها تحت تأثیر شکل‌گیری هیئت‌های بزرگ کاملاً بریده از اقتضائات محلی)، اتهام رسانه به کالایی ساختن پیام‌های دینی و تقویت مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی، احتمال از میان رفتن رمز آنها با مناسک مشابه (عرفی، قومی، ملی)، عوام‌گرایی و توده‌گرایی، اصالت‌یابی مناسک و فراموشی جنبه طریقی و ابزاری آنها، خوف از برجسته‌سازی مناسک تشدیدکننده اختلافات دینی (مثل اختلافات شیعه و سنی)، خوف از مخالفت نهادهای دینی با مرجعیت‌یابی رسانه

در حوزه مناسک، خوف از بی‌اعتنائی به مناسک به دلیل عقلانی شدن تدریجی فضای عمومی (ر.ک. پستمن، ۱۳۷۵) (بخش‌های مختلف): راودراد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲-۲۲۱؛ رباطی، ۱۳۹۹).

۷. آموزه‌های پیشنهادی برای مناسک‌سازی رسانه‌ای

صله رحم، نیکی به والدین، احترام به سالخوردگان، ارتباط با همسایگان، ادخال سرور در دل مؤمنان، ارتباط با طبیعت، عیادت بیماران، مصرف بهینه (عاری از اسراف و تبذیر)، تجملات ممدوح و ممنوع، تکریم ارباب رجوع، ازدواج آسان و صدها ارزش دیگر که در منابع دینی و روایی بدان توصیه شده، می‌تواند از طریق رسانه ملی به آداب و الگوهای رفتاری قابل عمل و مورد التفات مؤمنان در فرایندهای زندگی روزمره تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

بخشی از فعالیت رسانه‌های جمعی در یک جامعه دینی به بازنمایی صورت‌های الگویی مناسک موجود در متون دینی (مثل تشریع عبادات متناسب با آموزه‌های دینی در رسانه‌هایی همچون رادیو معارف)، بخشی به بازنمایی مناسک فردی و جمعی در حال وقوع در متن جامعه مؤمنان و بخشی نیز به مشارکت رسانه در فرایند مناسک‌سازی یعنی تبدیل ارزش‌های دینی مغفول یا فاقد هنجاری عملی به آداب و الگوهای رفتاری قابل عمل و عرضه آنها به فرهنگ عمومی است. رسانه همچنین در تبلیغ، تفسیر، تعمیق، توسعه، پیرایه‌زدایی، و تغییر و تبدیل مناسک دینی با الهام از منابع دینی و منابع معرفت دینی و نیز با عطف توجه به نیازها و انتظارات جامعه مؤمنان و متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی، توانمندی‌های منحصر به فردی دارد. رسانه ملی، به‌ویژه سیما به اقتضای رسانه‌ای و مأموریت محوله در نشر فرهنگ اسلامی، در سال‌های بعد از انقلاب در این عرصه فعال بوده و تجربه‌های درخور توجهی کسب کرده است. در این نوشتار به برخی از ضرورت‌های کارکردی ساخت مناسک رسانه‌ای، قواعد و هنجارهای برنامه‌سازی آثار و نتایج محقق و مورد انتظار از این نوع فعالیت و موانع و محدودیت‌های رسانه در تأمین این مهم اشاره شده است.

منابع.....

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- استوت، دنیل. ای (۱۳۹۳). *دین و رسانه*. ترجمه امیر یزدیان. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اسماعیلی، محسن و میرلوحی، سیدمحمد (۱۳۹۷). اصل فوریت اجرای شریعت توسط حاکمان و استثنائات آن بر پایه آیات و روایات. *پژوهشنامه قرآن وحديث*، ۲۳، ۹۷-۱۱۷.
- بیرو، آن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پستمن، نیل (۱۳۷۵). *زندگی در عیش، مردن در خوشی*. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- حسام مظاهری، محسن (بی‌تا). در خدمت و خیانت مناسک. در: *جامعه‌شناسی تشیع*، socio-shia.Com
- خجسته، حسن (۱۳۸۲). مناسک رسانه‌ای الگوی تبلیغاتی دین در شبکه‌های عمومی رادیو و تلویزیون. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۳۶، ۵۸-۳۵.
- خجسته، حسن و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۸۶). بررسی نسبت رسانه و دین (مطالعه موردی مناسک رسانه‌ای)، در: *دین و رسانه*. به کوشش محمدرضا جوادی یگانه و حمید عبدالهیان. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- خجسته، حسن (۱۳۸۷). مناسک‌سازی دینی در رسانه (گفت‌وگو). *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۷، ۸۶.
- خجسته، حسن و احمدی، ظهیر (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای و کاربردی رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه*.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *صور ابتدایی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- ذکایی، محمدسعید و اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۹). بازنمایی رسانه‌ای مناسک زیارت اربعین در ایران (سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵۰، ۳۶-۱.
- راووداد اعظم (۱۳۸۶). تعامل دین و رسانه. در: *دین و رسانه*. به کوشش محمدرضا جوادی یگانه و حمید عبدالهیان. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- رباطی، ابوالفضل (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای فربهی مناسک مذهبی. *فرهنگ پژوهش*، ۴۲، ۹۲-۶۵.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۱). *مناسک و آیین‌های شیعی در هند*. تهران: آرما.
- شامحمدی، رستم و پاسالاری بهجانی، فاطمه (۱۳۹۴). مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد آنها). *پژوهشنامه دین، ۱۸، ۷۴-۴۹*.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۴). *سرگرمی رسانه‌ای*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صرامی، سیفالله (۱۳۹۸). بازخوانی دلیل تعظیم شعائر؛ حکم، موضوع و متعلق. *فقه*، ۹۹، ۴۹.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- علی‌نیا خطیر، نادرعلی (۱۳۹۰ الف). حاکم اسلامی و اقامه شعائر دینی. *حکومت اسلامی*، ۶۱، ۱۶۳-۱۹۰.
- علی‌نیا خطیر، نادرعلی (۱۳۹۰ ب). ماهیت شعائر دینی - سیاسی و فلسفه بزرگداشت آن. *حکومت اسلامی*، ۶۰، ۱۳۱-۱۵۴.
- عیسوند، یونس (۱۳۹۱). بررسی ادله، آثار و ملاک دو قاعده حرمت اهانت به مقدسات و وجوب تعظیم شعائر. *سخن جامعه*، ۳، ۴۷-۶۲.
- کاظمی موسوی، احمد (۱۳۸۱). رویکرد علمای شیعه به شعائر و آداب عامه‌پسند. *ایران‌شناسی*، ۱ (۱۴)، ۷۸-۵۴.
- گوئالز، گرگور (۱۳۸۲). گریز از زمان ابعاد آیینی فرهنگ مردم. در: *بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ*. ترجمه مسعود آریایی‌نژاد. تهران: سروش.
- گیویان، عبدالله (۱۳۸۶). کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۰، ۲۸-۱.
- ماهرو، زهرا و سادات کشاورز، زهرا (۱۳۹۶). رسانه و دین: بررسی آثار و کارکردهای نمایش مناسک دینی در رسانه‌ها. *رسانه*، ۱۰۶، ۴۳-۶۲.
- مرتضوی، سیدابراهیم و زارعی، زهرا (۱۴۰۱). بررسی روش‌های تربیت غیرمستقیم مناسک دینی از منظر روایات معصومین (ع). *معارف اهل‌البيت*، ۱، ۷۷-۹۶.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *یادداشت‌های استاد*. چ سوم. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- معتمدی، بشیر (۱۴۰۱). *دین تلویزیون*. تهران: آرما.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ق). *دراسات فی ولا یه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. چ دوم. تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۹). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت (ع)*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: تیبیان.
- هوور، ام. استوارت و لاندبای، نات (۱۳۸۵). *رسانه، دین و فرهنگ*. ترجمه مسعود اولیایی. تهران: سروش

The Right of the Neighbor in Imam al-Sajjad's (peace be upon him) *Risālat al-Ḥuqūq*: A Strategy for Strengthening Social Cohesion

✉ **Hav vā Mo'tamedi Barābād**  / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran
h.motamedi@pnu.ac.ir

Parvaneh Mehrjoo / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2025/04/06 - Accepted: 2026/06/02

p.mehrjoo@pnu.ac.ir

Abstract

This research aims to examine the role of the teachings of Imam al-Sajjad (peace be upon him) in the *Risālat al-Ḥuqūq*, specifically the right of the neighbor, in improving neighborly relations and social cohesion. The research method is qualitative, employing a descriptive-analytical approach, conducted using Islamic sources and related studies. The results indicate that strengthening social cohesion can be achieved through increasing a sense of responsibility and solidifying social identity, building trust and social security, reinforcing solidarity and social participation, preventing and reducing social harms, improving quality of life, and strengthening moral and spiritual values. Factors contributing to the diminished importance of neighborly relations in contemporary societies include structural changes and modern urbanization, cultural and social transformations, psychological factors, and changes in lifestyle. Practical strategies based on the teachings and doctrines of Imam al-Sajjad (peace be upon him) that can contribute to the reconstruction of human relations in societies include: reforming social attitudes through education and cultural cultivation, fostering a culture of respect and good character in neighborly relations, creating opportunities for social interaction at the neighborhood level, promoting a spirit of empathy and mutual assistance, reforming urban laws and policies to strengthen social interactions, utilizing technology to facilitate neighborly communication, and setting a model for other social relationships.

Keywords: Imam al-Sajjad (peace be upon him), *Risālat al-Ḥuqūq*, the right of the neighbor, social cohesion, neighborly relations.

نوع مقاله: ترویجی

حق همسایه در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام راهکاری برای تقویت همبستگی اجتماعی

h.motamedi@pnu.ac.ir

p.mehrjoo@pnu.cam

✉ حوا معتمدی برآبادی  / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پروانه مهر جو / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش آموزه‌های امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، حق همسایگی در بهبود روابط همسایگی و انسجام اجتماعی انجام شده است. روش تحقیق کیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده که با استفاده از منابع اسلامی و تحقیقات مرتبط انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد، از طریق افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تحکیم هویت اجتماعی، ایجاد اعتماد و امنیت اجتماعی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. عواملی که باعث کاهش اهمیت روابط همسایگی در جوامع معاصر شده است، شامل تغییرات ساختاری و شهرنشینی مدرن، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، عوامل روان‌شناختی و تغییر در سبک زندگی. راهکارهای عملی بر اساس تعالیم و آموزه‌های امام سجاد علیه السلام که می‌تواند به بازسازی روابط انسانی در جوامع کمک کند، عبارت‌اند از: اصلاح نگرش اجتماعی از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی، تقویت فرهنگ احترام و حسن خلق در روابط همسایگی، ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی در سطح محله، ترویج روحیه همدلی و کمک به یکدیگر، اصلاح قوانین و سیاست‌های شهری برای تقویت تعاملات اجتماعی، استفاده از فناوری برای تسهیل ارتباطات همسایگی، الگوسازی برای سایر روابط اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه السلام، رساله حقوق، حق همسایه، همبستگی اجتماعی، روابط همسایگی.

مقدمه

انسان‌ها برای تأمین نیازهای خویش، جامعه و اجتماعات کوچک و بزرگ را شکل می‌دهند. این نیازها ابعاد گوناگونی دارند و به بسیاری از این نیازها، تنها در قالب زندگی جمعی می‌توان پاسخ داد. خانواده به‌عنوان جامعه کوچک، نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازهای انسانی باشد و بنابراین در یک سطح گسترده‌تر، محله شکل می‌گیرد (قنبری‌نیک، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). محله به‌مثابه یک اجتماع کوچک طبیعی است که برای برقراری روابط اجتماعی (میان همسایگان) محیط بسیار مساعدی را به وجود بیاورد و همسانی و شباهت در نوع زندگی، موجب شناسایی متقابل و حس تعلق افراد به گروه می‌گردد (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۳). محیط‌های اجتماعی که ما در آنها زندگی می‌کنیم نه‌تنها شامل مجموعه‌های اتفاقی، رویدادها یا کنش‌ها نیستند، بلکه نظم‌های اساسی یا الگوبندی‌هایی در چگونگی رفتار مردم و در روابطی که با یکدیگر برقرار می‌کنند وجود دارد، و کنش‌های همه ما از ویژگی‌های ساختار اجتماعی که در آن پرورش یافته‌ایم و زندگی می‌کنیم، تأثیر می‌پذیرد و در عین حال ما آن ویژگی‌های ساختاری را در کنش‌هایمان بازآفرینی کرده و ممکن است تا حدی نیز تغییر دهیم (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

انسان‌ها نیازمند حمایت‌های اجتماعی از سوی همسایگان و اطرافیان خود هستند، اما گسترش شهرنشینی و تحولات اجتماعی بر انسجام اجتماعی و اخلاقی جوامع، تأثیر منفی گذاشته‌اند. در چنین شرایطی تمرکز و حساسیت بر روابط انسانی و ارتقای ارزش‌های اخلاقی و پایین آوردن هزینه‌های زیست اخلاقی، نیاز واقعی جامعه بوده و یکی از جنبه‌های مغفول‌مانده در این زمینه، روابط همسایگی است که به‌عنوان یکی از ارکان اصلی انسجام اجتماعی و ثبات اخلاقی و به نوعی تنظیم‌کننده ارزش‌ها در جامعه شناخته می‌شود.

همسایگی بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که فرصت ارتباطات اجتماعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد و بدین جهت در تقویت «انسجام شهر» سهم مهمی دارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). وجود تعاملات و همبستگی در درون محلات و در روابط همسایگان، علاوه بر تقویت انسجام شهر، می‌تواند یکی از ابزارهای نظارتی و کنترلی برای کاهش بسیاری از جرائم و بزهکاری‌ها باشد (خطیبی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹)؛ زیرا همبستگی اجتماعی قوی منجر به همنوایی بیشتر اعضای آن با ارزش‌های جامعه می‌شود (دورکیم،

۱۳۸۷، ص ۶۲). هدف از زندگی هر شخص در هر جامعه و در هر مقطع زمانی می‌تواند متفاوت با اوضاعی دیگر باشد، هدف از برقراری ارتباط نیز در هر لحظه ممکن است جدا از لحظه بعد باشد، اما شاید بتوان گفت که سهم عمده‌ای از هدف برقراری ارتباط، تأثیرگذاری است و حوزه این تأثیر نیز بسیار وسیع است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۸، ص ۴۴).

«موضوع همسایگی یک پیوند عظیم اجتماعی است، که اسلام به آن توجه دارد و طبق فطرت انسان‌هاست، منتهی در پیچ‌وخم تمدن‌های دور از فطرت انسانی این ارزش‌ها گم شده است، فرد نمی‌داند در همسایگی‌اش چه کسی ساکن است و چگونه زندگی را می‌گذراند، به نیازهای افراد در هنگام مشکلات چه کسی باید رسیدگی کند، باید همسایگان را رعایت کنید، نه فقط از لحاظ بعد اقتصادی، بلکه از همه جهات انسانی» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳).

همسایگان در حقیقت نزدیک‌ترین بخش افراد جامعه هستند که هر خانواده‌ای با آنها در ارتباط است و نیازها و مشکلات خود را با آنها در میان می‌گذارد (قنبری‌نیک، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹). همسایگی یک رابطه نزدیک و روزمره است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها بگذارد. درحالی‌که این رابطه در فرهنگ سنتی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار بوده، اما در زندگی مدرن تا حد زیادی از اهمیت آن کاسته شده است. کاهش تعاملات همسایگی و بی‌توجهی به حقوق همسایگان، مشکلاتی چون انزوای بی‌اعتمادی، درگیری‌های محلی و کاهش روحیه همکاری و همدلی را به دنبال داشته است. این موضوعات به‌شدت بر ضرورت بازنگری در مفهوم و کارکرد پیوند همسایگی تأکید دارد (افشاری، ۱۳۹۸). در مدلی مانند مدل ماریچ سکوت، تأثیر متقابل بین ارتباط جمعی، ارتباط فردی و درک شخصی از فکر خویشتن را در رابطه با افکار دیگران در جامعه، مورد بررسی قرار می‌دهد و تفکر شخصی یک فرد، وابسته به درجات وسیعی از آن چیزی است که دیگران فکر می‌کنند و شاید بتوان گفت اکثر افراد کوشش می‌کنند که از داشتن یک نگرش و باور به صورت منزوی و تنها اجتناب کنند. بنابراین فرد به محیط اطرافش آنچنان نگاه می‌کند که بیاموزد کدام نظریات، حکم‌فرما، شایع و غالب است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۹، ص ۴۵۹).

رعایت احترام و حمایت از همسایه باعث ایجاد «اعتماد» بین افراد می‌شود و این اعتماد پایه و مبنایی برای روابط سالم اجتماعی

می‌باشد. سرمایه اجتماعی به نوبه خود به ثبات و پایداری محله‌ها کمک می‌کند و میل به مشارکت در جامعه محلی، احساس اعتماد و امنیت را افزایش می‌دهد. احساس امنیت و تعلق خاطر در محله باعث می‌شود مردم و همسایه‌ها با هم راحت‌تر ارتباط برقرار کنند و شبکه‌های حمایتی قوی تشکیل دهند. این مسئله در مواقع بحران خیلی کارآمد بوده و از طرفی نیز الگویی برای نسل‌های بعدی محسوب شده که فرهنگ احترام و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند (بخشی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸).

پس از خانواده و دوستان، این همسایگان هستند که نقش حامی را ایفا می‌کنند و به دلیل نزدیکی می‌توانند به سرعت به مردم کمک کنند و در مواقع اضطراری عملکردی حیاتی داشته باشند و احساس امنیت بیشتری برای افراد همسایه ایجاد کنند. هرچه روابط بین همسایگان بیشتر باشد، همسایگان از زندگی اجتماعی خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند (بخشی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹).

تعداد سال‌هایی که مردم در یک مکان زندگی کرده‌اند، اعتماد اجتماعی بین فردی، حمایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی و دینداری در سطح روابط همسایگی مؤثر بوده است. در پژوهشی دیگر افزایش تعاملات محله‌ای در افزایش احساس تعلق به اجتماع، امید به آینده، تشویق کمک به دیگران، رعایت عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حضور در انجمن‌های محلی، گسترش احترام به دیگران و صبر در برابر مشکلات و تقویت حس نشاط اجتماعی مؤثر بوده است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

رساله حقوق امام سجاد^ع از آثار برجسته و گران‌بهای در میراث اسلامی است که حقوق بشر را در ابعاد مختلف به طور جامع تبیین می‌کند. این اثر که در قالب مجموعه‌ای نظام‌مند و منسجم از حقوق نوشته شده، بیانگر نگاه عمیق امام چهارم شیعیان به مفهوم حقوق در روابط انسانی، اجتماعی، الهی و طبیعی بوده است. امام سجاد^ع در این رساله نه تنها به حقوق خداوند و وظایف انسان در قبال او اشاره کرده است، بلکه حقوق متقابل افراد، روابط اجتماعی و حتی وظایف انسان نسبت به اعضای بدن خود را مورد توجه قرار داده است. رساله حقوق شامل ۵۱ حق است که به سه حوزه کلی، حقوق الهی، حقوق فردی و حقوق اجتماعی تقسیم می‌شود.

در شرایطی که زندگی شهری منجر به کاهش ارتباطات اجتماعی شده، بازخوانی و اجرای آموزه‌های دینی می‌تواند نقش

مؤثری در احیای فرهنگ تعاون و همدلی ایفا نموده و به همبستگی بیشتر کمک کند. با توجه به این موارد و در نظر داشتن وضعیت فعلی جامعه، ضرورت بهره‌مندی از آموزه‌های رساله حقوق و نیاز ما به رعایت حقوق همسایگان بیشتر احساس می‌شود. با این حال، این اثر هنوز به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و قابلیت‌های عملی آن برای حل معضلات اجتماعی به اندازه کافی بررسی نشده است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که مفاهیم رساله حقوق امام سجاد^ع چگونه می‌تواند به بهبود روابط انسانی، تحکیم مبانی اخلاقی و رفع چالش‌های اجتماعی و حقوقی جامعه معاصر کمک کند؟

تحقیق حاضر با رویکرد اخلاقی اجتماعی، با صیغه کاربردی و با تمرکز بر فرمایشات امام سجاد^ع، در رساله حقوق انجام گرفته است و اهداف آن شامل:

- تحلیل محتوای رساله حقوق امام سجاد^ع بخش مربوط به حقوق همسایگان؛

- تبیین نقش و چگونگی تأثیر رعایت حقوق همسایگی در تقویت همبستگی اجتماعی و اخلاقی؛

- ارائه راهکارهایی برای اجرای آموزه‌های امام سجاد^ع در جوامع معاصر.

سؤال‌هایی که مقاله به آنها پاسخ می‌دهد عبارت است از: (۱) آموزه‌های امام سجاد^ع در مورد حق همسایه چگونه می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند؟ (۲) چه عواملی از اهمیت روابط همسایگی در جوامع معاصر کاسته است؟ (۳) آموزه‌های رساله حقوق امام سجاد^ع چگونه می‌تواند به بازسازی روابط انسانی در جوامع شهری و مدرن کمک کند؟

پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف روابط همسایگی، انسجام اجتماعی و جایگاه آموزه‌های اسلامی در این زمینه پرداخته‌اند. به برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده اشاره می‌شود:

وجدانی (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «رویکرد اخلاقی به شناسایی و سازماندهی مؤلفه‌های اخلاق همسایگی بر اساس دیدگاه امام سجاد^ع» پرداخته است. براساس یافته‌های محقق، ارزش‌های اخلاقی را در هفت محور اخلاق عمومی همسایگی، اخلاق ورزشی با همسایه بلا دیده، اخلاق شکایت از همسایه، اخلاق مشورت بین همسایگان، اخلاق ورزشی با همسایگان سالخورده، اخلاق مواجهه با

مفهوم «همسایه بودن» وابسته به روابط اجتماعی ساکنان همسایه در سطوح و مقیاس‌های مختلف است.

مقاله «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت» (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۳)؛ این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی با حجم نمونه ۳۸۴ نفر انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی محله، به‌ویژه متغیرهای امنیت اجتماعی، کنترل اجتماعی و رضایت از محله مسکونی افراد با روابط همسایگی رابطه مستقیم و معناداری دارد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که روابط همسایگی با افزایش سن افزایش می‌یابد و از نظر سطح روابط همسایگی بین زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد.

پایان‌نامه حقوق همسایگان و قوانین آپارتمان‌نشینی در فقه اسلامی (صفری، ۱۳۸۹)؛ نویسنده از منظر فقه اسلامی، بر اساس اصل عدم ضرر، تعارض اصل به موضوع پرداخته است. عدم آسیب، حقوق صاحبان آپارتمان و... همچنین به عوامل ترویج فرهنگ آپارتمان‌نشینی اشاره کرده است.

با بررسی مطالعات انجام‌شده مشخص می‌شود که پژوهش‌های صورت‌گرفته بیشتر به ابعاد جامعه‌شناختی و شهرسازی روابط همسایگی پرداخته‌اند، اما به‌طور خاص، تأثیر آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه آموزه‌های امام سجاد بر انسجام اجتماعی و روابط همسایگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر آموزه‌های رساله حقوق امام سجاد، چارچوبی دینی و اجتماعی برای ارتقای تعاملات همسایگی و تقویت همبستگی اجتماعی ارائه دهد.

۱. مفهوم و حدود همسایه

از نظر زبانی به دو یا چند نفری که زیر سایه یک سقف باشند یا اتاق‌ها یا خانه‌هایشان به هم متصل یا نزدیک هم باشد همسایه می‌گویند (معین، ۱۳۸۷، ص ۸۶۹). همسایه کسی است که محل سکونتش به محل زندگی شما نزدیک باشد.

دیویس و هربرت (۱۹۹۳) همسایگی را دارای سه بعد فضایی (قلمرو جغرافیایی)، عاطفی (دلبستگی اجتماعی) و بعد اجتماعی (روابط و مبادلات اجتماعی) می‌دانند (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰).

پیامبر اکرم ﷺ در مورد حدود همسایگی فرمودند: تا چهل خانه از روبه‌رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ همسایه محسوب می‌شود.

کودکان همسایه و اخلاق برخورد با همسایه ضرور صورت‌بندی کرده است. در این تحقیق پایه‌های شناختی، عاطفی و نگرشی اخلاق‌ورزی همسایگی نیز شناسایی و تبیین شد.

مقاله «عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح روابط همسایگی: مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل» (رازقی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ یافته‌های پژوهش نشان داده که روابط همسایگی در این شهر کمتر از حد متوسط یا ضعیف است. با این حال، هرچه مردم سال‌های بیشتری در یک مکان زندگی کرده باشند، سطح روابط همسایگی بیشتر می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که مستقیم‌ترین عامل مؤثر بر روابط همسایگی، متغیر اعتماد اجتماعی بین فردی است. پس از آن عامل دینداری و احساس امنیت بر سطح روابط همسایگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشت، اما متغیر حمایت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر روابط همسایگی نداشت، بلکه تأثیر غیرمستقیم داشت.

کتاب درآمدی بر الگوی روابط همسایگی در اسلام و الزامات آن در شهرسازی و معماری اسلامی (یوسف‌زاده و ترکی، ۱۳۹۶)؛ نویسندگان اصول حاکم بر روابط همسایگی، از جمله اصل عدالت (مانند احترام به حریم خصوصی) و اصل خیرخواهی (مانند حسن معاشرت) را مطرح کردند و پیامدهای این بحث را در شهرسازی و معماری اسلامی بررسی کرده‌اند.

مقاله «تعریف جامعه‌شناختی محله آرمانی از نگاه ساکنان» (قرشی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ نویسندگان نتیجه سه مضمون اصلی را یافته‌اند، سرمایه اجتماعی، اخلاق (عدالت، احترام و خوش‌اخلاقی) و کالبد شهری.

مقاله «اخلاق همسایه‌داری و حقوق همسایگی در نظام معماری و شهرسازی اسلامی ایران» (ولی‌زاده اوغانی و ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۵)؛ نویسندگان بررسی مفاهیم مرتبط با همسایه و حقوق همسایگی در اسلام و نمود آن را در کالبد معماری و شهرسازی اسلامی ایران تحلیل و تفسیر کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رعایت اخلاق همسایه‌داری و حقوق همسایگی از اصول مهم و ثابت در معماری و شهرسازی سنتی بوده است.

مقاله «بررسی دو مفهوم همسایگی و همسایه بودن» (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵)؛ نویسندگان در این نوشتار مفاهیم تخصصی در حوزه طراحی و معماری شهری را مقایسه کرده‌اند و دریافته‌اند که واحد همسایگی کیفیتی است که بر بعد کالبدی تأکید دارد، اما

شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همشینیان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.

قرار گرفتن مراعات حق همسایه در کنار حق بندگی، نیکی به والدین، خویشاوندان و نیازمندان، نشان از اهمیت فراوان همسایه‌داری در منظر قرآن دارد در این آیه (نساء: ۳۶) در خصوص همسایگان، اعم از مسلمان، خویشاوند و حتی غیرمسلمان، متضمن برنامه‌ای است که اگر از سوی مسلمانان به کار گرفته شود، بسیاری از مشکلات جوامع انسانی به لحاظ امنیت روانی، تسهیلات زندگی، بهبود مناسبات اجتماعی، مرتفع می‌گردد ارتباط با همسایگان و خوشرفتاری با مردم در فرهنگ قرآن و عترت به آن درجه‌ای از اهمیت است که معصومان^ع در سخنانی گهربار این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم^ص ذکر نموده‌اند و نیکی با همسایه را در ردیف واجباتی چون نماز و از جمله مکارم اخلاق برشمرده‌اند (عسگری، ۱۳۸۸).

در برخی روایات، سعادت انسان در گرو رضایت همسایه شمرده شده است. برخی روایات احترام به همسایه را در حد احترام به مادر معرفی کرده‌اند. پیامبر اکرم^ص می‌فرمایند: آیا شما می‌دانید حق همسایه چیست؟ حق همسایه آن است که اگر از تو یاری خواست، یاری‌اش کنی، اگر قرض خواست به او بدهی، اگر نیازمند شد او را رسیدگی کنی، اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه‌اش بروی، اگر به او خیر و خوشی رسید، او را تهنیت گویی، اگر مصیبتی دید تسلیت‌اش دهی، بنای ساختمان خود را از ساختمان او بلندتر نکنی که نتواند از هوای آزاد استفاده کند، مگر آنکه اجازه دهد. هر گاه میوه‌ای برای منزل خود خریدی برای او هدیه ببر و اگر نپذیرفت به‌نحوی به او برسان و مواظب باش فرزندان تو موجب خشم او نشوند. با بوی غذاهای خود او را ناراحت نکنی، مگر آنکه به او هم از غذا بدهی. سوگند به کسی که جان من در دست اوست، حق همسایه را کسی نمی‌تواند برآورده سازد، مگر آنکه خدا به او رحم کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۶۸۵).

در زندگی دنیوی زندگی آرام و بی‌حاشیه منوط به داشتن ارتباط سالم و تعامل مناسب با همسایگان است. اگر انسان در محل سکونت و در میان همسایگان آرامش داشته باشد، بخشی از سعادت دنیوی او تأمین می‌شود. از امور مربوط به حقوق همسایه در اسلام می‌توان به انتخاب همسایه، دلسوزی و همدلی با همسایه، امنیت برای همسایه، حق تقدم همسایه، تکریم همسایه، شفاعت همسایه و...

(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۸۴). با توجه به این حدیث، همسایگی طیف گسترده‌ای از ساکنان محله را شامل می‌شود که افراد در برابر آنها مسئولیت اخلاقی و حقوقی دارند (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۸).

همسایگی معنایی بسیار غنی‌تر و عمیق‌تر از مجاورت فیزیکی دارد. مفهوم واقعی و غنی همسایگی با نوعی احساس تعلق، حمایت و مسئولیت همراه است و رعایت اصول اخلاقی فوق، می‌تواند یک مجتمع مسکونی را به یک «واحد اجتماعی منسجم» تبدیل کند. به‌معنای ظریف‌تر، می‌توان گفت که در چنین فضایی، همسایگان نه تنها با یکدیگر احساس آرامش و امنیت می‌کنند، بلکه نقش فعال و برجسته‌ای در روند «رشد و تعالی» یکدیگر دارند (وجدانی، ۱۳۹۷، ص ۷۵).

۲. اخلاق همسایگی و حق همسایه در اسلام

از ویژگی‌های حق، این است که فایده متقابل دارد، چنین نیست که همسایه‌ای به عهده دیگران حقوقی داشته باشد، ولی خودش نسبت به مجاوران حتی بر عهده نداشته باشد. هر کسی تصور می‌کند به گردن دیگری حقی دارد، باید متوجه باشد که او نیز مدیون است. رعایت حقوق و آداب همسایگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی سالم خواهد شد که خود، بستر ساز ایجاد محبت، همدلی و همراهی است (قنبری‌نیک، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹). زندگی اجتماعی انسان در عین حال که محسنات دارد، می‌تواند آثار زیانبار و منفی هم داشته باشد. از این رو لازم است قوانین و دستوراتی وضع شود تا زندگی اجتماعی سر و سامان یابد و افراد بتوانند به زندگی خویش در کنار جمع ادامه دهند. یکی از مواردی که نیاز به وجود قوانین و دستورات اخلاقی و فقهی دارد، همسایه‌داری است. اسلام به‌عنوان یک دین کامل و اجتماع‌ساز و تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان، توصیه‌ها و دستورات اخلاقی و حقوقی را برای همسایه‌داری در نظر گرفته است که با مراعات آنها، انسان‌ها می‌توانند در کنار هم به‌راحتی و آسایش زندگی کنند (خرمی، ۱۳۸۶، ص ۸۴).

جایگاه اسلام در مورد همسایگی به حدی است که خداوند در آیه ۳۶ سوره نساء آن را در کنار حق بندگی خدا و نیکی به پدر و مادر و یتیمان و خویشاوندان می‌داند: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا»؛ و خدا را بپرستید، و چیزی را

اشاره کرد. اسلام از طریق وضع قانون الهی، القای ارزش‌های اخلاقی به پیروانش و ایجاد حلقه‌های ارتباطی، نقش عمده‌ای در وحدت بخشیدن به جامعه اسلامی ایفا کرده است (نصر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵).

۳. جایگاه حقوق همسایه در رساله حقوق

یکی از مهم‌ترین محورهای اجتماعی در رساله حقوق، حق همسایه است که امام سجاد^{علیه السلام} به تفصیل آن را بیان کرده است. این حق به دلیل تأثیر عمیقی که بر روابط اجتماعی و تقویت همبستگی جامعه دارد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام سجاد^{علیه السلام} در بخشی از رساله حقوق در مورد همسایه چنین می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ الْجَارِ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ كَرَامَتُهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ وَ مَعُونَتُهُ فِي الْخَالَيْنِ جَمِيعًا لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً وَ لَا تَبْحَثْ لَهُ عَنْ سَوَآةٍ لِتَعْرِفَهَا فَإِنَّ عَرَفْتَهَا مِنْهُ مِنْ غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْكَ وَ لَا تَكْلِفْ كُنْتَ لِمَا عَلِمْتَ حَصْنًا حَصِينًا وَ سِتْرًا سَتِيرًا لَوْ بَحَثْتَ الْأَسِنَّةَ عَنْهُ ضَمِيرًا لَمْ تُصِلْ إِلَيْهِ لِأَنْطَوَائِهِ عَلَيْهِ لَا تَسْمَعْ عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَ لَا تُخْسِدُهُ عِنْدَ نِعْمَةٍ تُقِيلُهُ عَثْرَتَهُ وَ تَغْفِرْ زَلَّتَهُ وَ لَا تَذْخُرْ حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهِلَ عَلَيْكَ وَ لَا تَخْرُجْ أَنْ تُكُونَ سَلَامًا لَهُ تَرُدُّ عَنْهُ لِسَانَ الشَّتِيمَةِ وَ تُبْطِلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ النَّصِيحَةِ وَ تُعَاشِرُهُ مَعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ و اما حق همسایه عبارت از این است که حرمت او را در نبودنش حفظ کنی و در حضورش محترم شماری و هنگامی که به او ظلمی می‌شود، یاری‌اش دهی. و به جست‌وجوی عیب‌هایش نپرداز. و اگر هم ناخودآگاه و بدون اراده به عیبی از او پی بردی، آن را نگهداری و بپوشانی به حدی که اگر نیزه‌ها برای یافتن آن جست‌وجو کنند، آن را نیابند، در غیاب او، هر آنچه بر ضرر اوست گوش مده، در سختی او را رها مکن، و در نعمت بر او حسد مبر، و کار نادرست او را ببخش، و اگر با تو جاهلانه رفتار کرد با بردباری از او درگذر، با او با مسالمت رفتار کن و زبان دشنام را از او دور ساز. و نیرنگ اندرزگویی دروغین را بی‌اثر کن، با بزرگواری با او رفتار کن (رساله حقوق امام سجاد^{علیه السلام} ص ۲۹).

امام سجاد^{علیه السلام} در رساله حقوق به‌طور جامع و دقیق به حقوق همسایه پرداخته و نکات متعددی را در مورد تعامل با همسایه‌ها بیان کرده است، از جمله: احترام و تکریم همسایه، حمایت و یاری همسایه، دفاع

از همسایگان در برابر ظلم و ستم و پرهیز از آزار و اذیت همسایه، رعایت حریم خصوصی همسایه، خیرخواهی، همکاری و مشارکت در کارهای خیر با همسایه، رعایت حقوق مالی همسایه، رعایت حقوق معنوی همسایه، صلح و آشتی با همسایه، رعایت حقوق همسایه در امور اجتماعی و توجه به نیازهای روحی و عاطفی همسایه.

این آموزه‌ها چارچوبی عملی و اخلاقی برای روابط همسایگی فراهم می‌کند که نتیجه‌اش تقویت فرهنگ همبستگی، احترام و توسعه اخلاق فردی و اجتماعی و رشد جامعه خواهد بود. اسلام برای همسایگان همچون خویشاوندان، حقوقی را قائل گردیده و هر کس بخواهد آنها را نادیده تلقی نماید و یا تضییع کند، گناهکار و متجاوز به‌شمار می‌آید (عسگری، ۱۳۸۸).

دین مبین اسلام برای حقوق شخصی و مصالح عمومی انسان‌ها دستورات و توصیه‌های مؤثر و مفیدی دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، روابط مستحکم بین مسلمانان از طریق اخلاق، رفتار محبت‌آمیز و احترام به حقوق یکدیگر قابل استحکام است. احکام و فقه اسلامی با بیان حقوق بین افراد، الگوهای رفتاری مطابق با شرع را بیان می‌کند؛ زیرا یکی از اهداف مهم اسلام، ایجاد نظام اخلاقی در جامعه بشری است. اخلاق در سطح عملی با شریعت آمیخته است که به‌عنوان یک قانون الهی همه مسائل شرعی و حقوقی را در مباحث حقوقی جمع می‌کند. اخلاق و حقوق با مطالبات برخاسته از فرهنگ، آداب و احکام اسلامی، طیف وسیعی از ارزش‌ها، رفتارها، آداب و رسوم، تعاملات اجتماعی و مسائلی از این قبیل، از جمله در زمینه زندگی با همسایگان را دربر می‌گیرد. احترام به حقوق همسایگان در زندگی مسلمانان سستی به تدریج منجر به ایجاد پیوندهای محکم همسایگی در اکثر شهرهای اسلامی شده است (ولی‌زاده اوغانی و ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۵، ص ۵۵).

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و ائمه معصومین^{علیهم السلام} بارها در مورد اهمیت رعایت حقوق همسایگان فرموده‌اند: جبرئیل در مورد حقوق همسایه آن‌قدر مرا نصیحت کرد که فکر کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد. حضرت زهرا^{علیها السلام} در نماز شب برای همسایگانش دعا می‌کرد و چون علتش را می‌پرسیدند، می‌گفت: اول همسایه، سپس خانه. امام حسن^{علیه السلام} در امر تقسیم اموال، همواره توجه به همسایگان نیازمند را در اولویت قرار می‌دادند.

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی و کاربردی است. تحقیقات کاربردی در جست‌وجوی اهداف عملی است (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۴۹) و

یکدیگر احترام می‌گذارند، حس اعتماد و اطمینان بین آنان شکل می‌گیرد. این اعتماد پایه روابط سالم اجتماعی است و افراد احساس می‌کنند در محیطی امن زندگی می‌کنند. رعایت حقوق همسایگی مانند پرهیز از آزار و تجاوز به حریم خصوصی، چه واقعی و چه مجازی از بروز اختلافات پیشگیری می‌کند و جامعه را از نزاع‌های بی‌ثمر دور نگه می‌دارد.

رابرت پاتنام در کتاب *بولینگ به‌تنهایی* (۱۹۹۵)، اشاره می‌کند که کاهش تعاملات اجتماعی در جوامع مدرن، در سطح محله‌ها و جوامع کوچک‌تر باعث کاهش همکاری، اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌شود. در صورتی که مردم در تعاملات روزمره خود حقوق همدیگر را رعایت کنند، احساس تعلق بیشتری به جامعه خواهند داشت. این امر موجب افزایش اعتماد عمومی و همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵، ص ۳۶).

آموزه‌های امام سجاد^ع مردم را به رعایت اخلاق در برابر همسایگان تشویق می‌کند. این رفتارها به مرور باعث ایجاد اعتماد در سطح محله و سپس در کل جامعه خواهد شد. اعتماد، خود زمینه‌ساز شکل‌گیری همکاری‌های اجتماعی است که پایه‌ای برای توسعه جوامع است. اگر آموزه‌های امام سجاد^ع در جامعه نهادینه شود، همسایگان می‌دانند که مورد احترام و حمایت قرار خواهند گرفت و نیازی به نگرانی درباره آزار یا بی‌توجهی از سوی دیگران ندارند. این اعتماد عمومی باعث کاهش تنش‌ها و اختلافات در سطح محله و در نهایت در کل جامعه خواهد شد.

۴-۳. تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی

همبستگی اجتماعی در لغت به معنای اتحاد، هماهنگی و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و اعمال مشترک است. همبستگی، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا گروه آگاه و دارای اراده که شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و حتی وابستگی متقابل زندگی و علائق آنهاست. در زبان جامعه‌شناسی، همبستگی به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که بر اساس آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته بوده و متقابلاً به یکدیگر نیاز دارند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴). حمایت از همسایه در مشکلات و مشارکت در کارهای خیر و همکاری برای

به بهبود روش‌های اجرا کمک می‌کند. این پژوهش نیز با هدف کمک به ارائه راهکار برای تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه انجام شد. این پژوهش از روش کیفی و اسنادی بهره برده است. منابع اصلی شامل متون اسلامی، تفاسیر و پژوهش‌های مرتبط است. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا انجام شده است. در روش تحلیلی، اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق بررسی اسناد، شواهد و کتب به گونه‌ای تنظیم می‌شود که بتوان به سؤالات تحقیق پاسخ داد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳). در این تحقیق برای پاسخ به سؤالات تحقیق، منبع اصلی رساله حقوق امام سجاد^ع مورد بررسی تحلیلی قرار گرفت.

۴. تقویت همبستگی اجتماعی با رعایت حق همسایه در آموزه‌های امام سجاد^ع

در رساله حقوق امام سجاد^ع، حق همسایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی مطرح شده و این حقوق فراتر از تعاملات روزمره و نیازهای مادی است و به نوعی یک پیمان اخلاقی و انسانی میان همسایگان ایجاد می‌کند. در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان کرد به واسطه عوامل زیر می‌توان به تقویت همبستگی اجتماعی ایجاد کرد.

۴-۱. افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تحکیم هویت اجتماعی

وقتی همسایگان در قبال یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند، هویت جمعی و حس تعلق در بین اهالی محله و منطقه تقویت می‌شود و این احساس تعلق پایه مشارکت در امور عمومی و پیشرفت جامعه است و باعث کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌ها، همسایگی نقش مهمی در انتقال سنت‌ها و آداب نیکو دارد. رعایت حقوق همسایه به حفظ این میراث فرهنگی کهن و ارزشمند کمک می‌کند. آموزه‌های امام سجاد^ع از ما می‌خواهند که مشکلات همسایگان خود را مشکلات خود بدانیم و در رفع آنها تلاش کنیم. چنین رفتاری موجب می‌شود که افراد در جامعه حس حمایت و امنیت داشته باشند که این خود زیربنای همبستگی اجتماعی است.

۴-۲. ایجاد اعتماد و امنیت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام اجتماعی، سطح سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهایی است که به افراد اجازه می‌دهد در درون گروه‌ها همکاری کنند. وقتی همسایه‌ها به حقوق

۴-۵. بهبود کیفیت زندگی

زندگی در محله‌ای که همسایگان به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند و نسبت به یکدیگر بخشش و گذشت دارند، استرس ناشی از تعاملات منفی را کاهش می‌دهد و آرامش روانی را برای همه به ارمغان می‌آورد. و همچنین مشارکت در برنامه‌هایی مانند پاک‌سازی محله و رعایت قوانین مشاعات، نظافت محله، رعایت حقوق مالی و حفظ حریم خصوصی، محیطی پاک و سالم ایجاد می‌کند که بر سلامت جسمی و روحی ساکنان تأثیر مستقیم دارد.

۴-۶. تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی

رعایت حقوق همسایگی موجب تقویت فضایل اخلاقی، مانند کمک‌رسانی، احترام، گذشت و مسئولیت‌پذیری در جامعه می‌شود. این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و فرهنگ جامعه را ارتقا می‌دهد. از نگاه اسلامی رعایت حقوق همسایه نه تنها یک رابطه اجتماعی، بلکه عملی عبادی است. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق تسریع می‌کنند که رعایت این حقوق رضایت خداوند را در پی دارد و باعث تقرب به او می‌شود.

۵. آسیب‌شناسی روابط همسایگی

در گذشته، روابط همسایگی یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی اجتماعی بود. مردم با همسایگان خود رابطه نزدیکی داشتند و در سختی‌ها و شادی‌ها کنار یکدیگر بودند. اما در جوامع امروزی، این روابط تا حد زیادی کمرنگ شده است. کاهش تعاملات همسایگی یک روند اجتماعی است که در نتیجه تغییرات فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیک رخ داده است. برای تحلیل این موضوع، باید عوامل مختلف را در سه سطح ساختاری، فرهنگی و روان‌شناختی بررسی کنیم.

۵-۱. تغییرات ساختاری و شهرنشینی مدرن

- معماری و شهرسازی مدرن: مطالعات نشان می‌دهد که الگوی شهری تأثیر قابل‌توجهی بر روابط همسایگی، کمک‌رسانی و پیوندهای اجتماعی دارد. بی‌شک تحول روزافزون در زندگی شهری و شهرنشینی، روابط همسایگی را تحت تأثیر قرار داده است (حیاتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۴۲). در گذشته، خانه‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که تعاملات همسایگی افزایش یابد. خانه‌های حیاطدار و

حل مسائل محله، روحیه جمع‌گرایی را تقویت می‌کند. این موضوع، به‌ویژه در مواقع بحران مانند بلایای طبیعی، بیکاری و یا تورم بالا حیاتی است. کمک به همسایگان در مواقع سختی و مشکلات باعث تقویت احساس امنیت و اعتماد متقابل در محله‌ها می‌شود. زمانی که همسایه با مشکلات مالی یا بیماری مواجه است، کمک و حمایت از او نه تنها روابط بین افراد را تقویت می‌کند، بلکه روحیه همکاری را در سطح جامعه ارتقا می‌دهد.

توجه به نیازهای مادی و عاطفی همسایه‌ها، شبکه‌های غیررسمی حمایتی در جامعه ایجاد می‌کند که می‌تواند جایگزین و یا مکمل نهادهای رسمی شود. افزایش پیوند با محله و همدات‌پنداری با همسایگان به افزایش روابط بین افراد منجر می‌شود و باعث تعدیل پیامدهای جامعه مدرن و مشکلات خانوادگی می‌شود. به تدریج منجر به افزایش احساس مسئولیت و تعهد مدنی می‌شود (بخشی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲). در تعالیم اسلامی، حمایت از دیگران و همکاری در امور خیر اهمیت بسیاری دارد. اگر افراد از همسایگان خود حمایت کنند، این فرهنگ به تدریج در سطح گسترده‌تر جامعه نیز گسترش می‌یابد و باعث افزایش روحیه همکاری و مشارکت اجتماعی می‌شود و روابط عاطفی و انسانی میان افراد را تقویت می‌کند، که در نهایت منجر به کاهش انزوا و تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود. در چنین جامعه‌ای، مردم به جای بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات دیگران، به کمک هم می‌شتابند و احساس همبستگی قوی‌تری خواهند داشت.

۴-۴. پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی

در جامعه‌ای که به حقوق همسایگان خود پایبند باشند، رفتارهای ناپسند مانند حسادت، دشمنی، غیبت و بدگویی و بسیاری از مشکلات اجتماعی، کاهش می‌یابد. این امر موجب سلامت روانی و اجتماعی بیشتر در جامعه شده و زمینه‌ای برای زندگی مسالمت‌آمیز و همدلانه فراهم می‌کند. آموزه‌های امام سجاد علیه السلام در زمینه حقوق همسایه، از طریق تقویت تعاملات اجتماعی و همکاری متقابل، می‌تواند به بهبود همبستگی اجتماعی کمک کنند. این آموزه‌ها زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه متعهد و همبسته هستند که در آن افراد نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند.

۵.۳. عوامل روان‌شناختی و تغییر در سبک زندگی

- افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی: در جوامع مدرن، مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتمادتر شده‌اند. این بی‌اعتمادی باعث شده که افراد تمایل کمتری به ایجاد روابط با همسایگان داشته باشند.

- کاهش تحمل و سازگاری اجتماعی: در جوامع سنتی، مردم یاد گرفته بودند که چگونه با همسایگان خود کنار بیایند و مشکلات را از طریق گفت‌وگو حل کنند. امروزه، میزان تحمل اجتماعی کاهش یافته و افراد در مواجهه با کوچک‌ترین اختلافات، رابطه خود را قطع می‌کنند. در جوامع مدرن، عواملی مانند شهرنشینی، فناوری‌های جدید، فردگرایی، مشکلات اقتصادی و کاهش سرمایه اجتماعی باعث کم‌رنگ شدن روابط همسایگی شده‌اند. برای احیای این روابط، باید به تقویت تعاملات اجتماعی و ایجاد فرصت‌های ارتباطی بین همسایگان پرداخت.

۶. سیره امام سجاده در بازسازی روابط انسانی در

جوامع شهری و مدرن

امام سجاده^ع در رساله حقوق، بر اخلاق نیکو، احترام متقابل و توجه به حقوق دیگران تأکید دارند. این آموزه‌ها می‌توانند راهگشای بازسازی روابط انسانی در جوامع مدرن باشند. برخی از راهکارهای عملی که بر اساس تعلیم ایشان قابل اجرا هستند، عبارت‌اند از:

۶-۱. اصلاح نگرش اجتماعی از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی
یکی از دلایل کاهش روابط همسایگی، ناآگاهی از اهمیت آن است. آموزه‌های امام سجاده^ع نشان می‌دهند که رابطه همسایگی فراتر از یک ارتباط عادی است و بُعد اخلاقی و انسانی دارد. مدارس، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی می‌توانند این ارزش‌ها را ترویج دهند تا نسل جدید نسبت به حقوق همسایگان آگاهی بیشتری پیدا کند.

۶-۲. تقویت فرهنگ احترام و حسن خلق در روابط همسایگی
ترویج فرهنگ احترام و همدلی در میان همسایگان، که می‌تواند از طریق آموزش و رسانه‌های جمعی تقویت شود. امام سجاده^ع توصیه می‌کنند که باید با همسایگان با خوشرفتاری برخورد کرد و به آنها احترام گذاشت. ترویج این فرهنگ از طریق آموزش‌های خانوادگی، رسانه‌های جمعی و برنامه‌های فرهنگی می‌تواند روابط انسانی را بهبود بخشد و موجب افزایش تعاملات مثبت شود.

کوچه‌های باریک امکان برخوردهای مکرر را فراهم می‌کرد. امروزه، آپارتمان‌نشینی و برج‌های مسکونی، معماری مدرن، و کاهش فضاهای مشترک، فرصت تعاملات اجتماعی را محدود کرده و موجب کاهش روابط همسایگی شده است. در جوامع شهری، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، افراد در آپارتمان‌های مجزا زندگی می‌کنند و تعامل آنها با یکدیگر بسیار کمتر از گذشته است، در آپارتمان‌ها معمولاً ارتباط همسایگان به حداقل می‌رسد.

- گسترش جوامع صنعتی و مشاغل تخصصی: افزایش ساعات کاری، تردهای طولانی‌مدت و فشارهای اقتصادی باعث شده که افراد بیشتر بر کسب درآمد و تأمین نیازهای مادی تمرکز کنند و فرصت کمتری برای ایجاد روابط اجتماعی و ارتباط با همسایگان داشته باشند. سبک زندگی مبتنی بر رقابت اقتصادی، اولویت‌های مردم را تغییر داده و روابط انسانی به حاشیه رانده شده است.

۵.۲. تغییرات فرهنگی و اجتماعی

- فردگرایی و کاهش احساس تعلق به اجتماع: آنتونی گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی به این نکته اشاره می‌کند که شهرنشینی، موجب ایجاد سبک زندگی فردگرایانه شده است. امروزه ارزش‌های فردگرایانه، بیش از ارزش‌های جمع‌گرایانه در جامعه ترویج شده‌اند. مردم ترجیح می‌دهند ارتباطاتشان را محدود کنند و تمرکز بیشتری بر حریم خصوصی خود داشته باشند و بیشتر وقت خود را به کار، تحصیل، یا سرگرمی‌های شخصی اختصاص دهند. افزایش مشغله‌های روزمره و تمایل به زندگی مستقل باعث شده که افراد کمتر برای ایجاد و حفظ روابط همسایگی وقت بگذارند.

- تأثیر فناوری بر کاهش تعاملات حضوری: محسنیان‌راد در کتاب *ارتباطات انسانی* توضیح می‌دهد که پیشرفت فناوری‌های ارتباطی (مانند رسانه‌های اجتماعی) باعث شده است که تعاملات انسانی بیشتر به فضای مجازی منتقل شود. در نتیجه، روابط واقعی همسایگی کاهش یافته و تعاملات دیجیتال جایگزین آن شده است. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از ارتباطات که پیش‌تر به‌صورت حضوری انجام می‌شدند، به فضای مجازی منتقل شده‌اند. درحالی‌که این ابزارها ارتباط را تسهیل کرده‌اند، اما باعث کاهش روابط عمیق انسانی و تعاملات واقعی شده‌اند. مردم ممکن است ساعت‌ها با دوستان مجازی خود در ارتباط باشند، اما حتی نام همسایگان خود را ندانند.

۶-۳. ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی در سطح محله

یکی از مشکلات جوامع شهری، نبود فرصت‌های مناسب برای تعامل میان همسایگان است. برگزاری مراسم محلی، برنامه‌های فرهنگی، و نشست‌های همسایگی می‌تواند باعث آشنایی و نزدیکی بیشتر افراد شود. ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی از طریق برنامه‌های محلی، جشن‌های محله‌ای و فعالیت‌های خیریه، که موجب آشنایی و ارتباط بیشتر میان همسایگان می‌شود.

۶-۳. ترویج روحیه همدلی و کمک به یکدیگر

در رساله حقوق، امام سجاد^{علیه السلام} تأکید دارند که انسان نباید نسبت به مشکلات دیگران بی‌تفاوت باشد. اگر این آموزه‌ها در جامعه گسترش یابند، افراد بیشتری به حمایت از همسایگان خود خواهند پرداخت و شبکه‌ای از حمایت اجتماعی شکل خواهد گرفت که می‌تواند از بروز مشکلات جلوگیری کند. افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تأکید بر نقش همسایگان در حمایت از یکدیگر، به‌ویژه در بحران‌ها و سختی‌ها نقش مؤثری در ترویج روحیه همدلی و ارتباط با همسایه‌ها دارد.

۶-۴. اصلاح قوانین و سیاست‌های شهری برای تقویت تعاملات اجتماعی

شهرسازی مدرن باید به نحوی باشد که تعاملات انسانی را افزایش دهد و به بهبود قوانین و سیاست‌های شهری برای تسهیل ارتباط میان ساکنان کمک کند. طراحی ساختمان‌ها با فضاهای مشترک برای تعامل ساکنان، توسعه برنامه‌های مدیریت شهری برای افزایش مشارکت ساکنان در امور محله، ایجاد فضاهای عمومی مناسب برای تعامل اجتماعی مانند پارک‌های محله‌ای، مراکز فرهنگی و بازارهای محلی می‌تواند فرصتی برای تعامل و ایجاد روابط نزدیک‌تر میان ساکنان یک محله فراهم کند (توسلی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱).

۷. استفاده از فناوری برای تسهیل ارتباطات همسایگی

اگرچه فناوری در برخی موارد باعث کاهش ارتباطات حضوری شده است، اما می‌توان از آن برای تقویت روابط همسایگی نیز استفاده کرد. ایجاد گروه‌های مجازی محلی برای هماهنگی کمک‌رسانی، تبادل اطلاعات و برگزاری رویدادهای اجتماعی می‌تواند به بازسازی روابط انسانی کمک کند.

۶-۶. الگوسازی برای سایر روابط اجتماعی

روابط سالم همسایگی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر تعاملات اجتماعی مانند روابط کاری، خانوادگی یا دوستی عمل کند. اگر افراد در سطح محله یاد بگیرند چگونه با یکدیگر تعامل کنند، این مهارت به سطوح گسترده‌تر در جامعه تسری می‌یابد. مانند آموزش کودکان، تشکیل گروه‌های دوستی و استفاده از رسانه‌های محلی. جامعه‌ای که در محله‌ها منسجم باشد در نهادهای بزرگتر مانند دولت یا سازمان‌های مردم‌نهاد نیز کارآمدتر عمل می‌کند؛ زیرا مردم به همکاری و مشارکت عادت کرده‌اند.

با عمل به این آموزه‌ها، می‌توان به تدریج روابط انسانی را در جوامع شهری و مدرن تقویت کرد و از انزوای اجتماعی کاست.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج یافته‌های پژوهش، در پاسخ سؤال اول، می‌توان بیان کرد: کاربرد عملی آموزه‌های امام سجاد^{علیه السلام} در مورد حق همسایه در جامعه، از طریق افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تحکیم هویت اجتماعی، ایجاد اعتماد و امنیت اجتماعی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

نتایج پژوهش در این بخش با نتایج وجدانی (۱۳۹۷)، رازقی و همکاران (۱۳۹۶)، یوسف‌زاده و ترکی (۱۳۹۶)، قرشی و همکاران (۱۳۹۶)، ولی‌زاده اوغانی (۱۳۹۵)، سرعلی و پوردیهیمی (۱۳۹۵)، رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

در پاسخ سؤال دوم، نتایج پژوهش نشان داد عواملی که باعث کاهش اهمیت روابط همسایگی در جوامع معاصر شده است، شامل: الف) تغییرات ساختاری و شهرنشینی مدرن، معماری و شهرسازی مدرن، گسترش جوامع صنعتی و مشاغل تخصصی؛ ب) تغییرات فرهنگی و اجتماعی، فردگرایی و کاهش احساس تعلق به اجتماع، تأثیر فناوری بر کاهش تعاملات حضوری؛ ج) عوامل روان‌شناختی و تغییر در سبک زندگی، افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی، کاهش تحمل و سازگاری اجتماعی. این نتایج با نتایج کوثری (۱۳۹۴)، صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹)، مطابقت دارد.

نتایج پاسخ سؤال سوم نشان می‌دهد برخی از راهکارهای عملی

منابع.....

- که می‌تواند به بازسازی روابط انسانی در جوامع شهری و مدرن کمک کند و بر اساس تعالیم و آموزه‌های امام سجاد^ع عبارت‌اند از: اصلاح نگرش اجتماعی از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی، تقویت فرهنگ احترام و حسن خلق در روابط همسایگی، ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی در سطح محله، ترویج روحیه همدلی و کمک به یکدیگر، اصلاح قوانین و سیاست‌های شهری برای تقویت تعاملات اجتماعی، استفاده از فناوری برای تسهیل ارتباطات همسایگی، الگوسازی برای سایر روابط اجتماعی، این نتایج با نتایج بخشی و همکاران (۱۳۹۹) و صفری (۱۳۸۹) مطابقت دارد.
- به‌طور کلی می‌توان بیان کرد با عمل به این آموزه‌ها، می‌توان به تدریج روابط انسانی را در جوامع شهری و مدرن تقویت کرد و از انزوای اجتماعی کاست. رساله حقوق امام سجاد^ع منشور اخلاقی و حقوقی جامعه‌ای است که به تمام ابعاد زندگی انسان می‌پردازد. حقوق همسایگان به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی رساله حقوق امام سجاد^ع، نه تنها تکلیفی شرعی است، بلکه عامل کلیدی در ساخت جامعه‌ای سالم پایدار و انسانی محسوب شده و رعایت اصول همسایگی با ایجاد اعتماد، کاهش تنش‌ها، تقویت همبستگی و گسترش ارزش‌های اخلاقی بستری را فراهم می‌کند که در آن افراد احساس امنیت، آرامش و تعلق خاطر کرده و چنین جامعه‌ای نه تنها در برابر چالش‌ها مقاوم‌تر، بلکه به سوی پیشرفت و تعالی نیز در حرکت خواهد بود. آموزه‌های امام سجاد^ع می‌تواند به‌عنوان الگویی برای احیای روابط همسایگی و تقویت تعاملات انسانی در جوامع مدرن مورد استفاده قرار گیرند.
- پیشنهادهای**
- با توجه به یافته‌های پژوهش، درباره آموزه‌های امام سجاد^ع و نقش همسایگی در تقویت همبستگی اجتماعی، می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را ارائه داد:
- برنامه‌هایی برای ترویج تعاملات محلی نظیر جشن‌ها، بازارهای محلی و فعالیت‌های فرهنگی که مردم را به هم نزدیک‌تر کند و فرصتی برای ارتباطات فراهم کند، ایجاد شود.
 - گروه‌های محلی یا انجمن‌های همسایگی برای تبادل تجربه و همکاری در حل مشکلات محله، مانند ساماندهی محله و مسائل اجتماعی تشکیل شود.
 - پلتفرم‌های آنلاین یا اپلیکیشن‌های محلی برای تسهیل ارتباط و هماهنگی میان همسایگان و تبادل اطلاعات، مانند فعالیت‌ها و نیازهای اجتماعی توسعه یابد.
- قرآن کریم.
- رساله حقوق امام سجاد^ع (۱۳۹۵). ترجمه و شرح جمعی از نویسندگان. قم: بوستان کتاب.
- افشاری، محمدحسین (۱۳۹۸). حق همسایه در رساله حقوق امام سجاد^ع. در: rasekhoon.net
- باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی. حصون، ۶، <https://ensani.ir>
- بخشی، پریسا و همکاران (۱۳۹۹). بررسی نقصان روابط همسایگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در ۹ محله شهر تهران. مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۱۱)، ۳۵-۷.
- پاتنام، رابرت دی (۱۹۹۵). بولینگ به تنهایی؛ فروپاشی و بازسازی سرمایه اجتماعی در آمریکا. ترجمه قربان عباسی. تهران: شمع آوید.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی شهری. تهران: دانشگاه پیام نور.
- حیاتی، حامد و همکاران (۱۴۰۲). تبیین تأثیر الگوی کالبدی بافت‌های مسکونی بر تعاملات همبستگی در محلات. هویت شهر، ۵۵ (۱۷)، ۳۵-۵۰.
- خرمی، جواد (۱۳۸۶). جایگاه همسایه‌داری در اسلام. میلان، ۹، ۸۴-۹۲.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۲۲ (۷)، ۱۰۷-۱۳۴.
- دلاور، علی (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دورکیه، امیل (۱۳۸۷). قواعد روش جامعه‌شناسی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
- رازقی، نادر و همکاران (۱۳۹۵). عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح روابط همسایگی: مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل. جامعه‌شناسی ایران، ۳ (۱۷)، ۷۷-۴۹.
- رستگار خالد، امیر و همکاران (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه شهر آران و بیدگل). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۱ (۴)، ۹۱-۱۲۶.
- سرعلی، رضا و پوردیبهیمی، شهرام (۱۳۹۵). بررسی دو مفهوم همسایگی و همسایه بودن. صفا، ۷۲ (۲۶)، ۲۴-۵.
- سرمذ، زهره و همکاران (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چ بیست و هشتم. تهران: آگه.
- صدیق سروسنایی، رحمت‌الله و نیمروزی، نوروز (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۴۷، ۱۸۵-۲۲۰.
- صفری، اعظم (۱۳۸۹). حقوق همسایگان و قوانین آپارتمان‌نشینی در فقه اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات. تهران: دانشگاه پیام نور.

عسگری، حین (۱۳۸۸). *امام سجاد^{علیه السلام} و حقوق همسایگان*. در: پایگاه تبیان،

<https://www.tebyan.net>

فلاحی، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۸). اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی در قرآن و روایات. *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، ۳ (۲)، ۱۱۲-۷۹. قرشی، سیده‌مائده و همکاران (۱۳۹۶). تعریف جامعه‌شناختی محله آرمانی از نگاه ساکنان (مطالعه پدیدارشناسی: محله کن منطقه ۵ شهر تهران).

توسعه اجتماعی، ۲ (۱۲)، ۵۲-۳۹.

قنبری‌نیک، سیفالله (۱۳۹۴). روابط همسایگی در سبک زندگی اسلامی.

مطالعات اجتماعی، ۴ (۱)، ۱۳۷-۱۰۸.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۹). *ارتباط‌شناسی*. تهران: سروش.

معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: فرهنگ‌نما.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۸). *قلب اسلام*. تهران: نشر نی.

وجدانی، فاطمه (۱۳۹۷). پایه‌ها و مؤلفه‌های اخلاق همسایگی بر اساس دیدگاه

امام سجاد^{علیه السلام}: *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱ (۸)، ۷۸-۵۹.

ولی‌زاده اوغانی، محمدباقر و ولی‌زاده اوغانی، اکبر (۱۳۹۵). اخلاق

همسایه‌داری و حقوق همسایگی در نظام معماری و شهرسازی اسلامی

ایران. *مهندسی فرهنگی*، ۱۶ (۱۰)، ۷۴-۵۴.

یوسف‌زاده، حسن و ترکی، هادی (۱۳۹۶). *درآمدی بر الگوی روابط همسایگی*

در اسلام و الزامات آن در شهرسازی و معماری اسلامی. قم: مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

یوسفی، علی و همکاران (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر

مشهد. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱ (۷)، ۱۶۱-۱۳۸.

Methods of the Islamic State's Engagement with Cyberspace with Emphasis on the Thoughts of Imam Khamenei

Muhammad 'Ali Mohiti Ardakān / Associate Professor, Department of Philosophy, Imam Khomeini Educational and Research Institute mohiti@iki.ac.ir

 **Malihah Sheykhi-Zadeh Bāfqī** / Level Four Seminary Student, Qur'anic Sciences and Teachings, Higher Education Institute of Hazrat Zahra (peace be upon her), Meybod shikhizade59@gmail.com

Received: 2025/01/08 - **Accepted:** 2025/05/18

Abstract

For the progress of Islamic society, the Islamic state must intelligently fulfill its inherent duties across all domains. Modern communication technologies have created a new space known as cyberspace. To safeguard against harms and exploit opportunities, it is necessary to present the principles and methods of the Islamic state's engagement with cyberspace based on religious foundations. Employing an analytical-descriptive method, this research examines the methods of the Islamic state's engagement with cyberspace, emphasizing the thoughts of Imam Khamenei. The findings indicate that, considering a political system based on the jurisprudential rules of Islam and with a view to the thoughts of the Supreme Leader of the Revolution, the following methods can be inferred for the Islamic state's engagement with cyberspace: future studies and intelligent counteraction, enlightenment and the jihad of clarification, negating foreign dominance over media technology and achieving independence in this arena, and the management of cyberspace. Finally, the method of exporting the revolution and Islamic values is derived from the words of the Supreme Leader. The method of negating foreign dominance over media technology and achieving independence in this arena is implemented through two strategies: the Islamization of communication and media studies, and scientific advancement in modern information and communication technologies. The method of managing cyberspace is also implemented through two strategies: legislation and the establishment of a national information network.

Keywords: Islamic state, cyberspace, future studies, method of engagement, Imam Khamenei.

نوع مقاله: ترویجی

شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی با تأکید بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای

mohiti@iki.ac.ir

محمدعلی محیطی اردکان / دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

shikhizade59@gmail.com

کلیه ملیحه شیخی‌زاده بافقی  / طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآنی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

چکیده

حکومت اسلامی برای پیشرفت جامعه اسلامی باید در تمام عرصه‌ها وظایف ذاتی خود را هوشمندانه انجام دهد. فناوری‌های نوین ارتباطی، فضای جدیدی به نام فضای مجازی را ایجاد کرده است. برای ایمنی از آسیب‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها، ضرورت دارد اصول و شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی بر پایه مبانی دینی ارائه شود. در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی، شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی با تأکید بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای بررسی می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که با توجه به نظام سیاسی مبتنی بر قواعد فقهی اسلام و با نگاهی به اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب می‌توان شیوه‌های زیر را در نحوه مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی استنباط کرد: آینده‌پژوهی و مقابله هوشمندانه، روشنگری و جهاد تبیین، سلب سلطه بیگانه از فناوری رسانه و کسب استقلال در این عرصه، مدیریت فضای مجازی و در نهایت، شیوه صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی از کلام رهبر انقلاب به دست می‌آید. شیوه سلب سلطه بیگانه از فناوری رسانه و کسب استقلال در این عرصه با اجرای دو راهکار اسلامی سازی دانش ارتباطات و رسانه و پیشرفت علمی در فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات اجرا می‌شود. شیوه مدیریت فضای مجازی نیز با اجرای دو راهکار قانون‌گذاری و ایجاد شبکه ملی اطلاعات اجرا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حکومت اسلامی، فضای مجازی، آینده‌پژوهی، شیوه مواجهه، امام خامنه‌ای.

مقدمه

مهم‌ترین مسئولیت حکومت اسلامی، بنا بر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین حکومتی مسیر عبودیت الهی را طی کرده و به کمال معنوی و الهی برسند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، امکانات گسترده‌ای را در اختیار بشر قرار داده است. فرصت‌های ایجادشده برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی مغتنم است. ازجمله وظایف ذاتی حکمرانی اسلامی مدیریت فضای مجازی است، به‌گونه‌ای که آسیب‌ها و تهدیدها به حداقل برسد و زمینه استفاده سالم و مبتنی بر ارزش‌های الهی برای مردم فراهم شود. امام خامنه‌ای بارها به مسئله فضای مجازی اشاره فرموده و اهمیت آن را خاطرنشان کرده است. توسعه ادبیات حکومتی فضای مجازی پیشران در نظام اسلامی نیازمند تحقیق بیشتر درباره این پدیده نوظهور و مهم است. بدین‌سان پژوهش حاضر درصدد بررسی شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب است.

هرچند تأکید بر رابطه فضای مجازی با حکومت اسلامی، به‌ویژه بعد از گسترش یافتن آن در ایران اسلامی و ناظر به اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در مقام ثبوت از همان ابتدای انقلاب اسلامی آغاز شده و به تدریج گسترش یافته، اما در مقام اثبات هنوز اثری که شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی را با تأکید بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای بررسی کند یافت نشد. در سال‌های اخیر برخی نویسندگان کوشیده‌اند از زوایایی خاص به این مسئله نگاه کنند. برای نمونه و تا آنجا که به حکومت اسلامی مربوط می‌شود، مقاله «وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تأمین امنیت در فضای سایبر با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (حسنی و کریمیان کریمی، ۱۳۹۹)، از منظر فقه سیاسی، وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تأمین امنیت در فضای سایبر را بررسی و جایگاه این وظیفه را در بیانیه گام دوم مشخص کرده است. مقاله «مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی از منظر فقه و حقوق» (حیدری و عندلیب، ۱۳۹۶)، مسئولیت حکومت دینی در فضای مجازی در بخش اقدامات مرتبط با پیشرفت اقتصادی، علمی، معنوی و اخلاقی با ادله فقهی وجوب جلب مصلحت و

منفعت، وجوب دفع ضرر و قوانین برنامه توسعه و شورای عالی مجازی، گسترش دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک می‌داند و با توجه به فلسفه تشکیل حکومت دینی و ادله فقهی - امر به معروف و نهی از منکر، وجوب تعلیم و تربیت، ادله ولایت فقیه - و نیز اصول موجود در قوانین موضوعه ایران، حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی را یکی از وظایف حکومت دینی بیان می‌کند که یکی از مصادیق آن، حراست و حفاظت از فضای مجازی برای جلوگیری از آسیب‌رسانی به اعتقادات شهروندان است. بر این اساس، لازم است با بازخوانی نظام کلی اندیشه امام خامنه‌ای شیوه‌های مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی بررسی شود. بحث را با مفهوم‌شناسی آغاز می‌کنیم:

۱. مفاهیم

۱-۱. فضای مجازی

فضای مجازی، فضایی است که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می‌دهد (oxforddictionaries.com). عبارت فضای مجازی برگردان عبارت (cyberspace) است. این تعبیر که از دو واژه (space) و (cybernetic) تشکیل شده، ریشه یونانی دارد و به واژه (kybernetes) برمی‌گردد (www.etymonline.com).

این واژه به یونانی به معنای راهنما، فرماندار و حکومت است (www.merriamwebster.com). واژه (cybernetics) در سال ۱۳۸۰م از ریشه یونانی آن در زبان فرانسه، واژه (cybernetique) ایجاد شد که به معنای هنر حکومت‌داری است (en.wiktionary.org). بنابراین، برخلاف تعریف رایج، عبارت (cyberspace) به معنای فضای حکمرانی است، نه فضای مجازی. پس، تعریف اصطلاحی مناسب برای این تعبیر که با اهداف، ویژگی‌ها و کارکردهای آن سازگار باشد، بدین شرح است: «فضای مجازی عبارت است از: محیطی که در آن برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات بر بستر زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌واسطه دستگاه‌های ارتباطی و اطلاعاتی و در ساختارها و قالب‌هایی به‌عنوان خدمات به انسان‌ها مبتنی بر سیاست‌ها، قوانین و مقررات حاکمان طراحی و کنترل می‌شود» (کهوند و صدری، ۱۴۰۰). در این تعریف به این حقیقت اشاره شده که فضای مجازی به نوعی فضای حکمرانی بر

مجموعه ساختار حاکمیتی کشور، اعم از نهادها و افرادی است که با هدف اجرای قوانین اسلام در تنظیمات اجتماعی فعالیت دارند.

۲. شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی

بر اساس دیدگاه‌های امام خامنه‌ای، به‌عنوان فقیه و بزرگ‌ترین حاکم اسلامی دوره معاصر، شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی در نظام سیاسی مبتنی بر قواعد فقهی اسلام، به ترتیب زیر به دست می‌آید:

۱-۲. شیوه

شیوه به‌معنای طور، طرز و روش به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۴). در این تحقیق شیوه به همان معنای روش است. روش ممکن است به مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴). در این پژوهش روش به‌معنای مجموعه طرقی است که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند.

۱-۳. حکومت اسلامی

امام خامنه‌ای به استناد آیه «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳)، حکومت اسلامی را حکومتی می‌داند که آئین حکمرانی آن از کتاب خدا گرفته می‌شود و پیش‌فرض تعبیر «لیحکم» با توجه به فاعل آن، حکومت قرآن کریم در «همه تنظیم‌های اجتماعی» است (ر.ک. بیانات رهبر معظم انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). همچنین نظام اسلامی را نظامی مبتنی بر هندسه الهی برای جامعه معرفی می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶). هر نظامی، اعم از نظام‌های اجتماعی یا دیگر نظام‌ها، مجموعه‌ای از اجزای به‌هم‌پیوسته و هدفمندی است که در پی تحقق اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند، بنابراین نظام سیاسی اسلامی را می‌توان ساختار سیاسی متشکل از نهادها و افرادی دانست که با هدف حاکمیت قوانین الهی اسلام در جامعه فعالیت می‌کند. عبارت هندسه الهی در کلام امام خامنه‌ای به بعد ساختاری نظام و هدف غائی نظام اسلامی اشاره دارد. در مجموع منظور از حکومت اسلامی در پژوهش حاضر،

۲-۱. آینده‌پژوهی و مقابله هوشمندانه

لازمه مواجهه مناسب با هر پدیده جدید، ازجمله فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوشمندی در رصد دقیق آن پدیده و اوضاع پیرامون آن به‌منظور تبیین، تفسیر، پیش‌بینی و واپایشش است. فهم دقیق ماهیت فضای سایبر، اهداف سازندگان آن، نحوه مدیریت این فضا، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ساختاری آن در نحوه مواجهه با فضای مجازی ضروری است. در غیر این صورت، عمق نفوذ و اثرگذاری این فناوری نوین بر حوزه‌های متفاوت زندگی بشر درک نخواهد شد. درک نادرست از واقعیت یک پدیده باعث بروز آسیب‌های متفاوت در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و جمعی انسان‌ها خواهد شد. در اندیشه امام خامنه‌ای یکی از راه‌های مواجهه با فضای مجازی، آینده‌پژوهی و مقابله هوشمندانه با آن است. با توجه به فرایند تحولی تهدیدها، دانشگاه‌های نظامی باید برای مقابله با تهدیدهای جدید برنامه داشته باشند و این امر در پژوهش‌های دانشگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این، باید تهدیدهای جدید را پیش‌بینی و پس از آن واپایش کرد:

فرض کنید امروز تهدیدهای فضای مجازی وجود دارد که ده سال پیش به این صورت وجود نداشت و ممکن است چند سال بعد از این [هم] تهدیدهای دیگری از همین قبیل به وجود بیاید؛ افراد با فکر ما بنشینند و با استفاده از خرد جمعی و پژوهش‌های دانشگاه‌های ما اینها را پیش‌بینی کنند. این بایستی بخش مهمی از فعالیت دانشگاه‌های ما باشد و دانشگاه‌ها حرف جدی باید در این زمینه برای گفتن داشته باشند (بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۳۹۹/۷/۲۱).

جدید ارتباطات و اطلاعات بستری برای پایش و مدیریت اندیشه و اراده ملت‌هاست. در فضای مجازی جبهه باطل محتوای مورد نظر خود را در قالب‌های گوناگون ارائه می‌دهد. رنگ و لعاب طنز، سرگرمی، فیلم، پویانمایی و دیگر جلوه‌های متفاوت هنری، پلیدی و نادرستی افکار شیطانی را تزئین می‌کند. دشمن برای حق جلوه دادن محتوای باطل خود از فنون رسانه‌ای زیادی بهره می‌گیرد و قدرت شناختی افراد و جامعه اسلامی را مختل می‌کند، بنابراین لازم است حکومت اسلامی بنا بر وظیفه هدایتگری خود این حقایق را برای توده مردم تبیین کند و با روشنگری افکار عمومی شیوه مواجهه مناسبی با فضای مجازی اتخاذ کند.

۲-۳. سلب سلطه بیگانه از فضای مجازی و ارتباطی

اصل نفی سبیل یکی از قواعد مهم سیاسی اسلام است. فقها در موارد زیادی آن را مبنای استنباط احکام قرار داده‌اند. قاعده به این ترتیب است: حرمت اعمالی که اسباب سلطه و ولایت دشمنان دین و یا غیرمسلمانان را بر مسلمان فراهم سازد، بنابراین قاعده واضح است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۹۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹). در قرآن و سیره پیامبر ﷺ نیز نفی سلطه کفار بر مسلمانان، اصل مسلم فقهی سیاسی است. سلطه کفار در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... ممنوع است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷). امام خامنه‌ای با اشاره به مستند قرآنی اصل نفی سبیل می‌فرماید: آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) به این معناست که خداوند مؤمنان را زیردست و زبون کفار قرار نداده است. به عبارتی اگر مفاد این آیه در ملت‌های اسلامی به درستی اجرا می‌شد و مسلمانان با حفظ استقلال خود، به اجرای احکام سیاسی، اقتصادی، عبادی اسلام در جامعه می‌پرداختند عزت و پیشرفت اسلام و مسلمین را تضمین می‌کردند. به این جهت ایشان سلطه دشمنان و غارت و چپاول مال و ناموس مسلمانان به دلیل عدم اجرای آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» می‌دانند (پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۰/۳/۲۶). اصل نفی سبیل از اصول مهم حاکم در کشورهای اسلامی است. قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی اسلام، کارکرد وسیعی دارد و فقها و علمای طراز اول شیعه، با استناد به قاعده نفی سبیل، بارها

تنوع، گستردگی و سرعت رشد فضای مجازی تهدیدات جدیدی را برای جوامع پدید خواهد آورد. از این‌روست که اندیشه‌ورزی و فهم دقیق یک پدیده و پیش‌بینی مختصات رشدی آن در آینده، مقابله هوشمندانه با آن را رقم خواهد زد.

بدین‌سان، امام خامنه‌ای با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی، وجود هیئت‌های اندیشه‌ورز در رأس کار و در لایه‌های حضور در این جنگ نرم را لازم دانسته است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳). با تسلط کافی بر فضای مجازی می‌توان آن را هدایت و کنترل کرد، در غیر این صورت، به‌گونه‌ای مقهور و مغلوب خواهیم شد که کاستن فاصله تا وضع مطلوب نیازمند شتابی چند برابر و رقابتی نابرابر خواهد بود. با آینده‌پژوهی می‌توان فکر، خبر و تحلیل را به‌صورت هوشمندانه و از طریق فضای مجازی هدایت و منتقل کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رضائی دانشجویان، ۱۴۰۲/۱/۲۹).

۲-۲. روشنگری و جهاد تبیین

تبیین حقایق و روشنگری اذهان مردم در مورد ماهیت حقیقی فناوری‌های نوین اطلاعاتی، یکی دیگر از شیوه‌های مقابله با فضای مجازی از منظر امام خامنه‌ای است. اگر مردم نسبت به ماهیت، منافع و آسیب‌های فضای مجازی آگاه باشند نحوه مواجهه خود را با فضای مجازی مدیریت خواهند کرد و پشتوانه اجرایی قوی برای عملیاتی‌شدن تصمیمات حکمرانی خواهند بود. آگاهی و فهم جمعی از یک موضوع، برنامه‌ریزی برای مواجهه مناسب با آن را رقم می‌زند.

امام خامنه‌ای در نحوه مقابله با دروغ‌فکنی‌های دشمن در فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها به جهاد تبیین امر می‌کنند و یکی از نقاط آسیب‌پذیری دشمن را روشن‌بینی افراد بیان می‌کنند. تسلط بر مغزها و اندیشه مردم را برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها می‌دانند، به این دلیل که اگر مغز یک ملت تصرف شد، آن ملت سرزمین خودش را با دستان خود به دشمن تقدیم می‌کند؛ بنابراین با روشنگری باید اندیشه و مغزها را حفظ کرد. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۱/۹/۵).

نکته تبیینی مهم در ضمن توصیه به روشنگری و جهاد تبیین در کلام ایشان، این است که عمده فعالیت و برنامه‌ریزی دشمن در فضای مجازی در جهت تسلط بر مغزهاست. در زمان حاضر فناوری

شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، (۱۳۹۵/۷/۵).

در وضعیت غلبه دشمن در حکمرانی بر فضای مجازی، زمینه سلطه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی دشمن بر جامعه اسلامی فراهم شده است. به استناد اصل نفی سبیل، باید سلطه دشمن در این فضا نیز رفع شود و حکمرانی و مدیریت این فضا در دست حکومت اسلامی قرار گیرد. طبق نظر امام خامنه‌ای یکی از راه‌های نفوذ، مسئله فضای مجازی است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از استادان نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۳/۸) و طبق قاعده نفی سبیل باید این راه نفوذ را سد کرد.

با توجه به اندیشه امام خامنه‌ای به‌منظور سلب سلطه بیگانه از فناوری رسانه و کسب استقلال در این عرصه می‌توان دو راهکار زیر را پی گرفت:

راهکار اول: بومی‌سازی دانش ارتباطات و رسانه

قدم اول در سلب سلطه دشمن در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، اسلامی‌سازی دانش رسانه و ارتباطات است. امام خامنه‌ای حوزه علمیه را به پایه‌گذاری مستحکم علوم انسانی، مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام توصیه می‌کنند. به عبارتی علوم اسلامی باید متناظر با مسائل علوم انسانی و مبتنی بر تفکرات اسلامی شکل بگیرد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲). نظریات حوزه دانش رسانه و ارتباطات مانند دیگر علوم انسانی غربی مبتنی بر تفکرات مادی‌گرایی، لذت‌طلبی و فردگرایی ارائه شده است. در نتیجه ساختار و طراحی محصولات فناوری اطلاعات نیز بر اساس نیازهای بشر مادی صورت گرفته است. اسلامی‌سازی دانش ارتباطات و رسانه بر مبنای معارف و آموزه‌های اسلامی، نحوه به‌کارگیری فناوری و همچنین ساختار ابزار رسانه‌ای را تغییر خواهد داد. بر مبنای علوم انسانی نوع نیازها و شیوه پاسخ به نیازها تغییر می‌کند. علوم انسانی غربی مبتنی بر لذت‌طلبی و فردگرایی، نیازهای مادی را تنها نیازهای انسان قلمداد کرده و محصولات فناوری و ساختار ابزار را تنها برای ارضا این نوع نیازها طراحی و تولید می‌کند. ظاهرگرایی، جلوه‌گری، لذت‌طلبی، مصرف‌گرایی، راحت‌طلبی و... ارمغان ابزارهای رسانه‌ای نوین است، ولی بر مبنای علوم اسلامی، انسان علاوه بر بعد مادی،

مسلمانان را از سقوط در دام سلطه استعمارگران نجات داده‌اند. از نمونه‌های روشن استناد به این قاعده، نهضت تحریم تنباکو است که در مبارزه با تلاش‌های استعماری انگلیس برای تسلط بر اقتصاد ایران، با یاری عالمان دینی به رهبری مرجع تقلید زمان، میرزا محمدحسن شیرازی شکل گرفت (تهرانی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). در دوران تحریم تنباکو به دست میرزای بزرگ شیرازی، بین عالمان بزرگ ایران و عراق همچون حاج آقا نورالله و آقا نجفی اصفهانی، آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، محدث نوری و... جریانی برای تحریم کالاهای خارجی و با تأکید بر استفاده از کالاهای داخلی، به هدف نفی سبیل کفار در عرصه اقتصادی شکل گرفت (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۹۲-۸۱).

امام خمینی ره فتاوی تاریخی ضدآمریکایی و ضدکاپیتولاسیون خود را بر اساس قاعده فقهی نفی سبیل صادر کرد. آغاز اعلامیه امام، بعد از نام خدا با آیه «وَلَنُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۹ و ۴۱۵). امام خامنه‌ای در سال ۱۳۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، با استناد به قاعده نفی سبیل، قطع تمامی روابط سیاسی و اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های سلطه‌گر و مستکبر را از اولین روزهای پیروزی انقلاب، به پیروی از اصول اعتقادی اسلام اعلام می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱). هم‌اکنون نیز سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی، اعم از سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی بر پایه نفی سبیل است. برای نمونه سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط امام خامنه‌ای در سال ۱۳۷۸ و سیاست‌های کلی برنامه پنجم در سال ۱۳۸۸ بر اساس این قاعده تدوین شده است و نقش مهم نفی سبیل را در سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد. بدین ترتیب اصل نفی سبیل یکی از اصول حاکم بر دیپلماسی و روابط بین‌الملل اسلامی در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد (شکوری، ۱۳۶۷، ص ۳۶۷). امام خامنه‌ای، فعالیت‌های امروز دشمن را حتی اگر به فرض، فعالیت نظامی باشد با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور می‌دانند. ایشان حتی فعالیت‌های اقتصادی، امنیتی و روانی دشمن در فضای مجازی را با هدف تسلط بر فکر و روح ملت قلمداد می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره

دارای بعد روحانی و معنوی است. بنابراین بر اساس علوم اسلامی ساختار محصولات فناوری تغییر کرده و ابزارهای رسانه‌ای به گونه‌ای طراحی می‌شوند که هم‌زمان برای تمام نیازهای انسان با اولویت پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی همراه باشند.

راهکار دوم: تسلط عملی بر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات

بعد از اسلامی‌سازی دانش ارتباطات و رسانه، کسب توانایی در طراحی و تولید ابزارهای رسانه ضروری است. تسلط بر فناوری و بومی‌سازی فناوری، قدرت طراحی و تولید ابزار را به همراه خواهد داشت. امام خامنه‌ای در این زمینه به اتکا به نیروهای داخلی و عزم جدی بر پیشرفت و تولید ابزارهای رسانه‌ای سفارش‌های فراوانی دارند. ایشان با استناد به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰)، تعبیر «رِبَاطِ الْخَيْلِ» را مصداق ابزار می‌دانند و معتقد هستند ابزار باید پیشرفته و ناوابسته باشد؛ ابزار را باید ابداع و تولید کرد تا مالکیت ابزار به نیروی داخلی تعلق داشته باشد. همچنین ابزار باید به‌روز و متنوع باشد، یعنی متناسب با زمین و آسمان و فضا و دریا و مرز و درون کشور طراحی و ساخته شود. درنهایت ایشان مسئله فضای مجازی را جزو ابزار می‌دانند و سفارش می‌کنند با تمام استطاعت و قدرت در گسترش و ارتقاء فناوری در عرصه ارتباطات و اطلاعات کوشش کنید (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۸/۷/۲۱).

تسلط بر فناوری‌های نوین، در ابعاد اقتصادی فرهنگی و امنیتی منافع زیادی برای جامعه خواهد داشت. ایجاد اشتغال، جلوگیری از خروج ارز، کاهش هزینه‌های اقتصادی برای کاربران ازجمله فواید اقتصادی پیشرفت در تولید ابزارهای نوین ارتباطی است. جلوگیری از استحاله فرهنگی، نشر و گسترش ارزش‌های ملی و مذهبی، جلوگیری از آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز ازجمله فواید پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه فرهنگی است. جلوگیری از خروج کلان‌داده‌ها، حفظ اطلاعات مردم، جلوگیری از جرائم رایانه‌ای، حفظ جان نخبگان جامعه، حفاظت از زیرساخت‌های

امنیتی و نظامی از فواید امنیتی پیشرفت در این عرصه است. از نظر امام خامنه‌ای اهمیت و ضرورت پیشرفت در حوزه فضای مجازی همانند اهمیت پیشرفت در حوزه‌های دیگر مانند پزشکی و درمان، هسته‌ای، نانو و زیست‌فناوری است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). همچنین ایشان با توجه به نوپدید بودن فضای مجازی، فکرهای جدید و راه‌های ابتکاری را برای مصونیت افراد و جامعه از مشکلات و آسیب‌های این فضا لازم می‌دانند. درواقع دانش و نوآوری را در مواجهه با این فضا ضروری عنوان می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۴۰۰/۲/۲۱).

ایجاد شبکه ملی اطلاعات نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. توضیح آنکه شبکه ملی اطلاعات درواقع، همان اینترنت با مدیریت داخلی و با همه استانداردهای فرهنگی، امنیتی و فنی است. برای گسترش زیرساخت اطلاعاتی امن و پایدار ملی در کشور، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات ضروری است.

رهبر معظم انقلاب در بیانات متعددی از لزوم تشکیل شبکه ملی اطلاعات سخن گفته‌اند. ایشان می‌فرمایند:

یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور تأثیر دارد، مسئله فضای مجازی است؛ فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، شبکه ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ امروز فضای مجازی مخصوص ما نیست، همه دنیا امروز با فضای مجازی درگیرند. کشورهایی که شبکه ملی اطلاعات درست کرده‌اند و فضای مجازی را به نفع خویشتان و ارزش‌های موردنظرشان کنترل کرده‌اند یکی دو تا نیستند؛ بنابراین، مسئله شبکه ملی اطلاعات، خیلی مهم است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲).

شبکه ملی اطلاعات به‌منظور کاهش وابستگی به شبکه جهانی اینترنت و ارائه خدمات مناسب، امن و ارزان در فضای مجازی طرح‌ریزی شده است. این شبکه، دارای فرصت‌های فراوانی ازجمله تسریع در عرضه محتوا، اطلاعات و دانش، تسهیل و فراگیری خدمات الکترونیکی، کاهش هزینه‌ها، افزایش سلامت اداری، ایجاد و استفاده از موتور جست‌وجو بومی، شبکه‌های اجتماعی، رایانش ابری

بومی و... است. ایجاد و ارتقای شبکه ملی اطلاعات منجر به امنیت اطلاعات، کاربران، حفظ حریم خصوصی و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه می‌گردد (عبیری و همکاران، ۱۳۹۹). رهبر معظم انقلاب به دلیل اهمیت مسئله، شبکه ملی اطلاعات را مورد درخواست و تأکید مؤکدشان دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۹/۶/۲).

۱. مدیریت فضای مجازی

یکی دیگر از شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی، مدیریت این فضا است. امام خامنه‌ای مدیریت فضای مجازی را مسئله کلیدی می‌داند و از جمله مسائل مهمی عنوان می‌کند که نه در بلندمدت، بلکه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت باید به آن توجه شود. به عبارتی هرچه زودتر باید در جهت مدیریت فضای مجازی اقدام کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۲۲).

مدیریت و حکمرانی بر فضای مجازی بر اصل امر به معروف و نهی از منکر استوار است. طبق اصل امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه حکومت اسلامی جلوگیری از وقوع منکرات و اجرا و پیاده‌سازی ارزش‌های اسلامی در متن جامعه است (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷). فضای مجازی از محیط‌هایی است که نیاز به مدیریت در راستای اجرای ارزش‌های اسلامی دارد. سیاست‌گذاری حکومت اسلامی باید به نحوی باشد که کاربر بتواند در فضایی به‌دور از انحراف و گناه و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی حضور پیدا کند.

امر به معروف و نهی از منکر از قواعد مهم فقهی است که سلامت دین و دنیای مردم در گرو اجرای صحیح و کامل آن است. تنها بینش جامع و ژرف‌نگر اسلام است که راه‌حل بسیاری از معضلات اجتماعی را در اراده و اقدام جمعی انسان‌ها بر اصلاح امور مورد توجه قرار داده است. بسیاری از اصلاحات اجتماعی در دوران مختلف بر پایه این قاعده فقهی صورت گرفته است. از قیام کربلا تا دیگر جنبش‌های بزرگ و کوچک دیگر، همگی برگرفته از این مسئولیت دینی اجتماعی است که شریعت بر عهده مسلمانان نهاده است (مجلسی، ۱۳۹۳، ج ۴۴، ص ۳۲۹). هر موقع، خطری موجودیت شریعت و ارزش‌های اسلامی و انسانی را تهدید می‌کند این دستور دینی راهگشا است و جامعه را در برگشت به ارزش‌ها و حفظ آنها

یاری می‌رساند. امام خامنه‌ای معتقدند نظام اسلامی تضمین‌کننده حاکمیت ارزش‌های الهی در جامعه است و آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ غَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱) را ناظر به همین معنا می‌داند؛ به این دلیل که امر کردن حکام و واداشتن مردم به انجام امور نیک و نهی کردن و بازداری مردم از انجام منکرات را بستری برای رشد ارزش‌ها در جامعه بیان می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۴/۴/۲۱). بنا بر دیدگاهی که وجوب امر به معروف و نهی از منکر را مستند به دلیل عقلی می‌داند و با توجه به اینکه عقل به صورت مطلق، جلوگیری از وقوع امور ناپسند در نظر خداوند را واجب می‌داند، محدوده شمول این حکم بسیار وسیع خواهد بود. بنابراین در صورت عقلی دانستن وجوب امر به معروف و نهی از منکر، بدون نیاز به اطلاق ادله یا تنقیح مناط به راحتی می‌توان امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی را نیز به حکم عقل واجب دانست (ایزدی فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۴).

قائلان به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر دلایلی مانند قاعده لطف (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۰۸؛ سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۲)، مقدمه حفظ نظام (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۳۱)، لزوم جلوگیری از معصیت (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴) و مصلحت جامعه (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۴) را بیان می‌کنند. بنابراین با توجه به وجود منکرات، عقل امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی واجب می‌داند. امام خامنه‌ای قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌داند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۱/۵/۷). در صورت عدم اعتقاد به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر از راه اطلاقات ادله می‌توان وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی واجب دانست. از دیگر دلایل اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی تنقیح مناط است. ملاک وجوب امر به معروف و نهی از منکر، طبق روایتی از امیرالمؤمنین علیؑ احیای دین و اصلاح عوام و سوق دادن آنها به راه رستگاری و سعادت و پرهیز از کارهای ناپسند است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۴).

نکته مهم در مورد منکرات در فضای مجازی این است که به دلیل گستردگی ارتباطات، نوع و تعداد منکرات را باید در حد وسعت

جهانی شبکه اینترنت محاسبه کرد. حجم ویرانگری و قدرت تخریب فساد و منکرات در فضای مجازی لزوم امر به معروف و نهی از منکر برای واپایش و هدایت این فضا را مشخص می‌کند. مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی مانند فضای حقیقی است. مراتب قلبی و زبانی آن ساده‌تر و در توان مخاطبان ساده است، ولی حالت عملی آن در حیطه وظایف حکومت است (ایزدی فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۴). بنا به فرموده امام خامنه‌ای:

کشورهایی که فضای مجازی را به نفع خودشان و به نفع ارزش‌های مورد نظرشان کنترل کرده‌اند، یکی دو تا نیستند. بهترین و قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها خط‌قرمز دارند، درحالی‌که امروز بهمنی از گزاره‌های درست و نادرست روی سر مراجعان اینترنت در کشور ما فرود می‌آید؛ اطلاعات غلط، نادرست، مضر و شبهه‌اطلاعات مثل یک بهمن فرود می‌آید؛ چرا باید اجازه بدهیم چیزهایی که برخلاف ارزش‌ها، اصول مسلم و عناصر اصلی هویت ملی ماست، به وسیله بدخواهان ما در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲).

بر اساس پژوهش‌های صورت‌پذیرفته، ضرورت حکمرانی بر فضای مجازی در کشورهای دیگر به‌درستی احساس شده و با وضع قوانین مناسب در حال اجراست. نمونه‌هایی از نظارت بر فضای مجازی در کشورهای مختلف دلیلی بر ضرورت حکمرانی بر شبکه‌های اجتماعی و دیگر پلتفرم‌های فضای مجازی است. برای نمونه، دولت روسیه برای مقابله با چالش‌های فضای مجازی و تقویت حاکمیت سایبری خود، اسناد استراتژیک متعددی تدوین کرده و در برابر پلتفرم‌های خارجی که از همکاری با قوانین داخلی این کشور خودداری می‌کنند، اقدام به اعمال محدودیت و فیلترینگ می‌کند. همچنین به‌منظور تقویت حاکمیت سایبری، اینترنت ملی خود را تحت قانونی با عنوان حاکمیت اینترنت روسیه راه‌اندازی کرده است و استقلال کامل فضای مجازی را از طریق شبکه‌ای محلی به نام رونت فراهم می‌کند.

سیاست‌های حاکمیتی چین بر رقابت شدید صنایع و کسب‌وکارهای چینی با شرکت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و خدمات‌دهندگان آمریکایی تأکید دارند و حرکت به سمت خودکفایی در زیرساخت‌ها و تجهیزات فنی فضای مجازی را دنبال می‌کنند.

چین همچنین سیاست‌هایی مانند توسعه اینترنت ملی، جایگزینی سرویس‌های اجتماعی داخلی به جای سرویس‌های آمریکایی، تقویت توان سایبری، و ایجاد بسترهای مناسب برای رشد استارت‌آپ‌ها را در پیش گرفته است. رقابت محتوای چینی با محتوای غیرچینی در رسانه‌های نوین، کاهش وابستگی به زیرساخت‌ها و خدمات آمریکایی، و تصویب قوانین تقویت‌کننده حاکمیت در فضای مجازی از دیگر اقدامات کلیدی این کشور محسوب می‌شود.

در کره جنوبی، فرایند سانسور اینترنت توسط دو نهاد اصلی به نام‌های کمیته ارتباطات کره (KCC) و کمیته استانداردهای ارتباطات کره (KCSC) انجام می‌شود. این دو کمیته محتوایی مانند مطالب مستهجن، مواد مضر برای افراد زیر سن قانونی، فعالیت‌های کلاهبرداری اینترنتی، محتوای ستایش‌آمیز از کره شمالی، و مطالب ضددولتی یا ضد نیروهای نظامی را مسدود می‌کنند. علاوه بر این، سازمان حکمرانی اینترنتی کره (KISO) نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. این سازمان متشکل از بزرگ‌ترین پلتفرم‌های اینترنتی کشور، از جمله Naver Communications، Daum، Kakao، SK، و KT است. این شرکت‌ها به‌عنوان بخشی از همکاری با دولت، از روشی به نام تأیید نام واقعی استفاده می‌کنند که در آن کاربران موظفند اطلاعات شخصی خود را قبل از انتشار محتوا در فضای مجازی ارائه دهند.

در مالزی کمیسیون ارتباطات و مولتی‌مدیا، مسئول نظارت و کنترل رسانه‌های این کشور، از جمله اینترنت و فضای مجازی است. این کمیسیون از ابزارهای قانونی و نوآورانه متنوعی برای مدیریت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. فیلترینگ و حذف محتوا دو روش اصلی این نهاد برای حفظ سلامت و امنیت فضای مجازی در مالزی محسوب می‌شوند. در بررسی رویکرد این کشور به فضای سایبری، می‌توان تسلط رویکرد دفاعی و امنیتی را به وضوح مشاهده کرد.

عربستان سعودی تمام ترافیک اینترنت بین‌المللی را از طریق یک مزرعه پروکسی واقع در شهر علم و فناوری پادشاه عبدالعزیز هدایت می‌کند. این مرکز مجهز به یک سیستم فیلترینگ محتوا مبتنی بر نرم‌افزارهای امنیتی است. از اکتبر ۲۰۰۶، کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات (CITC) مسئولیت ساختار DNS و فیلترینگ محتوا را بر عهده دارد. پایه قانونی این اقدامات به قطعنامه شورای وزیران در ۱۲ فوریه ۲۰۰۱ بازمی‌گردد. طبق گزارش‌ها، در

فضای مجازی می‌فرمایند: با استفاده از قوانین موجود یا تصویب سریع قوانین جدید، مسئله را حل کنید (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷).

حملات سایبری به زیرساخت‌های یک کشور و سرقت اطلاعات رده‌بندی‌شده در اثر خلأ قانونی در مدیریت این فضا رخ می‌دهد بنابراین نیاز است با وضع قانون، متولی امنیت فضای مجازی، به‌خصوص مرزبانان سایبری مشخص شود. تعیین متولی مرزبانی دیجیتال در جهت دفاع از حریم فضای مجازی کشور و ممانعت از بهره‌برداری غیرمجاز از داده‌های مجازی کشور توسط دشمن صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی برای ایجاد فتنه و گسترش سلطه در عرصه‌های مختلف بر اساس تحلیل و داده‌کاوی کلان‌داده‌هایی است که از کشور به سرقت می‌رود.

زمانی که خدمات‌رسان‌ها هیچ‌گونه الزامی در رعایت قوانین و مقررات کشور نداشته باشند، تبدیل به بستر مناسبی برای سلطه دشمن می‌شوند. از راه‌های رفع سلطه دشمن وضع قوانین مشخصی برای فعالیت خدمات‌دهندگان است. با وضع قوانین، خدمات‌دهندگان مؤثر داخلی و تمام خدمات‌دهندگان خارجی مجبور به اخذ مجوز و رعایت قوانین برای ارائه خدمت در فضای مجازی خواهند شد و نسبت به فعالیت‌های خود پاسخگو می‌شوند. همچنین خدمات‌دهندگان باید ملزم به اجرای اصول و ضوابط پدافند غیرعامل برای جلوگیری از آسیب‌های گوناگون فضای مجازی شوند و وضعیت آمادگی زیرساخت‌های حیاتی و حساس باید در مقابل تهاجم سایبری و نفوذ شبکه‌های اجتماعی ارتقا یابد.

نبود پیگرد قانونی در قبال انتشار محتوا، عدم الزام شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات خارجی، به‌ویژه در حوزه پیام‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو، به رعایت قوانین و مقررات زمینه مناسبی برای وقوع جرم، جنایت و انواع تخلفات را فراهم می‌آورد. از مصادیق نهی‌ازمنکر حذف فوری محتوای فاسد توسط ارائه‌دهندگان خدمات است. با معرفی مصادیق محتوای فاسد به خدمات‌دهندگان و الزام آنها به حذف چنین محتوایی امکان شیوع مفاسد به حد قابل‌قبولی کاهش می‌یابد.

۲. صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی

از دیگر روش‌های مواجهه با فضای مجازی صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی است. اصل دعوت در فقه سیاسی اسلام به‌معنای

سال ۲۰۱۷ حدود ۱٫۲ میلیون وب‌سایت در عربستان فیلتر شده‌اند. عربستان سعودی از فناوری‌های شرکت‌های غربی مانند SmartFilter (آمریکایی) برای فیلتر کردن خودکار وب‌سایت‌ها بر اساس محتوای خاص استفاده می‌کند. همچنین، بر اساس دستورالعمل‌های کمیته امنیتی تحت نظارت وزارت اطلاعات، سایت‌هایی که از دولت انتقاد می‌کنند یا ایدئولوژی شیعه را تبلیغ می‌کنند، مسدود می‌شوند. در سال ۲۰۱۱، قوانین جدید اینترنتی تصویب شد که بر اساس آن روزنامه‌ها و وبلاگ‌نویسان آنلاین ملزم به دریافت مجوز ویژه از وزارت اطلاعات شدند.

حکومت ترکیه پس از کودتای ژوئیه ۲۰۱۶، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را در زمینه سانسور و فیلترینگ در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اعمال کرده است. با توجه به گستردگی این محدودیت‌ها و تصویب قوانین سخت برای کاربران و فعالان فضای مجازی، دولت ترکیه کنترل قابل‌توجهی بر این فضا اعمال می‌کند. تمام ترافیک اینترنتی ترکیه از طریق زیرساخت‌های شرکت Turk Telecom عبور می‌کند، که این امر امکان کنترل متمرکز بر محتوای آنلاین و اجرای تصمیمات فیلترینگ را برای دولت فراهم می‌سازد. یک سازمان پژوهشی مستقل به نام TurkeyBlocks نیز در ترکیه فعالیت می‌کند که محدودیت‌های دسترسی به اینترنت و ارتباط آنها با رویدادهای سیاسی را رصد می‌کند. حکمرانی فضای مجازی ترکیه شامل مواردی مانند تمرکز بر حاکمیت سایبری، توسعه اینترنت ملی، افزایش پهنای باند، و اعمال فیلترینگ و سانسور برای کنترل فضای سیاسی است (ر.ک. پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۳۹۹).

با توجه به اندیشه امام خامنه‌ای، مدیریت فضای مجازی، افزون بر ایجاد شبکه ملی اطلاعات (که پیش از این توضیح داده شد)، نیازمند وضع قانون‌های متناسب در چارچوب حکمرانی اسلامی است؛ در وضعیتی که مدیریت فضای مجازی طبق سیاست‌گذاری دشمن و در چارچوب قانون‌گذاری و اجرای پروتکل‌های نهادهای بین‌المللی باشد آسیب‌های متفاوت و گسترده‌ای جامعه را فرا خواهد گرفت؛ زیرا نبود حکمرانی اسلامی، در محیط مجازی مسیر اجرای سیاست‌های دشمن را هموار می‌کند. یکی از راه‌های مدیریت فضای مجازی، قانون‌گذاری و اجرای قانون در این محیط است.

امام خامنه‌ای در مواجهه با مشکلات ایجادشده برای مردم در

آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱)، و اصل اجتهاد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ص ۴۴۹-۴۶۳) در اسلام دریافت.

در مقدمه قانون اساسی و نیز در اصل یازدهم آن با الهام از آیات قرآن کریم و مبانی دینی موضوع جهانی‌سازی مکتب اسلامی مطرح شده است. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام جمهوری اسلامی را زمینه‌ساز تداوم انقلاب در داخل و خارج کشور معرفی می‌کند، و به‌صورت ویژه انقلاب اسلامی را به کوشش در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی فرامی‌خواند تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد (کعبی، ۱۳۹۴، ص ۴۹).

فضای ارتباطات در عصر جدید، فرصت مغتنمی برای نشر معارف و آموزه‌های اسلامی است. بنا بر قواعد فقهی ذکرشده، سیاست مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی باید در وسعت حکمرانی جهانی اتخاذ شود. بنا بر اصل گسترش دعوت جهانی، شیوه مواجهه حکومت اسلامی با فضای مجازی باید در راستای ایجاد زیرساخت‌های لازم در مقیاس مدیریت جهانی باشد. طراحی و ایجاد زیرساخت‌ها در این فضا نباید منحصر به مرزهای جغرافیایی باشد. تولید زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خدمات پایه کاربردی مانند سیستم‌عامل‌ها، موتورهای جست‌وجو، مسیرپاها همگی باید مطابق با ظرفیت جهانی باشد. در سال‌های اخیر نظریه دولت مجازی بر مبنای حکمرانی خارج از مرزهای جغرافیایی و با تکیه بر فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات بیان می‌شود. هرچند یکی از اهداف اصلی این نوع حکمرانی، منافع اقتصادی است، ولی ناگفته پیداست که منافع سیاسی فراوانی در پشت این نوع حکمرانی نهفته است. شایسته است نظام اسلامی نیز بنا بر سیاست‌های کلان خود مبنی بر گسترش اسلام حقیقی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود از فرصت‌های فضای مجازی در راستای تحقق دولت مجازی بهره‌برد. حضور به‌عنوان تولیدکننده محتوا، منطبق بر معارف بلند و متعالی اسلام برای عموم مخاطبان جهانی، یکی دیگر از شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی است. ترجمه و ارائه این معارف به زبان‌های مختلف، ثمره‌های فراوانی به همراه خواهد داشت. زمانی که دشمن مفاهیم نادرست و باطل خود را با رنگ و لعاب هنر و علم به افکار عمومی ارائه می‌دهد، عدم نشر و ارائه معارف هدایت‌گر اسلام، از خطاهای غیرقابل‌جبران به‌شمار می‌رود. طبق بیان رهبر معظم انقلاب، باید حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل،

دعوت انسان‌ها به دین جامع و مبین اسلام است. مستندات فقهی این اصل، آیات متعدد قرآنی است که نخستین وظیفه پیامبران و رهبران دینی را دعوت به تعالیم و ارزش‌های الهی، خیر و تزکیه می‌داند (انبیاء: ۱۰۷؛ بقره: ۱۵۱؛ اسراء: ۱۵؛ مائده: ۱۹؛ نساء: ۱۶۵؛ مزمل: ۱۵؛ احزاب: ۴۵ و ۴۶؛ الحاقه: ۱۰؛ توبه: ۱۲۸)، نمونه عملی این اصل، سیره پیامبر اکرم (ص) در ارسال پیام و سفیر به دربار امپراتوری ایران، رم و... است (زحلی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۲۰-۳۲۳). امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: زمانی که پیامبر مرا به‌سوی یمن می‌فرستاد، فرمود: یا علی اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند، بهتر از تمام آن چیزی است که آفتاب بر آن می‌تابد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸). بنا بر نقل ابن‌عباس، پیامبر (ص) هرگز با هیچ گروهی نمی‌جنگید، مگر اینکه آنها را به اسلام دعوت می‌کرد (متقی هندی، ۱۹۷۹، ص ۴۸۳). بر اساس آیات و روایات و سیره معصومان (ع)، دعوت، یکی از اصول اساسی در نظام سیاسی اسلام است؛ فقه‌های شیعه و سنی بر این امر اجماع نظر دارند (محمود مصطفی، ۱۹۹۶، ص ۲۷). بنا بر همین اصل دعوت، امام خمینی (ع) ایده صدور انقلاب به تمامی جهان را مطرح کردند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۴۸). همچنین امام خامنه‌ای بر صدور فرهنگی انقلاب به‌عنوان یک وظیفه تأکید کرده و صدور انقلاب را صدور فرهنگ انسان‌ساز می‌داند و این وظیفه را راه انبیا معرفی می‌کند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اқشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۱۹).

معارف اسلام مختص یک زمان و مکان خاص نیست و مخاطب آن تمامی انسان‌ها در اعصار و بلاد مختلف است. قرآن، نه‌تنها مسلمانان، بلکه جامعه جهانی را مخاطب قرار می‌دهد (نساء: ۷۹؛ حج: ۴۹؛ سبأ: ۲۸؛ انبیا: ۱۰۷؛ فرقان: ۱؛ انعام: ۱۹). بیان ویژگی جهان‌شمولی اسلام در قرآن، دلیلی بر جامعیت دین اسلام می‌باشد؛ زیرا دین جهانی، باید توان پاسخ‌گویی به همه مردم جهان را داشته باشد و این امر تنها با جامعیت آن دین، امکان‌پذیر خواهد بود (حلی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۶-۳۸۷). برخی از مهم‌ترین ملاک‌های جهان‌شمولی و جامعیت اسلام را می‌توان از ویژگی فطری بودن قوانین اسلامی (طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۱-۱۳)، آسانی و انعطاف‌پذیری قوانین دین (انعام: ۱۱۹)، توجه به نیازهای مادی و معنوی انسان (موسوی خمینی، ۱۳۵۶، ص ۵-۲۱)، ماندگاری و جاودانگی اسلام (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۷، ص ۴۰۶)، عقل‌محوری معارف اسلامی (جوادی

و برنامه‌ریزی وسیع‌تری دنبال شود. طبق دیدگاه رهبر معظم انقلاب، سلطه‌گران در عصر جدید بر ذهن و فکر مردم حکمرانی می‌کنند و مرزهای جغرافیایی، دیگر دخالتی در تعیین مرزهای عقیدتی ندارند. برای گسترش حکمرانی اسلامی دیگر نیازی به تجهیزات نظامی و کشورگشایی نیست. بالا بردن سطح معرفتی افکار عمومی طبق معیارهای الهی، به تدریج مطالبات عمومی را به سمت‌وسوی اهدافی غیرمادی می‌کشاند و سطح فکر بشر را از مادی‌گری و لذت‌دنیوی به ارزش‌های معنوی سوق می‌دهد و زمینه را برای تحقق حکمرانی جهانی تحت ولایت و رهبری شایسته موعود تمام ادیان الهی فراهم خواهد ساخت. از فضای مجازی حداکثر منافع را باید کسب کرد و مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را بدون هیچ مانعی پخش نمود (بیانات رهبر معظم انقلاب در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید، ۱۳۹۵/۶/۱۶).

نتیجه‌گیری

نهاد حکمرانی در جوامع بشری با حضور فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، با مسائل و مشکلات جدیدی روبه‌رو شده است. در مواجهه با این معضل جهانی، حکمرانی اسلامی نیز باید بنا بر اهداف و ویژگی‌های ذاتی خود، شیوه‌های مقابله با این فناوری‌های نوین را به‌گونه‌ای اصولی اعمال کند و تأثیرات فضای ارتباطی جدید بر تمام جوانب زندگی انسان‌ها را طبق اهداف متعالی اسلام مدیریت کند. با بررسی دیدگاه‌های امام خامنه‌ای، می‌توان شیوه‌های مواجهه حکمرانی اسلامی با فضای مجازی را استخراج کرد. در اندیشه ایشان، آینده‌پژوهی و مقابله هوشمندانه با فضای مجازی در کنار روشنگری و جهاد تبیین ازجمله شیوه‌های مواجهه است. ایشان بنا بر قاعده نفی سبیل، شیوه سلب سلطه بیگانه از فناوری رسانه و کسب استقلال در این عرصه را توصیه کرده، این شیوه را با دو راهکار اسلامی‌سازی دانش ارتباطات و رسانه، و پیشرفت علمی در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات میسر می‌دانند. افزون بر این، در مقام مواجهه با فضای مجازی باید با دو راهکار قانون‌گذاری و ایجاد شبکه ملی اطلاعات، فضای مجازی را مدیریت کرد. صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی نیز می‌تواند نقش مؤثری در حکمرانی فضای مجازی داشته باشند.

همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد (بیانات رهبر معظم در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵). آیات بلند قرآن، حکمت‌های متعالی نهج‌البلاغه، فرازهای صحیفه سجاده، رساله حقوق امام سجاده و دیگر منابع معارف اسلامی برای غنی‌سازی محتواها و پیام‌های ارسالی در سطح جهانی بسیار کارآمد است. امام رضا می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۹۲): اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند، بی‌شک از ما پیروی می‌کردند.

با وحدت مسلمانان حول اصول مشترک دینی، ظرفیت‌های فراوانی در جهت جریان‌سازی جهانی در مسیر نشر و گسترش معارف بلند اسلامی شکل خواهد گرفت. امام خامنه‌ای فضای مجازی را در عصر حاضر فرصت مغتنمی می‌داند که باید از آن در جهت نشر معارف الهی استفاده شود و دعوت به ارزش‌های الهی، مانند امیدآفرینی، توصیه به صبر، توصیه به حق، بصیرت‌آفرینی و... با استفاده از فضای مجازی از فرصت‌های بی‌نظیر نشر معارف الهی عنوان می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). هر کدام از این معارف گره‌گشای بسیاری از معضلات موجود در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر است. اتحاد و همکاری در مقیاس و عزم جهانی می‌تواند جریان‌ساز تحولات جمعی در سراسر دنیا باشد. اگر حکومت‌های اسلامی در این ائتلاف به توافق برسند، مقصود آسان‌تر حاصل خواهد شد، وگرنه می‌توان از ظرفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد همدلی و جریان‌سازی بین افکار نخبگان و خواص و همین‌طور عامه مردم بهره برد. حکومت اسلامی در ایجاد وفاق و همبستگی بین اندیشمندان اسلامی و عامه مسلمانان باید دایره حکمرانی خود را از داخل کشور به وسعت کشورهای اسلامی و فراتر از آن جغرافیای حضور تک‌تک مسلمانان در عرصه جهانی گسترش دهد. با این شیوه مواجهه، هر مسلمان یک مروج و مبلغ آیین اسلام به حساب می‌آید. گسترش ارتباطات به دست دولت‌های استعمارگر در جهت بسط سیطره استعماری در عرصه‌های متفاوت زندگی بشریت صورت گرفته است. روشنگری اذهان عمومی و نشر معارف الهی، نقشه شوم دشمنان حق را خنثی و بر علیه خود آنها به جریان خواهد انداخت: «وَمَكْرُوهٌ وَمَكْرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴). جریان‌های بیداری اسلامی سال‌های اخیر در منطقه باید در راستای صدور مبانی اسلام در گستره جهانی قرار گیرد. این جریان‌سازی باید در محیط مجازی نیز با قدرت

منابع.....

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و حسین‌نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۴). بررسی فقهی امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر در فضای مجازی. حکومت/اسلامی، ش ۷۷، ص ۷۱-۹۸.
- بجنوردی، محمدحسین (۱۴۱۹ق). قواعد فقهیه. قم: الهادی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir
- پژوهشگاه فضای مجازی (۱۳۹۹). بررسی سناریوی حکمرانی فضای مجازی کشورهای منتخب. تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۳۶۲). میرزای شیرازی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). دین‌شناسی. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه. قم: اسلامیه.
- حسنی، سعید و کریمیان کریمی، نورالله (۱۳۹۹). وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تأمین امنیت در فضای سایبر با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. مطالعات/انقلاب اسلامی، ۶۳-۹۵-۱۱۵.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۳). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. تهران: دارالعلم.
- حیدری، محمدعلی و عندلیب، حسین (۱۳۹۶). مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی از منظر فقه و حقوق. اختصاصی معارف فقه علوی، ۵-۲۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- زحیلی، وهبه (۱۳۷۶ق). آثار الحرب فی الاسلام. دمشق: دارالفکر.
- ساروخانی، محمدباقر (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه‌الفعال فی القواعد الفقهیه /الأساسیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). التتقیح الرائع. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۷). فقه سیاسی اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). غایة المراد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). آموزش دین. تهران: جهان‌آرا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات.
- عبیری، داوود و همکاران (۱۳۹۹). تبیین نقش شبکه ملی اطلاعات در مدیریت فرصت‌ها و آسیب‌های فضای مجازی کشور. امنیت ملی، ش ۳۷، ص ۴۳۷-۴۶۶.
- عراقی، آقا ضیاءالدین (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمین. قم: جامعه مدرسین.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهیه. قم: مهر.
- کعبی، عباس (۱۳۹۴). تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دارالکتب.
- کهوند، محمد و صدیقی، سعید (۱۴۰۰). بایسته‌های تبلیغ در فضای مجازی ۱. مبلغان، ش ۲۶۷، ۱۱۲-۱۲۳.
- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۹۷۹م). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۳). بحار الأنوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷). رهبری در اسلام. قم: دارالحديث.
- محمود مصطفی، نادیه (۱۹۹۶م). العلاقات الدولیه فی الاسلام وقت الحرب. بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- مراغی، میرفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه. قم: تفکر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۵۶). ولایت فقیه و حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، موسی (۱۳۷۱). حکم نافذ آقا نجفی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

The Role Model of Hazrat Zahra (peace be upon her) in the Modern Lifestyle of Women from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli

Khadijeh Nazari  / Level Three, Qur'anic Exegesis and Sciences, Higher Institute of Fatima Ma'suma (peace be upon her), Bandar Abbas

Received: 2024/12/01 - **Accepted:** 2024/12/21

khadijeh31365@gmail.com

Abstract

The role model of Hazrat Zahra (peace be upon her) as a moral and spiritual exemplar holds great significance in the modern lifestyle of women. Unfortunately, some Muslim women, due to the negative influences of Western culture, face challenges in their personal, familial, and social lives. Therefore, the present research seeks to answer the question: What is the role model of Hazrat Zahra (peace be upon her) in the modern lifestyle of women from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli? This research examines the role model of Hazrat Zahra (peace be upon her) in the elevation of women from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli and aims to investigate the impact of her personality on the lives of contemporary women. The research method employed is descriptive-analytical and is based on library resources. The research findings indicate that by introducing Hazrat Zahra (peace be upon her) as a perfect exemplar, women have been able to stabilize the family nucleus. Her moral characteristics, such as benevolence, praying for others, devotion to the Qur'an, and leniency towards her husband, have had a positive and constructive influence on the individual and social lives of women. The results show that women, by emulating the life of Hazrat Zahra (peace be upon her), have improved their quality of life and achieved worldly and otherworldly felicity.

Keywords: Exemplar, Hazrat Zahra (peace be upon her), Ayatollah Javadi Amoli, lifestyle, women.

نوع مقاله: ترویجی

نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

khadijeh31365@gmail.com

خدیدجه نظری  / سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه عالی فاطمه معصومه علیها السلام بندرعباس

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

چکیده

نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام در سبک زندگی نوین زنان به عنوان الگوی اخلاقی و معنوی دارای اهمیت زیادی است. متأسفانه برخی از زنان مسلمان به دلیل تأثیرات منفی فرهنگ غرب با چالش‌هایی در زمینه فردی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو هستند. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی چیست؟ این پژوهش به بررسی نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام در تعالی زنان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی پرداخته و هدف آن بررسی تأثیر شخصیت ایشان بر زندگی زنان امروز می‌باشد. روش تحقیق به کاررفته توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان دادند که با معرفی حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوی کامل، زنان توانسته‌اند کانون خانواده را پایدار سازند. ویژگی‌های اخلاقی ایشان، مانند خیرخواهی، دعا برای دیگران، انس با قرآن و عدم سخت‌گیری به همسر، تأثیر مطلوب و سازنده‌ای بر زندگی فردی و اجتماعی زنان گذاشته است. نتایج نشان دادند که زنان با الگوبرداری از زندگی حضرت زهرا علیها السلام کیفیت زندگی خود را بهبود بخشیده و به سعادت دنیوی و اخروی دست یافتند.

کلیدواژه‌ها: الگو، حضرت زهرا علیها السلام، آیت الله جوادی آملی، سبک زندگی، زنان.

مقدمه

سبک زندگی از ترکیب دو واژه سبک و زندگی با دو بار معنایی متفاوت تشکیل شده است. معنای لغوی واژه زندگی روشن است، اما در تعریف واژه سبک در لغت‌نامه‌های فارسی و غیر آن معانی گوناگون درج شده است که اگرچه ریشه در کاربرد آن در علوم مختلف دارد. در لغت هم به معنای روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۴۳). سپس به معنای روش، رفتار، طریقه زندگی نیز به کار رفته است (نفیسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۸۳۴) و در اصطلاح، سبک زندگی اسلامی مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند و فرهنگ جامعه بر اساس آن ارزیابی می‌شود. اصلاح سبک زندگی در خانواده نخستین گام برای تحقق سبک زندگی اسلامی در جامعه به‌شمار می‌رود. فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری افراد جامعه از خانواده شروع می‌شود. خانواده می‌تواند بسیاری از ارزش‌های مطلوب اقتصادی را به افراد جامعه منتقل کند؛ زیرا در تربیت نیروی انسانی کارآمد نقش به‌سزایی دارد (صنعی، ۱۳۹۸، ص ۴). «الگو» نیز در لغت به معنای سرمشق، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۱) و در اصطلاح و در تحقیق حاضر به معنای اسوه بودن حضرت زهرا[ؑ] در سبک زندگی نوین زنان است.

در قرآن کریم، پیامبر اکرم[ؐ] به عنوان اسوه‌ای برای جهانیان معرفی گردیده است. از سوی دیگر، با توجه به روایات موجود که حضرت زهرا[ؑ] را پاره تن رسول خدا^ﷺ شناخته‌اند، بی‌تردید ایشان ادامه‌دهنده راه پدر بزرگوار خویش هستند و به عنوان یک الگو و اسوه برای زنان عصر حاضر مطرح می‌شوند. زنان امروز می‌توانند با الگوبرداری از سیره و رفتار حضرت زهرا[ؑ] در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، به وجوهی چون رشد و تعالی اخلاق فردی، تحکیم و استحکام خانواده، و تربیت فرزندان صالح دست یابند.

باین حال، در دنیای معاصر، گسترده‌ی تبلیغات در فضای مجازی و رسانه‌های غربی، به‌ویژه تلاشی که برای ارائه الگوهای ناکارآمد و ناهنجار توسط رسانه‌های غربی صورت می‌گیرد، تأثیرات منفی بر سبک زندگی زنان مسلمان داشته است. این عوامل باعث گردیده که زنان به تبعیت از الگوهای غربی دچار تزلزل در هویت و شخصیت

خود شوند، که این موضوع نه تنها به چالش کشیدن ارزش‌های دینی و فرهنگی آنها منجر شده، بلکه فاصله‌گذاری از الگوی مطلوب قرآنی را نیز به دنبال داشته است. از این رو تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشد که نقش الگویی حضرت زهرا[ؑ] در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مبتنی به آیات و روایات چیست؟ اهمیت این مسئله با توجه به سیره و آموزه‌های حضرت زهرا[ؑ] دوچندان می‌شود؛ زیرا پیامبر اکرم[ؐ] درباره ایشان بیان کرده‌اند که حضرت زهرا[ؑ] از ایشان است و این خود دلیل محکمی بر الگو بودن ایشان برای زنان در تمامی اعصار است. عدم توجه به این موضوع می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد و موجب غلبه الگوهای ناپسند غربی در فضای مجازی شود. عدم شناخت نمونه‌های بارز و مطلوب قرآنی، زنان عصر حاضر را در نهایت به سوی الگوهای غربی گرایش می‌دهد و این خود به تزلزل شخصیتی و دور شدن از تقدس و هویت زن انقلابی و مطلوب قرآنی منتهی خواهد شد. از این رو ضرورت دارد تا سیره اخلاقی و تربیتی حضرت زهرا[ؑ] مورد بررسی قرار گیرد و ایشان به عنوان الگویی کامل به زنان عصر حاضر معرفی گردد.

در این راستا، آثار پژوهشی متعددی در زمینه الگوسازی از حضرت زهرا[ؑ] وجود دارد. به عنوان مثال، پژوهش‌هایی چون «اسوه بودن حضرت فاطمه زهرا[ؑ]» (حسینی و جلالی) به رشته تحریر درآمده و در آن به بررسی ابعاد مختلف زندگی ایشان پرداخته شده است. همچنین مقاله «حضرت فاطمه زهرا[ؑ] الگوی بصیرت در ولایت‌مداری» (رستمی و شادکام، ۱۳۹۰)، رفتارشناسی حضرت زهرا[ؑ] را در موقعیت‌های اجتماعی و دینی تحلیل کرده است.

وجه تمایز تحقیق حاضر در آن است که به‌طور خاص به نقش الگویی حضرت زهرا[ؑ] در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مبتنی بر آیات و روایات پرداخته می‌شود. این تحقیق به دنبال بررسی دقیق‌تر ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی سیره حضرت زهرا[ؑ] به عنوان الگوی کارآمد برای زنان معاصر با تأکید بر آموزه‌های آیت‌الله جوادی آملی می‌باشد.

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است؛ چراکه محقق در پی معرفی و ارائه یک الگوی جامع است که زنان بتوانند با قرار دادن شخصیت حضرت زهرا[ؑ] به عنوان الگو، به ارتقاء اخلاقی و انسانی و

به‌عنوان الگویی بی‌نظیر برای زنان جهان اسلام است. آیت‌الله جوادی آملی درباره مصادیق عبادت خالصانه می‌فرماید: «عبادت انسان به اقداماتی نظیر نماز خواندن، قرائت قرآن، دعا و روزه محدود نمی‌شود، بلکه تمامی جنبه‌های زندگی او می‌تواند رنگ و بوی عبادت به خود بگیرد. به عبارتی، کارهایی همچون خوردن، آشامیدن، خوابیدن، کسب روزی، سخن گفتن و شنیدن، اگر با نیت‌هایی چون تقویت دین خدا، خدمت به بندگان او، و کمک به نظام اسلامی انجام شوند، به‌طور طبیعی در زمره عبادت قرار خواهند گرفت» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۲، ص ۱۶۸).

در این راستا، در سخنان صدیقه طاهره آمده است: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸ ص ۱۸۴)؛ یعنی هر کس تلاشی خالصانه در زمینه عبادت و طاعت خداوند داشته باشد، خداوند نیز بهترین مصلحت و خیر را برای او نازل خواهد کرد.

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که عنوان «عبادت» در این حدیث، تنها به‌معنای نماز و روزه و امثال آن نیست، بلکه شامل همه کارهای آدمی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۲، ص ۱۶۸). حضرت زهرا^{علیها السلام} به‌عنوان یک الگوی برجسته در عبادت خالصانه و سبک زندگی زنان معرفی می‌شود که فراتر از اعمال ظاهری چون نماز و روزه را دربر می‌گیرد. تحلیل آیت‌الله جوادی آملی بر این نکته تأکید می‌کند که عبادت می‌تواند شامل تمامی جنبه‌های زندگی روزمره باشد؛ به شرط آنکه انگیزه‌هایی چون تقویت ایمان و خدمت به جامعه در آن وجود داشته باشد. این رویکرد به زنان کمک می‌کند تا روح عبودیت را در تمام فعالیت‌های خود جاری کنند و توازن بین زندگی دینی و دنیوی را حفظ نمایند. این امر نه‌تنها به تقویت روح ایمان آنها کمک می‌کند، بلکه آنها را توانمند می‌سازد که در جامعه نقشی مؤثر و سازنده ایفا کنند و با تکیه بر باورهای دینی، به توسعه فرهنگی و اجتماعی خود و دیگران یاری رسانند. همچنین، بیان می‌شود که خداوند در پاسخ به عبادت خالص، بهترین مصلحت‌ها را نازل می‌کند. این تحلیل، ضرورت تجدیدنظر در نگرش به سبک زندگی دینی و اهمیت آن را در تمامی ابعاد زندگی نمایان می‌کند.

۱-۲. انس با قرآن

حضرت زهرا^{علیها السلام} در توسل و تمسک به قرآن و انس به آن و نیز تجلی قرآن در عملکرد آن حضرت به‌عنوان اسوه و الگوی زنان عصر حاضر

دستیابی به ویژگی‌های زن مطلوب و تراز انقلابی و سبک زندگی فاطمی در عصر حاضر ناآل شوند. گردآوری داده‌ها با ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده و تحلیل داده‌ها و پردازش اطلاعات نیز به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. تحقیق حاضر در ساختاری منسجم به بررسی نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در سه بُعد از ابعاد سبک زندگی نوین فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، مبتنی بر آیات و روایات خواهد پرداخت.

۱. نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در سبک زندگی فردی

حضرت زهرا^{علیها السلام} در سبک زندگی نوین زنان نقش بسیار مهمی دارند. ایشان به‌عنوان الگوی نمونه در تمام ابعاد اخلاقی، ایمانی، تربیتی، معنوی، سیاسی، فرهنگی و... زنان مورد توجه و نقش‌آفرین هستند و به‌عنوان الگوی پیشرفته در زندگی نوین زنان عصر حاضر شناخته می‌شوند. از بارزترین خصوصیات سبک زندگی فردی حضرت زهرا^{علیها السلام} می‌توان به عبادت، انس و توجه به قرآن، پرهیز از نامحرم و... اشاره کرد که این خصوصیات بارز، از ویژگی‌های یک الگوی کامل در سبک زندگی نوین زنان محسوب می‌شود که زنان عصر حاضر می‌توانند در سبک زندگی فردی خود به آن توجه داشته و از آن الگوگیری داشته باشند. در ادامه به تبیین و تحلیل نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در سبک زندگی فردی نوین زنان پرداخته می‌شود:

۱-۱. عبادت خالصانه

نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در عبادت خالصانه و محراب نماز، دارای اهمیت زیادی در سبک زندگی فردی زنان است. حضرت زهرا^{علیها السلام} به‌عنوان الگوی کامل و نمونه برای همه زنان و مردان عالم، در ابعاد مختلف زندگی از جمله بُعد عبادی نقش مهمی دارند و مظهر کمال انسانی و عبودیت و بندگی می‌باشد. چنان‌که پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} به حالات ایشان در محراب نماز اشاره می‌فرماید: «وَكَاَنَتْ فَاطِمَةُ تُنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خَيْفَةِ اللَّهِ تَعَالَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۱ ص ۲۵۸)؛ فاطمه در نماز، از ترس خداوند متعال، نفس نفس می‌زد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۱ ص ۲۵۸).

حضرت زهرا^{علیها السلام} الگوی کاملی در سبک زندگی نوین فردی زنان است؛ ایشان به‌عنوان الگوی برتر زنان عصر حاضر، از تقوا، اخلاص، ایمان و بندگی و عبودیت حق برخوردار بوده و در عبادت با اخلاص،

اجتماعی خود را با استقلال در این فنون و استغنای از نامحرمان تأمین کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۹).

زنان عصر حاضر با پرهیز از نامحرم و با الگو قرار دادن سیره رفتاری و اخلاقی حضرت زهرا[ؑ] در زندگی فردی، می‌توانند به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردند و به مرتبه بهترین زنان از دیدگاه حضرت زهرا[ؑ] که در ادامه به روایتی از پیامبر[ؐ] در این زمینه اشاره می‌شود، دست یابند.

تفکر اسلامی، در آموزه‌های اهل بیت[ؑ] بر اهمیت نقش و جایگاه زنان تأکید دارد. زندگی و اندیشه‌های قرآنی حضرت زهرا[ؑ] به‌عنوان الگویی کامل و برتر از زنان مسلمان شناخته می‌شود. پیامبر اکرم[ؐ] در مسجد و در جمع مسلمانان به گفت‌وگو در مورد سیره مناسب برای زنان بودند و نظر آنان را در این زمینه جویا می‌شوند. در این میان، سلمان فارسی به منزل حضرت زهرا[ؑ] رفته و راهنمایی می‌خواهد. پاسخ ایشان که فرمودند: «خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳۲)؛ بهترین حالت برای زنان این است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند. این مطلب نشان‌دهنده اهمیت حجاب و حفظ کرامت زنان است. این پاسخ همچنین مرزهای تعاملات اجتماعی را تعریف و به هویت زنان توجه می‌کند. سلمان به مسجد بازگشت و پاسخ را طرح نمود. پیامبر[ؐ] دانستند که این پاسخ از خود سلمان نیست؛ از این رو پرسیدند: «این جواب را از که آموختی؟ سلمان عرضه داشت: سؤال شما را از دخترتان زهرا پرسیدم و چنین پاسخ شنیدم. پیامبر در این هنگام فرمود: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَصْعَةٌ مِنِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۶۹)؛ به‌راستی که فاطمه پاره‌ای از وجود من است.

بنابراین، پرهیز از نامحرم در سیره حضرت زهرا[ؑ] به‌عنوان الگویی مؤثر برای زنان عصر حاضر، اهمیت ویژه‌ای دارد. این رویکرد نه‌تنها به حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از اختلاط غیرضروری کمک می‌کند، بلکه زنان را به سمت توانمندسازی و استقلال در تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سوق می‌دهد. با اتکا به اصول علمی و اخلاقی برگرفته از این سیره، زنان می‌توانند بدون وابستگی به مردان نامحرم، به پیشرفت‌های علمی و عملی نائل شوند و به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند. در حقیقت، پابندی به این آموزه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای متعادل و متعهد به ارزش‌های اخلاقی و انسانی گردد.

محسوب می‌شوند. زنان جامعه مدرن می‌توانند با الگوبرداری از حضرت زهرا[ؑ] با قرآن انس بگیرند و دستورات آن را در زندگی خود به کار ببندند. حضرت زهرا[ؑ] می‌فرمایند: «أَنْتِ تُؤَفِّكُونَ، وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ يَنْ أَظْهَرُكُمْ، زَوَاجِرُهُ يَبِينُهُ، وَ شَوَاهِدُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۷۱۰)؛ به کجا می‌روید؟ درحالی‌که کتاب الهی در مقابل شماست، و اوامر و احکام آن درخشان و نمایان است، و دستوراتش چشم را خیره ساخته و اندازهای آن بسیار ملامت‌گر و فرامین آن بسیار واضح و آشکار است.

حضرت زهرا[ؑ] به‌قدری با قرآن انس داشتند که در انجام کارهای روزمره خود نیز از آیات قرآن بهره می‌بردند. حضرت در حین دستاوردن این جمله قرآن را قرائت می‌کرد: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷)؛ یعنی جهان ابد بهتر از جهان گذراست.

انس با قرآن و الگوبرداری از حضرت زهرا[ؑ] به زنان مدرن کمک می‌کند تا سبک زندگی معنوی و اخلاقی خود را شکل دهند. حضرت زهرا[ؑ] با نشان دادن چگونگی بهره‌گیری از قرآن در فعالیت‌های روزمره، الگوی عملی را ارائه می‌فرمایند و با تأکید بر اهمیت آخرت، این الگو به زنان یادآوری می‌کند که زندگی مادی موقتی است و نیاز به توجه به ارزش‌های معنوی وجود دارد. این رویکرد نه‌تنها به آرامش روحی و معنوی کمک می‌کند، بلکه به تعیین اولویت‌های زندگی و بهبود روابط اجتماعی کمک می‌نماید. درنتیجه، انطباق آموزه‌های قرآن با زندگی روزمره می‌تواند به ارتقاء رضایت و کامیابی زنان در جامعه مدرن منجر شود.

۱-۳. پرهیز از نامحرم

حضرت زهرا[ؑ] در پرهیز از نامحرم، الگوی بی‌نظیری برای سبک زندگی فردی زنان عصر حاضر محسوب می‌شود. «به‌منظور پرهیز از اختلاط نامحرم و جلوگیری از دخالت مردان در کار زنان، باید گروه متکاملی عهده‌دار رفع نیازهای متنوع هم‌صنف خود باشند تا هیچ زنی محکوم به انزوا نگردد و از پیشرفت علمی و عملی محروم نشود یا برای استیفای حق خود ناچار به اختلاط نباشد. اگر از حضرت فاطمه نقل شد، کمال زن و سعادت آن در این است که نامحرمی را نبیند و نامحرمی او را نبیند، چنین موقعیت مناسب، وقتی به دست می‌آید که صنف زن تمام نیازهای فرهنگی، سیاسی و

۲. نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در سبک زندگی نوین خانوادگی

حضرت زهرا^{علیها السلام} به عنوان یک الگوی بی نظیر در زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان عصر معاصر، نقش تعیین کننده ای ایفا می کند. ایشان با تأکید بر اصولی چون پرهیز از نامحرم و توجه عمیق به قرآن و عبادت خالصانه، به ارتقای کیفیت زندگی و تربیت فرزندان نیکو می پردازند. سیره و رفتار آن حضرت نه تنها به عنوان یک راهنمای عملی، بلکه به عنوان یک منبع الهام برای زنان امروز تلقی می شود که یادآور اهمیت پیروی از اصول اخلاقی و دینی در زندگی روزمره است. در ادامه، به تحلیل و بررسی عمیق این ویژگی های برجسته خواهیم پرداخت و تأثیر آنها را بر زندگی و سبک نوین زندگی خانوادگی زنان معاصر به روشنی تبیین خواهیم کرد:

۲-۱. خیر خواهی و دعا در حق دیگران

نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در خیرخواهی و دعا در حق دیگران بسیار حائز اهمیت است. حضرت زهرا^{علیها السلام} الگویی کامل در خیرخواهی برای دیگران هستند، چنان که در لحظات آخر زندگی خود در حق دیگران چنین دعا می فرمودند: «كَانَتْ فَاطِمَةُ إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا فَقَالَتْ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۸۸)؛ هنگامی که فاطمه^{علیها السلام} دعا می کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و برای خودش دعا نمی کرد. از حضرت در این باره پرسیدند که فرمود: نخست همسایه، و آنکه اهل خانه.

زنان عصر حاضر نیز در زندگی فردی خود می توانند با تأسی از حضرت زهرا^{علیها السلام} خیرخواهی و دعای خیر برای دیگران را بر خود مقدم بدانند؛ زیرا خیرخواهی و دعا در حق دیگران اثر بسیار مطلوب معنوی برای دعاکننده نیز دارد. چنان که آیت الله جوادی آملی در این باره می فرماید: «سود دعا برای دیگران آن است که فرشتگان از خداوند برای داعی چند برابر آن را می طلبند و چون آنان بدون اذن خدا سخن نمی گویند و هر چه را بخواهند مطلوب، بلکه مأمور به الهی است، به یقین دعایشان مستجاب است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ب، ص ۳۳۹).

از امام مجتبی^{علیه السلام} نقل شده است: «در شب جمعه، مادرم را در محراب عبادت مشاهده کردم. تا سپیده دم در حالت رکوع و سجود بود و همواره برای مؤمنان و مؤمنات به اسم دعا می کرد. زمانی که از او

پرسیدم چرا برای خود دعا نمی کنی، پاسخ داد: «در ابتدا باید برای همسایه دعا کرد، سپس برای خود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۱۳). این بیان به وضوح نشان دهنده اهمیت توجه حضرت زهرا^{علیها السلام} به دعا برای دیگران و خیرخواهی در سطح خانواده و جامعه است.

دعا کردن برای دیگران، درواقع نشان دهنده خیرخواهی مادی یا معنوی و یا هر دو برای آنهاست. بر این اساس، فرد به میزان نیکخواهی برای دیگران می تواند در دعا برای آنها صدق داشته باشد. از این رو کسی که مایل است بداند در دعا نسبت به مسائل معنوی و اخروی تا چه اندازه ای صداقت دارد، باید بررسی کند که آیا به واقع در نیکخواهی مادی نسبت به دیگران آمادگی و توان لازم را داراست یا نه (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۸۰).

حضرت زهرا^{علیها السلام} به عنوان الگوی خیرخواهی و دعا، نقش اساسی در تقویت روابط انسانی و معنوی در خانواده دارد. اندیشه های آیت الله جوادی آملی بر اهمیت نهادینه کردن این ویژگی ها در سبک زندگی خانوادگی زنان تأکید دارد. با الگوگیری از سیره ایشان، زنان می توانند فضای حمایتی و همدلی در خانواده ایجاد کنند. این رویکرد به پایداری و آرامش در زندگی خانوادگی و اجتماعی کل جامعه کمک می کند.

۲-۲. به کار بردن القاب زیبا برای خطاب همسر

یکی از سیره اخلاقی و رفتاری حضرت زهرا^{علیها السلام} در سبک زندگی خانوادگی، به کار بردن القاب زیبا برای خطاب همسر است، که زنان عصر حاضر می توانند با تأسی از حضرت زهرا^{علیها السلام} و به کارگیری این شیوه رفتاری، بر تحکیم خانواده و تکریم همسر در خانواده بیفزایند. چنان که حضرت زهرا^{علیها السلام} حضرت علی^{علیه السلام} را این گونه خطاب می فرماید: «رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءَ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَاءَ» (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۶۹)؛ علی جان، روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو.

نقش الگویی حضرت زهرا^{علیها السلام} در به کار بردن القاب زیبا برای خطاب همسر، تأثیر عمیقی بر سبک زندگی خانوادگی زنان معاصر دارد. استفاده از این القاب نه تنها موجب تحکیم روابط عاطفی و محبت آمیز بین زوجین می شود، بلکه احترام و تکریم همسر را نیز افزایش می دهد. درواقع، این شیوه بیان، نمادی از محبت و وابستگی عاطفی است که می تواند انگیزه های مطلوب را در زندگی زناشویی تقویت کند. به همین ترتیب، زنان امروزی با الهام از این سیره

اخلاقی می‌توانند جو خانواده را صمیمی‌تر کرده و به ایجاد محیطی حمایت‌گر و آرام کمک کنند که در نهایت به پایداری و کیفیت بهتر زندگی خانوادگی منجر می‌شود.

۲-۳. عدم سخت‌گیری به همسر

یکی از نقش‌های الگویی حضرت زهرا[ؓ] در زندگی نوین خانوادگی زنان، می‌تواند این باشد که به همسر سخت‌گیری ننماید و او را در سختی نیندازد و او را عهده‌دار تکلیفی ننماید که در انجام آن ناتوان است.

حضرت زهرا[ؓ] در ارتباطات خانوادگی خود، رفتار شایسته‌ای از خود نشان می‌دهند. زمانی که امیر المؤمنین علی[ؑ] از ایشان سؤال کردند که چرا در مورد مشکلات گرسنگی و کمبود مواد غذایی در خانه اطلاع نداده‌اند، ایشان در پاسخ فرمودند: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۵۹)؛ ای ابالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی. این نشان‌دهنده احترام و مسئولیت‌پذیری ایشان در برابر همسر و خانواده است و الگوی خوبی برای روابط محبت‌آمیز در زندگی مشترک به‌شمار می‌رود.

البته سخت‌گیری مرد در امور اقتصادی نیز از مصادیق سخت‌گیری در خانواده نسبت به همسر و فرزندان است. مرد اگر بتواند خانواده‌اش را از نظر اقتصادی در رفاه قرار بدهد، ثواب بسیاری می‌برد (مظاهری، بی‌تا، ص ۱۴۸).

چنان‌که پیامبر^ﷺ در این باره فرمودند: «الْكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۳۴)؛ کسی که برای رفاه خانواده‌اش کار کند، همچون مجاهد در راه خداوند است.

اما در شرایط فعلی و زندگی‌های نوین در عصر حاضر که مشکلات اقتصادی نیز از جمله مشکلات خانواده، می‌تواند به‌شمار رود، زن‌ها می‌توانند با الگوپذیری و تأسی از سبک زندگی فاطمه زهرا[ؓ] در امور اقتصادی، به همسر سخت‌گیری و شکوه ننمایند و با ساده‌زیستی و رضایت، در عملکرد خود به سبک زندگی فاطمی نزدیک گردد. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «اشتیاق به ساده زیستن، ایثار مستمندان و محرومان فضیلت اخلاقی زنان وارسته است که نه تنها آنها را از لوذ هجوم فرهنگ مبتذل پاک نگه می‌دارد، بلکه مردان را هم از آلودگی می‌رهاند» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۲۹).

سیره حضرت زهرا[ؓ] در عدم سخت‌گیری به همسر می‌تواند الگویی مؤثر برای زنان معاصر باشد؛ زیرا بر اهمیت همدلی، همکاری و احترام به توانایی‌های همسر تأکید دارد. این رویکرد فضای آرام و بدون تنش در خانواده ایجاد می‌کند که به سلامت روانی اعضا و بهبود روابط خانوادگی کمک می‌کند. در شرایط اقتصادی کنونی، الگوپذیری از سیره ایشان می‌تواند به ساده‌زیستی و درک متقابل در خانواده‌ها منجر شود و توجه به ارزش‌های ایثار و فداکاری، تعادل روابط را تقویت و کیفیت زندگی را ارتقا بخشد.

بنابراین با توجه به استشهاد به منابع تفسیری و روایات، تأمین زندگی و امور اقتصادی خانواده به عهده مرد است و مرد در برابر تلاش‌های خود، برای تأمین نیازهای اقتصادی زنان، صواب بسیاری می‌برد. اما با توجه به مشکلات اقتصادی زندگی نوین در عصر حاضر، زن‌ها نیز به تأسی و الگوپذیری از سیره حضرت زهرا[ؓ] شایسته است که به شوهر خود سخت‌گیری ننمایند و با ساده‌زیستی و اجتناب از تجمل‌گرایی و به حفظ تعادل و آرامش خانواده کمک کنند. درواقع این اصل جهت عدم سخت‌گیری و همکاری در گذراندن امور اقتصادی خانواده است و به‌معنای نادیده گرفتن حقوق فردی زنان یا سلطه مرد بر زن نیست.

۳. نقش الگویی حضرت زهرا[ؓ] در سبک زندگی اجتماعی

نقش الگویی حضرت زهرا[ؓ] در سبک زندگی اجتماعی و نقش‌آفرینی ایشان در اجتماع و حضور عقیفانه و شجاعانه ایشان در عرصه‌های اجتماعی، ضرورت حضور فعالانه زنان در عرصه‌های اجتماعی را آشکار می‌سازد. در ادامه به نقش الگویی حضرت زهرا[ؓ] در سبک زندگی اجتماعی پرداخته می‌شود:

۳-۱. نقش‌آفرینی حضرت زهرا[ؓ] در حل مسائل دینی

زنان عصر حاضر با الگو قرار دادن حضرت زهرا[ؓ] در سبک زندگی نوین اجتماعی، می‌توانند پاسخگوی نیازهای اعتقادی مردم و دانش‌آموزان در اجتماع و مدارس باشند. زنان در تربیت دانش‌آموزان و پاسخ‌گویی به نیازهای اعتقادی و اخلاقی جامعه ظرفیت و توانمندی بالایی دارند. چنان‌که حضرت زهرا[ؓ] پاسخگوی نیازهای اعتقادی و اخلاقی جامعه بودند و حضرت در حل مسائل دینی نقش

اساسی را به عهده داشتند و زنانی که در مسائل دینی دچار اختلاف و شبهه شده بودند را راهنمایی و یاری می‌کردند.

چنان که امام حسن عسکری علیه السلام بیان می‌کنند: «دو زن که در یک موضوع دینی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، پیش حضرت زهرا علیها السلام آمدند. گفت‌وگو میان این دو به مشاجره و نزاع انجامید؛ یکی از آنها مؤمن بود و دیگری معارض و مخالف با اسلام. حضرت به زن مؤمن در بیان استدلال‌ها و دلایلش یاری رساند تا بتواند حقانیت خود را اثبات کند. وقتی او موفق به اثبات سخنان خود شد، بسیار خوشحال گردید. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «خشنودی فرشتگان از پیروزی تو بر او بیشتر از خوشحالی توست، همان‌طور که اندوه شیطان و یارانش بیش از ناراحتی خود آن زن است» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۷). این روایت به زنان معاصر، یادآوری می‌کند که درگیر شدن در مباحثه‌های صحیح و توانمندسازی زنان می‌تواند به تقویت سبک زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها کمک کند و نقش مطلوب قرآنی برای آنها در جامعه ایجاد نماید.

حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان الگوی کامل انسانی، تأثیر عمیق و شگرفی بر زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان معاصر دارند. با تأسی به سیره ایشان، فضایی سازنده برای حل اختلافات و تقویت همبستگی اجتماعی فراهم خواهد شد و به زنان الهام داده می‌شود تا به خودباوری و مشارکت فعال در امور اجتماعی و دینی بپردازند. ویژگی‌هایی مانند صداقت و فداکاری ایشان به ارتقای دانش و مهارت‌های دینی و رشد اخلاق و معنویت زنان کمک کرده و به جامعه‌ای سالم و متعهد و غنای فرهنگ دینی اجتماعی منجر می‌شود. به‌این‌ترتیب، حضرت زهرا علیها السلام نقش اساسی در ترویج ارزش‌های انسانی و الهی در جامعه ایفا می‌کنند.

۳-۲. ترویج معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام

از نقش‌های الگویی حضرت زهرا علیها السلام در سبک زندگی نوین اجتماعی این است که آن حضرت در اجتماع آن روز خود را عهده‌دار نشر معارف حق می‌دانستند. چنانچه ابن‌مسعود، از بزرگان اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مردی به نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و عرض کرد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نزد شما گذاشته است که من هم از آن بهره‌مند شوم؟» آن حضرت به خدمتکار منزل فرمود که «برود آن دستمال ابریشمی را بیاورد». خدمه هرچه جست‌وجو کرد، آن را نیافت، اما

حضرت فرمودند: «حتما آن را پیدا کن؛ زیرا به اندازه حسن و حسین علیهم السلام برایم ارزش دارد»، پس از تلاشی دوباره، خدمتکار بالاخره آن دستمال را پیدا کرد. در آن صحیفه و نوشته‌ای بود که بر آن چنین نوشته شده بود: «قال محمد النبی صلی الله علیه و آله: لَیْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ یَأْمَنْ جَارَهُ بِوَاقَعَةٍ. مَنْ كَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یُؤْذِی جَارَهُ. وَ مَنْ كَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلْیَقُلْ خَیْرًا أَوْ یَسْكُتْ. إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْخَیْرَ الْحَلِیْمَ الْمُتَعَفِّفَ وَ یُبْغِضُ الْفَاحِشَ الضَّنِیْنَ السَّئَالَ الْمُلْحِفَ. إِنَّ الْحَیَاءَ مِنَ الْإِیْمَانِ وَ الْإِیْمَانُ فِی الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبُذَاءِ وَ الْبُذَاءُ فِی النَّارِ» (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد از مؤمنان نیست. هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، همسایه‌اش را آزار ندهد. کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا سخن نیکو بگوید یا سکوت کند. همانا خداوند انسان نیکوکار بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان زشت‌کار بخیل و بسیار سؤال‌کننده و پررو را مبعوض دارد. همانا حیا از ایمان است و ایمان نیز در بهشت جای دارد و فحش [و ناسزاگویی] از بی‌حیایی است و [آدم] بی‌حیا در آتش است.

حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان الگویی برجسته در نشر معارف حق، نقشی حیاتی در شکل‌گیری سبک زندگی نوین اجتماعی زنان ایفا می‌کنند. حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، بر اهمیت رعایت حقوق همسایگان و رفتارهای اخلاقی تأکید دارد و نشان می‌دهد که این امر جزو اصول بنیادین ایمان به‌شمار می‌رود. این نگرش می‌تواند به زنان معاصر الهام بخشد تا بر مبنای آموزه‌های اخلاقی و دینی، در ایجاد جامعه‌ای سالم و همبسته مشارکت کنند. تحلیل این حدیث بر ضرورت ایفای نقش زنان در ترویج معارف اسلامی و اصلاح رفتارهای اجتماعی تأکید می‌کند. زنان می‌توانند با پیروی از سیره حضرت زهرا علیها السلام فرهنگ همدلی، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق یکدیگر را در جامعه ترویج دهند. درنتیجه، عهده‌دار بودن معارف حق توسط حضرت زهرا علیها السلام به تقویت روابط و تعاملات اجتماعی مطابق با آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام و ارتقای شأن و منزلت زنان از منظر اخلاقی و فرهنگی کمک شایانی خواهد کرد.

۳-۳. کمک به فقرا و نیازمندان جامعه

یکی از نقش‌های الگویی حضرت زهرا علیها السلام کمک به فقرا و نیازمندان جامعه بود؛ به‌طوری‌که هر سائل و نیازمندی به خانه حضرت زهرا علیها السلام

وجود ندارد؛ ولی به دلیل خصوصیات اخلاقی و وظایف ویژه زنانه، اقتضا ضرورت این است که برای زنان از جنس خودشان نیز، الگویی وجود داشته باشد تا از جنبه الگوپذیری و مشخص شدن مصادیق الگوپذیری به سیره تربیتی و اخلاقی ایشان در سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی اقتدا کنند.

با توجه به یافته‌های تحقیق درباره نقش الگویی حضرت فاطمه زهرا[ؑ] در سبک زندگی نوین زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، می‌توان بیان کرد که سیره حضرت زهرا[ؑ] به‌عنوان یک الگوی مطلوب قرآنی، قادر است به رشد معنوی و اخلاقی زنان کمک کرده و آنها را در ایفای نقش‌های کلیدی خود در خانواده و جامعه یاری رساند. این تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های آن حضرت می‌تواند به‌عنوان رهنمودی برای حل مشکلات اجتماعی و فردی زنان در دنیای معاصر و دستیابی به سبک زندگی نوین آنان محسوب شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های سیره حضرت زهرا[ؑ] به‌کار بردن القاب زیبا برای خطاب همسر، خیرخواهی و دعا در حق دیگران، پرهیز از نامحرم، انس با قرآن، در سبک زندگی نوین فردی زنان و عدم سخت‌گیری به همسر، به کار بردن القاب زیبا برای خطاب همسر، خیرخواهی و دعا در حق دیگران در سبک زندگی نوین خانوادگی زنان و کمک به فقرا و نیازمندان جامعه، عهده‌دار نقش معارف حق، نقش‌آفرینی حضرت زهرا[ؑ] در حل مسائل دینی در سبک زندگی نوین اجتماعی زنان به‌عنوان مؤلفه‌های مهم در سیره آن حضرت مطرح شده است.

بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، الگوپذیری از سیره حضرت زهرا[ؑ] در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی به زنان کمک می‌کند تا از لحاظ معنوی به کمال برسند و در نقش‌های مختلف خود به طور مؤثر عمل کنند. این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که جامعه به الگوهایی نیاز دارد که نه تنها راهکارهای اخلاقی و تربیتی را به‌خوبی نمایان کند، بلکه بتواند در راستای سبک زندگی نوین زنان، در تربیت فرزندان صالح و همچنین ایفای نقش مؤثر در خانواده و اجتماع، فرایندهای بهتری را دنبال کند. خلأ و شکاف‌های موجود در تربیت معنوی و اخلاقی زنان نیز مورد بررسی قرار گرفته و تأکید شده که با الگوبرداری از سیره حضرت زهرا[ؑ] می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد.

تحقیق حاضر در مقایسه با سایر تحقیقات پیشین وجوه متمایزکننده‌ای دارد. این تحقیق به بررسی دقیق‌تری از جنبه‌های

مراجعه می‌کرد. پیامبر اکرم[ؐ] فرمود: «چیزی برای تو نمی‌یابم، برو به خانه کسی که هم خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست دارند، او خدا را بر خود مقدم می‌دارد، برو به خانه فاطمه[ؑ]» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۵۶). سپس پیامبر به بلال فرمود: «او را به منزل فاطمه[ؑ] برسان.» بلال با آن مرد به منزل فاطمه[ؑ] رفت و موضوع را به عرض زهرا[ؑ] مرضیه رساند. حضرت گردن‌بندی را که دختر عمویش، فاطمه دختر حمزه سیدالشهدا[ؑ]، به او هدیه داده بود، از گردن خارج کرده و به آن مرد فقیر داد و فرمود: «خُذْهُ وَبِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يُؤْضِكَ بِهٖ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۲۵)؛ این را بگیر و بفروش. امید است خداوند در مقابل آن چیزی به تو دهد که از آن بهتر است.

حضرت زهرا[ؑ] به‌عنوان الگویی کامل انسانی، در خدمت به فقرا و نیازمندان، تأثیر عمیقی بر جامعه اسلامی داشتند. پیامبر اکرم[ؐ] به نیازمندان توصیه می‌فرمودند که به خانه ایشان مراجعه کنند. واقعه بخشش گردن‌بند هدیه‌شده به یک مرد فقیر از سوی ایشان، نشانه‌ای از روح بخشندگی و ایمان عمیق به رحمت الهی است. شناخت سیره حضرت زهرا[ؑ] به‌عنوان الگویی نمونه و برتر برای زندگی اجتماعی زنان معاصر، به تحقق محبت و مسئولیت اجتماعی و به ترویج ارزش‌های انسانی در جامعه معاصر کمک کند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نقش الگویی حضرت فاطمه زهرا[ؑ] در سبک زندگی نوین زنان، بسیار حائز اهمیت و مؤثر است و زنان با الگو قرار دادن سیره رفتاری حضرت زهرا[ؑ] در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در عصر حاضر می‌توانند از لحاظ معنوی و اخلاق فردی به رشد کافی برسند و نیز در محیط خانواده به‌عنوان همسر و مادر به خوبی نقش‌آفرینی کنند و فرزندان صالح تربیت کرده و به اجتماع تحویل دهند.

حضرت زهرا[ؑ] دارای فضائل اخلاقی بی‌نظیر و بانوی دو عالم است، به‌گونه‌ای که هریک از ابعاد زندگی حضرت، الگویی کامل برای زنان عصر حاضر است. این الگوی کامل، نمونه‌ای از الگوی مطلوب قرآنی برای سبک زندگی نوین زنان عصر حاضر است.

در آموزه‌های قرآن کریم، پیامبر[ؐ] الگو و اسوه کامل برای مؤمنان معرفی شده است. در این میان فرقی بین الگوی زن و مرد

مشخصی از الگوپذیری و تأثیر آن در زندگی روزمره و سبک زندگی نوین زنان پرداخته و نتایج آن همسو با یافته‌های دیگر پژوهشگران در این حوزه است. همچنین، نظرات و تحلیل‌های آیت‌الله جوادی آملی به‌روشنی در تضاد با اظهارات سطحی درباره نقش زنان در جامعه قرار دارد و عمق و جامعیت بینش ایشان برای ویژگی‌های سیره حضرت زهرا^{علیها السلام} در زندگی مدرن زنان، انسجام بیشتری ایجاد می‌کند.

به منظور بهبود وضعیت زندگی زنان و خانواده‌ها، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران به جنبه‌های تربیتی و اخلاقی سیره حضرت زهرا^{علیها السلام} پرداخته و راهکارهایی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ارائه مشاوره‌های معنوی و اخلاقی را مد نظر داشته باشند. همچنین، توجه به محدودیت‌های تحقیق ازجمله دسترسی به منابع معتبر و کمبود تحقیق‌های میدانی در این زمینه نیز حائز اهمیت است.

در نهایت، نتایج این تحقیق بیانگر این است که الگوپذیری از سیره حضرت زهرا^{علیها السلام} به‌عنوان یک منبع غنی برای جست‌وجوی راه‌های ابتکاری و کارآمد در زندگی مدرن زنان به حساب می‌آید. با تأکید بر اصول و آموزه‌های آن حضرت، زنان می‌توانند به شکل بهتری با چالش‌های زندگی مواجه شوند و به سمت رشد شخصی و اجتماعی حرکت کنند. علاوه بر این، توجه به این اصول می‌تواند به تحقق اجتماعی سالم‌تر و متعادل‌تری نیز منجر شود. بنابراین، سیره حضرت زهرا^{علیها السلام} نه تنها یک راهکار معنوی، بلکه یک الگوی عملی برای زندگی نوین و مدرن زنان به‌شمار می‌آید که در کلام آیت‌الله جوادی آملی نیز به‌روشنی مورد تأیید قرار گرفته است.

منابع.....

قرآن کریم.

امام حسن عسکری^{علیه السلام} (۱۴۰۹ق). *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری*. تحقیق مدرسه امام مهدی^{علیه السلام}. قم: مدرسه الإمام المهدی^{علیه السلام}.
بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۳ق). *مدینه معجز الأئمة الإثني عشر*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *سروش هدایت*. تحقیق عباس رحیمیان. قم: اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *سروش هدایت*. تحقیق حسین اشرفی. قم: اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸الف). *ادب فنای مقرران*. تحقیق محمد صفایی، چ پنجم. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ب). *جرعه‌ای از صهیایی*. تحقیق حسن واعظی محمدی. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *آفاق اندیشه*. تحقیق علی اسلامی. قم: اسراء.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. تحقیق مؤسسه آل‌البیت^{علیهم السلام}. قم: مؤسسه آل‌البیت^{علیهم السلام}.

حسینی، فاطمه و خدیجه جلالی. اسوه بودن حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} در: sid.ir.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
رستمی، محمدحسن و شادکام، هادی (۱۳۹۰). حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} الگوی بصیرت در ولایتمداری. منهای، ۱۲، ۱۴۷-۱۷۳.

صدرالمآلهین (۱۳۶۶). *شرح أصول الکافی*. تصحیح محمد خواجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صنّعی، ماندانا (۱۳۹۸). سبک زندگی اسلامی. در: *همایش ملی روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی*.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*. قم: مؤسسه بعثت.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. تصحیح جمعی از محققان. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). *نهج الدعاء*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحديث.

مظاهری، حسین (بی‌تا). *خانواده در اسلام*. قم: شفق.

نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.

An Anthropological Study of the Phenomenon of 'Alam-keshi in the Mourning Processions of Afghan Migrants

Morteza Mohaghegh Varsi  / Master's Degree in Cultural Communication, Department of Social Sciences, Baqir al-'Ulum University.

Received: 2024/09/25 - **Accepted:** 2025/05/18

Mohaghegh123@gmail.com

Abstract

This article examines the phenomenon of 'alam-keshi in the mourning processions of Afghan migrants residing in Iran from a cultural anthropological perspective. This ceremony, which is in fact a form of mourning, is performed as a traditional religious ritual in various migrant communities. We have employed participant observation and interview techniques to describe it. This research indicates that although this ritual is less prominent in some Shi'a-populated areas of Afghanistan or is performed with slight variations in others, the people of Shi'a-populated areas in Afghanistan predominantly observe the mourning ceremony for Hazrat Abul-Fazl al-'Abbas (peace be upon him) alongside this ritual. However, what is observed today in the migrant processions (particularly in the central migrant processions) is that in large migrant-receiving cities, this religious ritual is performed with increasing fervor each year on the seventh night of Muharram. In this research, we aim to understand the historical, cultural, and value-based underpinnings of the phenomenon of 'alam-keshi, the symbols used in this ritual, and the quality of its performance in various regions. At the conclusion of this paper, it will be clarified what cultural consequences this religious phenomenon has had on the migrant community.

Keywords: 'Alam-keshi, Muharram, migrants, 'alam, procession.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی انسان‌شناختی پدیده علم‌کشی در هیئات مهاجرین افغانستانی

Mohaghgh123@gmail.com

مرتضی محقق و رسی / کارشناس ارشد ارتباطات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ☞

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

چکیده

در این مقاله پدیده علم‌کشی هیئات مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، مورد بررسی انسان‌شناختی فرهنگی قرار گرفته است. این مراسم که درواقع نوعی عزاداری است، به‌عنوان یک آیین مذهبی سستی در اجتماعات گوناگون مهاجرین برگزار می‌شود. ما برای توصیف آن از تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده کرده‌ایم. در این تحقیق بیان شده که اگرچه این آیین در برخی مناطق شیعه‌نشین افغانستان کم‌رنگ بوده و یا در برخی نقاط دیگر با کمی زواید انجام می‌شده، اما مردم مناطق شیعه‌نشین افغانستان غالباً مراسم عزای حضرت ابوالفضل العباس ☞ را همراه با این آیین پاس می‌دارند. لکن آنچه امروزه در هیئات مهاجرین (به‌خصوص هیئات مرکزی مهاجرین) دیده می‌شود این است که در شهرهای بزرگ مهاجرپذیر، این آیین مذهبی هر ساله با حلاوت بیشتری در شب هفتم محرم انجام می‌شود. در این پژوهش برآنیم تا بدانیم پدیده علم‌کشی چه پشتوانه تاریخی، فرهنگی و ارزشی دارد، در این آیین از چه نمادهایی استفاده می‌شود و نیز کیفیت برگزاری آن در مناطق گوناگون چگونه است؟ و در پایان این نوشتار روشن خواهد شد که این پدیده دینی چه پیامد فرهنگی را بر جامعه مهاجرین داشته است؟

کلیدواژه‌ها: علم‌کشی، محرم، مهاجرین، علم، هیئت.

مقدمه

ضمن این توصیف سعی می‌شود به این پرسش‌های مطروحه در این زمینه هم پاسخ داده شود.

با جست‌وجوی مقالات و نگاشته‌هایی که در مورد عزاداری‌ها و آداب و رسوم خاص مناطق گوناگون انجام شده، می‌توان به این نکته اشاره کرد که آثار فقهی و کلامی در زمینه موارد مذکور نسبتاً بیشتر می‌باشد، ولی کارهای انسان‌شناختی در این موضوعات کمتر بوده و توجه زیادی به عزاداری‌های خاص با رویکرد انسان‌شناختی نشده است. اگرچه در میان مقالات، عنوان جداگانه‌ای که مستقلاً یا ضمناً به علم‌کشی پرداخته باشد، یافت نشد. در این فرصت می‌توان به برخی از مقالات با رویکرد انسان‌شناختی فرهنگی اشاره کرد که عبارت‌اند از:

مقاله‌های «بررسی مردم‌شناسانه نخل‌گردانی در بزرگداشت امام حسین» شهرستان مهریز استان یزد» (دشتکی، ۱۳۹۴)؛ «نخل‌گردانی محرم در درخش: نگاهی انسان‌شناختی» (حمیدی، ۱۳۹۵)؛ «آیین نخل‌آرایی و نخل‌گردانی روز عاشورا در ششتمد (سبزوار)» (سپهر و عسگری، ۱۳۹۲)؛ «عزاداری ماه محرم در برزگ (کاشان)» (مرادی بزرگی و عسلی، ۱۳۸۷)؛ «چنار خونبار (بررسی پدیدارشناختی پدیده چنار خونبار الموت قزوین)» (خانمحمدی، ۱۳۸۸)؛ «تحلیل مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی‌شدن؛ مطالعه موردی مناسک قالیشویان مشهد ارده‌ال» (تقی‌زاده و خانمحمدی، ۱۳۸۵)؛ «گزارشی از ماه محرم در فیلیپین» (قلی‌رکنی، ۱۳۸۴)؛ «برگزاری ماه مراسم ماه محرم در کویت» (حسینی، ۱۳۸۴)؛ «مراسم سوگواری دهه محرم در دارالسلام» (عرب‌احمدی، ۱۳۸۴)؛ «نگاهی به مراسم عزاداری دهه محرم در لاهیجان» (وحیدی، ۱۳۹۴)؛ «محرم در اندونزی» (ظفرآقبال، ۱۳۸۴)؛ «سوگواری محرم در لس‌آنجلس» (مرتضوی، ۱۳۸۶)؛ «مراسم محرم در آناتولی ترکیه» (وئوقی، ۱۳۶۴).

یکی از مواردی که کیفیت بسیاری از آثار انسان‌شناختی را پایین می‌آورد توجه به توصیف پدیده‌هاست، یعنی توضیح و توصیف صرف پدیده‌ها که این خود باعث کسلی مخاطب و عدم جذابیت متن و در نتیجه ادا نشدن حق مطلب و پدیده مورد گزارش است، از این رو در این مقاله سعی شده به توصیف صرف بسنده نشود و برای رعایت جذابیت و غنای محتوای این نوشتار، و رهایی از یکدستی آن، به دو

شیعیان سراسر دنیا دارای فرهنگ‌های متعددی بوده و بخشی از این فرهنگ در مراسم محرم به نمایش گذاشته می‌شود. شیعیان در محرم آیین عزاداری را با الگوهای فرهنگی بومی خودشان برگزار می‌کنند. این تنوع فرهنگی شیعیان باعث گردیده انواع عزاداری و آداب و رسوم خاصی در هریک از مرز و بوم شیعه‌نشین برگزار شود و هر کدام با آیین و مراسمی خاص به اقامه عزا بپردازند (همانند تعزیه در شهرستان‌های ایران یا نخل‌گردانی در ششتمد سبزوار و مهریز یزد).

افغانستان یکی از مناطقی است که اگرچه مردم آن مسلمان هستند، ولی شیعیان آن در اقلیت بوده و فقط برخی استان‌ها هستند که تمامی و یا اکثر قریب به اتفاق آنها شیعه هستند، مانند بامیان، دایکندی، غزنی، مزار و... تقریباً جمعیت شیعیان آن حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد می‌باشد. یکی از آیین‌های خاص عزاداری که در این اقلیم و در ایام محرم برگزار می‌شود، «علم‌کشی» است که در بسیاری از شهرهای شیعه‌نشین افغانستان از مراسم‌های اصلی محرم محسوب می‌شود و عده بسیاری را در این شب مخصوص به حسینه‌ها و تکایا می‌کشاند.

آنچه امروزه در هیئات مرکزی مهاجرین افغانستانی مشاهده می‌شود، برگزاری پر شور و حال این آیین است، به‌طوری‌که در این هیئات که مهاجرین نقاط مختلف افغانستان در آن شرکت دارند، گویی تمام عزاداران منتظر این شب و این مراسم اندوهناک هستند و احساس می‌شود این آیین هر سال پرحرارت‌تر از گذشته برگزار می‌گردد. در این میان، اگر با نگاه انسان‌شناختی فرهنگی به بررسی ایمیک و درونی این پدیده بپردازیم، باید در این تحقیق، به چند سؤال پاسخ دهیم:

- پشتوانه تاریخی، فرهنگی و ارزشی این آیین چیست؟
- آیین علم‌کشی از نگاه صوری و محتوایی چگونه است؟
- در این آیین از چه نمادهایی (دیداری، شنیداری و گفتاری) استفاده می‌شود؟

- افزوده‌های فرهنگی مناطق و اقوام چه آثاری بر کیفیت این آیین به جای گذاشته است؟

بنابراین آنچه در این تحقیق به دنبال آن خواهیم بود، توصیف کردن مراسمی است که امروزه مهاجرین افغانستانی در هیئت‌های خود، در ایام محرم با عنوان علم‌کشی برگزار می‌کنند. همچنین در

آن در محرم و سایر اوقات سال دارند؛ چراکه آنها نیز می‌توانند اطلاعات مناسبی در این زمینه در اختیار نگارنده قرار دهند.

۱. مفهوم علم و علم‌کشی در کتب و فرهنگ‌های مختلف

۱-۱. بررسی لغوی

واژه علم از ریشه علمَ يَعْلَمُ یا یَعْلَمُ علمه بوده و این‌گونه معنا می‌دهد: علامتی بر روی آن گذاشت، یا آن را با داغ کردن علامتگذاری کرد. خود واژه العلم نیز جمع اعلام بوده و به معنای پرچم علم یا پرچمی که بر روی نیزه سوار می‌کنند می‌باشد (بندرریگی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۷۰).

۱-۲. بررسی تاریخی عنوان «علم در فرهنگ اسلامی»

هر گاه به نیزه یا عصا چیزی بسته شود، در زبان عرب به آن لواء گفته می‌شود. به آن رایت یا علم هم می‌گویند (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). رسم این بوده که روی پرچم‌ها نام خلفا و فرماندهان را به‌منظور گرامیداشت آنان و ترساندن دشمن و تقال برای پیروزی و گاه آیات قرآن را می‌نوشتند. در یکی از معابد دیرالظاهر شهر برغوس اسپانیا پرچمی از حریر یکدست یافت شده که بر آن آیات قرآن همراه با آیات زیبا ترسیم شده است (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). به‌هرحال پرچم سبب نظام و نشانه برپایی سپاه بوده است و مادام که در پیشاپیش سپاه در اهتزاز بود، از فروپاشی سپاه جلوگیری می‌کرد و نویدبخش پیروزی بود. از این‌رو پرچم همیشه به دست مردان دلیر و متهور، غیور و متعصب داده می‌شد. مردانی امین که قدرت و جاه، زر و مال در اراده آهنین آنان اثر نمی‌گذاشت (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵).

ریشه واژه علم‌کشی به کلمه معروف علم برمی‌گردد و درواقع هم‌معنای پرچم می‌باشد. در کتاب چهره درخشان قمر بنی‌هاشم در تعریف پرچم اینچنین آورده شده: به پارچه‌ای که بر سر چوب کنند و علامت یک کشور، یا بخشی از ارتش، و یا یک دسته‌ای باشد، پرچم و بیرق و درفش و لوا و علم و رایت گفته می‌شود (ربانی خلخالی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶).

به فرازی از سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام به‌عنوان شاهد بر این سخن اشاره می‌کنم: «پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی مگذارید، و جز به دست دلاوران و مدافعان سرسخت خود نسپارید؛ زیرا آنان که در حوادث سخت ایستادگی می‌کنند، از پرچم‌های خود

بخش تحلیل صوری و تحلیل محتوایی پدیده علم‌کشی پرداخته شود تا ضمن توصیف یکایک آداب و رسوم این نوع عزاداری، به تحلیل آنها نیز پرداخته شود. همچنین با توجه به اینکه سابقاً به این موضوع پرداخته نشده و کسی این آیین را توصیف علمی نکرده است، می‌تواند پژوهشی نو در باب آیین‌های عزاداری سنتی شیعیان در ماه محرم باشد.

در این پژوهش همانند اکثر پژوهش‌های انسان‌شناختی از روش کیفی استفاده شده است. همچنین برای رسیدن به فرضیه صحیح و روشن شدن همه ابعاد آن، از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه و توصیف و تفسیر استفاده شده است.

الف. مشاهده مشارکتی

با توجه به اینکه خود نگارنده اصالتاً افغانستانی بوده و در زیست‌جهان فرهنگی آن سامان، رشد یافته است، به‌خوبی با نحوه و چگونگی اجرای این آیین آشناست. بنا بر همین نکته، یکی منابع مشاهدتی نگارنده، تجربه زیسته اوست. از آنجاکه می‌بایست این مراسم به‌عنوان یک پدیده انسان‌شناختی فرهنگی توصیف و تحلیل شود، دامنه زمانی مشاهده مشارکتی نگارنده از سال ۱۳۹۶ با دقت و حساسیت بیشتری دنبال گردید. هم‌زمان با مشاهده آیین‌های عزاداری جامعه هدف دسته‌بندی، تحلیل و بررسی مردم‌شناختی آن نیز صورت می‌گرفته است. همچنین تلاش شده که مراحل اجرای آیین‌های مذهبی با دقت مشاهده گردیده و حالات و احساسات عزاداران به‌خوبی توصیف شود تا از این طریق خواننده بتواند خود را در این آیین تصور کند و گویی اجرای آن را از نزدیک دیده است.

ب. مصاحبه

از آنجاکه یکی از سؤالات پژوهش این است که «آیا پدیده علم‌کشی در مناطق شیعه‌نشین افغانستان هم اجرا می‌شده و اینکه آیین علم‌کشی از نگاه صوری و محتوایی چگونه می‌باشد؟ نیاز به انجام مصاحبه با کسانی بود که بخشی از زندگی خود را در افغانستان گذرانده و تجربیات مبسوط‌تری داشتند. بنابراین اقتضا علمی بحث این بود که با دو دسته از افراد مصاحبه صورت گیرد و در مجموع حدود ۳۰ مصاحبه انجام شد: ۱. مبلغانی که به‌عنوان روحانی و مجری اصلی برنامه‌های مذهبی در هیئات حضور داشته‌اند. ۲. افرادی که نقش فعالی در برگزاری هیئات و اجرای آیین‌های سنتی

این طریق به اقامه عزا می‌پردازد. این نوع علم با طراحی خاص و زنگوله‌هایی که دارد در هنگام حرکت، ایجاد صدا کرده و پره‌های بزرگ و نمادینی که در تمام این علم‌ها تعبیه شده، در هنگام علم‌گردانی، به جلو و عقب متمایل می‌شود؛ گویی این علم لحظات سخت حفظ علم توسط حضرت ابوالفضل (ع) را تداعی کرده و حال عزاداران را بیشتر عاشورایی می‌کند.

۱-۴. علم در فرهنگ افغانستانی

در شهر کابل افغانستان هم هر ساله، در زیارتگاهی به نام قدمگاه سخی پرچم و علمی به نام حضرت علی (ع) توسط اهل سنت و شیعه برافراشته می‌شود. این علم که تقریباً هشت الی ده متر طول دارد، طی یک مراسم خاص و با حضور مردم، به منظور گرامی داشت سال نو خورشیدی و به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) برافراشته می‌شود. در این مراسم که در عید نوروز برگزار می‌شود، یک عالم شیعه و یک عالم سنی به نوبت سخنرانی می‌کنند و افراد عالی‌رتبه دولتی هم در این مراسم شرکت می‌کنند و پرچم مذکور تا ۴۰ روز برافراشته می‌ماند. مردم کابل به شدت به این علم تبرک می‌جویند و به آن اعتقاد خاصی دارند. همان‌طور که ذکر شد این علم به نام «علم علی (ع)» معروف است و ربطی به آیین علم‌کشی محرم ندارد.

امروزه پدیده علم‌کشی یکی از سنن به نام و مورد توجه در بین هیئات شیعی مهاجرین افغانستان می‌باشد و در ده سال اخیر، بسیار پررونق و با حلاوت خاصی در بین این هیئات برگزار می‌شود. این شب در میان دهه محرم از اهمیت و شور خاصی برخوردار بوده، به گونه‌ای که همه اهالی هیئت، اعم از پیر و جوان و زن و مرد، سعی می‌کنند هرگز این شب را از دست ندهند و به خاطر ارادت خالص و عمیقی که نسبت به حضرت باب‌الحوایج دارند، در این شب حتماً در مجالس عزاداری شرکت می‌کنند. قابل ذکر است که این تحقیق در ابتدا با پیش‌فرض انجام این مراسم در تمامی شهرهای شیعه‌نشین افغانستان، و در پی آن، در تمامی هیئات مهاجرین آغاز شد. اما با سؤال و جواب و مصاحبه‌هایی که از برخی مبلغان افغانستانی که از مناطق مختلف افغانستان بودند، انجام شد، این پیش‌فرض تغییر کرد؛ چراکه متوجه شدم اگرچه غالب مناطق افغانستان این مراسم را دارند، ولی برخی نقاط (هرچند بسیار کم) این آیین را در عزاداری خود ندارند. از این‌رو تصمیم گرفته شد که از برخی اعضای هیئات و

بهتر پاسداری می‌نمایند و آن را در دل لشکر نگاه می‌دارند و از هر سو، از پیش و پس و اطراف، مراقب آن می‌باشند، نه از آن عقب می‌مانند که تسلیم دشمن کنند و نه از آن پیشی می‌گیرند که تنها رهایش سازند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷).

۱-۳. علم در فرهنگ ایرانی

به نظر می‌رسد که نوعی علم در زمان آل‌بویه برای مراسم محرم استفاده می‌شده است. در زمان آق‌قویونلوها، طبل و علم از امامزاده‌ها توسط علما در مراسم مذهبی حمل می‌شده است. با تشکیل دولت شیعی صفوی، علم به صورت گسترده‌ای در مراسم محرم و سایر مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قدیمی‌ترین علم‌های ایرانی در کاخ توپ‌قاپی استانبول نگهداری می‌شود. این علم‌ها از غنایم جنگی است و پس از تصرف شهر تبریز توسط سپاهیان عثمانی، شاه سلیم آنها را به استانبول منتقل کرد که پس از رواج تشیع در زمان شاه اسماعیل مورد استفاده دسته‌ها قرار می‌گرفت، از صفحه‌ای آهن به صورت تیغه‌ای باریک و بلند ساخته می‌شد. در رأس آن علامت و نشان سنتی و قومی قبیله و در شیعه‌مذهبان نام الله یا نام الله و محمد و علی یا نام الله و پنج تن نقره‌کاری (نقره‌کوبی) یا کنده‌کاری می‌شد. تیغه باریک و بلند آهنین با صفحه‌ای مدور و بزرگ‌تر در انتهای تیغه که دارای قابی از فلز بود خاتمه می‌یافت. دور این قاب را با سرهای اژدها که از هنرهای چینی و ژاپنی اقتباس شده بود، می‌آراستند. این علم‌ها بر روی دسته‌ای چوبی یا فلزی قرار می‌گرفت و پیشاپیش دسته‌ها حمل می‌شد. در سال‌های بعد، به‌خصوص در دوران زندیان و قاجاریه، تزئینات دیگری به علم‌های دسته اضافه شد و عزاداران مذهبی در ایام سوگواری یا بزرگداشت و تشریفات دیگر آنها را به کار می‌بردند (ویکی‌پدیا).

امروزه علمی که در دسته‌جات عزاداری در ایران مرسوم است، چیزی شبیه به همین علمی است که ذکر شد؛ علمی فلزی و بزرگ که هم دارای ارتفاع دو یا سه متری، و هم پهنای چندین متری است. علمی بسیار سنگین که فقط انسان‌های نیرومند قادر به بلند کردن و جابه‌جا کردن آن هستند. معمولاً این کار در روز تاسوعا و مخصوصاً عاشورا انجام می‌شود و جوانانی که طالب این علم‌گردانی هستند در این روز با کمربندهای مخصوص و محکم چرمی در هیئت حاضر می‌شوند و هر کسی به فراخور توان و نیتی که دارد، از

۱-۱. بنیاد ارزشی و اعتقادی علم‌کشی

با توجه به نکات مذکور در بررسی تاریخی، جایگاه علم و علمدار در بین سپاهیان و جنگاوران و فرهنگ زمان صدر اسلام روشن شد، اما علم و آیین علم‌کشی در میان شیعیان از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و زیربنای ارزشی و اعتقادی آن، حضرت ابوالفضل العباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام است.

نام ابوالفضل پیام‌آور شهامت، شرافت، دیانت، غیرتمندی، رفعت، بزرگواری، و سیادت حضرت ابوالفضل علیه السلام است. حضرت ابوالفضل علیه السلام پرچمدار حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود. پرچمداری در چنین وضعیت نشان از شجاعت، صلابت، غیرت و معرفت پرچمدار است.

۲. تحلیل انسان‌شناختی علم‌کشی

۲-۱. تحلیل صوری (نمادها و نشانه‌ها)

الف) علم

طبق بیان گیرتر، هر کدام از نشانه‌هایی که در این آیین خاص استفاده می‌شود معنایی خاص را در فرهنگ عزاداری مردم افغانستان ایفا می‌کند که این معانی را می‌توان از متن این مناسک بیرون کشید و به تفسیر آن پرداخت. البته برای این کار باید با فرهنگ شیعیان افغانستان و هم با فرهنگ شیعه آشنایی نسبی پیدا کرد. اکنون با پرداختن به متن این آیین نمادین، به تحلیل صوری نمادهای آن می‌پردازیم.

در این مراسم یک علم نمادین که به‌عنوان یادبودی از علم حضرت عباس علیه السلام است، تهیه می‌شود. البته این علم با علم مرسوم در ایران فرق دارد. این علم از یک چوب تقریباً صد و هشتاد سانتی‌متری ساخته می‌شود که گاهی به فراخور بزرگی و جمعیت هیئت ممکن است بلندتر هم باشد. مثلاً در هیئت مرکزی مهاجرین در شهر ری که در مسجدی داخل خیابان حرم برگزار می‌شد از علمی بلندتر استفاده می‌شود.

ب) پارچه سبز

روی چوب علم را با پارچه‌های سبز رنگ می‌پوشانند، به‌طوری‌که پارچه‌ها تقریباً به انتهای چوب و گاهی روی زمین می‌رسد. در این حالت این چوب با چندین پارچه سبز رنگ احاطه شده که از حالت برهنگی و چوب خالی بودن، خارج شده است و درواقع دیگر بدنه

میلغان که تجربه بیشتری دارند در این مورد مصاحبه شد که آیا در افغانستان این آیین را اجرا می‌کرده‌اند و تجربیاتشان از اجرای این مراسم چه بوده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این آیین از سال‌های اولیه در هیئات مهاجرین نیز اجرا می‌شده، یا اینکه فقط در سال‌های اخیر مراسم علم‌کشی به آیین محرم اضافه شده است؟

در این مرحله با پرسش‌هایی که به‌طور رندم از چند تن از طلاب مبلغ جامعه المصطفی و افراد قدیمی‌تر هیئات انجام شد، به این نتیجه رسیدم که در برخی مناطق شیعه‌نشین همانند زابل افغانستان این مراسم یا وجود نداشته و یا به این صورت انجام نمی‌گرفته است؛ مثلاً در برخی مناطق همانند مهاجرین سمنان و گرمسار که برخی از هیئات مربوط به مهاجرین شهر دایکندی افغانستان در آنها دایر می‌باشد، علاوه بر مراسم مذکور در بخش توصیف علم‌کشی (که معروف و مدنظر این تحقیق نیز می‌باشد)، مراسمی هم به‌عنوان آماده کردن علم دارند و این مراسم را نیز جزئی از علم‌کشی می‌دانند.

همچنین در برخی مناطق همانند دره صوف افغانستان برای انجام علم‌کشی در روز عاشورا، علم هیئت را برداشته و همراه با جمعیت عزادار به حسینیه روستا یا منطقه مجاور رفته و همراه با آنان مشغول عزاداری می‌شوند و در پایان هم همگی مهمان سفره حضرتش می‌شوند.

در سؤالاتی که از یکی از میلغان قدیمی اهل افغانستان داشتم، اشاره‌ای به قدیمی بودن این مراسم در بین مهاجرین کرد و نشانه بارز آن را هیئت حسینی مرکزی مهاجرین دانست. این گفت‌وگو بنده را بر آن داشت تا به حاج کاظم خیاط (مسئول امور مالی هیئت حسینی مرکزی مهاجرین استان قم) مراجعه کنم. لازم به ذکر است که هیئت مذکور یکی از هیئات باسابقه و پرجمعیت در قم است که از سال ۱۳۵۹ در مسجد حضرت زهرا علیه السلام در منطقه شاه ابراهیم قم تأسیس و شروع به فعالیت نموده است، و به گفته این مسئول هیئت، هیئت حسینی قدیمی‌ترین هیئت مرکزی مهاجرین می‌باشد.

منظور از هیئت مرکزی مهاجرین هویت فراقومیتی این هیئت بوده، به‌گونه‌ای که بسیاری از مهاجرین، از تمام قم در این مجلس و مجالس مرکزی مشابه نیز شرکت می‌کنند. یکی از برنامه‌های اصلی این هیئت از همان سال‌های اولیه مراسم علم‌کشی بوده که به صورت پرشور و مستمر برگزار می‌شده است و جوانان و عزاداران از همان سال‌ها به این مراسم ارادت خاصی داشتند.

همچنین بانوان مجلس در این شب پارچه‌هایی را همراه خود آورده و آنها را به علم گره زده و به آن آویزان می‌کنند، اما کارکرد و هدف این پارچه‌ها بر روی علم چه خواهد بود؟

درواقع برای تحلیل این عمل می‌توان گفت که این علم به قدری برای زنان و مردان عزادار ارزشمند و دارای حرمت می‌باشد که علاوه بر بذل نزورات و قربانی در پای علم و تبرک جستن به آن، عده‌ای که حاجتی دارند و یا خواستار عرض ارادت به ساحت مقدس حضرت ابالفضل العباس علیه السلام هستند پارچه‌های خود را به نشانه دخیل به آن می‌بندند و با این کُش معنادار، حضرتش را برای برآورده شدن حاجاتشان واسطه می‌نمایند.

بعد از پایان مراسم دهه اول محرم، در شب آخر مراسم و بعد از روضه خواندن و سینه‌زنی، بزرگان هیئت جمع شده و پارچه‌هایی که توسط بانوان مجلس بر روی علم بسته شده (غیر از پارچه‌های سبزرنگ خود علم) را باز می‌کنند. با توجه به اینکه این پارچه‌ها چند روزی بر روی علم متبرک بوده‌اند، اکنون بسیار برای عزاداران با ارزش هستند و هر کسی میل دارد تا یکی از این پارچه‌های علم نصیب او شود، اما این پارچه‌ها قسمت چه کسانی خواهد شد؟ با توجه به اینکه پیش‌تر گفته شد در مجالس محرم اگرچه هیئات ممکن است یک یا دو مداح اصلی داشته باشند، اما به‌غیر از آنان، کسانی که توانایی نوحه خواندن را داشته باشند نیز دقایقی به مداحی می‌پردازند. بنابراین این پارچه‌ها به مداحان و کسانی که در طول این شب‌ها نوحه می‌خوانند تعلق خواهد گرفت؛ یعنی اگر کسی فقط یک شب هم نوحه‌سرایی کرده باشد، باز هم یکی از این پارچه‌ها سهم او خواهد بود. همچنین به مقداری از این پارچه‌های متبرک به واعظ جلسه و در برخی هیئات به کسانی که در طول مدت ایام روضه خدمت‌رسانی به عزاداران مشغول بوده‌اند، داده می‌شود.

بعد از پایان مراسم و باز شدن تمامی پارچه‌هایی که بانوان مجلس به آن بسته‌اند و تقسیم آنها بین اعضای هیئت، به‌نحوی که گفته شد، این علم دوباره به حالت اول خود (پوشیده‌شده با پارچه‌های سبز) درمی‌آید و به محل نگهداری و وسائل هیئت تا سال بعد انتقال پیدا می‌کند.

۲-۲. تحلیل محتوایی (نمادهای دیداری گفتاری و فرهنگی)

الف) قربانی و نزورات

بعد از اینکه این علم توسط بزرگان هیئت تهیه شد یا در صورت تهیه شدن در سال‌های گذشته، آماده و غبارروبی و تنظیف شد، برای شب

چوب پیدا نخواهد بود. این رنگ سبز پارچه‌های علم نماد رنگ سبزی است که منتسب به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد، کما اینکه از قدیم‌الایام خاندان پیامبر را با رنگ سبزی که اشاره به سادات بودن آنهاست، نشان می‌دادند. این رنگ سبز وقتی سر تا پای علم را می‌پوشاند، اُبهت و حالت روحانی خاصی به آن می‌بخشد، البته برداشت این حالت روحانی و اُبهت ممکن است به خاطر پیش‌زمینه‌های مذهبی ما شیعیان باشد و شاید مردم سایر فِرَق این حس را نداشته باشند. این پارچه‌ها را از بالای علم با نخ یا طناب ظریفی بر روی علم می‌بندند تا بر روی آن ثابت بمانند و سایر پارچه‌ها را بر روی آن گِره می‌زنند.

ج) دست‌نمادین روی علم

بر روی این پارچه‌ها و قسمت بالای چوب که اکنون با پارچه‌ها مستور شده، یک دست‌نمادین فلزی زرد رنگ و گاهی سفید رنگ چسبانده می‌شود. معمولاً درون این دست‌های نمادین که شامل قسمت میچ دست تا نوک انگشتان است، نام سقا یا ابالفضل العباس و یا القاب منتسب به حضرتش حک شده است. این دست نمادی از دستان قلم‌شده حضرت ابالفضل العباس علیه السلام می‌باشد. وجود این دست نیز کمی به حالت روحانی و خاص علم می‌افزاید و وقتی در هنگام روضه به میان جمعیت آورده می‌شود، کمتر عزاداری است که بتواند جلوی سیل اشک خود را بگیرد و با دیدن آن، آه از نهاد دل نکشد. بیشتر هیئات برای این علم پایه‌ای آهنی تعبیه می‌کنند تا این علم بر روی آن استوار باشد و نیازی نباشد کسی دائماً آن را نگه دارد و تا شب‌های پایانی در میان خیل عزاداران نمایان باشد.

د) پارچه‌های دخیل روی علم

به منظور اینکه بانوان مجلس نیز از این علم بهره‌ای داشته باشند و بتوانند به این علم تبرک بجویند، بعد از اینکه سینه‌زنی دور علم به پایان رسید و همه روی زمین نشستند تا مراسم سینه‌زنی ادامه یابد، کسی که علم را در دست دارد، آن را به بخش بانوان هدایت می‌کند و به‌این‌ترتیب علم نمادین حضرت باب الحوائج وارد قسمت زنان می‌شود، اما زنان هیئت نیز استقبال خاصی از این علم دارند. آنها همگی اطراف علم را گرفته و با چشمانی که معمولاً هنوز اشک‌بار است برای مظلومیت آل‌الله گریه و نوحه‌سرایی می‌کنند و با علاقه و اعتقاد خاصی خود را به این علم و پارچه‌های آن متبرک می‌کنند.

این جمعیت علم به دست، سخنران، روضه خود را قطع می‌کند و اداره مجلس را به آنها می‌سپارد، اما این علم با چه کیفیتی وارد مجلس می‌شود؟ شخصی علم را به دست دارد و آن را به آرامی و طمأنینه به طرف وسط مجلس حرکت می‌دهد. در هیئات کوچک‌تر این فرد می‌تواند یکی از خردسالان و یا فرد بزرگ‌تری باشد، در هیئات بزرگ و پرجمعیت یکی از بزرگ‌ترها علم را حمل می‌کند، چندین نفر وی را احاطه می‌کنند تا وقتی مردم و عزاداران با حال اندوهناک برای تبرک جستن به علم پیش می‌آیند، مشکلی برای علمدار پیش نیامده و بین جمعیت آسیبی نبیند. از این‌رو در این هیئات پرجمعیت، میانداران و قدیمی‌ترها سعی می‌کنند عزاداران را آرام کرده و آنها را در حلقات سینه‌زنی تشکیل‌شده در اطراف علم جای داده و یا در صف‌های سینه‌زنی بنشانند تا مجلس از حالت عادی خارج نشود.

بعد از اینکه روضه‌خوان مجلس را تحویل عزاداران و سینه‌زنان داد، مداح اصلی هیئت که معمولاً بزرگ‌تر و باسابقه‌تر از سایر مداحان و قدیمی‌تر از سایرین است، اداره مجلس را به دست می‌گیرد و همان بیتی که سینه‌زنان زمزمه می‌کنند را با صدای بلندتر و هماهنگ با آنها تکرار می‌کند. همچنین همراه با علم، تنی چند از عزاداران که آنها نیز معمولاً از بزرگ‌ترها و قدیمی‌های هیئت هستند هم وارد مجلس شده و با سبک خاص و البته هماهنگ با بیتی که همه زمزمه می‌کنند در اطراف علم سینه می‌زنند. این عده علم را با همین منوال و با احترام خاصی تا وسط مجلس شایعت می‌کنند. در این میان تمام جمعیت عزادار که معمولاً هنوز در حال اشک ریختن هستند، با دیدن علم و شنیدن ابیات مذکور که برای همه آنها نشان از آغاز این مراسم نمادین دارد، روی پا ایستاده و همراه با سایرین شروع به سینه زدن می‌کنند. افراد مُسن و سالمند هم در گوشه و کنار مجلس همانند سایرین ایستاده و پابه‌پای سایرین اقامه عزا کرده، به آرامی سینه می‌زنند. همین‌طور که علم را به وسط مجلس و جلوی منبر و یا جایگاه خاص خودش حمل می‌کنند، جوانان و سینه‌زنان خود را از جای مراسم به اطراف آن می‌رسانند و حلقاتی را در اطراف آن تشکیل می‌دهند و با زمزمه کردن بیت مذکور، مجلس را گرم و پرشور می‌کنند.

وقتی علم در وسط مجلس و در جای مناسب استقرار یافت و عزاداران و سینه‌زنان به‌خوبی در اطراف علم قرار گرفتند و حلقات سینه‌زنی با نظم خاص خود تشکیلی شد، مداح مجلس شروع به خواندن

هفتم محرم به مجلس عزا آورده می‌شود و در اتفاقی غیر از محل برگزاری مراسم یا پشت پرده یا محلی که جدای از مجلس، ولی نزدیک به آن باشد، قرار می‌گیرد. افراد هیئت اعتقاد خاصی به این علم دارند و با حالتی خاص به آن تبرک جسته و پارچه‌های آویخته‌شده به علم را به منظور تبرک، به سر و صورت خود می‌مالند. با توجه به اینکه حضرت عباس به باب الحوائج معروف است، عده‌ای از عزاداران که برای شب علم‌کشی نذر کرده‌اند و یا برخی که به رسم هر ساله در این شب و برای علم حضرتش قربانی در نظر گرفته‌اند، جلوی علم گوسفند قربانی می‌کنند. گاهی در هیئات مرکزی و یا هیئات بزرگ‌تر در پای علم چندین قربانی ذبح می‌شود و صاحبان نذر از این طریق ارادتشان را به روضه و علم و حضرت باب‌الحوائج اعلام می‌دارند. عده‌ای هم مبالغ نذری خود را (هرچند کم باشد یا زیاد) به پارچه‌های علم سنجاق می‌کنند. در برخی از هیئات هم وجوه نقدی را که صاحبان نذر برای علم در نظر گرفته‌اند را در صندوقچه‌ای که برای نذورات در نظر گرفته‌شده جمع می‌کنند.

(ب) نوحه‌سرایی و سینه‌زنی

در این شب مراسم عزاداری همانند شب‌های گذشته با سخنرانی آغاز می‌شود و واعظ در پایان صحبت‌هایش به مصائب حضرت باب‌الحوائج پرداخته و شروع به روضه‌خوانی می‌کند. در این شب، مجلس عزا برخلاف شب‌های قبل بعد از روضه به پایان نمی‌رسد؛ یعنی روضه‌خوان مصائب حضرت ابوالفضل را برای مستمعان ذکر می‌کند و مجلس را سراسر اشک و اندوه و ناله‌های عزاداران برای حضرتش می‌نماید. وقتی که ذکر روضه ایشان به اوج خود رسید و صدای گریه عزاداران فضا را روحانی کرد، جمعی علم به دست وارد مجلس می‌شوند و همگی با هم بیتی معروف در رسای حضرت باب الحوائج را تکرار می‌کنند:

این علم از کیست که بی‌صاحب است

این علم از ماه بنی هاشم است

این لحظات دارای روحانیت عجیبی است و عزاداران که غرق در اشک و ناله برای قمر بنی‌هاشم هستند، با دیدن این علم نمادین، گویی داغشان تازه‌تر می‌شود و صحنه‌ای از حادثه عاشورا در پیش چشمانشان تداعی می‌شود و عده‌ای با تمام وجود از این علم تبرک جسته و اشک‌های چشمانشان را به این علم آغشته می‌کنند. با ورود

نوحه در رسای علمدار کربلا کرده و معمولاً از اشعار معروفی که در این شب خاص بین هیئات مهاجرین مرسوم است استفاده می‌شود:

این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
این علم از کیست که غرق خون است
این علم از کیست که واژگون است
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
حضرت عباس علمدار کو
ماه بنی‌هاشم و سردار کو
آن تن بی‌دست سپهدار کو
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
این من و این نعش علمدار من
غرقه بخون گشته سپهدار من
تنگ شده اندر این جهان کار من
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
از چه خمیده قد سالار من
از چه جان داده علمدار من
یک تن دیگر نمانده یار من؟
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
بمیرم از بهر علمدار تو
آن مه تابان و فداکار تو
آن سپهسالار و علمدار تو؟
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
حضرت عباس دلاور چه شد
قاسم تو با علی اکبر چه شد
عون و تو و جعفر و اصغر چه شد؟

عزاداران، مخصوصاً جوانان هیئت که هنوز به منظور عرض ارادت به ساحت باب الحوائج روی پا ایستاده‌اند، با سینه‌ای آکنده از غم و با

سبک خاص افغانستانی شروع به سینه زدن می‌کنند. در هیئاتی که جمعیت بیشتری دارند چندین حلقه از جوانان و افراد سینه‌زن در اطراف علم تشکیل می‌شود و در هیئات کوچک‌تر یک، دو یا سه حلقه از عزاداران اطراف علم را می‌گیرند. جوانان و سینه‌زان هیئت، با این کنش نمادین به اهل‌بیت و مخصوصاً سیدالشهداء ابراز ارادت نموده و اعلام می‌دارند که اگرچه سقای لشکر حضرت اباعبدالله (ع) از پا افتاد و با فرق خونین به شهادت رسید، اما جوانان شیعه هیچ‌گاه نمی‌گذارند علم و نشان حضرت ابا عبدالله (ع) روی زمین بماند و تا آخرین نفس پای این علم و این مکتب خواهند ایستاد.

در این لحظات واقعاً حالت روحانی خاصی در مجلس حاکم و است و علم عزای سیدالشهدا در وسط مجلس خودنمایی عجیبی کرده و نگاه‌ها را به خود جذب می‌کند و بی‌اختیار اشک‌ها را روان می‌کند، به‌خصوص اینکه هنوز دقایقی از ذکر روضه باب‌الحوائج نگذشته و اکنون نیز مداح در حال خواندن نوحه جانسوز علمدار کربلا می‌باشد. در این لحظات دست‌های سینه‌زان در سراسر مجلس و مخصوصاً در اطراف علم، با نظم خاصی بالا و پایین می‌رود و علامت دست قلم‌شده نمادین قمر بنی‌هاشم که در بالای علم نصب شده، در میان دستان ارادتمندان به حضرتش دیدنی می‌شود. گویی تمامی عزاداران آماده فدا کردن دست خود برای باب‌الحوائج بوده و از طرفی انگار این دست نمادین به تمامی سینه‌زان عنایتی خاص داشته و به آنان نظر دارد. برخی از هیئات برای بهتر برگزار شدن مراسم در این شب خاص، از مداحان باسابقه‌تر سایر هیئت‌های مهاجرین دعوت می‌کنند و این مداح مدعو نوحه ابتدای مراسم علم‌کشی را خوانده و به گرمای مجلس می‌افزایند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه در هیئت‌های مهاجرین اگرچه یک یا دو نوحه‌خوان باسابقه‌تر و اصلی وجود دارد، ولی هر شب تعداد زیادی از نوحه‌خوانان دیگر هم به نوحه‌خوانی می‌پردازند تا هم همگی سهمی در این اقامه عزای داشته باشند و هم آموزش و کسب آمادگی برای این نوحه‌خوانان باشد، از این‌رو بعد از اینکه نوحه مخصوص علم‌کشی به پایان رسید، عده‌ای از سینه‌زان مجدداً به تبرک جستن به پارچه‌های علم پرداخته و اطراف آن جمع می‌شوند، ولی بزرگ‌ترها و میانداران هیئت به سرعت عزاداران را از اطراف علم جدا ساخته و به مرتب کردن صف‌های سینه‌زنی می‌پردازند تا مراسم از حالت رسمی خود خارج نشده و ادامه پیدا کند. از این‌رو بعد از اینکه عزاداران در صف‌های مرتب روی زمین نشستند، افراد

را حفظ کرده و علم را به جای مناسب در مجلس مشایعت کنند. بزرگ‌ترهای مجلس باید وقتی علم در مجلس مستقر شد، نظم مجلس را حفظ کرده و به سرعت صفوف سینه‌زنی را مرتب نمایند تا مجلس از حالت عادی خارج نشود. در هیئات کوچک‌تر علم باید در وقت مناسب از میان جمعیت خارج شده و به میان مجلس زنانه انتقال یابد. اجرای مجموع این آیین‌ها و رسومات، باید توسط همگی اعضای هیئت از بزرگ و کوچک صورت گیرد که خودبه‌خود موجب یک انسجام بین تمامی اعضای هیئت می‌گردد. هرچه یک هیئت از اعضای منسجم‌تری برخوردار باشد، برگزاری این مراسم با هماهنگی بیشتر و منظم‌تر برگزار خواهد شد و این انسجام در هیئات مرکزی و بزرگ‌تر خیلی بیشتر به چشم خواهد آمد.

آنچه امروزه نظر عاشقان اهل بیت و عزاداران را به خود جلب می‌کند، پرشورتر شدن و حلاوت این مراسم در سال‌های اخیر است. اگرچه می‌توان در این مورد تحلیل‌های متفاوتی همانند غیرت دینی جوانان و ارادت ایشان به ساحت اباعبدالله علیه السلام ارائه داد، اما مهم‌ترین تحلیلی که بنده به‌عنوان یک مشاهده‌گر در سال‌های مختلف به آن رسیدم، پیدایش نوعی انسجام و همبستگی در بین جوانان و اقشار مختلف عزادار مهاجر و همچنین الگوگیری از بزرگ‌ترهای مجالس، برای یادگیری و اجرای سنن اصیل افغانستانی بر پایه حب الحسین در هیئات محرم می‌باشد؛ چراکه بسیاری از این جوانان متولد ایران بوده و آداب و سنت‌های مناطق پدري خود را از نزدیک ندیده‌اند، از این‌رو وجود این مجالس باعث می‌شود جوانان با این موارد آشنایی بیشتر و بهتری پیدا کرده و آنها را بیاموزند. درواقع مشاهده این مناسک عواطف مذهبی مشترک تمامی عزاداران از پیر و جوان را برمی‌انگیزد، و باعث می‌شود که تمامی آنها در زیر علم حضرتش جمع شوند و به حفظ و برگزاری آداب، مناسک دینی و ارزشی و فرهنگی خود پایبندتر گردند. همچنین این آیین جوانان مهاجر را ترغیب می‌کند تا برای رسوماتی که پدران و گذشتگان آنها انجام می‌دادند اهمیت بیشتری قائل شده و مانند آنها به بزرگداشت این مناسک بپردازند. پس این مراسم، هم احساس دینی و مذهبی مشترکی را بین جوانان و عزاداران ایجاد می‌کند که با برگزاری عزای اباعبدالله علیه السلام به آن می‌پردازند و هم آنها را با شکل خاص و متحدی به برپایی این آیین سوق می‌دهد. از این‌رو چنین مناسکی نقش بسیار مهمی در برطرف کردن بحران هویت و ناکارآمدی دین در انسجام

دیگری از هیئت که نوحه‌ای را برای این شب آماده کرده‌اند نیز آماده نوحه خواندن می‌شوند و به نوبت نوحه‌های خود را می‌خوانند که معمولاً بین پنج تا ده دقیقه طول می‌کشد. این روند در هیئات مرکزی کمی بیشتر طول می‌کشد؛ زیرا تعداد کسانی که تمایل به نوحه خواندن دارند بسیار زیاد است، از این‌رو معمولاً یکی از بزرگ‌ترهای هیئت قبلاً عده معدودی را برای نوحه‌سرایی تعیین می‌کند تا کسانی که آمادگی بیشتری دارند برای این شب آماده شوند و مراسم به طور شکیل‌تری دنبال شود. نوحه‌خوانان پس از استقرار در کنار منبر، یکی پس از دیگری شروع به خواندن نوحه‌هایشان می‌کنند.

۳. پیامدهای فرهنگی

۳-۱. انسجام و همبستگی

در مراسم علم‌کشی، اگرچه اصل مراسم همانند شب‌های گذشته انجام می‌شود و در ظاهر تفاوت چندانی با سایر مراسمات محرم نخواهد داشت، اما همه مراسم به‌آسانی نخواهد بود و هرچه جمعیت هیئت بزرگ‌تر باشد، اجرا و اداره آن می‌تواند سخت‌تر باشد. به همین خاطر اجرای این مراسم همکاری تمامی افراد هیئت از بزرگ و کوچک را می‌طلبد. مثلاً حتماً باید عده‌ای از قبل از مراسم این علم را آماده و تزئین کرده و برای مراسم علم‌کشی مرتب نمایند. فراهم کردن پارچه‌های مناسب و تنظیف و خوشبو کردن و آماده کردن پایه علم نیز از این امور می‌باشد. مداحان اصلی و بزرگ‌ترها باید نوحه مخصوص پای علم را آماده کنند. وقتی در شب قبل از علم‌کشی مسئولان هیئت اعلام می‌کنند که فردا شب، شب علم‌کشی است، بانوان مجلس پارچه‌های دخیل خود را آماده کرده و با خود به مجلس می‌آورند. کسانی که نذورات و قربانی دارند باید آنها را به پای علم برسانند و در هیئاتی که چندین قربانی در پای علم تهیه می‌شود، باید چندین قصاب آنها را قربانی نمایند. علمدار و نوحه‌خوان مجلس باید علم را در موقع مناسب وارد مجلس کند که هم روضه‌خوان حق روضه را ادا کرده باشد و هم مردم آماده سینه‌زنی شده باشند. علمدار باید با آرامی و هماهنگ با سینه‌زنان خود را به جای مناسب در مجلس برساند. جوانان سینه‌زنی که اطراف علم را گرفته‌اند و در هیئات مرکزی با لباس یا سرپند یکرنگ مشخص شده‌اند باید در عین سینه‌زنی در اطراف علم، نظم مجلس

و این‌گونه مراسمات به وضوح دیده می‌شود، شرکت و همکاری نسل‌های مختلف می‌باشد. مثلاً نوحه‌سرایی مداحان جوان در کنار پیرغلامان و صاحبان سبک و همچنین سینه زدن جوانان و نوجوانان عزادار در کنار بزرگان و ریش‌سفیدان حسینی، خود موجب برقراری یک پیوند و رابطه عمیق عاطفی می‌گردد. از این‌رو ترویج و پرداختن به چنین مناسکی خودبه‌خود شکاف بین نسل‌های مختلف را می‌کاهد و پیوند میان آنها را هرچه بیشتر خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

بررسی انسان‌شناسانه پدیده علم‌کشی، سبب حصول نتایجی است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. علم‌کشی یکی از آیین‌های سنتی عزاداری افغانستان است که در اکثر قریب به اتفاق مناطق شیعه‌نشین افغانستان برگزار می‌شود.
۲. طبق بررسی‌های انجام‌شده، این آیین در برخی شهرها مانند بامیان و برخی مناطق، حداقل ۵۰ سال قدمت دارد.
۳. این آیین در برخی ولایات و بخش‌ها با کمی اختلاف و یا مقداری اضافات انجام می‌شود، ولی اصل این مراسم در حسینی‌ها و تکایا پابرجا می‌باشد.
۴. این آیین در بین مهاجرین نیز حفظ شده و در بین هیئات مرکزی از چندین سال قبل اجرا می‌شده است.
۵. امروزه این مراسم با قوت و شور حال بیشتری در اکثر هیئات دنبال می‌شود و به همین سبب، شب هشتم محرم از هفتم محرم، از اهمیت خاصی برخوردار شده است.
۶. این آیین کارکردهایی از جمله انسجام، همبستگی، تحکیم روابط بین دو منطقه و کاستن شکاف بین نسلی خواهد داشت، و لذا میان مهاجرین، مخصوصاً نسل جوان، و رسوم و آداب مذهبی و محلی آنها پیوندی دوباره برقرار خواهد ساخت.

بین نسل‌ها خواهد داشت، یعنی به وضوح می‌توان دید که این قبیل از مناسک برای افراد درونی شده و آنان انگیزه بیشتری برای اجرای سنن قدیمی خود در هیئات، با همان کیفیت و حلاوت پیدا می‌کنند. پس شرکت در این نواع مراسمات و اجرای هرچه بهتر آنها، برای جوانان و نسل جدید اهمیت خاصی پیدا کرده است، به‌طوری‌که اینجانب در حضور چندین ساله‌ای که در متن هیئات داشته‌ام، احساس می‌کنم که امروزه جوانان برای برگزاری آدابی چون علم‌کشی و گهواره‌کشی (مراسمی که در شب عزای حضرت علی اصغر علیه السلام برگزار می‌شود)، علاقه بیشتری نسبت به بزرگسالان و سالمندان هیئات دارند و به نظر می‌رسد این نشانه همان درونی شدن این قبیل آداب می‌باشد که همبستگی بین نسل‌های مختلف مهاجرین عزادار را در پی دارد.

۳-۲. تحکیم روابط بین دو منطقه

در ابتدای این تحقیق بیان شد که هیئات مهاجرین بر اساس قربات خویشاوندی و بر اساس مناطق داخلی افغانستان تشکیل می‌شود، از این‌رو غالباً اعضای هیئات با یکدیگر فامیل، آشنا و دارای قربات دور و نزدیک می‌باشند، برخلاف هیئات مرکزی مهاجرین. با توجه به اینکه در مناطق داخلی افغانستان بنا بر رسم هر ساله، برخی هیئات در این شب به‌عنوان مهمان به هیئات مجاور حضور یافته و همراه آنها به عزاداری می‌پرداختند، گاهی این آیین در بین مهاجرین هم اتفاق می‌افتد و برخی از هیئات این مراسم را با یکدیگر برگزار می‌کنند تا بتوانند آن را هرچه پرشورتر کنند. این حضور و اقامه عزا در کنار یکدیگر باعث تحکیم روابط بین هیئات و مهاجرین مناطق مختلف شده و باعث جریان روابط حسنه در میان آنها می‌گردد.

۳-۳. کاستن شکاف بین نسلی

یکی از آسیب‌هایی که امروزه می‌توان در جوامع امروزی مخصوصاً جامعه مهاجر اشاره داشت، ایجاد شکاف بین نسلی، یعنی بین افراد مسن‌تر و جوان‌ترهای جامعه است که گاه و بیگاه خود را به صورت‌های مختلف نشان می‌دهد. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در تلاش‌اند تا این شکاف و فاصله ایجادشده در میان نسل دیروز و امروز را بکاهند و این معضل را قبل از اینکه تبدیل به مسئله شود برطرف کنند. یکی از پیامدهایی که در مراسم علم‌کشی

منابع.....

- نهج البلاغه (۱۳۸۷). ترجمه محمد دشتی. قم: هادی.
- تقی‌زاده داورى، محمود و خانمحمدى، كريم (۱۳۸۵). تحليل مردم‌شناختى مناسك مذهبي در فرايند جهانى‌شدن؛ مطالعه موردى مناسك قاليشويان مشهد اردهال. *تسيعه‌شناسى*، ۲۶، ۷۱-۹۰.
- حسينى، داود (۱۳۸۴). برگزارى ماه مراسم ماه محرم در كويت. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۷۷.
- حميدى، سميه (۱۳۹۵). نخل‌گردانى محرم در درخش: نگاهى انسان‌شناختى. *مطالعات فرهنگى/اجتماعى*، ۴۱، ۸۵-۱۰۴.
- خانمحمدى، كريم (۱۳۸۵). چنار خونبار (بررسى پديدارشناختى پديده چنار خونبار الموت قزوین). *تسيعه‌شناسى*، ۱۳، ۵۵-۹۲.
- دشتكى، گيتى (۱۳۹۴). بررسى مردم‌شناسانه نخل‌گردانى در بزرگداشت امام حسين (ع) شهرستان مهریز استان يزد. *هفت آسمان*، ۶۵، ۵۳-۷۶.
- ربانى خلخالى، على (۱۳۸۶). چهره درخشان قمر بنى‌هاشم. چ هفتم. تهران: مكتب الحسين (ع).
- سپهر، محمدمايوان و عسگرى، مهدي (۱۳۹۲). «آيين نخل‌آرايى و نخل‌گردانى روز عاشورا در ششتمد (سبزوار). *مطالعات فرهنگى/اجتماعى*، ش ۲۹، ۱۶۱-۱۸۰.
- ظفرآقبال محمد (۱۳۸۴). محرم در اندونزى. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۵۰-۵۲.
- عرب‌احمدى اميرپهرام (۱۳۸۴). مراسم سوگوارى دهه محرم در دارالسلام. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۸۴-۸۵.
- قلی‌ركنى، مهدي (۱۳۸۴). گزارشى از ماه محرم در فيليپين. *چشم‌انداز ارتباط فرهنگى*، ۲۱، ۸۰.
- بندرريگى، محمد (۱۳۸۰). ترجمه المنجد. چ ششم. تهران: ايران.
- مرادى بزرگى، عقيل و عسلى، فاطمه (۱۳۸۷). عزادارى ماه محرم در برزگ (كاشان). *فرهنگ مردم/ايران*، ۱۴، ۱۱۹-۱۲۸.
- مرتضوى، سيدضياء (۱۳۸۶). سوگوارى محرم در لس‌آنجلس. *نامه جامعه*، ۴۱، ۵۰-۵۱.
- موسوى مكرم، سيدعبدالرزاق (۱۳۸۹). *مقتل مكرم*. ترجمه پرويز لولاور. چ دوم. تهران: آرام دل.
- وئوقى، متين (۱۳۶۴). مراسم محرم در آناتولى تركيه. *كيهان فرهنگى*، ۱۹، ۳۱-۳۸.
- وحيدى، طاهر (۱۳۹۴). نگاهى به مراسم عزادارى دهه محرم در لاهيجان. *تسيعه‌شناسى*، ۴۹، ۸۳-۱۰۸.

Socio-Cultural Factors of Violence between Spouses and the Provision of Religious Strategies to Counter It

 **Tahirah Nozari-Niyā** / Level Three, Islamic Studies on Women, Ma'sumiyah Scientific-Educational Institute

womentn64@gmail.com

Isma'il Cheraghi Kowtiyāni / Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research
Institute

cheraghi@iki.ac.ir

Received: 2025/04/12 - **Accepted:** 2025/05/18

Abstract

The family institution possesses diverse and numerous functions that fulfill the basic needs of its members across various domains. However, the prerequisite for fulfilling all needs within the family is the organization of this institution. A dysfunctional and disintegrated family cannot function properly as a system. Domestic violence is one of the afflictions that plagues this institution, driving it to the brink of collapse and creating grounds for anxiety and insecurity among family members. One form of domestic violence is violence between spouses. Various factors contribute to the emergence of this harm; some of these factors are individual, while others are cultural and social. This article examines the socio-cultural causes of violence between spouses and strategies to counter it from a religious perspective. The method of data and information collection in this article is documentary and library-based, and a descriptive-analytical method has been used in data processing. The research findings indicate that the most important socio-cultural causes of the occurrence of this phenomenon between spouses include poverty and unemployment, forced marriage, interference of relatives, and lack of familiarity with marital life skills.

Keywords: Violence, domestic violence, family, cultural, social, spouses.

نوع مقاله: ترویجی

عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و ارائه راهکارهای دینی مقابله با آن

womentn64@gmail.com

cheraghi@iki.ac.ir

ک. طاهره نودری نیا / ID / سطح سه مطالعات اسلامی زنان مؤسسه علمی آموزشی معصومیه

اسماعیل چراغی کوتیانی / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

چکیده

نهاد خانواده دارای کارکردهای گوناگون و پرشماری است که نیازهای اساسی اعضا در ساحت‌های گوناگون را برآورده می‌سازد، اما پیش‌شرط تأمین همه نیازها در خانواده، سامان‌مندی این نهاد است. خانواده نابسامان و ازهم‌گسیخته نمی‌تواند به‌عنوان یک نظام، کارکرد درستی داشته باشد. خشونت خانوادگی یکی از آسیب‌هایی است که گریبان این نهاد را گرفته و آن را تا مرز فروپاشی کشانده و زمینه‌ساز ایجاد اضطراب و ناامنی در اعضای خانواده شده است. یکی از گونه‌های خشونت خانوادگی، خشونت بین زوجین است، عوامل گوناگونی در پیدایش این آسیب دخالت دارند. بخشی از این عوامل، فردی و دسته‌ای دیگر، فرهنگی، اجتماعی‌اند. در این نوشتار علل اجتماعی - فرهنگی بروز خشونت بین زوجین و راهکارهای مقابله با آن از منظر دینی مورد بررسی قرار گرفته است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این نوشتار، اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و در پردازش داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مهم‌ترین علل اجتماعی - فرهنگی وقوع این پدیده در بین زوجین عبارت‌اند از: فقر و بیکاری، ازدواج تحمیلی، دخالت اطرافیان، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی و

کلیدواژه‌ها: خشونت، خشونت خانوادگی، خانواده، فرهنگی، اجتماعی، زوجین.

مقدمه

خشونت خانوادگی از جمله آسیب‌هایی است که از دیرباز در برخی خانواده‌ها وجود داشته و مطالعه علل و عوامل آن از سوی اندیشمندان در رشته‌های دانشی گوناگون مورد توجه بوده است. عوامل بسیاری در ساحت‌های گوناگون زندگی، می‌تواند به ظهور و بروز خشونت خانوادگی دامن بزند. از وضعیت‌های روحی و روانی گرفته تا زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. از سوی دیگر، خشونت خانوادگی از سوی طرف‌های درگیر خشونت، به گونه‌های مختلفی همچون خشونت زن و شوهر نسبت به یکدیگر، خشونت والدین نسبت به فرزندان و نیز خشونت فرزندان نسبت به پدر و مادر تقسیم شده است. در یک نگاه کلی نیز علل خشونت به علل فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

در آموزه‌های دینی نیز مسئله خشونت در خانواده مورد توجه قرار گرفته است. در آیات و روایات برخی پدیده‌ها به مثابه عوامل خشونت و خشونت خانوادگی معرفی شده‌اند. با توجه به گسترش روزافزون خشونت در خانواده در جهان جدید و لزوم مقابله منطقی و عقلانی با آن، پرسش اصلی این نوشتار سؤال از عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و نیز راهکارهای مواجهه با آنها از منظر آموزه‌های دینی است. روش گردآوری داده‌های پژوهش به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و برای پردازش داده نیز از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

موضوع خشونت در خانواده با گونه‌های مختلف آن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده و آثار متعددی در این خصوص به نگارش درآمده است. برخی از این آثار می‌توانند در زمره پیشینه این نوشتار قرار گیرند:

کتاب *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان* (سالاری فر و تیبیک، ۱۳۹۰)؛ نویسندگان بعد از تعریف، انواع و پیامدهای خشونت خانگی، زمینه‌ها و علل آن را بررسی کرده‌اند و سپس به اصلاح نگرش و رفتار مردان خشونت‌ورز پرداخته‌اند. این اثر هرچند کوشیده تا به علل و زمینه‌های خشونت خانوادگی بپردازد، اما اولاً تأکید آن بر خشونت مردانه و ثانیاً هدف اصلی آن نیز بیان راه‌های مقابله با این پدیده از منظر روان‌شناختی بوده است، از این‌رو به صورتی گذرا به عوامل پرداخته است.

مقاله «راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان در خانواده با تکیه بر آیات و روایات» (قنبری و شریفی، ۱۳۹۷). در این پژوهش تکیه بر روی ارائه راهکارها بوده و از تبیین عوامل بحثی به میان نیامده است.

مقاله «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان در قرآن کریم» (بستان و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۶)، در دو محور به نگاه قرآن در این زمینه پرداخته است. در این مقاله هم تنها به خشونت علیه زنان پرداخته شده، درحالی‌که در تحقیق پیش‌رو خشونت خانگی در عرصه خشونت بین زوجین بررسی شده، ضمن اینکه به علل خشونت خانگی و راهکارهای آن اشاره نشده و صرفاً نظر اسلام در مورد خشونت بیان شده است.

مقاله «تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی» (سالاری فر، ۱۳۸۸)، بررسی علل و زمینه‌های خشونت خانگی علیه زنان را معرفی کرده است. در این مقاله نیز صرفاً به خشونت علیه زنان و نه مردان پرداخته است. افزون بر اینکه نویسنده در اثر مذکور تنها به تبیین علل و زمینه‌ها پرداخته و راهکارهای قرآنی و روایی را مورد توجه قرار نداده است.

نوآوری این نوشتار را می‌توان در دو چیز جست‌وجو کرد: (۱) به گستره وسیع‌تری از خشونت خانگی پرداخته است. بدین معنا که در همه پژوهش‌های پیشین صرفاً خشونت مردانه مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار، اما خشونت زوجین در مقابل یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. (۲) بهره‌مندی از آموزه‌های دینی در تبیین راهکارهای مقابله با خشونت بین زوجین است. افزون بر اینکه پیشنهادها یا از اساس به تبیین علل نپرداخته‌اند و یا صرفاً علل روان‌شناختی را مورد توجه قرار داده‌اند. این نوشتار به تبیین علل فرهنگی و اجتماعی خشونت زوجین همت گماشته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. خشونت

خشونت از نظر واژه‌شناسی به معنای غضب، درشتی و تندى نمودن، ضد لينت و نرمی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۹۳، حرف خ). در اصطلاح، خشونت عبارت از: «رفتاری است که به منظور ایراد آسیب به دیگری، از شخصی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است» (سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳).

۱-۲. خشونت خانوادگی

خشونت خانوادگی به معنای انواع رفتارهای خشن و سوءاستفاده است که در یک محیط خانوادگی یا در روابط نزدیک رخ می‌دهد. این نوع

دلیل مشکلات مالی احساس ناکامی و شرم می‌کنند، ممکن است خشم خود را با رفتارهای خشونت‌آمیز به اطرافیان‌شان منتقل کنند. تحقیقات گویای آن است که افرادی با شرایط مالی نامناسب بیشتر در معرض خشونت هستند. نتیجه تحقیقات در مورد رابطه خشونت فیزیکی و وضعیت اقتصادی نشان می‌دهد که ۱۴/۷٪ افرادی که از وضعیت اقتصادی نامطلوب برخوردار بودند، مورد خشونت فیزیکی قرار داشتند، در حالی که تنها ۶/۸٪ افرادی که از وضعیت مطلوب اقتصادی برخوردارند مورد خشونت فیزیکی همسران خود قرار گرفته بودند (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۵).

از مطالعه پژوهش‌های متعدد در ایران و سایر کشورها در تحلیل این وضعیت می‌توان به این امر اشاره کرد که افراد شاغل، چون دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند، رفتار خشونت‌آمیز کمتری دارند. «هرچه میزان وضعیت اقتصادی فرد بدتر باشد، محدودیت‌های بیشتری داشته و خشونت بیشتری در مورد خانواده، به‌خصوص همسر اعمال می‌کند» (سالاری‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۵). پژوهش‌ها در ایران نیز همسو با پژوهش‌های خارجی نقش وضعیت اقتصادی را بر خشونت مردان تأیید می‌کند. بدین معنا که هرچه موقعیت شغلی و طبقه اجتماعی شوهران پایین‌تر باشد، احتمال بروز خشونت خانگی آنان بیشتر است. مردان با مشاغل کارگری به‌طور معنادار سطوح بالاتری از خشونت خانوادگی را از خود بروز می‌دهند. زنان آنها نیز ۴ برابر زنان طبقه بالا بدرفتاری شوهران را گزارش کرده‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۶). وضعیت بد اقتصادی و تنش‌های روانی ناشی از مشکلات معیشتی و بیکاری می‌تواند به افزایش تنش‌ها در روابط زوجین منجر شده و احتمال بروز خشونت را افزایش دهد. وضعیت فقر و بیکاری گاه ممکن است خودخواسته و ناشی از تنبلی و مسئولیت‌ناپذیری نان‌آور خانواده و گاه در اثر تحمیل شرایط اجتماعی و کساد در بازار کار و یا فقدان بسترسازی نهادهای حاکمیتی برای اشتغال‌زایی باشد. در هر صورت نتیجه آن ممکن است برخی افراد به سوی استفاده از خشونت سوق دهد.

۳-۲. ازدواج تحمیلی

خانواده یکی از نهادهای اصلی در تأمین نیازهای اساسی بشر است. بنای این نهاد مقدس با ازدواج بین زن و مرد شکل می‌گیرد. ازدواج می‌بایست بر پایه اخلاق، محبت و درک متقابل دو انسان شکل گیرد

خشونت می‌تواند به شکل فیزیکی (شامل ضرب و شتم، حمله فیزیکی و دیگر اشکال آسیب بدنی)، عاطفی و روانی (شامل تهدید، تحقیر و کنترل بر زندگی شخصی)، یا جنسی (شامل هرگونه فعالیت جنسی بدون رضایت، و اجبار به رفتارهای جنسی) بروز کند و شامل آسیب زدن به اعضای خانواده یا تهدید آنها می‌شود.

۳-۱. علت

علت به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در فلسفه و علوم مختلف نقش مهمی در تبیین و درک پدیده‌ها ایفا می‌کنند. واژه «علت» در واقع به‌معنای چیزی است که منشأ اثر است و در تحقق موجودات و رخدادها تأثیر مستقیم می‌گذارد. به بیان دیگر، علت چیزی است که موجودیت یک چیز به آن وابسته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه علل). در اصطلاح فلسفی نیز علت چیزی است که وجود شیء متوقف بر آن، و خارج از شیء و مؤثر در شیء است (صلیبی، ۱۴۰۷، ص ۴۷۷). به تعبیر دیگر، علت، وجوددهنده معلول است و درواقع آن چه معلول از علت اخذ می‌کند، تمام هستی خویش است. پس اگر علت نباشد، معلول نیز نخواهد بود. در نتیجه مفهوم علت پلی است که بین توضیح وجودی یک پدیده و شناخت آن برقرار می‌شود. در این نوشتار نیز علت‌های فرهنگی و اجتماعی خشونت بین همسران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به تبیین مهم‌ترین علل اجتماعی - فرهنگی خشونت خانوادگی می‌پردازیم.

۲. علل اجتماعی - فرهنگی خشونت خانوادگی

خشونت خانوادگی پدیده‌ای چندوجهی است که دارای علل گوناگون فردی، اجتماعی و خانوادگی است. در ادامه به تبیین علل اجتماعی - فرهنگی پیدایش این پدیده از منظر آیات و روایات پرداخته می‌شود. البته در ضمن بیان عوامل، به راهکارهایی نیز برای از بین بردن این خشونت‌ها اشاره می‌شود.

۳. عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت بین زوجین در خانواده

۳-۱. فقر و بیکاری

شرایط نامناسب اقتصادی و فقر می‌توانند از دلایل اصلی خشونت‌های خانوادگی باشد. بسیاری از موارد خشونت به علت عدم توانایی در تأمین نیازهای اولیه خانواده رخ می‌دهد. وقتی افراد به

خانواده یاری می‌رساند و گاه آنان به ایفای نقش مخرب پرداخته و سامان خانواده را به هم می‌ریزند. وضعیت فرهنگی - اجتماعی برخی کشورها همچون ایران به گونه‌ای است که بین خانواده اصلی و خانواده‌های تازه تشکیل یافته وابستگی زیادی وجود دارد، هرچند این امر در حمایت از خانواده‌ها به‌خصوص زوجینی که تازه ازدواج کرده‌اند، بسیار مؤثر است، ولی گاهی اوقات دخالت‌های بی‌جهت و غیرمنطقی آنها زمینه‌ساز بروز مشکلات خانوادگی می‌شود. بر اساس پژوهش‌ها ۲۷ درصد زوجین متقاضی طلاق در ایران، علت طلاق را دخالت نابه‌جای خویشاوندان اعلام کرده‌اند. این درصد در مورد مردان متقاضی طلاق ۳۳ درصد و زنان متقاضی طلاق ۲۴ درصد است (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۲۰۸-۲۱۰)، اما در مورد بحث خشونت خانگی زوجین نیز دخالت خویشان نقش مؤثری دارد، به گونه‌ای که مشاوران در ایران در بیشتر موارد پس از ترسیم چرخه خشونت متوجه می‌شوند که خشونت بعد از بازگشت شوهر از خانه خویشان صورت می‌گیرد» (کار، ۱۳۷۹، ص ۵۱۹). نوع نگاه زن و مرد به دخالت دیگران در زندگی و ایجاد زمینه دخالت برای خانواده‌های زوجین از سوی هر کدام از آنها، می‌تواند به افزایش بسامد و شدت دخالت اطرافیان کمک کرده و این امر بر احتمال وقوع خشونت و هم افزایش آن تأثیر بسزایی دارد.

۳-۴. عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی

یکی از عوامل موفقیت در ازدواج، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی بین زوجین در زندگی می‌باشد. مهارت‌های ارتباطی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد و با افزایش این مهارت‌ها رضایت زندگی افزایش می‌یابد (ابراهیمی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۷). روشن است که ارتباط صمیمانه در زندگی زناشویی می‌تواند لذت‌بخش‌ترین تجارب را برای انسان رقم بزند. عشق با امید آغاز می‌شود، امید به زندگی خانوادگی نیرو داده و زوجین را یاری می‌دهد تا در مواجهه با سختی‌های زندگی با قدرت بیشتری ایستادگی کنند، اما گاه این امیدها به خاطر عدم آشنایی با مهارت‌های ارتباطی فرو می‌ریزد. برای نمونه یکی از عوامل مهم تحکیم پایه‌های خانواده گذشتن و ندیدگرفتن لغزش‌های دیگر اعضاست. هر فردی قبل از آنکه ازدواج کند، باید با این گونه مهارت‌ها آشنا باشد، وگرنه با کوچک‌ترین اختلاف سلیقه‌ای از جانب همسر عصبانی شده، ممکن است نتواند

تا بتواند ضمن تأمین نیازها، انسان را به خوشبختی برساند. اولین گام در ازدواج، انتخاب همسر می‌باشد. اجبار در انتخاب همسر، نه تنها به برآوردن نیازها کمک نمی‌کند، بلکه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازد.

در ادامه به چند نمونه از آسیب‌های ازدواج اجباری اشاره می‌شود: یکی از آسیب‌های ازدواج اجباری، به‌ویژه برای زنان بروز روحیه پرخاشگری است، این اندیشه که نتوانسته‌اند در پرتو زندگی مشترک به احساس خوشبختی و سعادت دست یابند، آنها را به سوی انتخاب پرخاشگری، به‌مثابه سازوکاری دفاعی سوق می‌دهد. گاه ازدواج اجباری به نارضایتی فرد از زندگی فردی و خانوادگی منجر شده و در نهایت به سوی خودکشی جهت رهایی از شرایط نامناسب زندگی می‌کشاند. این نوع ازدواج از عوامل مؤثر در بروز خشونت خانوادگی در ایران است. عبدی‌پور (۱۳۷۹) در پژوهش خود در مورد «زنان کتک‌خورده در اصفهان و پلدختر» به این نتیجه رسید که ۹۰ درصد خانواده‌هایی که در آنها خشونت دیده شده، دارای ازدواج اجباری بوده‌اند. بیشتر اوقات، ازدواج تحمیلی تفاهم بین زن و شوهر را دچار مشکل می‌کند و از میزان رضایت آن دو می‌کاهد. این‌گونه مراودات زمینه‌ای برای بروز خشونت محسوب می‌شود.

پژوهش هاشمی‌نسب (۱۳۸۵)، نشانگر آن است که رابطه بین دو متغیر خشونت فیزیکی خانگی و ازدواج اجباری معنادار است، به‌طوری که زنانی که به اجبار ازدواج کرده‌اند در ۲۳/۵ درصد موارد و زنانی که با رضایت خود ازدواج کرده‌اند در ۷/۸ درصد موارد، تحت خشونت فیزیکی همسرانشان قرار گرفته‌اند.

این گونه ازدواج‌ها به دلیل فقدان پشتوانه عاطفی ریشه‌دار به اندک بهانه‌ای گسل برداشته و زمینه برای اختلافات، کشمکش‌ها، عقده‌واکردن‌ها و در نهایت بروز خشونت‌های کلامی و فیزیکی را فراهم می‌آورد. بنیان ازدواج بر عواطف و احساسات انسانی است. عواطف نیز تحکیم‌پذیر نیستند، از این رو قرار گرفتن دو انسانی که از یک‌سو هیچ تعلق خاطر عاطفی به یکدیگر ندارند، و از سوی دیگر، زمینه واگرایی در بین آنان از درجه بالایی برخوردار است، به‌معنای تولید فضایی مستعد برای خشونت‌های خانوادگی است.

۳-۳. دخالت خویشاوندان

خویشاوندان و اطرافیان زوجین نقشی دوگانه در زندگی خانوادگی آنان ایفا می‌کنند. این نقش گاه به صورت مثبت بوده و به استحکام

بسیار بیشتر از گفتارشان بر روی فرزندان تأثیر دارد. دیدن رفتارهای خشونت‌آمیز از سمت پدر و مادر نسبت به یکدیگر یک الگوی نامناسب برای فرزندان است در زندگی آینده‌شان. والدین باید توجه داشته باشند که صدای اعمالشان بسیار بلندتر از صدای گفتارشان است و فرزندان در تقلید از عملکرد آنها بسیار دقیق و بی‌اشتباهند.

۳-۶. باورهای ناروا درباره نقش‌های جنسیتی

باورهای ناروا در میان خانواده‌ها در خصوص نقش‌های جنسیتی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی خشونت خانوادگی است. فهم و انتظارات سستی از مردان به‌عنوان «سرپرست و سالار» و زنان به‌عنوان «خانه‌دار و تابع» می‌تواند بسترساز سوءاستفاده از قدرت و زمینه‌ساز بروز خشونت شود. مردان با این فهم از نقش مردانه، ممکن است احساس کنند حق دارند بر زنان کنترل داشته و از خشونت برای اعمال این کنترل استفاده کنند. برداشت‌های غلط از قیمومیت مرد و جواز خشونت مرد بر زن و عدم قصاص پدر، از عوامل برخی خشونت‌های خانوادگی خوانده می‌شود. خشونت‌گران در توجیه کارهای خشونت‌آمیزشان ممکن است به برداشت‌های غلط از ظواهر متون دینی برای توجیه کنش‌های خشونت‌آمیز خود دست بزنند. مثلاً در آیات قرآنی در مواجهه با زن ناشزه و نافرمان که از عمل به تعهدات خود سر باز می‌زند، به مردان گفته شده است: «آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید! و در بستر از آنها دوری نمایید و آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید» (نساء: ۳۴). این در حالی است که تنبیه زن، نه زدن معمول و اعمال خشونت جسمی و روحی، بلکه تلنگری آگاهی‌بخش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۴۰۵؛ ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۴) و آن هم در موارد محدود و خاص است که زن نافرمانی (نشوز) کرده و از عمل به تعهدات حقوقی خود نسبت به همسرش سر باز زده باشد. فلسفه این تلنگر هم آن است که زن با عدم پایبندی به تعهدات حقوقی، خانواده را تا آستانه فروپاشی می‌برد. در صورت کنترل نکردن این‌گونه زنان، ممکن است وضع بدتر شده و کار به طلاق یا قتل کشیده شود (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۱). بنابراین اسلام اعمال خشونت نسبت به زنان را به‌هیچ‌وجه جایز نمی‌شمارد و باورهای نادرست ریشه‌ای در دین مبین اسلام ندارند، بلکه بر هوا و هوس مردانی استوارند که شناخت کافی نسبت به دین ندارند.

خشم خود را کنترل کند و دست به اعمال خشونت‌آمیز نزند. عدم تحمل نامالایمات و مشکلات و ضعف در مهارت‌های ارتباطی به رابطه محبت‌آمیز زناشویی آسیب زده، دامنه اختلافات زناشویی را گسترده‌تر کرده و با کوچک‌ترین اختلاف نظری زمینه برای بروز رفتارهای توأم با خشونت را فراهم می‌آورد. فقدان مهارت‌های زندگی باعث می‌شود که زن و مرد با بروز کوچک‌ترین اختلاف، آشفته شده و محیطی ناامن و سرشار از رفتارهای خشونت‌آمیز برای یکدیگر رقم زنند. زوج‌هایی که مهارت‌های ارتباطی ضعیفی دارند، ممکن است در حل اختلافات دچار سردرگمی شده و به‌جای حل مسئله از مسیر عقلانی آن به خشونت متوسل شوند.

۳-۵. یادگیری رفتار خشونت‌آمیز

یکی از نظریه‌ها در تبیین کنش‌های کجروانه، نظریه یادگیری اجتماعی می‌باشد. بر اساس این نظریه افرادی که کنش‌های کجروانه از خود بروز می‌دهند، معمولاً این رفتار را از دیگران یاد گرفته‌اند. در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بر این نکته تأکید شده است که عامل اکتساب بسیاری از رفتارها مشاهده است (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). شخصی که پیش از ازدواج در خانواده‌ای رشد پیدا کرده که در آن خشونت بین پدر و مادر رخ داده است، احتمال انجام این رفتار از او نسبت به همسرش افزایش پیدا خواهد کرد. بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده نقش آموزش الگوهای خانوادگی از خانواده اصلی را تأیید کرده‌اند. اشتراوس و همکارانش، مراحل یادگیری خشونت را از طرف خانواده‌ها این‌گونه بیان می‌کنند:

۱) فرد می‌آموزد افرادی که یکدیگر را دوست دارند، نیز می‌توانند نسبت به هم رفتار خشونت‌آمیز داشته باشند.

۲) نبود منع اخلاقی باعث خشونت نسبت به بقیه افراد خانواده نیز خواهد شد.

۳) افراد می‌آموزند در صورتی که نتوان از راه‌های دیگر مشکلی را حل کرد، می‌توان به استفاده از خشونت مجاز فکر کرد. از این رو خانواده مکانی برای مشاهده، تمرین و تجربه‌آموزی و رفتار خشن می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

تحقیقی در مورد همسرآزاری نشان می‌دهد مردانی که در کودکی در خانواده شاهد کتک خوردن مادران خود بودند، بیشتر رفتار خشونت‌آمیز انجام می‌دهند (نازپرور، ۱۳۷۶). بنابراین رفتار پدر و مادر

۴-۱. قناعت در زندگی

در بررسی علل اجتماعی خشونت زوجین گفته شد که فقر و بیکاری در شمار این دسته از علل است. بر این اساس یکی از راهکارهای مقابله با خشونت خانگی، قناعت‌ورزی در زندگی است. قناعت در لغت به معنای تنازل است تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد، از مصادیق آن رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۲۷). اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین‌العابدین علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: «برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست اوست، قانع باشد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۳۲). در زمانه‌ای که مشکلات اقتصادی گریبان‌گیر خانواده‌هاست و اکثر آنها با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند، یکی از بحث‌های ضروری در زندگی، قناعت کردن است که مبادا به خاطر کنش‌های مسرفانه و زیاده‌روی در مصرف یا تجمل‌گرایی فشاری به سرپرست خانواده وارد آمده و او قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نباشد؛ زیرا در این وضعیت آستانه تحملش به شدت پایین آمده، با کوچک‌ترین تنشی به هم ریخته و رفتار خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهد. می‌توان گفت بعد از تجمل‌گرایی یکی از دلایلی که باعث می‌شود سطح رضایت از زندگی پایین بیاید، حرص زدن انسان است؛ آدمی به دلیل اینکه فکر می‌کند هرچه بیشتر داشته باشد، رضایتمندی زیادتری خواهد داشت، حرص می‌زند. «اگر شناخت خود را اصلاح کند و بداند احساس رضایت چیزی نیست که آن را از بیرون به دست آورد، بلکه باید نوع نگاه خود را اصلاح کند، کمتر حرص خواهد زد» (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). با حرص زدن و به دنبال آن دنبال مال و ثروت دویدن نتیجه‌اش داشتن آرامش کمتر است که در این صورت آستانه تحمل فرد پایین آمده و تحمل کوچک‌ترین نظر مخالفی با خود را ندارد و در مقابل آن عصبانی شده و اعمال خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهد. اولین ثمره قناعت در بهره‌مندی از زندگی، آسایش و راحتی است، برای کسی که دارای این ویژگی است. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «قناعت راحتی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱). هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می‌کند و زندگی خود را با در نظر داشتن امکانات موجود، اداره

به‌هرحال، مجبور کردن زنان به انجام همه امور خانه و کمک نکردن به او، مشورت نکردن با او به‌طوری‌که در تصمیم‌گیری‌های امور خانه به حساب نیاید، امور زندگی را از او پنهان کردن، دستور دادن و در صورت عدم اجرا داد و فریاد به راه انداختن، جلوگیری از اظهارنظر دیگران و... که گاه از آنها به‌عنوان مردسالاری یا پدرسالاری یاد می‌شود (سالاری‌فر، ۱۳۹۷، ص ۱۸۶) ریشه در باورهای نادرستی دارد که با بالا بردن انتظارات نامعقول از همسر در خانواده، بستر را برای بروز خشونت خانگی فراهم می‌آورند. این وضعیت چهره خشنی از مرد خانواده ارائه می‌دهد که همواره با ورودش به خانه آتش خشم و خشونت را روشن کرده و از اعضای خانواده سلب آرامش می‌کند. از این رو روشنگری پیرامون نقش‌های زنانه و مردانه از منظر آموزه‌های دینی و اصلاح باورهای ناروا در این خصوص و تشویق همسران به درک درست از نیازها و خواسته‌های یکدیگر، در کاهش خشونت‌ها تأثیرگذار است.

۳-۷. فرهنگ سکوت

در خانواده امروزی، بروز خشونت خانگی در گونه‌های متنوع آن یک واقعیت اجتماعی غیرقابل انکار است. با این همه، اما در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها، قربانیان خشونت خانگی به دلیل ترس از انگ اجتماعی یا عدم حمایت و یا به هر دلیلی دیگری ترجیح می‌دهند که سکوت اختیار کرده و بر روی این مسئله سرپوش گذاشته و از واگویی آن به خانواده خود و یا نهادهای مسئول سر باز می‌زنند، اما بدیهی است که با صرف سکوت، مسئله خشونت نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه این سکوت می‌تواند به چرخه خشونت دامن زده و بر کیفیت و کمیت آن بیفزاید.

به عقیده برخی حقوقدانان، مردانی که بر زنان یا به‌عکس خشونت را اعمال می‌کنند، همانند دیگر انسان‌ها از مجازات، رفتاری‌های قضایی و از بین رفتن آبروی خود ترس دارند، اما به جهت اطمینان از سکوت زنان در برابر خشونت به خود اجازه تداوم آزار و اعمال خشونت بر سایر زنان را می‌دهند (سجادی، ۱۳۹۵).

۴. راهکارهای دینی مقابله با خشونت بین زوجین

برای خشونت‌های بین زوجین که ریشه فرهنگی و اجتماعی دارد، راهکارهایی در آیات و روایات بیان شده است که در ذیل به بررسی برخی از این راهکارها پرداخته می‌شود.

می‌کند، سختی بسیاری از امور همچون فعالیت‌های طاقت‌فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و عصبانی شدن‌های بیجا و... را از خود دور می‌سازد. برخی افراد با دیدن وضع زندگی دیگران زود برانگیخته می‌شوند و به چشم و هم‌چشمی رو می‌آورند. در مقابل، افرادی هستند که برانگیختگی آنها پایین است و به زودی از ناحیه دیگران تحریک نمی‌شوند. «روشن است که احساس کمبود فرد را به زندگی موجود خویش بی‌علاقه می‌کند و بدون توجه به ویژگی‌های مثبت زندگی خود، همواره حسرت زندگی دیگران را می‌خورد. این حسرت، هم خود فرد و هم زندگی مشترک را دچار تزلزل می‌سازد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

رسول اکرم ﷺ در این باره فرموده‌اند: «هر کس چشم به دنبال آنچه در دست مردم است بدوزد، اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۶). از این رو قناعت‌پیشگی به‌عنوان یکی از اصول اخلاقی مورد تأکید در آموزه‌های اسلامی، راهکاری برای تقویت معنویت، آرامش درونی و کاهش مشکلات اجتماعی و اقتصادی است. اسلام انسان‌ها را به قناعت و رضایت به آنچه که خداوند برایشان مقدر کرده تشویق می‌کند و این اصل را نه فقط یک شیوه زندگی فردی، بلکه یک راهبرد کاربردی برای بهبود ارتباطات اجتماعی و رفع آفات روحی همچون چشم و هم‌چشمی و حرص‌زدگی معرفی می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۳۹)؛ هر کس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده راضی باشد، از بی‌نیازترین افراد است. این روایت نشان می‌دهد که غنای حقیقی در قناعت نهفته است. در همین زمینه توکل به خدا و باور به رزاقیت خداوند، ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و ارزش‌گذاری بر معنویات، تقویت شکرگزاری و رضایت از نعمت‌ها، آموزش و ترویج نگرش آخرت‌گرایانه، بازاندیشی در مقایسه‌های اجتماعی در شمار اموری هستند که ضمن تقویت روحیه قناعت‌ورزی، زمینه بروز خشونت در خانواده را کاهش می‌دهد.

۴-۲. رعایت عدالت در تعاملات بین همسران

خانواده چندهمسری یکی از گونه‌های خانواده در جهان است. در این دست از خانواده‌ها اغلب رابطه بین زنان رقابت‌آمیز است. از این رو

رعایت اصل عدالت و اعتدال در این گونه خانواده‌ها از ضرورت بیشتری برخوردار است. این اصل به معنای رعایت عدالت در تمام امور مرتبط با همسران است؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از آنها احساس ظلم و بی‌عدالتی نکنند. رعایت این عدالت هم از نظر مادی، همانند نفقه و هدایا، و هم از نظر معنوی، همانند تقسیم محبت و توجه ضروری است. در سایه این اصل است که تعادل در روابط خانوادگی برقرار شده و زمینه برای پیدایش محبت و احترام متقابل فراهم می‌شود؛ زیرا وقتی عدالت در توزیع مادی و عاطفی رعایت شود، حس تبعیض و رقابت میان همسران به حداقل می‌رسد و از ایجاد حسادت یا کینه‌ای که می‌تواند منجر به درگیری شود، جلوگیری می‌شود. با رعایت اعتدال هم اختلاف بین همسران کم می‌شود، هم اختلاف بین هر همسر با مرد خانواده. در این صورت است که برخوردها و رفتار خشونت‌آمیز در بینشان کمتر رخ می‌دهد. در قرآن کریم درباره تعدد زوجات و آداب آن شرایطی بیان شده است که با رعایت این شرایط خشونت در این خانواده‌ها راه پیدا نمی‌کند: «و اگر بیم دارید که [در صورت ازدواج با دختران یتیم] عدل و انصاف را رعایت نکنید، از دیگر زنان که مورد پسند شمایند، دو یا سه یا چهار تن را به همسری گیرید و اگر بیم دارید که نتوانید عدالت را [میان چند همسر] رعایت کنید تنها یک زن را به ازدواج خویش درآورید... این برای ستم نکردن به آنان و رعایت حقوقشان نزدیک‌ترین راه است» (نساء: ۳). خداوند در این آیه پس از تجویز تعدد زوجات، آن را به عدالت‌ورزی میان همسران وابسته می‌کند. عدالت مورد نظر در آیه، به رعایت حقوق همسران ناظر است. رعایت حق قسم زنان از بروز احساسات منفی و اتهام مرد به علاقه و میل بیشتر به یک زن جلوگیری می‌کند. همچنین اگرچه هر زن بنا بر شأن خود حق نفقه دارد (سربازیان و برزگر، ۱۳۹۶)، مستحب است که مرد در انفاق میان زنان تساوی را رعایت کند. فقها تأکید می‌کنند که رعایت تساوی میان همسران از نظر توجه و التفات، خوش‌رویی و حتی نزدیکی مستحب است (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵). در آداب همسرمداری پیامبر اکرم ﷺ آمده است که حضرت حتی اگر بیمار می‌شدند دستور می‌دادند که رختخوابشان را میان منازل همسران ببرند و هر شب را نزدیک یکی باشند و اگر نمی‌توانستند از زنان اجازه می‌گرفتند که تنها در خانه یکی از آنان مستقر باشند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۶۰). نکته مهمی که در روایات مربوط

بپرهیز؛ زیرا همنشینی با او مایهٔ اندوه و بلا و فرزندش نیز مهمل و بدبخت است» (کوفی، ۱۴۰۵ق، ج ۵ ص ۹۲). بنابراین انتخاب همسر نقش بسزایی در کاهش خشونت دارد؛ چراکه سنگ‌بنای زندگی مشترک انسان با این قضیه گذاشته می‌شود.

۴-۴. معاشرت به معروف

هر انسانی هنگامی که به زندگی مشترک وارد شد باید دسته‌ای از مهارت‌ها را بیاموزد تا بتواند زندگی خود را مدیریت کرده و تا جایی که می‌تواند از بروز اختلاف و به دنبال آن خشونت جلوگیری کند. معاشرت نیکو با همسر یکی از این مهارت‌هاست. بر اساس آموزه‌های قرآنی یکی از وظایفی که مرد در قبال همسر خود دارد، این است که با او حسن معاشرت داشته باشد. آیه ۱۹ سورهٔ نساء: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» اشاره به همین حقیقت دارد. در روایات نیز با بیان‌های گوناگون به این موضوع اشاره شده است. در روایتی پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «بهترین شما، بهترین برای همسر و فرزندان خویش است؛ و من بهترین شما برای زن و فرزندان خود هستم» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۵۵). بر اساس این روایت اگر کسی برای همسر خویش بهترین باشد، به این معنا که بهترین و خوش‌اخلاق‌ترین و خوشرفتارترین باشد، از همه بهترین است، در این صورت است که کمترین اختلاف و خشونت پیش می‌آید. در حدیث دیگری امیرالمؤمنین علی ﷺ در وصیت خود به محمد حنفیه می‌نویسد: «با بانوی خود خوش صحبت باش، و برای او همراه خوبی باش، چه در گفتار و چه در کردار، تا عیش تو خالص گردد» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۲۸). در این روایت حضرت مصادیقی برای حسن معاشرت بیان می‌کند که اگر کسی با همسران خود، خوش صحبت باشد و همراه خوبی برای او باشد، این نشان‌دهنده حسن معاشرت اوست، در این صورت است که بین آنها مشکلی پیش نمی‌آید و اختلاف‌ها خودبه‌خود رفع می‌گردد و کار به اعمال خشونت کشیده نمی‌شود.

البته این دستور صرفاً بیانگر وظیفهٔ مردان نسبت به زنان نیست، بلکه زنان نیز باید با همسران خود حسن معاشرت داشته باشند. رشید رضا می‌نویسد: در مفهوم «معاشرت» مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار

به تعدد زوجات آمده، رعایت عدالت در آمیزش هم می‌باشد. اگر مردی بیش از یک زن داشته باشد، باید به نیازهای جنسی آنان توجه کند. حضرت در ادامهٔ روایت بالا به طور دقیق به مسئلهٔ ضرورت عدالت اشاره کرده‌اند و ممنوعیت ازدواج مجدد را برای چنین مردی به آیه «وَإِنْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِشَةٌ» (نساء: ۳) مستند کرده‌اند.

۴-۳. دقت در انتخاب همسر مناسب و بالایمان

برای آغاز یک زندگی مشترک و رسیدن به آرامشی که کارکرد خانواده است، لازم است در هنگام انتخاب به برخی امور با دقت بیشتری توجه شود تا مبدا زندگی به گونه‌ای شکل بگیرد که محل تنش و دعوا و اعمال خشونت شود. یکی از مهم‌ترین امور در این خصوص، انتخاب همسری مناسب است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که در روایت است: برای انتخاب همسر و عقد ازدواج ابتدا از خداوند طلب خیر کن، سپس دو رکعت نماز بخوان و ثنای خداوند توانا و بلند مرتبه را بگو و پس از آن، این دعا را بخوان: «بار خدایا! مرا همسری نیک و مهربان و زایا و سپاسگذار و قانع و پاکدامن روزی فرما!...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸).

در انتخاب همسر بیشتر از هر چیز اصالت خانوادگی اهمیت دارد. شخصی که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز پدر و مادر در خانواده بوده است، گزینهٔ مناسبی برای ازدواج نمی‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ جوانان را از ازدواج با خانواده‌های پست نهی کرده است: «بپرهیز از گلی که در مزبله و لجنزار روییده است. گفتند: یا رسول‌الله! گلی که در مزبله روییده است چه گلی است؟ فرمودند: زن زیبا و باجمالی که در خانواده پست و پلید رشد یافته است» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۳۳۲). علاوه بر شرایطی که برای انتخاب همسر وجود دارد، از ازدواج با دسته‌ای از افراد هم نهی شده است. اگر انسان با چشم بسته و بدون توجه به معیارهای دینی انتخاب همسر برای زندگی آینده شریک انتخاب کند، ناخواسته کارکردهای منفی این انتخاب نادرست از جمله خشونت دامنگیر زندگی خانوادگی او خواهد شد. برای نمونه فردی که نادان است و نمی‌داند در برابر مشکلات زندگی چگونه بایستد و صبوری به خرج دهد و با کوچک‌ترین اختلافی شروع به دعوا و اعمال خشونت‌آمیز کند، مناسب برای زندگی مشترک نبوده و دل بستن به او عاقبت خوبی ندارد. امام صادق ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است که فرمودند: «از ازدواج با احمق

کنند و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند (رشیدرضا، ۱۳۷۳ق، ج ۴، ص ۴۵۶).

بنابراین وقتی که در خانه بین زن و شوهر معاشرت به معروف وجود داشته باشد، دیگر نسبت به یکدیگر خشونت به خرج نمی‌دهد و در بسیاری موارد جلوی خشونت‌های خانگی گرفته می‌شود؛ زیرا معاشرت نیکو مانع بسیاری از برخوردهایی است که منجر به اعمال خشونت می‌شود.

یکی از مصادیق معاشرت نیکو رفق و مدارا کردن همسران با یکدیگر است که در آموزه‌های دینی پیوسته مورد تأکید بوده است. مدارا در لغت به معنای رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه مدارا)؛ یعنی برخورد ملایم و آرام، مصاحبت نیکو و دوری از تندی و شدت در روابط است. بردباری نیز در مفهوم مدارا نهفته است (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). مرد در هر صورت لازم است با همسرش به آرامی، مهربان و با محبت رفتار کند. در سخن پیشوایان دینی بر این نکته تأکید شده است که «کسی که در واکنش به اخلاق بد همسرش بردباری پیشه سازد، خدا ثواب شکرگزاران را به او عطا می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۱۷۶). به زنان نیز درباره رفتار مناسب با شوهر سفارش‌های فراوانی شده است. مدارای زن با شوهر به این برمی‌گردد که در برخورد با او ملایم باشد، در مراقبت با او آسان بگیرد و او را به انجام کارهایی که بیش از توانش است مجبور نکند. اولیای دین به زنان تأکید می‌کنند که در برابر غیرت مردان صبور باشید، عذرهای او را بپذیرید، و حتی از خطاهای جزئی او بگذرید. در روایات اسلامی شوهرداری صحیح، در ردیف سخت‌ترین تکالیف دینی، یعنی جهاد در راه خدا و با تعبیر «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۵۰۷) یاد شده است. بی‌شک داشتن روحیه مدارا در زن و شوهر در زندگی در برابر یکدیگر تنش‌ها و اختلاف‌های بین آنها را کاهش می‌دهد و زمینه‌ای برای بروز خشونت باقی نمی‌گذارد.

۴-۵. پذیرش نقش مدیریتی مرد در خانواده

مسئله مهمی که لازم است در مبحث خانواده و روابط زناشویی مورد توجه قرار گرفته شود، مدیریت خانواده است؛ زیرا مدیریت و رهبری یک ضرورت اجتماعی است. مجموعه‌های انسانی بدون مدیریت، سامان نمی‌گیرد و بی‌نظمی و هرج و مرج آنها را فرو می‌پاشد.

خانواده هم که سلول اولیه پیکره اجتماع است، بدون مدیریت اصولی و صحیح سامان نخواهد یافت. ضرورت و اهمیت این مسئله آنچنان آشکار است که رسول خدا ﷺ در هر اجتماع دو سه نفری بر مدیریت یک نفر تأکید می‌ورزد و می‌فرماید: «هرگاه سه نفری مسافرت کنید، یکی را مدیر قرار دهید (فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸). مدیریت خانواده از نظر دین اسلام بر عهده مرد است. قرآن و روایات بر این نکته تأکید داشته و می‌گویند: زنان شایسته پیرو همسر می‌باشند: «مردان سرپرست زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خداوند برای بعضی بر بعضی قرار داده است و به دلیل آنکه عهده‌دار معیشت خانواده‌اند» (نساء: ۳۴).

اگر مادران در خانه این اقتدار و سرپرستی پدران را بپذیرند و آن را به فرزندان خود نیز یاد بدهند، بسیاری از مشاجرات خانوادگی از بین می‌رود. در موارد زیادی علت خشونت مردان در خانواده، ناسازگاری عدم اطاعت زنان بوده است که به مرور زمان رفتار آنها را به سمت خشونت سوق داده است. روحیه مردان چنان است که اگر ببینند در خانه اقتدارشان شکسته شده یا توان مدیریتی‌شان ضعیف شده برای حفظ اقتدار خود ممکن است به خشونت متوسل شوند. بنابراین اگر زنان به نقش مردان در مدیریت خانواده را بپذیرند و استلزامات آن را رعایت کنند، زمینه‌های خشونت نیز محو پدیدار نخواهد شد. آنچه این پذیرندگی را در زنان تقویت می‌کند توجه به این واقعیت است که اگر دین زن را به پذیرش مدیریت حمایتگرانه مردان فراخواند، براساس واقعیت‌های تکوینی و هستی‌شناختی اوست.

۴-۶. گسترش فرهنگ مشورت در خانواده

مدیریت خانواده از سوی دین به مردان سپرده شده است، اما این بدان معنا نیست که مرد هرگونه بخواهد مدیریت خود را عملی سازد. مدیریت بدون اخلاق و بدون مشورت با سایر اعضای خانواده نتیجه‌ای جز استبداد و خشونت‌آمیز به دنبال نخواهد داشت. مدیر موفق فردی است که در اداره امور با افراد مجموعه خود مشورت کند و از خودمحوری بپرهیزد تا آرامش در کانون خانواده حکمفرما شود.

مدیران در اعمال مدیریت دو گونه‌اند: (۱) مدیرانی که استبداد به رأی دارند و همین موجب آسیب و زیان آنهاست؛ زیرا هر کس فقط به آنچه خودش می‌اندیشد عمل کند و به نظرگاه دیگران

افزون بر کارکردهای پیشین مشورت، کارکرد دیگر آن این است که با مشورت به طرف مشورت خود شخصیت داده می‌شود. از این جهت مشورت در خانواده بسیار مهم است. از منظر عقلانی نیز خرد حکم می‌کند که برای ایجاد و نگهداشت دوستی و صمیمیت بین همسران در انجام امور مهم شخصی و خانوادگی با یکدیگر مشورت کنند و پس از دستیابی به تصمیم واحد، دست به عمل بزنند. تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه در طرف مقابل احساس پوچی را به وجود می‌آورد. احساس می‌کند که در اداره خانه جایگاهی ندارد. بدیهی است همین احساس - که گاه از آن به احساس محرومیت نسبی یاد می‌شود - (گر، ۱۳۷۷، ص ۳۴) او را وادار می‌کند به سمت بی‌مهری و انزوا کشانده شود و به تدریج شکاف و جدایی بین آن دو حکمفرما گردد.

از آنچه گفته شد فهمیده می‌شود اگر مردان مدیریتی توأم با مشورت با اعضای خانواده خصوصاً همسر خود داشته باشند، هم تصمیمات عاقلانه‌تری می‌گیرند و هم به خاطر شریک قرار دادن آنها در تصمیمات زمینه عصبانیت و خشونت در خانواده را از بین می‌برند و روح آرامش و عشق و محبت را به فضای خانه تزریق می‌کنند.

۷-۴. پرهیز از ازدواج‌های تحمیلی

شرط موفقیت یک ازدواج، علاقه و تمایل قلبی (دختر و پسر) می‌باشد. اگر هریک از آنها از ابتدا با ازدواجشان موافق نباشد، طبیعی است که نمی‌تواند همسر خوبی برای دیگری باشد. زبان‌های ناشی از ازدواج تحمیلی به آسیب‌های فردی منحصر نمی‌شود و به کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده سرایت نموده و روابط عاطفی میان زوجین را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. درواقع زندگی اجباری با فردی که هیچ علاقه‌ای به او وجود ندارد، بی‌تردید موجب نارضایتی از زندگی زناشویی می‌شود.

محققان در طی مطالعات خود دریافته‌اند همسرانی که با رضایت و شادمانی ازدواج کرده‌اند، نسبت به همسرانی که زندگی زناشویی را با اکراه و اجبار و تحمیل آغاز کرده‌اند، به میزان کمتری از سخنان مخالف، تند و پرخاشگرانه استفاده می‌کنند و بیشتر به گردآوری اطلاعات درباره موضوع مورد اختلاف جهت

هرچند صحیح‌تر کاری نداشته باشد، زمینه زبان خود را فراهم آورده است. ۲) مدیرانی هستند که اهل مشورت با دیگران هستند. این دسته با بهره‌مندی از دانش دیگران، احتمال خطا و آسیب به خود و دیگران را کاهش می‌دهند، مدیرانی موفق هستند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: عقل امام موسی بن جعفر علیه السلام بسیار برتر از عقل مردم و یک عقل برتر بود، ولی با این همه عظمت عقلی، چه‌بسا با غلامی سیاه مشورت می‌کردند، به حضرت اعتراض می‌شد که چرا با این سیاه مشورت می‌کنید؟ حضرت فرمودند: چه‌بسا خداوند حق را با زبان همین جاری می‌کند (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۲۱۱). از این رو مشورت در اسلام از ارزش والایی برخوردار است و در قرآن و احادیث بدان سفارش شده است. خداوند متعال در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: ای پیامبر در کارهایت با مؤمنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (آل عمران: ۱۵۹). درباره مؤمنان می‌فرماید: «مؤمنان کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند (شوری: ۳۸). از فواید مشورت کردن، یکی استفاده کردن از عقل دیگران است، چنان که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است: «کسی که با دیگران مشورت کند در خرد آنها شریک است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، باب ۱۶۳، ص ۳۸۲). ممکن است گاه مرد خانواده برای انجام کاری نتواند به تنهایی به نتیجه‌ای برسد و بدون مشورت تصمیم غلطی بگیرد که منجر به اختلاف و کشمکش بین زن و مرد شود و زمینه را برای برافروختن خشم و اعمال خشونت فراهم آورد.

فلسفه مشورت کردن استفاده از دانش دیگران است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بهترین کسانی که شما با آنها مشورت می‌کنید صاحبان خرد و علم و صاحبان تجربه هستند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۸۷). انسان از خواست‌ها و تمایلات کسانی که با آنها مشورت می‌کند، باخبر می‌شود و این قضیه به حفظ آرامش فضای خانواده کمک شایانی می‌کند. اینکه دانسته شود سایر اعضا و مهم‌تر از همه زن خانواده به چه چیزهایی علاقه دارد و تصمیم‌ها از سر محبت به او در آن راستا گرفته شود، هم از تنش‌های زندگی می‌کاهد و هم روح امید و عشق در زندگی را زنده نگه می‌دارد. وقتی مرد خانواده از علایق و سلاقی همسرش آگاه می‌شود زمینه تشنج در فضای خانواده کم شده و خشم و عصبانیت از طرف زوجین کمتر بروز پیدا می‌کند.

رفع مشکل می‌پردازند. شوهران دسته اول (خشنود از زندگی زناشویی) بیش از دیگر شوهران آشتی‌پذیرند، ولی شوهران دسته دوم (همسرانی که دارای مشکلاتی هستند و با اجبار ازدواج کرده‌اند)، غالباً به ناسزاگویی پرداخته و توجهی به سخنان طرف مقابل ندارند (مصلحتی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

جوانان باید بدانند گاهی اوقات عشق موجب کوری آنها نسبت به عیوب طرف مقابل می‌شود که به راهنمایی و مشاوره دلسوزانه پدر و مادر نیازمندند. نه پدران و مادران به‌تنهایی حق دارند عقیده خود را در انتخاب همسر بر جوانان تحمیل نمایند، و نه صلاح جوانان است که به‌تنهایی دست به این کار مهم بزنند. پدر و مادر و خود فرد در کنار هم برای آغاز زندگی مشترک باید تصمیم‌گیری کنند.

۴-۸. توجه به حریم خصوصی افراد و دخالت نکردن

خانواده‌ها در تعامل با مسائل زندگی خانوادگی فرزندان خود دو دسته‌اند: بعضی با علم و آگاهی و در جایگاه یک مشاور امین، تنها بر اساس وظایف خود و بدون سوگیری‌های خانوادگی، در طول زندگی در کنار زوج‌های جوان هستند. در این نوع راهنمایی است که زوجین در کنار هم احساس غرور و اعتماد به نفس می‌کنند. در مقابل این تفکر بعضی خانواده‌ها برای رسیدن به آنچه از ازدواج فرزندان به دنبال آن هستند، زندگی آنان را به میدانی برای تحمیل خواسته‌های خود به زندگی تبدیل می‌کنند. در اینجا چه والدین پسر و چه والدین دختر هر کدام بیشتر از این نوع دخالت‌ها داشته باشند، طرف دیگر زندگی مشترک باید با سختی‌های بیشتری زندگی را طی کند و در صورت مقابله به مثل، زندگی پیوسته میدان تقابل پدران و مادران برای تحت فشار قرار دادن فرزندان خواهد شد.

بنابراین استفاده از تجربه‌ها و علم بزرگترها برای حل مشکلات خانوادگی امری ضروری و عقلانی است، اما این فرایند نباید سبب‌ساز مداخله‌های بی‌مورد در مسائل خانوادگی فرزندان بشود؛ زیرا دخالت‌های نابجا و سوگیری‌های غرض‌ورزانه می‌تواند در به خشم آوردن طرف دیگر و در نهایت خشونت‌ورزی او تأثیرگذار باشد.

زوج‌های جوان باید این واقعیت را بپذیرند که درباره تهدیدها و مشکلات زندگی مشترک اطلاع کافی ندارند و نمی‌توانند به‌سادگی راه دور کردن آسیب‌ها را پیدا کنند. پدر و مادرها نیز باید بدانند در حین مشورت دادن به زوج‌های جوان وارد حریم خصوصی آنها نشوند. حریم

خصوصی، در اسلام این‌گونه تعریف می‌شود: خلوت و امور پنهانی افراد که ورود و یا هرگونه دخالت و تعرض به آن برای دیگران ممنوع است (متوادی، ۱۳۹۷). این محدودیت بدین جهت است که با دخالت در حریم خصوصی زندگی فرزندان فقط باعث اختلاف بیشتر بین آنها می‌شوند و این اختلاف‌ها منجر به اعمال خشونت و عصبانیت بین آنها می‌شود. پس به مشورت دادن به آنها بسنده کرده باعث رنجش و اختلاف و خشونت بین زن و شوهر نشوند.

۴-۹. الگوگیری از گروه‌های مرجع دینی

از دیگر عواملی که می‌تواند در پیشگیری از خشونت‌های خانوادگی کارآمد باشد، توجه گروه‌های مرجع دینی و الگوگیری از آنان است. گروه مرجع بر افرادی اطلاق می‌شود که مردم خود و رفتار خود را با آنها ارزیابی می‌کنند (کافی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). مصداق روشن گروه‌های مرجع در دین اسلام، پیشوایان دینی هستند. توجه به سیره معصومان و پیشوایان دین از این جهت حائز اهمیت است که ایشان به‌عنوان جلوه‌های نور خداوند همواره بارزترین افراد جهت الگوگیری از ایشان در مسیر انتخاب زندگی صواب هستند.

آنچه از مرور روایات در زمینه خانواده فهمیده شود این است که: در آموزه‌های اسلامی نوعی طرفداری اصولی نسبت به زنان و دختران شده است. به‌گونه‌ای که هم در رفتار بزرگان دین و هم در توصیه‌های آنان توجهی بی‌بدیل و زیبا به نحوه رفتار یا جنس زن شده است. چنانچه در *وسائل الشیعه*، بابی را تحت عنوان «باب استحباب زیاده الرقة علی الاناث» اختصاص می‌یابد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «جبرئیل پیوسته مرا درباره زن سفارش می‌کرد تا جایی که گمان بردم طلاق او جایز نیست، مگر در صورت زشتکاری آشکار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳). این روایت به‌خوبی روشن می‌کند که در سیره و سبک زندگی پیامبر اکرم ﷺ تندخویی و خشونت در رفتار با زنان و وجود نداشته؛ چراکه اولین کسی که شایسته عمل به دستورات الهی است، خود ایشان است. در نقلی از امام حسین ﷺ است که در جواب اعتراض برخی افراد به وضع زندگی ایشان که با منش ساده‌زیستی‌شان منافات دارد، می‌فرمودند: «ما وقتی ازدواج می‌کنیم، پس مهریه آنان را می‌پردازیم و آنان بر اساس سلیقه خویش آنچه را که دوست دارند می‌خرند و ما در این مسئله دخالتی نداریم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۷۶). این روایت هم

نشان از رفتار مسالمت‌آمیز و مهربان امام علیه السلام در تعامل با همسرشان است؛ بدون اینکه بر او سخت بگیرد یا خشونت کرده و با کارش مخالفت کند.

بنابراین می‌توان از روش عملی و توصیه‌های معصومان علیهم السلام چنین نتیجه بگیریم که هیچ بهانه‌ای برای اعمال خشونت در خانه و خانواده نیست، و باید فضای زندگی خانوادگی را با صفا و صمیمیت و حاکمیت مودت و مهربانی آراسته کرد. از سوی دیگر، چون قرآن کریم الگوی مارا فردی معرفی می‌کند (احزاب: ۲۱) که در سبک زندگی وی توسل به خشونت به چشم نمی‌خورد، بلکه در مقابل به آموزه‌هایی مواجه می‌شویم که توسل به خشونت نسبت به افراد دیگر را هم به شدت منع می‌نماید. برای نمونه، می‌فرماید: «من در شگفتم از کسی که زن خود را می‌زند؛ درحالی‌که خودش برای کتک خوردن، سزاوارتر است! زنان را نزدیک که قصاص دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹، ح ۲۳۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار کوشیدیم عوامل اجتماعی - فرهنگی خشونت بین زوجین و راهکارهای دینی مقابله با آن را مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌ها بیانگر آن است که علل اصلی ایجاد این گونه خشونت عبارت از: فقر و بیکاری، ازدواج تحمیلی، دخالت اطرافیان، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی، یادگیری رفتار خشونت‌آمیز و باورهای نادرست درباره نقش‌های جنسیتی بود. در سویه مقابله با این عوامل نیز با تکیه بر آموزه‌های دینی به راهکارهایی اشاره کردیم.

با این‌همه اما شاید بتوان گفت علت اصلی خشونت‌های خانوادگی، نداشتن مهارت کافی برای اداره زندگی مشترک است و این نشان از وظیفه سنگینی دارد که بر عهده پدر و مادر، مدارس، دانشگاه‌ها، مؤلفان کتب درسی، روحانیان، اساتید دانشگاه، مبلغان، مساجد و سایر نهادهای فرهنگی جامعه دارد که مهارت‌های ورود به یک زندگی مشترک را قبل از آغاز آن به جوانان یاد داده تا بتوانند در ضمن زندگی مشترک از آنها استفاده کنند.

منابع

- ابراهیمی، ابوالفضل و، مسعود (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی و دین*، ۲ (۱)، ۱۴۷-۱۶۵.
- ابن‌براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. تصحیح جمعی از محققان. قم: جامعه مدرسین.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی و خشونت اجتماعی* (مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران). تهران: آگاه.
- بستان، حسین و دهقان‌نژاد، رضا (۱۳۹۶). نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۲۸ (۸)، ۷۷-۱۰۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. چ دوم. قم: دار الکتاب الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۸۹). نقش قناعت در زندگی انسان. *معرفت اخلاقی*، ۴ (۱)، ۱۱۵-۱۳۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدرضا، محمد (۱۳۷۳ق). *تفسیر المنار*. قاهره: دارالمنار.
- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶). *اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات*. قم: مسجد مقدس جمکران.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۴ (۳)، ۷-۴۱.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۷). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: سمت.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان: بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی*. قم: هاجر.
- سالاری‌فر، محمدرضا و تبیک، محمدتقی (۱۳۹۰). *مقابله با خشونت خانوادگی علیه زنان*. قم: هاجر.
- سجادی، شهناز (۱۳۹۵). *سکوت زنان در برابر خشونت، عامل جری‌تر شدن مردان* (مصاحبه). در: isna.ir
- سربازیان، مجید و برزگر، غلامرضا (۱۳۹۶). معیار تعیین نفقه در فقه امامیه و حقوق مدنی. *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۱ (۹)، ۲۷۵-۲۰۴.
- سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*. چ ششم. تهران: کتابچی.
- صلیبا، جمیل (۱۴۰۷ق). *فرهنگ فلسفی*. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. قم: حکمت.
- عبدی‌پور، اکرم (۱۳۷۹). *پرخاشگری در خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی سبزه‌های خانواده و طلاق*. تهران: منصوری.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۷ق). *المحجۃ البیضاء*. قم: جامعه مدرسین.

قنبرپور، معصومه و شریفی، طاهره (۱۳۹۷). راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان در خانواده با تکیه بر آیات و روایات. *احسن الحدیث*، ۱۳۳ (۳)، ۱۰۶-۱۰۵.

کافی، مجید (۱۳۸۵). *مبانی جامعه‌شناسی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). *الکافی*. قم: دارالحدیث. کوفی، محمد بن محمد اشعث (۱۴۰۵ق). *الجعفریات - الأشتیات*. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

گر، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدیزاد*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

متوادی، حامد (۱۳۹۷). *مفهوم‌شناسی حریم خصوصی انسان در قرآن و حدیث*. *دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث*، ۱ (۲)، ۳۳-۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. ط. الثالثة. بیروت: دار احیاء التراث العربی. محدث نوری، میرزااحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسة آل البيت.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مصلحتی، حسین (۱۳۷۹). *ازدواج و ازدواج‌درمانی*. چ دوم. تهران: البرز. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار*. چ یازدهم. تهران: صدرا. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۳۴ق). *تحریرالوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نازپرور، بشیر (۱۳۷۶). *بررسی موارد همسرآزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی تهران*. رساله دکتری. تهران: کتابخانه مرکزی پزشکی قانونی. هاشمی‌نسب، لیلا (۱۳۸۵). *بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان باردار در شهر سمنان*. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۴ (۱۱)، ۴۱-۳۲.

The Forgotten Pillar of the Mosque: The Role of the Mosque Servant in Increasing Adolescents' Interest in Prayer

Zahra Fattahi Hasanābād / PhD in Educational Technology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

zfattahi1366@gmail.com

 **Mahdiyeh-Sadat Hoseini** / Undergraduate Student in Primary Education, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Yazd, Iran

mahdiehhoseini44@gmail.com

Azam Salimiyan / Master's Student in Positive-Islamic Psychology, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Received: 2025/03/25 - **Accepted:** 2026/02/22

azamsalimian36@gmail.com

Abstract

The mosque, as the most important cultural and religious base in Islamic societies, plays a vital role in shaping the religious and social identity of individuals, particularly during adolescence. This research aims to examine and analyze the role of mosque servants as key elements in attracting adolescents to prayer and increasing their interest in religious devotions. This study initially seeks to investigate the factors hindering the attraction of adolescents to the mosque, and then, by identifying successful models of interaction between mosque servants and adolescents, offers practical strategies for attracting this age group to the mosque. In this research, conducted using a review-library method, the required sources were collected from reputable domestic and international databases, libraries, and scientific publications. The results of this investigation indicate that mosque servants, through the use of innovative approaches and the creation of attractive environments, can significantly contribute to increasing adolescents' interest in and participation in prayer and other religious activities. Furthermore, it is recommended that policies related to the training and empowerment of servants be implemented systematically and purposefully in order to fully utilize their capacity for attracting and encouraging adolescents.

Keywords: Mosque servant, prayer, adolescents, cultural cultivation, strategies for attracting adolescents.

نوع مقاله: ترویجی

رکن فراموش شده مسجد: نقش خادم مسجد در افزایش علاقه نوجوانان به نماز

zfattahi1366@gmail.com

زهرا فتاحی حسن آباد / دکترای تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

mahdiehhoseini44@gmail.com

مهديه سادات حسینی / دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران

azamsalimian36@gmail.com

اعظم سلیمیان / دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت گرا - اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

چکیده

مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه فرهنگی و مذهبی در جوامع اسلامی، نقشی حیاتی در شکل‌دهی هویت دینی و اجتماعی افراد، به‌ویژه در دوران نوجوانی ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل نقش خادمین مسجد به عنوان عناصر کلیدی در جذب نوجوانان به نماز و افزایش علاقه آنان به عبادات دینی است. این مطالعه تلاش دارد ابتدا به بررسی عوامل عدم جذب نوجوانان به مسجد بپردازد، سپس با شناسایی الگوهای موفق تعامل بین خادمان مسجد و نوجوانان، راهکارهایی عملی برای جذب این گروه سنی به مسجد ارائه دهد. در این پژوهش که با روش مروری - کتابخانه‌ای انجام شده، منابع موردنیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و بین‌المللی، کتابخانه‌ها و انتشارات علمی جمع‌آوری گردیده‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که خادمان مسجد با استفاده از رویکردهای نوین و ایجاد محیط‌های جذاب، می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی در افزایش علاقه و مشارکت نوجوانان در نماز و سایر فعالیت‌های دینی مؤثر باشند. به علاوه، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آموزش و توانمندسازی خادمان به صورت سیستماتیک و هدفمند انجام شود تا از ظرفیت کامل آنها برای جذب و تشویق نوجوانان بهره‌برداری گردد.

کلیدواژه‌ها: خادم مسجد، نماز، نوجوانان، فرهنگ‌سازی، راهکارهای جذب نوجوانان.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین تجلیات عبادت و بندگی خداوند نماز است و اساساً فلسفه نماز ظهور یاد خدا در دل‌هاست. در قرآن، ۴۶ بار با تعبیرات مختلف از اقامه آن سخن به میان آمده و در آیات متعدد، نماز را از ابعاد مختلف به‌عنوان وسیله آرامش دل‌ها بازدارنده از زشتی‌ها، و صبر، پایداری، اطمینان‌خاطر، دوری از وسوسه شیطانی و گرفتاری‌های مختلف توصیف کرده، آن را جزو برنامه‌های حکومت اسلامی و مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه امور از آن خداست» (فضل‌الهی و ملکی توانا، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

نماز رمز پیوند خلق با خالق است. آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) بیان می‌کند که انسان سعادتمند کسی است که خدای متعال را عبادت کند و در پناه قرب او به کمال برسد. فروم معتقد است که تعهد به یک ایدئولوژی، عقیده و... ازجمله منابع سلامت روانی و خودشکوفایی انسان است (طریقتی، ۱۳۹۹). نماز در فرهنگ اسلامی ما از مهم‌ترین فرایض دینی و از ضروریات دین مقدس اسلام، نقطه اوج عبادات، عمود دین و مرز بین کفر و ایمان، وسیله قرب الهی و تکامل انسان است (زوبدای و همکاران، ۱۴۰۲). نماز در زندگی فردی و اجتماعی انسان آثار و کارکردهای معنوی و تربیتی فراوانی دارد و در میان عبادات از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری‌که انبیای الهی هم مأمور به توصیه و سفارش به نماز در بین قوم خود بوده‌اند (زوبدای و همکاران، ۱۴۰۲). اهمیت به نماز چنان در زندگی رسول اکرم ﷺ متجلی شده بود که چون ایشان از سفری برمی‌گشت اول به مسجد می‌آمد و دو رکعت نماز می‌گزارد و سپس می‌نشست و با مردم صحبت می‌فرمود (رحمت‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۶).

در جهان فعلی که دشمنان اسلام علیه ارزش‌های مقدس اسلام و انقلاب اسلامی بسیج شده‌اند و به تهاجمات خود شدت داده‌اند و به دنبال محو ارزش‌های دین مبین اسلام هستند، بیش از هر زمان دیگری می‌طلبند که با اتخاذ تدابیر لازم در عرصه تعلیم و تربیت و با اقدامات فرهنگی تهاجم فرهنگی آنان را خنثا نموده تا نسل جوان کشور واجد ارزش‌های اصیل اسلامی شده و با اعتقاد و ایمان راستین به احکام الهی عمل نمایند. از این رو نهادهای مختلفی ازجمله

مدارس و مراکز آموزشی، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در جامعه که وظیفه تربیت و پرورش افراد آن را به عهده دارند، می‌توانند نقش مهمی در این زمینه داشته باشند؛ زیرا مراحل اولیه رشد و تکوین شخصیت در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد. با وجود تلاش‌های زیادی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مدارس برای درونی کردن فریضه الهی نماز انجام شده است، هنوز در این زمینه با آسیب‌ها و چالش‌هایی مواجهه هستیم. یکی از عناصر مهم در تقویت این حضور، خادمان مساجد هستند که می‌توانند از طریق تعاملات مثبت و مؤثر، نقش کلیدی در جذب و نگهداشت علاقه نوجوانان به نماز و دیگر مناسک مذهبی داشته باشند. خادمان مسجد، با بهره‌گیری از دانش دینی و اجتماعی و ارتباط مؤثر با نوجوانان، می‌توانند به‌عنوان واسطه‌های میان جامعه دینی و نسل جوان عمل کنند (نعیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳). مسجد، مأمن معنوی است که در کالبد نوجوان، بذره‌های ایمان را می‌کارد و نهال امید را آبیاری می‌کند از این رو این پژوهش با هدف بررسی دقیق و جامع نقش خادمان مساجد در افزایش علاقه نوجوانان به نماز و شناسایی عوامل مؤثر و موانع موجود به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای این نقش و تقویت ارتباط نوجوانان با مساجد و فریضه نماز است.

نماز از دیرینه‌ترین زمانی تا امروزه در تاریخ بشریت نقش مهمی دارد (زوبدای و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۶۸۲). آثار و شواهد تاریخی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بشر در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون با شیوه‌های مختلف خدا را عبادت کرده است. ساموئل کوئینگ بیان می‌کند که در جهان، طایفه یا جامعه‌ای بدون نیایش اعتقادات و آداب و رسوم وجود ندارد. ما نتوانستیم از لابه‌لای اوراق، تاریخ کتیبه‌ها و بقایای آثار تاریخی بشر را از قید مذهب و نیایش و پرستش آزاد ببینیم (آل‌یاسین، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵). نماز به‌عنوان یکی از پنج رکن اصلی اسلام و یکی از وظایف اساسی مسلمانان، در تاریخچه اسلام جایگاهی بسیار مهم دارد. نماز از زمان پیامبر اسلام ﷺ به‌عنوان رابطه‌ای مستقیم و یکتا با خداوند برقرار شده است. در ادیان قبل از اسلام همچنین نماز وجود داشته است، اما در اسلام به شکل کامل و با اصول و قواعد خاص خود تدوین شده است. تاریخچه نماز به دو دوره تقسیم می‌شود. در دوران مکه، پیامبر اسلام ﷺ به تعلیمات الهی نماز را به‌عنوان عبادت اصلی

معرفی کرد. در این دوره، نمازها به صورت فردی و بدون تشریفات جامعه برگزار می‌شد. عبادت نماز در این دوره بر روی توحید، تقوا و خشوع تأکید داشت. پس از هجرت پیامبر اسلام ﷺ به مدینه، نماز به عنوان رکنی اجتماعی و سازماندهی شده در جامعه مشرف به تشریعات و قواعدی شد. در این دوره، نمازها به صورت گروهی و با حضور امام و جماعت برگزار می‌شد. قوانینی برای نماز جماعت و نماز جمعه تدوین شد و جایگاهی اجتماعی و فرهنگی مهمی را در اسلام به خود اختصاص داد (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۵۱).

نماز استوارترین و بهترین راه برقراری ارتباط انسان با خداوند و سرچشمه همه کمالات و فضایل انسانی است. این فریضه دینی زمینه همه خوبی‌ها و پاکی‌ها و دوری از همه گناهان و همچنین کامل‌ترین شکل عشق‌ورزی بین مخلوق با خالق و عاشق با معشوق است (زوبدای و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۶۸۲). در این میان، نماز جماعت نهایت شکوه عبادت حق تعالی و نمایش انسجام و وحدت مسلمانان و یکپارچگی آنان در باور و عمل به اعتقادات اسلامی و همچنین پاک‌ترین و کم‌خرج‌ترین اجتماعات دنیوی، بهترین شیوه آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر است و نوعی دید و بازدید بدون هزینه به‌شمار می‌رود که زمینه‌ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمانان است.

نماز جماعت از یک وسیله میان عبد و معبود فراتر می‌رود و جنبه اجتماعی و سیاسی و تشکلی به خود می‌گیرد و معنویت، تعالی اجتماعی و توسعه فرهنگ اسلامی را به دنبال می‌آورد. تفرقه‌ها را می‌زداید، بیم در دل دشمنان می‌افکند، منافقان را مأیوس می‌سازد و خار چشم بدخواهان است و موجب احساس دلگرمی، صفا، صمیمیت نوع‌دوستی و قدرت و امید مؤمنان می‌شود. همچنین عامل نظم و انضباط و وقت‌شناسی است، روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه‌گیری را از بین می‌برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را دربر دارد. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از ده نفر فراتر رود، پاداش هر رکعت آن، آن قدر زیاد می‌گردد که حتی اگر تمام آسمان‌ها کاغذ شود و دریاها، مرکب و همه درختان قلم گردند و همه فرشتگان مأمور نوشتن آن نمی‌توان پاداش آن را ثبت نمود و پاداش آن فقط درخور محاسبه ذات بیکران الهی است» (فضل‌الهی و ملکی توانا، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

با توجه به تأثیر نماز در شخصیت‌سازی کودکان و نوجوانان، این مسئله اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند. دوران نوجوانی، یک مرحله

حیاتی در زندگی هر فرد است که به‌عنوان پلی بین کودکی و بزرگسالی عمل می‌کند و نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت و پایه‌گذاری آینده دارد. در این دوره، نوجوانان با سؤالات اساسی درباره خود و جایگاهشان در دنیا مواجه می‌شوند و در تلاش برای پاسخ به این سؤالات، هویت فردی خود را شکل می‌دهند. در سیر زندگی انسان‌ها، گرایش به فضایل اخلاقی در مقطع نوجوانی و جوانی بیدار می‌شود، به همین سبب اولیای دین، همواره از مبلغان آموزه‌های دینی می‌خواهند که به آمادگی روح آنها که مهم‌ترین بخش برای پذیرش صفات والای انسان است توجه ویژه نمایند. امام صادق ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «بر شما باد پرداختن به جوانان؛ زیرا آنان نسبت به دیگران به‌سوی کار خیر شتاب‌گیرنده‌تر هستند» (موظف رستمی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۹).

در گرایش نوجوانان و جوانان به نماز سه عنصر اصلی، خانه، مدرسه و گروه دوستان نقش اساسی و محوری دارند. نتایج بیانگر این مسئله است که خانواده در درجه اول و مهم‌ترین نهاد در تشویق دانش‌آموزان به فریضه نماز است؛ زیرا خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، مدارس به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت، نقش بسزایی در ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ترویج فرهنگ نماز و نماز جماعت در بین نسل جوان و تعمیق آن دارند. در این مسیر، تأثیرپذیری از همسالان و گروه‌های دوستی، به‌ویژه انتخاب دوستان مناسب که ارزش‌های مثبتی را منتقل کنند، بسیار مهم است. منظور از همسالان گروهی هستند که نوجوان با آنها جرگه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. با آنها مأنوس و هم‌راز، هم‌سخن و هم‌بازی است. این گروه ممکن است با نوجوانان به‌صورت کامل هم‌سن نباشند، ولی هم‌شرایط و هم‌فکر و هم‌اندیشه‌اند. نقش گروه همسالان در حدی است که گاهی می‌تواند اندیشه‌ای را واژگون کند و حتی در دین و اعتقاد افراد اثر گذارد (زوبدای و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۶۸۵). بر اساس نظر روان‌شناسان، هم‌زمان با دگرگونی‌های دوران بلوغ و پیدایش تمایلات غریزی، احساس روحی خاص و متفاوتی در جوانان پدید می‌آید که این احساس ویژه، تمایل او را جهت حرکت به‌سوی مسائل دینی و سیر و سلوک، شدت می‌بخشد. بنابراین در صورتی که خانواده، دوستان، مدرسه، محیط اجتماعی و سایر عوامل مرتبط با جوان، نتوانند این احساس را به مسیری که

همچون ابراهیم و اسماعیل علیه السلام دستور داده تا مسجد را برای نمازگزاران پاکیزه کنند. در آیه شریفه قرآن، خطاب به این دو پیامبر الهی آمده است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنَا اِلَیْ اِبْرَاهیمَ وَ اِسْمَاعیلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتَیْ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْعَاكِفِیْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت مردم و مرکز امن قرار دادیم، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان سجده‌گزار، پاکیزه سازید.

امروزه، با وجود اهمیت والای نماز در دین اسلام و نقش محوری مساجد در تربیت دینی نسل جوان، متأسفانه شاهد کم‌توجهی و بی‌رغبتی برخی از نوجوانان به این فریضه الهی و کاهش حضور آنان در مساجد هستیم. این پدیده، معلول عوامل متعددی است که از جمله آنها می‌توان به تغییر سبک زندگی، گسترش فضاهای مجازی و سرگرمی‌های نوین، کمبود برنامه‌های جذاب و متناسب با نیازهای نوجوانان در مساجد، الگوهای رفتاری نامناسب در برخی از خانواده‌ها اشاره کرد. بالاین حال، در میان این عوامل متعدد، یک عنصر مهم و اثرگذار، غالباً مورد غفلت واقع شده که آن نقش خادم مسجد است. خادمان مساجد، به‌عنوان اولین نقطه تماس و ارتباط برای بسیاری از نوجوانان با فضای معنوی مسجد، می‌توانند نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری نگرش مثبت و ایجاد انگیزه در آنان برای حضور فعال و مستمر در مسجد و اقامه نماز ایفا کنند. متأسفانه، این ظرفیت بالقوه اغلب نادیده گرفته می‌شود و خادمان مساجد به‌جای ایفای نقش یک مربی و راهنما، صرفاً به انجام امور خدماتی و نظافتی محدود می‌شوند. این غفلت از نقش خادم مسجد، پرسش‌های مهمی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد: (۱) خادمان مساجد چه نقشی در افزایش علاقه نوجوانان به نماز دارند؟ (۲) چه ویژگی‌ها و مهارت‌هایی در خادمان مسجد می‌تواند به جذب نوجوانان به نماز کمک کند؟ (۳) چه موانعی بر سر راه ایفای نقش مؤثر خادمان مسجد در جذب نوجوانان به نماز وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی‌های مؤثر و هدفمند برای بهره‌گیری از ظرفیت خادمان مساجد در راستای جذب و تربیت نسل جوان باشد.

شایسته اوست و تکامل معنوی و بلوغ فکری وی را در پی خواهد داشت، هدایت نمایند، آنگاه به‌مرورزمان و در طی سال‌های بعد، همین فرد، تبدیل به شخصیتی بی‌هویت و فاقد اصول و خاستگاه فکری، معنوی و اجتماعی خواهد شد.

عناصر و عوامل تأثیرگذار در محیط خانه و مدرسه و جامعه در آلفای یک ارزش معنوی و رسانیدن پیام و بیان روح نماز اگر عملاً یکدیگر را نفی کنند و یا در برنامه‌ها و اظهار مطالب هر کدام راه و هدفی متفاوت و مغایر با یکدیگر بینمایند، در ذهن فرد تناقض به وجود می‌آورند و پیام منجر به ایجاد انگیزه، شوق اراده و عمل نمی‌شود (طریقتی، ۱۳۹۹). قالب‌های فکری و شناختی افراد یکی از عوامل مؤثر و مهم در شکل‌دهی رفتارهای فردی و اجتماعی است، به‌گونه‌ای که اگر افراد تصور درستی از مفاهیم علل و فواید عملی داشته باشند فرایند عملکردشان تغییرات اساسی خواهد یافت. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول دوران حیاتشان کوشیدند با تبیین جایگاه نماز، تصویری کامل از این عبادت ارائه دهند. آن حضرت با بیان فواید اقامه نماز و مضرات ترک، آن میل و رغبت‌ها را نسبت به آن تحریک می‌کردند و منظومه فکری و شناختی آنان را به تأمل و تفکر در این عبادت، چرایی نیاز به آن و مشکلاتی که ترک آن فراروی انسان می‌نهد وامی‌داشتند (رحمت‌آبادی، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

کلمه «خادم» در زبان فارسی به‌معنای خدمتکار، پرستار، نگهبان و کسی است که به دیگران خدمت می‌کند. این کلمه ریشه در زبان عربی دارد و از فعل «خَدَمَ» به‌معنای خدمت کردن گرفته شده است. در عرف جامعه، «خادم یا خدمتگزار مسجد» به کسی گفته می‌شود که کلیددار و عهده‌دار امور مسجد، همچون باز و بسته نمودن درهای مسجد در مواقع نیاز و مواظبت و نگه‌داری از اموال و متعلقات مسجد باشد (گندمکار، ۱۳۹۹).

خدمت به مسجد از افتخارات انبیاء و بهترین عبادت و ریشه در همه ادیان دارد. تواریخ و کتب روایی شیعه و سنی به دست می‌آید که داشتن منصب کلیدداری و خدمت به خانه خدا و دیگر معابد، حتی پیش از ظهور اسلام مایه افتخار و مباهات افراد بوده است. و کلیدداری خانه خدا و مسجدالحرام، که مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین کانون مذهبی (حتی در زمان جاهلیت) بوده، احترام فوق‌العاده‌ای برای متصدی آن ایجاد می‌کرده است. قرآن کریم به طهارت و پاکیزگی مساجد و خادمان آن ارج نهاده و به پیامبران بزرگی

بررسی پیشینه پژوهش در زمینه نقش خادم مسجد در جذب نوجوانان به نماز نشان می‌دهد که این موضوع، باوجود اهمیت فراوان، کمتر به صورت مستقیم و متمرکز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. باین حال، پژوهش‌های پراکنده‌ای وجود دارند که به جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند.

مقاله «بررسی نقش مساجد در تربیت اسلامی دانش‌آموزان» (ملکان و همکاران، ۱۴۰۲)؛ نویسندگان، مساجد را یکی از مهم‌ترین محیط‌ها و مراکز تربیتی مورد تأکید اسلام برای ترویج رفتارهای اخلاقی و معنوی می‌دانند. مساجد از دیدگاه بزرگان دین کارکردهای مختلفی ازجمله تربیتی، آموزشی و اجتماعی دارند. حضور افراد مختلف، در مساجد می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر رفتار آنها بگذارد و باعث ایجاد و تکمیل شخصیت اخلاقی‌شان شود.

همچنین نتایج پژوهشی دیگر نشان داد که دانش‌آموزان حضور کارکنان مدرسه در نماز جماعت، روحانی بودن امام جماعت، وجود مکان و محل مناسب و تمیز برای نماز خواندن، تنظیم ساعت آموزشی با توجه به اوقات شرعی و نیز آموزش عملی نماز را از روش‌های خوب برای ترغیب دانش‌آموزان به نماز جماعت دارای اهمیت ویژه‌ای است (یگلو، ۱۳۷۲).

در پژوهشی دیگر نعیمی تاجدار (۱۳۹۵) با بررسی «آسیب‌شناسی گرایش جوانان به نماز جماعت و ارائه راهکار» دریافت که عامل مهم کم‌شدن گرایش به نماز و نماز جماعت، کم‌شدن گرایش به معنویات است که گاهی به دلیل کم‌کاری خانواده‌ها و اهمیت ندادن آنها به بحث نماز به وجود می‌آید و شامل تمامی خانواده‌ها فراغ از وضعیت اقتصادی و منطقه‌ای می‌گردد.

حسینی (۱۳۷۴) میان آموزش در مدرسه و نماز خواندن دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار یافته است. وی همچنین نحوه عملکرد معلمان و شرکت آنان در نماز جماعت مدرسه و ارتباط صمیمانه با دانش‌آموزان را در برپایی هرچه باشکوه‌تر نماز جماعت و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به این امر مؤثر دانسته است.

طریقتی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی مهم‌ترین شیوه‌های دعوت دانش‌آموزان به نماز از دیدگاه دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی» دریافته که نقش خانواده در جذب بیشتر دانش‌آموزان به نماز، بیشترین اهمیت را دارد. در رتبه‌های بعدی به ترتیب گروه‌های دوستی، مدرسه و معلمان قرار می‌گیرند.

نتایج تحقیقاتی که در خارج کشور انجام شده است نیز بیانگر تأثیر و نقش عبادت بر سلامت جسمی و روحی است. برای نمونه، پارتیج (۱۹۹۷) بر این امر تأکید نموده است که برای انجام دادن عبادت‌های گروهی در مدارس لازم است خانواده‌ها، و سازمان‌های خصوصی و عمومی در اجرای این مسئولیت مشارکت داشته باشند و این مسئله تحمیلی نباشد. همچنین در تحقیقی دیگر رومانوسکی (۲۰۰۸) طی پژوهشی دفاع از اجرای عبادت روزانه در مدارس را نیازی مبرم و ضروری دانسته است و عقیده دارد که در این زمینه درک نظرات، کلیسا دولت و فهم فرهنگی حائز اهمیت است. این پژوهش بر خلاف پژوهش‌های قبل، به طور اختصاصی به نقش خادم مسجد در جذب و افزایش علاقه نوجوانان به نماز پرداخته و به بررسی موانع و چالش‌هایی که این افراد در انجام وظایف خود با آنها روبه‌رو هستند، می‌پردازد. خادم مسجد به عنوان فردی کلیدی در ایجاد ارتباط مؤثر با نوجوانان و ترویج فرهنگ نماز و عبادت، مسئولیت‌های زیادی را بر عهده دارد. این پژوهش تلاش دارد تا با شناسایی این موانع، راهکارهایی برای تقویت نقش خادم مسجد و بهبود وضعیت مذهبی نوجوانان پیشنهاد کند و بر اهمیت همکاری مؤثر میان خادمان، مسئولان مذهبی و جامعه تأکید نماید.

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و مروری است. به عبارت دیگر روش‌شناسی تحقیق عبارت از فرایند دستیابی به دانش از طریق جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آنها به یافته‌های پژوهش است (خاکی، ۱۳۹۷). محتوای لازم برای نگارش این مطالعه از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، بانک اطلاعات نشریات کشوری (Magiran) و (Noormags)، متون مقالات اینترنتی، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های منتشرشده در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند اسکوپوس، گوگل اسکولار، ساینس دایرکت و استناد به آیات، روایات و مبانی روان‌شناسی جمع‌آوری و بررسی شد. استراتژی جست‌وجو برای طراحی این پژوهش بر اساس دستورالعمل‌های موارد گزارش ترجیحی برای مقالات مروری بود. منابع استفاده‌شده در این پژوهش از منابع موجود در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۴ بود و از منابع دست اول نیز استفاده شده است.

برای مصونیت‌بخشی جوانان و نوجوانان از آسیب‌های فردی و اجتماعی و هدایت و راهنمایی آنان لازم است که خادم مسجد با جوانان و نوجوانان ارتباط مؤثر و مفید برقرار کند، یعنی در دل آنان

فزاینده از تلاش‌های علمی، به‌خوبی گویای اهمیت و ضرورت پرداختن به چالش‌های پیشروی مساجد در جذب و حفظ نسل جوان است. محققان و اندیشمندان، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف تحقیق، به بررسی عوامل مؤثر بر علاقه و انگیزه نوجوانان برای حضور در مساجد، شناسایی موانع و چالش‌های موجود، و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت ارتباط نوجوانان با مساجد و فریضه نماز پرداخته‌اند. این تحقیقات، نه‌تنها ابعاد مختلف این مسئله را روشن‌تر ساخته‌اند، بلکه زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اثربخش‌تری برای جذب و تربیت دینی نوجوانان در مساجد شده‌اند. از این‌رو توجه به آمار جدول (۱)، می‌تواند گامی مهم در راستای احیای نقش مساجد به عنوان کانون‌های اصلی تربیت و تعالی نسل جوان باشد.

جدول ۱: تعداد مطالعات انجام‌شده بر حسب دوره زمانی

تعداد مطالعات انجام‌شده در بازه زمانی ۵ سال	داخلی	خارجی
قبل از ۱۳۸۵ قبل از ۲۰۰۵	۳	
۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۲۰۰۶-۲۰۱۱	۲	۱
۱۳۹۰-۱۳۹۵ ۲۰۱۱-۲۰۱۶	۴	
۱۳۹۵-۱۴۰۰ ۲۰۱۶-۲۰۲۱	۶	۱
۱۴۰۰-۱۴۰۴ ۲۰۲۱-۲۰۲۴	۵	

یافته‌های موجود نشان می‌دهد که موضوع جذب نوجوانان به مساجد، در سال‌های اخیر مورد توجه از سوی اندیشمندان و محققان داخلی قرار گرفته است. این در حالی است که همان‌طور که انتظار می‌رود، به دلیل ماهیت فرهنگی و مذهبی خاص این موضوع، تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای در این زمینه در خارج از کشورهای اسلامی صورت نگرفته است. این امر، ضرورت انجام پژوهش‌های بومی و متناسب با شرایط و ویژگی‌های جوامع اسلامی را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. خادم و خادمه مسجد باید مطمئن‌ترین

جایی برای خود باز و محبت آنان را جذب کند. بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی، جوانان و نوجوانان نمی‌توانند به رشد و شکوفایی مطلوب شخصیت برسند (حیدری، ۱۳۹۷). خادم مسجد به‌عنوان یک شخصیت محوری، با رفتار و عمل خود می‌تواند به‌عنوان الگوی نیکویی برای نوجوانان عمل کند. مشاوره و همراهی از سوی خادم مسجد می‌تواند نقش مهمی در جذب نوجوانان به نماز و فعالیت‌های دینی داشته باشد. این رابطه حمایتی و معنوی می‌تواند نوجوانان را در عبور از چالش‌ها و مشکلات زندگی یاری دهد و آنها را به سمت پابندی به آموزه‌های دینی ترغیب کند. با توجه به اهمیت و جایگاه والای مسجد، انتخاب کلیددار و خادم باید با دقت نظر ویژه‌ای صورت گیرد. فردی که به این مقام برگزیده می‌شود، لازم است واجد صفات و ویژگی‌های برجسته‌ای باشد تا شایستگی خدمت در این مکان مقدس را داشته باشد.

مهم‌ترین ویژگی که یک خادم خوب مسجد باید دارا باشد، نحوه تعامل او با کودکان و نوجوانان است؛ زیرا نحوه رفتار ما در جذب کودکان و برای رسیدن نوجوانان به مسجد بسیار مهم خواهد بود. مانند دارای چهره‌ای بشاش، خندان و معطر باشد، با زبانی نرم، شیوا و شیرین سخن بگوید، به حرف‌های نوجوان خوب گوش بدهد، با کرامت نفس با نوجوان تعامل کند، احترام و ادب به نوجوان را همچون بزرگان ابراز نماید و... همچنین دافعه‌های رفتاری خادم مسجد نیز در دفع نوجوانان از مسجد بسیار اهمیت دارد که یک خادم نماز باید از آنها دوری کند، مانند دارای چهره‌ای عبوس، اخمو و ابروی درهم کشیده باشد، زبانی تندوتیز و بد داشته باشد، بی‌توجهی و بی‌احترامی به نوجوان و عدم شنیدن صحبت‌های آنان که مهم‌ترین عوامل دوری نوجوانان نسبت به مساجد می‌شود (نعیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰). همان‌طور که ابن ابی‌یعفور از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِمَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۸)؛ با غیر زبان خویش مردم را (به کیش و مذهب خود) دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت کننده باشند.

در سال‌های اخیر، با افزایش نگرانی‌ها پیرامون کاهش حضور و مشارکت نوجوانان در مساجد، شاهد رشد چشمگیری در تعداد تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع بوده‌ایم. این حجم

جدول ۲: عوامل جذب نوجوان به مسجد

ردیف	عوامل	فاکتورهای مؤثر	توضیحات
۱	فردی	خصوصیات فردی	آگاهی، نوع نگرش افراد به فلسفه نماز و نقاط ضعف اخلاقی فرد نمازگزار
۲		تجربه حس آرامش و امنیت	مسجد به عنوان مکانی امن و آرام می تواند به نوجوانان کمک کند تا از فشارهای روانی و استرس های روزمره دور شوند و احساس آرامش و آسایش کنند.
۳		کنجکاوی و جستجوی حقیقت	نوجوانان در این دوره سنی به دنبال یافتن پاسخ برای سوالات خود هستند و مسجد می تواند فضایی برای تبادل نظر، پرسش و پاسخ و یافتن حقیقت باشد.
۴	گروهی	گروه همسالان	وضعیت اعتقادی دوستان و همسالان نیز در ترغیب دانش آموزان به نماز نقش عمده ای دارد.
۵		خانواده	گاهی به دلیل کم کاری خانواده ها و اهمیت ندادن آنها به بحث نماز، غفلت از نماز به وجود می آید و شامل تمامی خانواده ها فراغ از وضعیت اقتصادی و منطقه ای می گردد. یا در بعضی موارد به علت دخالت و سخت گیری های زیاد آنها باعث دلزدگی نوجوان به نماز می شوند.
۶		تعامل با مدرسه	همکاری با مدارس برای برگزاری برنامه های مشترک، دعوت از دانش آموزان برای بازدید از مسجد، و ایجاد پل ارتباطی بین مسجد و جامعه آموزشی
۷		استفاده از فناوری های نوین	استفاده از ابزارهای دیجیتال، شبکه های اجتماعی، و اپلیکیشن های مذهبی برای ارتباط با نوجوانان و ارائه محتوای جذاب و آموزنده.

فرد در مسجد باشد که اولیا برای فرستادن کودکانشان به مسجد هیچ خطری را احساس نکنند، و همچنین او باید تحصیل کرده و اهل دانایی باشد تا در کنار تزکیه فرزندان به تعلیم هم بپردازد. یکی از نشانه های ایمان، نظافت و ظاهر آراسته است. اگر می خواهیم نوجوانان و جوانان ما با خداوند انس بگیرند، یکی از عوامل جذب به مسجد آراستگی ظاهری متولیان امور مسجد است. بنابراین، نمازگزاران و اهل مسجد، به خصوص افرادی همچون خادمان مساجد که جزئی از اعضا و تشکیلات مسجد به شمار می روند و بیشتر توجه مسجیدیان و جوانان را به خود جلب می کنند، باید در نظافت و آراستگی، در حرکات و رفتار و گفتار و در رعایت آداب و احکام مسجد، به معصومان علیهم السلام اقتدا کنند تا بدین مقصود نائل آییم. برای مثال پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: محبوب ترین جامه های شما در نزد خدا جامه سپید است، در آن نماز گزارید (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۶). پوشیدن لباس سفید در هنگام نماز نه تنها نمادی از پاکی و طهارت است، بلکه باعث ایجاد حس آرامش و تمرکز در دل نمازگزاران می شود. رنگ سفید با تجلی نور و روشنی همراه است و به فرد این احساس را می دهد که به فضایی معنوی و خالص وارد شده است. این انتخاب رنگ می تواند الگوی خوبی برای نوجوانان باشد و آنها را به رعایت امور روحانی و معنوی تشویق کند. به همین دلیل، خادم نماز با استفاده از لباس سفید می تواند به ترویج این پیام معنوی کمک کند و نوجوانان را به دنبال کردن الگوهای مثبت فراخواند (شریفی و جوکار، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰).

اگر امام جماعت با راهبردهای یاری بخش رفتار ارتباطی با جوان و نوجوان آشنایی کافی داشته باشد، قطعاً می تواند با ارائه رفتار ارتباطی سازنده و مؤثر، جوانان را به نحو شایسته ای جذب نماید و به این طریق پویایی و بالندگی مسجد را به ارمغان آورد (حیدری، ۱۳۹۷). این در حالی است که بر اساس مشاهدات عینی، گزارش های والدین، مسئولان مدارس و تحقیقات علمی علاقه و انگیزه نوجوانان و جوانان نسبت به نماز کم رنگ شده است (زوبدوی و همکاران، ۱۴۰۲). امروز چالش های زیادی برای جذب نوجوانان به نماز وجود دارد که منجر به کاهش ارتباط آنان با فعالیت های دینی می شود که در جدول (۲) مهم ترین چالش ها و عوامل بازدارنده نوجوان جهت حضور آنان در مساجد و شرکت در نماز ذکر شده است.

جدول ۳: موانع جذب نوجوان به مسجد

ردیف	عوامل	فاکتورهای مؤثر	توضیحات
۱	درونی	مشغولیت‌های روزمره	فشار درسی و فعالیت‌های زیاد باعث کمبود وقت می‌شود
۲		عدم درک فلسفه عبادات	نوجوانان ممکن است فلسفه و حکمت عبادات را به درستی درک نکنند و این باعث شود که انگیزه کافی برای حضور در مسجد نداشته باشند.
۳		احساس عدم پذیرش و درک شدن	اگر نوجوانان احساس کنند که در مسجد مورد پذیرش و درک قرار نمی‌گیرند و به نظرات و دغدغه‌های آنها توجه نمی‌شود، ممکن است از حضور در آنجا خودداری کنند.
۴	بیرونی	شیطان	شیطان همیشه در کمین انسان است و می‌خواهد انسان را از یاد خدا غافل کند؛ اما در مواقعی که انسان رابطه‌اش با خدا نزدیک‌تر می‌شود و می‌خواهد به عبادت بپردازد، شیطان بیشتر فعالیت می‌کند و در دل افراد وسوسه ایجاد می‌کند تا به هر نحوی شده آنها را منحرف کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۴۵).
۵		مصرف‌گرایی	مصرف‌گرایی و مدپرستی که توسط تجارت آزاد و جهانی شدن غربی افزایش یافته، تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی و نیز بهسازی فرهنگ نماز را عمیقاً تضعیف کرده است.
۶		فضای مجازی	ترویج مدگرایی، افزایش سطحی‌نگری، غرق شدن نوجوان در جذابیت‌ها فرعی، جنگ نرم
۷		فضای فیزیکی نامناسب	اگر مسجد کوچک باشد یا قادر به پذیرش تعداد کافی از نمازگزاران نباشد و از نظر بهداشتی کثیف باشد، عدم وجود تجهیزات زیبا و پاکیزه باعث می‌شود که نوجوانان احساس کنند که نمی‌توانند به راحتی و با آرامش در آنجا حضور داشته باشند.
۸		محیط‌های آموزشی	اجبار و الزام جهت شرکت در برنامه‌های مذهبی مساجد به‌ویژه نماز جماعت و جمعه بدون داشتن انگیزه لازم.

بدون تردید توجه به علل اقبال یا ادبار نوجوانان و جوانان به مساجد و بررسی تحلیلی آنها می‌تواند، چشم‌انداز روشنی از تغییرات را در گستره فرهنگ دینی جامعه در آینده به دست دهد. با توجه به جدول (۳)، با اینکه عواملی چون نگرش، مشوق‌های درونی و تجربه‌های فردی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در جذب نوجوانان به فعالیت‌های مذهبی و نماز دارند، اما نمی‌توان از اهمیت عوامل بیرونی غافل شد. بدون شک جو تربیتی خانواده، در مذهبی و یا غیرمذهبی شدن فرزندان، بسیار مؤثر است. خانواده‌هایی که مقید به انجام احکام و فرائض دینی هستند، از همان ابتدا فرزندان خود را با تکالیف دینی آشنا نموده و شرایع دین را به آنان گوشزد می‌نمایند، در نتیجه چنین فرزندانی در هنگام جوانی مشکلی حاد پیدا نمی‌کنند، ولی خانواده‌هایی که اصولاً پایبند به احکام دینی نبوده و احساس مسئولیتی در قبال پرورش معنوی فرزندان خود نداشته باشند، ضریب آسیب‌پذیری و شکست در انجام امور مذهبی را در آنان افزایش می‌دهند (موظف رستمی، ۱۳۹۱).

همسالان نیز در ترغیب دانش‌آموزان به نماز نقش عمده‌ای دارند. با توجه به سن دانش‌آموزان و تأثیرپذیری خیلی زیاد از همسالان، اولیای دانش‌آموزان و مدرسه باید مواظب باشند که این ارتباطات علاوه بر بعد ظاهری، بعد اعتقادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین باید سعی کنند با خانواده‌ها و افراد متدین ارتباط و رفت‌وآمد داشته باشند؛ چراکه خانواده‌های فرزندان متدین و نمازخوانی دارند که می‌توانند بر افکار و اعمال کودک آنان اثر مثبت و سازنده بگذارند (زویداوی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین در رسانه‌ها به محتوای دینی و معنوی بهایی داده نشده و بر ظواهر دین، تأکید می‌شود. در نتیجه به ابعاد درونی دین که به ترویج فرهنگ نماز می‌پرداخت اشاره نشده و به سطوح و ظواهر دین بسنده می‌کنند و به دنبال آن موجب رواج خرافات در فرهنگ نماز شده و سبب می‌شود که آن ملت در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان به‌زودی از پا درآید و گرفتار از خودبیگانگی فرهنگی شود؛ زیرا نمی‌تواند به ارزش آنچه خود در اختیار دارد پی ببرد (موظف رستمی، ۱۳۹۱).

علاوه بر عوامل مؤثر اجتماعی و خانوادگی که بر تمایل نوجوانان به حضور در مساجد تأثیر می‌گذارند، ویژگی‌های ظاهری و محیطی مساجد نیز نقش مهمی در عدم جذب آنها ایفا می‌کند. عدم رعایت دقیق موارد بهداشتی و نظافت سیستم‌های بهداشتی

معنوی و دینی خود پیشرفت کنند. همچنین معلمان و والدین می‌توانند با ادای نماز به موقع و با اخلاق، به عنوان الگویی مثبت برای دانش‌آموزان خود عمل کنند و آنها را به تقلید از این رفتار تشویق کنند (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۵۵).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش حیاتی و اغلب مغفول‌مانده خادم مسجد در جذب نوجوانان به نماز، قدمی در راستای درک علل دوری نسل جوان از این خانه معنویت برداشت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با تمرکز و کار بر روی عوامل بیرونی مؤثر بر جذب نوجوانان به مساجد، می‌توان تا حدودی با این مسئله مقابله کرد و در جهت بهبود وضعیت موجود گام برداشت. خادم مسجد، فراتر از یک مسئول نظافت و حفظ ظاهر، می‌تواند با ایجاد فضایی صمیمی و جذاب، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به نگرش نوجوانان نسبت به مسجد و نماز ایفا کند. این فضا با رفتارهای ساده‌ای چون لبخند زدن، خوشامدگویی گرم به نوجوانان، پرسیدن از احوال آنها و ایجاد فرصت برای گفت‌وگوی صمیمانه پیرامون علایق و دغدغه‌هایشان قوام می‌یابد و نوجوانان را به مشارکت فعالانه در فعالیت‌های مسجد ترغیب می‌کند (حسین‌پور، ۱۴۰۰).

برنامه‌های حمایتی و تشویقی، به‌ویژه برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوعات جذاب و متناسب با نیازهای نوجوانان، از جمله آموزش مفاهیم نماز به زبانی ساده و قابل فهم، ارتباط نماز با زندگی روزمره، و پاسخ به سؤالات و شبهات آنها در فضایی دوستانه، نقش بسزایی در جذب و حفظ نوجوانان در مسیر معنویت دارند. این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مشارکت فعال نوجوانان را تسهیل کنند، برای نمونه، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی با موضوع نماز، ایجاد گروه‌های بحث و تبادل نظر، و دعوت از چهره‌های محبوب نوجوانان برای سخنرانی در مسجد (موظف رستمی، ۱۳۹۱). ارتباط مستقیم و مؤثر خادمان با نوجوانان، ارائه آموزش‌های دینی و معنوی متناسب با سطح درک و نیازهای آنها (از جمله آموزش اخلاق اسلامی، مهارت‌های زندگی، و پاسخ به سؤالات و شبهات دینی) و ایجاد حس اعتماد و نزدیکی، از دیگر عوامل کلیدی در جذب و ترغیب نوجوانان به نماز محسوب می‌شوند. خادمان می‌توانند با گوش دادن فعال به صحبت‌های نوجوانان، احترام گذاشتن به نظرات

مسجد، وضوخانه‌ها، آبدارخانه‌ها، سرویس آشپزخانه و نداشتن کفش‌داری مناسب، نزدیک بودن دستشویی‌ها به شبستان‌های مسجد و ایجاد بوی نامطبوع، استفاده از مسجد فقط برای رفتن به دستشویی، بدبو بودن فرش‌های مسجد به دلیل عرق پای بعضی از نمازگزاران که سبب ایجاد مشکل تنفسی هنگام سجود می‌شود و... از جمله موانع، در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد محسوب می‌گردد. همچنین از معماری و هنر اصیل اسلامی و بومی در ساخت‌وساز مساجد، بسیار کم استفاده می‌شود و رنگ‌های شاد و ایرانی کمتر در نمای مساجد دیده می‌شود. به این ترتیب، توجه به زیباسازی و ارتقاء شرایط فیزیکی مساجد می‌تواند به افزایش انگیزه و رغبت جوانان برای شرکت در فعالیت‌های مذهبی کمک کند و آنها را به سمت مسجد جذب کند. حال با توجه به موارد فوق، چه راهکارهایی می‌توانند به خادمان مساجد کمک کنند تا نوجوانان را به حضور و مشارکت فعال در فعالیت‌های مذهبی جذب کنند؟

روح جوان‌ظرفی پر از چراها است که نوجوان خواستار آن است که بر اساس تفکر و برهان عقلی و دلایل منطقی، مطالب و مسائل مذهبی را بررسی و قبول نماید؛ زیرا مسائل مذهبی غالباً در این دوره، ارزش واقعی پیدا می‌کنند و در نظام‌های زندگی ادغام می‌شوند و برای ما ایجاب می‌کند که برای این چراها پاسخ مناسبی بیابیم و در اختیار جوانان بگذاریم. ارتباط مستقیم خادم مسجد با نوجوانان یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر افزایش علاقه آنها به نماز و فعالیت‌های دینی است. این ارتباط می‌تواند به عنوان پلی برای انتقال اصول و ارزش‌های دینی به نوجوانان و تشویق آنها به شرکت فعال‌تر در عبادات مذهبی عمل کند. این ارتباط مستقیم با نوجوانان می‌تواند به وسیله توجیهات، انگیزه‌ها، و راهنمایی‌هایی که ارائه می‌شود، به تقویت ارتباط آنها با دین و عبادات مذهبی کمک کند و نقش بسیار مهمی در تربیت دینی و اخلاقی آنها داشته باشد (موظف رستمی، ۱۳۹۱).

یکی از مؤثرترین روش‌های ترویج یک ارزش، ارائه الگوهایی مطلوب و دلپسند است که نزد افراد جامعه مقبولیت داشته باشند (رحمت‌آبادی، ۱۳۹۳). الگوسازی خادم مسجد و نمایاندن عملکرد مثبت او می‌تواند به طرز چشمگیری بر افزایش علاقه نوجوانان به نماز تأثیر بگذارد. با ایجاد یک فضای حمایتی و مثبت، نوجوانان می‌توانند از خادم به عنوان یک الگو الهام بگیرند و در مسیر رشد

و با ایجاد محتوای آموزشی و الهام بخش در قالب ویدئو، تصاویر و استوری های جذاب، توجه نوجوانان را جلب کنند. برگزاری وبینارها و جلسات آنلاین با موضوعات مرتبط با زندگی روزمره و چالش های آنان نیز فرصت خوبی برای گفت و گو و تعامل فراهم می آورد. همچنین برگزاری کارگاه های تقویت سواد رسانه ای و تحلیل اخبار درست از نادرست می تواند در این زمینه مفید واقع شود. تسهیل در ایجاد وبسایت و ایمیل، برای دانش آموزان فعال و ساعی در برگزاری نماز جماعت، توسط مساجد می تواند یکی دیگر از راهکارها باشد. با برگزاری کلاس های آموزشی ساخت پوستر، موشن گرافی، کلیپ، هوش مصنوعی و... نه تنها باعث جذب می شود، بلکه می توان از این طریق روش های صحیح استفاده از آنها را آموزش داد و در نهایت از خروجی های این کلاس ها برای تبلیغ فعالیت های مسجد استفاده نمود و دانش آموزان را بیش از پیش با برنامه های مسجد درگیر کرد. باید توجه داشت هدف از انجام این کار، افزایش زمینه حضور دانش آموزان به عناوین مختلف در فعالیت های مساجد است. همچنین با استفاده از شبکه های اجتماعی برای برگزاری مسابقات و چالش های فرهنگی، می توان فضایی رقابتی و جذاب ایجاد کرد که نوجوانان را به سمت مسجد جذب کند و بستر مناسبی برای تبادل نظر میان آنان و خادمان مساجد فراهم آورد.

داشتن مهارت انجام کار تشکیلاتی یکی از واجبات کار فرهنگی هست، بنابراین مطلوب خواهد بود اگر که خادمان مسجد طی یک برنامه ریزی مفید در جهت برگزاری کلاس های آموزشی این حیطه و جذب نفرت برتر و انتخاب آنها برای برگزاری برنامه های فرهنگی متنوع در داخل مسجد اهتمام ورزند. این کار نه تنها باعث به کارگیری توانایی ها و خلاقیت های دانش آموزان می شود، بلکه باعث تشویق و درگیری هرچه بیشتر آنها با مسجد خواهد بود. همچنین تجربه عینی داشتن مسئولیت و برگزاری مراسمات، می تواند اثر مطلوبی بر دانش آموز داشته باشد.

یکی از اصول مهم در فرهنگ سازی مهارت ها و مفاهیم تکرار و تمرین است. عملی که در شرایط و زمان های مختلف تکرار شود، در ذهن باقی می ماند و امکان خطا و اشتباه در آن کم است (رحمت آبادی، ۱۳۹۳). خادم نماز باید به طور مداوم یاد خدا و اهمیت برپایی نماز را در دل و ذهن برجسته نماید. برگزاری برنامه های آموزشی و تربیتی مرتبط با ادای نماز و ارزش های دینی می تواند به

آنها، همدلی با مشکلاتشان و ارائه راهنمایی های دلسوزانه، نقش یک راهنما و دوست مورد اعتماد را ایفا کنند. برگزاری دوره های آموزشی برای خادمان با موضوع روان شناسی نوجوان و روش های مشاوره، می تواند به آنها در برقراری ارتباط مؤثر با نوجوانان و پاسخ گویی به نیازهای روحی و روانی آنها کمک شایانی کند (زوبیادوی و همکاران، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، نقش خانواده و گروه همسالان در تربیت دینی نوجوانان غیرقابل انکار است (قربانی و جمعه نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰). از این رو ضروری است که برنامه هایی با هدف جلب مشارکت والدین (از طریق برگزاری جلسات آموزشی، دعوت از آنها برای شرکت در فعالیت های مسجد و ارائه مشاوره) (خلیلی، ۱۳۸۴) و تشویق همسالان (از طریق ایجاد گروه های دوستی در مسجد، برگزاری برنامه های تفریحی و ورزشی مشترک و ایجاد فضایی برای تعاملات مثبت) طراحی و اجرا شود. همکاری با مدارس و سازمان های مردم نهاد برای اجرای برنامه های مشترک باهدف ترویج نماز در بین نوجوانان و ایجاد فضایی حمایتی برای این نسل، می تواند به افزایش اثربخشی تلاش ها و ایجاد یک شبکه حمایتی منسجم کمک کند.

در نهایت، این پژوهش بار دیگر تأکید می کند که خادم مسجد، به عنوان یک رکن اساسی و حیاتی، نباید از نظر دور داشته شود. سرمایه گذاری در آموزش، توانمندسازی و ایجاد انگیزه برای خادمان، و نیز ایجاد بسترهای مناسب برای تعامل سازنده و صمیمانه ایشان با نوجوانان، می تواند مساجد را به پایگاه هایی فعال، جذاب و الهام بخش برای نسل جوان تبدیل کند (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۵۸). با توجه به این رکن و با اتخاذ رویکردهای جامع و مشارکتی، می توانیم شاهد افزایش علاقه و گرایش نوجوانان به نماز، معنویت و حضور فعالانه در مساجد باشیم و نسلی متعهد و مسئولیت پذیر را برای آینده جامعه تربیت کنیم.

پیشنهادهای

با گسترش رسانه ها و تکنولوژی های دیجیتال، به ویژه شبکه های اجتماعی و بازی های ویدئویی، خادمان نماز، در تلاش برای جذب توجه نوجوانان و جوانان به دین با مشکل مواجه اند (موظف رستمی، ۱۳۹۱) و نیازمند رویکردهای نوین و مؤثرند. با اینکه دنیای مجازی مملو از شایعات و اطلاعات نادرست است، خادمان مساجد باید توانمندی های لازم را برای استفاده مثبت از این فضا به دست آورند

تاریخی و اعتقادی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار باشند و نصب آنها در مکان‌های مناسب، جهت تبلیغ بصری حائز اهمیت خواهد بود. برای ایجاد یک فضای مناسب برای اقامه نماز، لازم است امکانات اساسی نظیر جای فرش، وضوخانه و مکانی برای قرار دادن جلد قرآن فراهم گردد. همچنین، تأمین تجهیزات مذهبی مورد نیاز از قبیل ساعت مذهبی و قرآن، اهمیت ویژه‌ای دارد تا افراد با آرامش و تمرکز به عبادت بپردازند، اما باید توجه داشت که وضعیت سیستم بهداشتی و نامناسب بودن سرویس‌های دستشویی و وضوخانه‌ها می‌تواند مانعی برای حضور مؤمنان در مراسم نماز باشد؛ از این رو بهبود این شرایط به همراه تأمین امکانات و تجهیزات، نقش ویژه‌ای در تشویق بیشتر افراد به شرکت در نماز خواهد داشت (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۶۱). به صورت کلی، ایجاد فضای جذاب و دلخواه در مسجد می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی در افزایش علاقه نوجوانان به نماز و ارتباطات دینی داشته باشد. با فراهم کردن شرایط و امکانات مناسب، خادم می‌تواند نوجوانان را به مسجد جذب کرده و زمینه‌های رشد معنوی آنان را فراهم کند. این فضا می‌تواند به تقویت حس تعلق، همکاری و ارتباطات اجتماعی در بین نوجوانان کمک کند و آنان را به سمت نماز و عبادت سوق دهد.

تقویت فضای مذهبی و ایجاد تفاهم بیشتر در مدرسه کمک کند (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۶۰). نواختن «زنگ نماز» و یا زنگ محراب، باعث یادآوری و ایجاد تلنگر معنوی در افکار و اذهان دانش‌آموزان می‌شود. بعضاً مشاهده می‌شود در بعضی از مدارس، مدیران و کارکنان مدرسه در نماز جماعت شرکت می‌نمایند و در برخی مواقع، تنها کسی که از مسئولان مدرسه در نماز جماعت شرکت می‌کند، معلم پرورشی یا تربیتی است که این امر می‌تواند، نتایج نامطلوبی داشته باشد (موظف رستمی، ۱۳۹۱).

تشویق دانش‌آموزان به نماز از طریق ارائه پاداش‌های مثبت و تقدیر از این عمل می‌تواند انگیزه آنها را برای ادای نماز افزایش دهد. برای مثال اهدای جوایز به دانش‌آموزانی که به صورت منظم و مرتب در نماز جماعت شرکت می‌کنند، می‌تواند تشویق‌کننده باشد (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۶۰). ضمن اینکه خوش‌اخلاقی کلید دعوت افراد به مسجد هست. بنابراین انتظار می‌رود خادم مسجد با خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی پذیرای دانش‌آموزان باشد. از طرفی شناخت ویژگی‌های نسل زد و آلفا خود می‌تواند از بسیاری از اختلافات جلوگیری کند و خادم مسجد با شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند رابطه‌ای دوسویه و مطلوب تری را برقرار کند.

به منظور افزایش انگیزه و تعهد آنها، می‌توان جوایزی در نظر گرفت یا سفرهای زیارتی و فرهنگی را برایشان برنامه‌ریزی کرد. تشکیل گروه‌های گردشگری و سفرهای زیارتی دانش‌آموزی، با هدف بازدید از اماکن تاریخی و مذهبی ضروری است. در این سفرها، بازدید از مساجد تاریخی و مساجدی که به نحوی دارای امتیاز ویژه در فعالیت‌ها هستند، مورد توجه قرار گیرند (موظف رستمی، ۱۳۹۱). این اقدامات نه تنها باعث ارتقاء فرهنگ نماز و رابطه نزدیک‌تر دانش‌آموزان با معارف دینی می‌شود، بلکه به آنها حس مسئولیت و مشارکت در امور مذهبی را می‌آموزد.

تجهیز کتابخانه‌های مساجد به کتب کمک‌درسی، آموزشی، جزوات کنکور و نشریات آموزشگاه‌های علمی آزاد و کتب روز، با توجه به اینکه غالب خانواده‌های دانش‌آموزان از فقر نسبی برخوردارند و توان خرید جزوات و کتب کمک‌درسی و... را ندارند، تهیه این کتب از کتابخانه مساجد می‌تواند در جذب آنان به مسجد مؤثر باشد. استفاده از تابلوهای زیبا و حاوی عکس، طرح و تصویری از مساجد مشهور جهان اسلام که از حیث مذهبی،

ملکان، مهدیه و همکاران (۱۴۰۲). بررسی نقش مساجد در تربیت اسلامی دانش آموزان. هفتمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی. تهران.

موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۹۱). روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت. تهران: ستاد اقامه نماز.

نعیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). بررسی جاذبه رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ کودکان و نوجوانان. فروغ مسجد، ۶۹ (۲۷)، ۲۰۱-۲۳۸.

نعیمی تاجدار، سیدسعید (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی گرایش جوانان به نماز جماعت و ارائه راهکار. تهران: کنگره پیشگامان پیشرفت.

Partige, S (1997). *Character Education, Moral Education, Standards. A Discussion*. USA: North Carolina.

Romanowski, M. H (2008). Is School Prayer the Answer? *Educational Forum*, 11(8), 587-515.

منابع

قرآن کریم.

ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۷۴). *طبقات الکبری*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ اندیشه.

اکبری، سیده‌زلیخا (۱۴۰۲). چگونگی ترغیب دانش آموزان به نماز. *پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۵۹ (۵)، ۳۶۲-۳۴۹.

آل یاسین، سیدعلی (۱۳۸۲). نقش مذهب در حفظ سلامت روان. *پیوند*. ۱۵۵ (۷)، ۴۵-۳۸.

بگلو، بهروز (۱۳۷۲). بررسی علل و عوامل درون مدرسه‌ای بر جذب دانش آموزان به نماز (طرح پژوهشی). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. بیروت: دارالفکر.

حسینی، روح‌الله (۱۳۷۴). بررسی راه‌های جذب دانش آموزان به نماز. (طرح پژوهشی). کرمانشاه: شورای تحقیقات آموزش و پرورش.

حسین پور، علی اصغر (۱۴۰۰). عوامل موثر در تقویت گرایش به اقامه نماز در ادارات دولتی از منظر آموزه‌های قرآنی (مطالعه موردی: آموزش و پرورش زابل). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. آمل: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

حیدری، موسی‌الرضا (۱۳۹۷). نقش امام جماعت در جذب جوانان و نوجوانان برای پویایی و بالتدگی مسجد. همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران. آذربایجان شرقی.

خاکی، غلامرضا (۱۳۹۷). بررسی روش تحقیق در پایان‌نامه‌نویسی. تهران: فوژان.

خلیلی، مصطفی (۱۳۸۴). نقش نماز در شخصیت جوانان قم. چ دوم. قم: امیر.

رحمت‌آبادی، اعظم (۱۳۹۳). فرهنگ‌سازی اقامه نماز در سیره پیامبر اکرم ﷺ. معرفت، ۱۹۶ (۲۳)، ۳۷-۲۳.

زویداوی، جمیله و همکاران (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ نماز در بین نوجوانان و جوانان. *پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۵۹ (۵)، ۶۷۹-۶۹۲.

شریفی، علی، جوکار، مجید (۱۳۸۹). رنگ سفید از منظر قرآن و روانشناسی. *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، ۲ (۷)، ۹۱-۱۰۸.

طریقتی، مصطفی (۱۳۹۹). بررسی مهم‌ترین شیوه‌های دعوت دانش آموزان به نماز از دیدگاه دانش آموزان دوره دوم ابتدای. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۲۲ (۳)، ۷۵-۸۴.

فضل‌الهی، سیف‌الله و ملکی توانا، منصوره (۱۳۹۲). واکاوی عوامل جذب دانش آموزان به نماز جماعت مدارس. معرفت، ۱۹۴ (۲۲)، ۴۵-۵۸.

قربانی، علیرضا و جمعه‌نیا، سکینه (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش آموزان استان گلستان.

جامعه‌شناسی کاربردی، ۷۰ (۲۹)، ۱۱۳-۱۲۸.

گندمکار، علی‌اکبر (۱۳۹۹). خادم نمونه. قم: دفتر مطالعات پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی. در: <https://masjedpajoh.ir>

In the name of Allah

MARIFAT

Scientific monthly in the field of humanities

Vol. 35, N. 2, Special of Sociology, Summer 2026

A Publication by Imam Khomeini Educational and Research Institute

Editor in Chief: Seyed Ahmad Rahnamaei

Editor: Abolfazl Sajedi

Director of the Department of Sociology: Mohammad Fooladi

Coordinator: Ruhollah Farisabadi

Print Supervisor: Hamid Khani

Print: Zamzam

Editorial Board: (In alphabetical order of the group name)

Hoj. Dr. Sayyid Akbar Hosseini (Religious) - the IKI - Associate

Dr. Mohsen Khandan "Alviri" (History) - Baqerul Uloom University - Professor

Ayatollah Professor Mahmoud Rajabi (Quranic Interpretation and Sciences) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Muhammad Fooladi (Sociology) - the IKI - Associate

Dr. AbbasAli Kadkhodaei (Law) - University of Tehran - Professor

Dr. Mohammad Karim Khodapanahi (Psychology) - Shahid Beheshti University - Professor

Hoj. Dr. Alireza Kermani (Erfan) - the IKI - Associate

Hoj. Dr. Abbas Ali Shamili (Educational Sciences) - Al-Mustafa International University - Associate

Dr. Mohammad Fanaei Askevari (Philosophy) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Abolfazl Sajedi (Theology) - the IKI - Professor

Articles in this publication are available in sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir.

Address: Qom - Amin Boulevard, Islamic Republic Boulevard - IKI, Fourth Floor - No. 33.

S. C: 186-37165 / **Phone:** (Editorial) 32113468 - (Subscribers) 32113482 - Fax: 32934483 (025).

Email: marifat@qabas.net

Internet: www.nashriyat.ir

Website: nashriyat.ir/SendArticle

Marifat (Online): 2980-8383